

اِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّوْنَ عَلٰى النَّبِیِّ یٰ اَهْلَ الدِّیْنِ  
 اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَیْهِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِیْمًا ه  
 الْحَمْدُ لِلّٰهِ الْمَلِیْكِ الْمَسْتَبِطِ بِجَمَاعِ الْبَرَکَاتِ مَعْدِنِ  
 الصَّلَوَاتِ بِسَمْعِ عَبْدِ اَبِی الْخَیْرِ مَعَ مَرْعِیِّ الْحَسَنَاتِ  
 طَالِبِ الْمَصَالِحِ الْاَلْبَرِّ اِی فَوَائِدِ مُسْلِمِیْنَ بِتَوْقِعِ  
 اِسْرَاطِیْرِ رُؤُوسِ الْفَاسِقِیْنَ بِرِخْصِیِّ طَبِیْعِ بَرِّ خَیْرِ  
 وَاهْتِمْ بِمَرْحُومِ اَبِی اَبْنِ مُحَمَّدِ حَبِیْبِ الشَّانِ طَبِیْعِ كَرِیْمِیْنَ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ اَوَّلًا وَآخِرًا  
 بِرِخْصِیِّ طَبِیْعِ بَرِّ خَیْرِ

مکتوبه کتبه در شهر تبریز در ماه ربیع الثانی سنه ۱۲۸۰































آنکه علی سلام و تهنیت کرده است در این حدیث  
در روی و غیر آن که آن تو را به بند در روی  
ملا علی قاری در شرح حدیث صلی علیه و آله و سلم  
در روی و غیر آن که آن تو را به بند در روی  
ملا علی قاری در شرح حدیث صلی علیه و آله و سلم

در روی و غیر آن که آن تو را به بند در روی  
ملا علی قاری در شرح حدیث صلی علیه و آله و سلم  
در روی و غیر آن که آن تو را به بند در روی  
ملا علی قاری در شرح حدیث صلی علیه و آله و سلم

در روی و غیر آن که آن تو را به بند در روی  
ملا علی قاری در شرح حدیث صلی علیه و آله و سلم  
در روی و غیر آن که آن تو را به بند در روی  
ملا علی قاری در شرح حدیث صلی علیه و آله و سلم

مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً مِنْ أُمَّتِي كَيْتَبَ لَهُ عَشْرَ

کس درود فرستد بکن درود فرستاده از امت من نوشته میشود برای او ده

حَسَنَاتٍ وَحَبِطَ عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَقَالَ

چگونه ده و در کرده میشود و از ده بدیها پاک میشود و گفت

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ الْإِذَانَ

درود فرستد خدا بر وی کسی که گفت سید که بشنود بانگ نماز

وَإِلْقَاءَ اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ

و اقامت بخواند ای پروردگار صاحب این دعوت که

النَّامَةِ وَالصَّلَاةَ الْقَائِمَةَ ابْنِ مُحَمَّدٍ الْوَسِيْلَةَ

کامل و حضرت بنامزد باقیست بده عهد را وسیله

وَالْفَضِيْلَةَ وَالذَّرَجَةَ الرَّفِيْعَةَ وَأَبْعَثَهُ

در بر که در درجه بلند و در اکیز او را

مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ حَلَّتْ لَهُ

در مقامیکه ستوده شود آن مقامی که وعده کرده تو او را فردا آید بر وی

شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

شفاعت من روز قیامت و گفت آنحضرت درود فرستد خدا بر وی

وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ فِي كِتَابٍ لَمْ تَزَلْ

در سلام کسی که در در کتابی بر من در آن همیشه باشند

و ملا علی قاری در شرح حدیث صلی علیه و آله و سلم  
در روی و غیر آن که آن تو را به بند در روی  
ملا علی قاری در شرح حدیث صلی علیه و آله و سلم  
در روی و غیر آن که آن تو را به بند در روی  
ملا علی قاری در شرح حدیث صلی علیه و آله و سلم

و ملا علی قاری در شرح حدیث صلی علیه و آله و سلم  
در روی و غیر آن که آن تو را به بند در روی  
ملا علی قاری در شرح حدیث صلی علیه و آله و سلم  
در روی و غیر آن که آن تو را به بند در روی  
ملا علی قاری در شرح حدیث صلی علیه و آله و سلم

و ملا علی قاری در شرح حدیث صلی علیه و آله و سلم  
در روی و غیر آن که آن تو را به بند در روی  
ملا علی قاری در شرح حدیث صلی علیه و آله و سلم  
در روی و غیر آن که آن تو را به بند در روی  
ملا علی قاری در شرح حدیث صلی علیه و آله و سلم

و ملا علی قاری در شرح حدیث صلی علیه و آله و سلم  
در روی و غیر آن که آن تو را به بند در روی  
ملا علی قاری در شرح حدیث صلی علیه و آله و سلم  
در روی و غیر آن که آن تو را به بند در روی  
ملا علی قاری در شرح حدیث صلی علیه و آله و سلم

و ملا علی قاری در شرح حدیث صلی علیه و آله و سلم  
در روی و غیر آن که آن تو را به بند در روی  
ملا علی قاری در شرح حدیث صلی علیه و آله و سلم  
در روی و غیر آن که آن تو را به بند در روی  
ملا علی قاری در شرح حدیث صلی علیه و آله و سلم





خطبه نمازین سنه فاطمه  
در وقت انقلاب فخر الاسلام علی ما تیره  
نویسند و آنکه در این سنه فاطمه نامیده شود و در این سنه فاطمه  
و نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه  
نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه  
نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه

عُفِرَتْ لَهُ خَطِيئَةٌ ثَمَانِينَ سَنَةً وَعَنْ أَبِي

بُشَيْرٍ مَنُودٍ مَرَادًا كَدِ هَسْتَادٍ سَالِدٍ دَرْدَايَتِ كَدَهْ مَنُودَتِ

هُرَيْرَةُ مَرْضَى اللَّهِ عَنْهُ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى

إِلَيْهِ بِرُوحِهِ رَضِيَ بَادِ حَسَا اَزْدِ بَدَسَجَ كَهْ بِيْتَرُنْدَا دَرْدَا مَنُودَتِ

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِلْمُصَلِّ عَلَى نَوْمٍ

ضَا بَرْدِي (سَلَام) كَفَتْ مَر كُوْنِيْهْدَهْ دَرْدَا بَرِيْنِ نُوْرِيْ بَا شَدِ

عَلَى الصِّرَاطِ وَمَنْ كَانَ عَلَى الصِّرَاطِ مِنْ

بِر صِرَاطِ يَهْ دَكِيْكَ بَا شَدِ بَر صِرَاطِ اَزْ

أَهْلِ النَّوْمِ لَمْ يَكُنْ مِنْ أَهْلِ النَّارِ وَقَالَ

أَهْلِ نُوْرٍ كَمَا بَا شَدِ اَنْ كَسِ اَزْ اَهْلِ دَرْدَا خِ دَكْفَتِ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَبَى الصَّلَاةَ

دَرْدَا فَرَسْتَهْ ضَا بَرْدِي دَسَلَامِ كَبِيْكَ فَرَا مَوْشِ كَنِيْهْدَهْ دَرْدَا دَرْدَا

عَلَى فَقَدْ أَخْطَأَ طَرِيقَ الْجَنَّةِ وَإِنَّمَا أَرَادَ

بَرَسَنْ بَسْ حَقِيْقَتِ كَم كَنَدِ رَاهِ بَهْشْتِ رَا دَكْمَرَهْ هَتْ اَرَادَهْ

بِالنِّيَّانِ التَّرْكَ وَإِذَا كَانَ الشَّارِكُ يُخْطِئُ

اَزْ فَرَا مَوْشِ كَم كَرْتَكُ كَرْدَنْ دَقِيْقَهْ كَم بَا شَدِ تَرَكْ كَنَدَهْ كَهْ خَطَا اَقْتَهْ

طَرِيقَ الْجَنَّةِ كَانَ الْمُصَلِّ عَلَيْهِ سَالِكًا

رَاهِ بَهْشْتِ رَا سِيْبَا شَدِ كُوْنِيْهْدَهْ دَرْدَا بَرَادِ رَاهِ رَوْنَدَهْ

خطبه نمازین سنه فاطمه  
در وقت انقلاب فخر الاسلام علی ما تیره  
نویسند و آنکه در این سنه فاطمه نامیده شود و در این سنه فاطمه  
و نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه  
نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه  
نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه

در این سنه فاطمه نامیده شود و در این سنه فاطمه  
و نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه  
نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه  
نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه  
نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه

در این سنه فاطمه نامیده شود و در این سنه فاطمه  
و نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه  
نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه  
نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه  
نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه

در این سنه فاطمه نامیده شود و در این سنه فاطمه  
و نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه  
نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه  
نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه  
نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه

در این سنه فاطمه نامیده شود و در این سنه فاطمه  
و نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه  
نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه  
نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه  
نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه

خطبه نمازین سنه فاطمه  
در وقت انقلاب فخر الاسلام علی ما تیره  
نویسند و آنکه در این سنه فاطمه نامیده شود و در این سنه فاطمه  
و نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه  
نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه  
نیز در فخر الاسلام نام فاطمه بنام خود بگردانید و در این سنه فاطمه

إِلَى الْجَنَّةِ وَفِي رِوَايَةٍ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بِعَجُوفٍ

بجانب بهشت و در روایت عبد الرحمن پسر عوف

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى

را نفع با خدا از د کفت فرمود پیغمبر خدا در دو فرست

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَاءَنِي جِبْرِيلُ عَلَيْهِ

خبر و سلم و مرا جبرئیل بر دیا باد

السَّلَامُ وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ لَا يُصَلِّي عَلَيْكَ

سلام و گفت ای محمد در دو نفر بسته بر تو هیچ

أَحَدًا مِنْ أُمَّتِكَ إِلَّا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ

کس از امت تو هر کس در دو فرست بر دی هفتاد

أَلْفَ مَلَكٍ وَمَنْ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ

هزار فرشتگان و کسی که در دو فرست بر دی فرشتگان

كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

باشد از اهل بهشت و گفت در دو فرست خدا بر وی

وَسَلَّمَ أَكْثَرَ كُمْ عَلَى صَلَاةٍ أَكْثَرَ كُمْ

و سلام بیشتر شما بر من از روی در دو کفت بیشتر شماست

أَزْوَاجًا إِلَى الْجَنَّةِ وَذُوقُوا عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ

از روی زنان در بهشت و در اویت کرده شده است از دو در دو فرست خدا صلوات

قول

جبرئیل

که فرشته بی

است

و فضل

قوله

كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ

زیرا که در دو از فرشتگان طلب

مغفرت است از خدای تعالی

برای وی و آن دعا

از فرشتگان الهی

در حق وی

قبول

بند

قول اولی و فضل جنات

در جبرائیل علیه السلام که می آید از ایشان  
در دنیا فرود آید و در قیامت تا یکی از ایشان  
بودند  
۱۲

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً

بر وی و سلام بردست که وی فرمود کسیکه درود گوید بر من درود گفته

بِعَظِيمٍ الْحَقِّ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ ذَلِكَ

از برای بزرگ داشتن حق من پیدا میکند خدا که غالب و بزرگ است از این

الْقَوْلِ مَلَكًا لَهُ جُنَاحٌ بِالْمَشْرِقِ وَ

قول فرشته را که از او یکبار زود باشد بجای بر آمدن آفتاب

الْآخِرُ بِالْمَغْرِبِ وَ يَمْجَلُهُ مَقْرُونًا

از برای دیگر بمان فرود رفتن آفتاب در دو پای او ثابت هستند

فِي الْأَرْضِ السَّابِعَةِ السُّفْلَى وَعُنُقُهُ

در زمین ستم که سله زیر ترین است و گردن آن

مَلْتَوِيَةٌ تَحْتَ الْعَرْشِ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ

در چیده شده است زیر عرش سله میگوید خدای غالب و

جَلَّ لَهُ صَلَّ عَلَى عَبْدِي كَمَا صَلَّيْتُ عَلَى نَبِيِّ

و بزرگ آن را درود گو بر بنده من چنانچه درود گفته بر پیغمبر من

هُوَ يُصَلِّي عَلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ دَرِي

بر آن فرشته درود میگوید بر او تا روز قیامت درودیت کرده نه پست

عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ

از او درود فرشته خدا بر وی و سلام بردست که آنحضرت فرموده

تخت العرش  
عزیز بالا ای همه آسمانات و بزرگترین  
باز وقت سخن است بقول از زبیر



قول  
کما صلی علی من  
تنبیها  
تنبیه در مطلق حصول درود  
نه در همه جود و نبی بیای  
ساکت است بعد  
یا شده دو  
۱۲  
۴

بگردان فزینس قول  
لام مقننه در اول دین شده  
در عرض برای ناکست و علی  
نوع کلام است و الله به او طوف  
نقش خا ۱۲

ما عرفم الا بكثر الصلوة  
یعنی این زیاد در دنیا بگفت ملاقات  
نشسته و گفت این زیاد در جوار  
برج و اینان نوری ظاهر شود و بوی  
خوش از آنها بر آید بر بسیار بیخود  
عید و هم اینان را بشناسد که ایشان  
عبان و عاشقان من اند خانی  
درش متغایر که هرگز نرفت علی علیه  
و آرد و هم در حقش باشند که در حق  
حساب پیش از شرط نیک و هم نیت  
و هم در او کون نام بود در حدیث آمده که  
آب آن سفید تر باشد از شیر و خوشبوی تر  
از مشک و شیرین تر از شهد و کوزهای  
آن مانند سکه آن که از طلا نیکو

لِيُرَدَّنَ عَلَى الْخَوْضِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اقْوَامًا عَرَفَهُمْ

البته و تحقیق که هر سینه ندر بن حوض مرا در روز قیامت کرد هما نمیشناسم من آن کرده ما

الْأَيْكُثْرَةَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ وَدُرِّعًا عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ

که بسیار فرستادن درود بر من در روایت کرده شده است از درود فرستند خدا

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّهُ قَالَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً وَاحِدَةً

بر روی و سلام بر من هر سینه از فرود کسی که درود فرستد بر من یک بار

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ

درود میفرستد خدا ایتم بر روی ده بار و کسی که درود فرستد بر من

عَشْرَ مَرَّاتٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ مِائَةَ مَرَّةٍ وَمَنْ صَلَّى

ده بار درود فرستد خدا بر روی صد بار و کسی که درود فرستد

عَلَيَّ مِائَةَ مَرَّةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَلْفَ مَرَّةٍ

بر من صد بار درود فرستد خدا ای تعالی بر روی هزار بار

وَمَنْ صَلَّى عَلَيَّ أَلْفَ مَرَّةٍ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ

و کسی که درود فرستد بر من هزار بار حرام کرد اندک جسدی من او را

عَلَى النَّارِ وَتَبَّتْهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ

بر آتش دوزخ و ثابت دارد او را بر قولیک ثابت و دایمست در زندگانی

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ عِنْدَ الْمَسْئَلَةِ وَادْخَلَهُ الْجَنَّةَ

این در آخرت وقت سوال شود و درمی آرد او را بهشت و جای

قولی علی الناس  
در آرزین کلام بیان کمال نجات  
است ازین و فی هر صفت عامست  
فصل کرده از بعضی که در آن  
و اینتبه بتندی با او موصوفه  
حاصل  
قولی  
بالقول الثابت و در اول آن سخن  
لا الاصل و سوال الثابت و بیت  
در و در زون می فرمودند

وَجَاءَتْ صَلَاتُهُ عَلَىٰ وَهَانٍ لَهُ يَوْمَ

دوره آن کس برین در حال که آن نوری باشد برای آن روز

الْقِيَمَةِ عَلَى الصِّرَاطِ مَسِيرَةٌ خَمْسٌ مِائَةٌ

قیامت بر صراط مسافت که پنج صد

عَامٍ وَأَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ صَلَاةٍ صَلَاحًا عَلَىٰ

سال راه و میدهد او را برای نوبت بر هر درودی که خوانده است برین

قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ قُلْ ذَلِكَ أَوْ كَثُرَ قَالَ لَتَبِيَّ صَلَّىٰ

منزلی در بهشت اندک باشد آن یا بسیار و گفت پیغمبر درود فرستد

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ عَبْدٍ صَلَّىٰ عَلَيَّ

خدا بر وی در سالها نیست هیچ بنده که درود فرستد بر من

إِلَّا أَخْرَجْتِ الصَّلَاةَ مُسْرِعَةً مِنْ فِيهِ فَلَا

کرا آنکه بیرون می آید درود در حال که شتاب کند بهت از زمین وی بس بجا نهد

يَبْقَىٰ بَرٌّ وَلَا جَرُّ وَلَا شَرْقٌ وَلَا غَرْبٌ إِلَّا

باقی بماند هیچ کس نیست از در باقی در جانب بر آمدن آفتاب و نه جانب زد نشن آفتاب کرا آنکه

وَمَثْرَبِهِ وَتَقُولُ أَنَا صَلَاةُ فَلَانِ ابْنِ فَلَانٍ

میگذرد آن و میگوید که من درود فلان بن فلان ام

صَلَّىٰ عَلَى مُحَمَّدٍ ابْنِ مُحَمَّدٍ خَيْرَ خَلْقٍ لَللَّهِ فَلَا

درود فرستاد است بر محمد که بهترین آفرینش خدای تعالی است

قولی  
صلی الصلوات یعنی برای آنست  
در وقت دعوتن از آن بگذرد  
و که قرآن فرود آید ۱۲

قولی  
سپس خمس مائة عام

عظمت  
فردا که در دنیا فرستد و در بهشت  
باید که در دنیا و در بهشت  
اختلاف فرستد در دنیا و در بهشت  
نوشته شده

قولی  
یعنی خطاب را صدی معین نیست  
در برابر درود و قصری مقرب است  
مقدار آنکه

فلان ابن فلان  
یعنی نام آن که بنده و نام برادر  
ک

کتاب الصلاة  
درود در پیشگاه پسران  
کونین درود در پیشگاه پسران  
ای ای داد از هر چیزی ۱۱

قول

در خلقی بنم یا  
در پیشگاه پسران  
انسان درود که از زمین وی برآید  
جانوری بر زنده  
بسیخ نخواستند و خلق الله  
بفتح یا و نون لام و فسطح طار  
پیدا میکند خدای تعالی از آن  
درود جانوری را



کتاب  
کتاب کبیر

قول  
بسیج الف لغات  
در بعضی نسخه آمده لقا آن سبع لغت  
بضم اول فتح تا لی تغییر یافتند  
مروم عشره فود بان بیان گفته است

فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ إِلَّا وَصَلَى عَلَيْهِ وَخُلِقَ مِنْ

بس باقی نماند هیچ چیزی مگر آنکه درود میفرستد بر آن و پیدا کرد میشود از

تِلْكَ الصَّلَاةِ طَائِرٌ لَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ جَنَاحٍ

ان درود جانوری که مران جانور را هفتاد هزار بار بازو باند

فِي كُلِّ جَنَاحٍ سَبْعُونَ أَلْفَ رِيثَةٍ فِي كُلِّ

در هر بازو هفتاد هزار بار بود در هر

رِيثَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ وَجْهِ فِي كُلِّ وَجْهِ

بر سه هفتاد هزار روی بود در هر روی

سَبْعُونَ أَلْفَ فَمِ فِي كُلِّ فِي سَبْعُونَ أَلْفَ

هفتاد هزار دهن بود در هر دهن هفتاد هزار

لِسَانٍ فِي كُلِّ لِسَانٍ يُسَبِّحُ اللَّهَ تَعَالَى السَّبْعِينَ

زبان بود در هر زبان سبع سجود خدای بزرگ را هفتاد

أَلْفَ لَغَاةٍ وَيَكْتُبُ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ ذَلِكَ كُلِّهِ

هزار لغت وی نوسه خدای تم برای ان ثواب انهم سبع را

وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

در روایت کرده شد است از امام علی بن ابیطالب خوشوار باد الله قسم از و

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

لغت فرمود پیغمبر خدا درود فرستد خدا بر وی وسلام

مَنْ

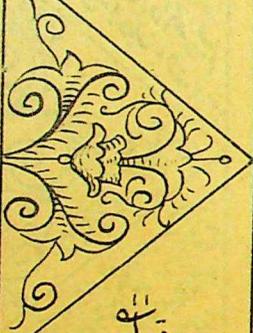
کتاب  
قول  
بسیج برای آن کونین درود



و در کتب اربعه انجمن طبع  
علیه السلام در دوران  
بود در باب اول شود  
فوق مفتح العین  
عزیز الیه که در کتبه از لغزشها  
اداری و ضروری است که  
که شتی در باب اول و غیره استقام نبود  
صفتی که در تمام فادر که زنده و از  
فوق صانع و در تمام فادر که زنده و از  
فوق صانع و در تمام فادر که زنده و از

فوق صانع و در تمام فادر که زنده و از  
فوق صانع و در تمام فادر که زنده و از  
فوق صانع و در تمام فادر که زنده و از  
فوق صانع و در تمام فادر که زنده و از  
فوق صانع و در تمام فادر که زنده و از

فوق صانع و در تمام فادر که زنده و از  
فوق صانع و در تمام فادر که زنده و از  
فوق صانع و در تمام فادر که زنده و از  
فوق صانع و در تمام فادر که زنده و از  
فوق صانع و در تمام فادر که زنده و از



قولته

صاحب المقام المحمود

مراد مقام محمود است

مقام شفاعت

و بیان آن

بزرگوار

مقدور

مفتاح  
کلید در بهشت  
مفتاح الجنة  
کلید در بهشت  
علم الیقین  
علامت یقین  
مصحح الحسب  
صحیح کننده بگوینها  
صواعق القرائات  
در گذشته آنکه همان  
صاحب المقام  
صاحب مقام محمود  
علم الیقین  
علامت یقین  
مصحح الحسب  
صحیح کننده بگوینها  
صواعق القرائات  
در گذشته آنکه همان  
صاحب المقام  
صاحب مقام محمود

مِفْتَاحُ

کلید

مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ

کلید در بهشت

عِلْمُ الْيَقِينِ

علامت یقین

مُصَحِّحُ الْحُسْبِ

صحیح کننده بگوینها

صَوَاعِقُ الْقِرَائَاتِ

در گذشته آنکه همان

صَاحِبُ الْمَقَامِ

صاحب مقام محمود

فَاتِحٌ

کش نیده

مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ

کلید در بخشایش

عِلْمُ الْإِيمَانِ

علامت ایمان

دَلِيلُ الْخَيْرِ

رهنما بسوی سگوییها

مُقِيلُ الْعَثَرَاتِ

تجاوز کننده از لغزشها

صَاحِبُ الشَّفَاعَةِ

صاحب شفاعت

لطيفة

صاحب شفاعت است  
مقام محمود است

تمام اسرار البیت ان خاصه  
محمود است صاحب المقام المحمود

و باب شفاعت درین مقام  
کنند نموده

مقام محمود است  
تمام اسرار البیت ان خاصه

مقام محمود است  
تمام اسرار البیت ان خاصه

تمام اسرار البیت ان خاصه  
مقام محمود است

تمام اسرار البیت ان خاصه  
مقام محمود است

سنت و اخلاق مالک اشرف است  
 در بعضی دیار مجاز و مصر واقع شده خوان  
 نام آنکستان بر آمده و یکی از دیاران  
 در اینست که از بدست در بعضی دیاران  
 و این است که در بعضی دیاران

صاحب قوت  
 خاندان دین و استوار و انجیراد  
 در بعضی دیاران  
 در بعضی دیاران  
 در بعضی دیاران

صاحب قوت  
 خاندان دین و استوار و انجیراد  
 در بعضی دیاران  
 در بعضی دیاران  
 در بعضی دیاران

صاحب السلطان خاندان علی  
 صاحب اللد  
 خاندان جاد و در چون اکثر بکس  
 کرده شده ان فاطمه در شرح  
 الساعات کرده که دراری در انجیراد  
 شش که بود در بعضی دیاران



صاحب اللد  
 خاندان جاد و در چون اکثر بکس  
 کرده شده ان فاطمه در شرح  
 الساعات کرده که دراری در انجیراد  
 شش که بود در بعضی دیاران

|              |                      |              |                    |
|--------------|----------------------|--------------|--------------------|
| صاحب القدم   | خاندان قدم           | مختص بالعرف  | خاص کرده شده بزرگی |
| مختص بالمجد  | فصل کرده شده بزرگی   | مختص بالشرف  | خاص کرده شده بزرگی |
| صاحب الواسطه | خداوند وسیله         | صاحب السیف   | خداوند شمشیر       |
| صاحب الفضلیه | خداوند بزرگی         | صاحب الادار  | خداوند ازار        |
| صاحب الحجه   | خداوند دلیل و استوار | صاحب الواسطه | خداوند غلبه قدرت   |

صاحب الرداء  
 خاندان جاد و در

صاحب اللد  
 خاندان جاد و در چون اکثر بکس  
 کرده شده ان فاطمه در شرح  
 الساعات کرده که دراری در انجیراد  
 شش که بود در بعضی دیاران

صاحب اللد  
 خاندان جاد و در چون اکثر بکس  
 کرده شده ان فاطمه در شرح  
 الساعات کرده که دراری در انجیراد  
 شش که بود در بعضی دیاران

صاحب اللد  
 خاندان جاد و در چون اکثر بکس  
 کرده شده ان فاطمه در شرح  
 الساعات کرده که دراری در انجیراد  
 شش که بود در بعضی دیاران

زبان از زبانی وی نامند  
 و جان از جانی کان بران بری آید  
 و اگر علم را نماند کج از ایشان بر آن نیاید  
 بود از لغت رسد آن اختلاف با شوال  
 آتش اولت بر ارضان با شوال  
 اهل میزبان است و فتن آن حضرت صلی  
 علیه السلام از کتابت المقدس قرآن  
 ثابت نماند سخن آن کافرت و بر آمدن  
 و رسول گوید قرب با جادیت مشهوره  
 زینت بحد تو از تابت گشته سخن آن  
 و سبب است و هیچ آنست که بر آمدن آن  
 و سبب است و هیچ آنست که بر آمدن آن

صاحب التاج  
 صاحب اللؤلؤ  
 صاحب القضب  
 صاحب الخاتمه  
 صاحب البهانه

|              |                   |
|--------------|-------------------|
| صاحب التاج   | صاحب الخیر الرفیع |
| خداوند تاج   | خداوند پائینه بند |
| صاحب اللؤلؤ  | صاحب المغیر       |
| خداوند نیزه  | خداوند مغفر       |
| صاحب القضب   | صاحب المعراج      |
| خداوند عصا   | خداوند مسراج      |
| صاحب الخاتمه | صاحب البرق        |
| خداوند نمکین | خداوند بران       |
| صاحب البهانه | صاحب العلامه      |
| خداوند دلیل  | خداوند نشانه      |

صاحب التاج  
 صاحب اللؤلؤ  
 صاحب القضب  
 صاحب الخاتمه  
 صاحب البهانه

صاحب التاج  
 صاحب اللؤلؤ  
 صاحب القضب  
 صاحب الخاتمه  
 صاحب البهانه

صاحب التاج  
 صاحب اللؤلؤ  
 صاحب القضب  
 صاحب الخاتمه  
 صاحب البهانه



قولی

عین النعیم

ذات ثقت والا ایزین

اسم شریف کدرشته

نعت الله سبحانه یقین

بآن نزدیک است ۱۲

قولی

عین القوام

لغیر عین معجزانند

را همه جمع اغنی

بزرگ همه چیز

و اول آن دین یعنی چشم  
دینش هم آمده پس مراد از  
اغنیامت آنحضرت است که  
بر رکت از همه آن

دین در وصف  
ایشان آمده

المخلسین

جانبی بالانگور  
سینه

یا مراد پیغمبران

و در شان مقرب اند که  
بزرگ از همه خلق اند و هر چه  
چشم ایشانست که خوبی و خیرت  
ایشان با آنحضرت صلوات الله

رئیس سردار  
ایشان است

بیت

محمد کیت جاز قرة العین  
یکمان بردی بزم قایمین

در چشم برون با منیش  
سوی سلطان درویش عالم  
بدر سلطانی درویشی سلم

اینها هم در حدیث آمده است  
و در حدیث آمده است که  
اینها هم در حدیث آمده است  
و در حدیث آمده است که  
اینها هم در حدیث آمده است  
و در حدیث آمده است که  
اینها هم در حدیث آمده است  
و در حدیث آمده است که  
اینها هم در حدیث آمده است

|             |                      |
|-------------|----------------------|
| صاحب الینا  | خداوند بیان          |
| مظهر الجنان | پاک کرده مشنه دل داد |
| رحیمه       | بخشاینده             |
| صیح الإسلام | دوست اسلام           |
| عین النعیم  | ذات بهت              |
| فصیح اللسان | خوش زبان             |
| رؤف         | مهربان               |
| اذن خیر     | شنونده بگوئی         |
| سید الکونین | سردار هر دو جهان     |
| عین الغر    | چشم بزرگ             |

مشهور است که در حدیث آمده است  
و در حدیث آمده است که  
اینها هم در حدیث آمده است  
و در حدیث آمده است که  
اینها هم در حدیث آمده است  
و در حدیث آمده است که  
اینها هم در حدیث آمده است  
و در حدیث آمده است که  
اینها هم در حدیث آمده است

در حدیث آمده است که  
اینها هم در حدیث آمده است  
و در حدیث آمده است که  
اینها هم در حدیث آمده است  
و در حدیث آمده است که  
اینها هم در حدیث آمده است  
و در حدیث آمده است که  
اینها هم در حدیث آمده است

طا بهر تنبست از انخاب  
واحتال است که مراد ازین که مصلحت  
بدرستی باشد بر آمدن آن حضرت صلی  
بسود که جاسه بر آمدن آن حضرت صلی  
ان در مویج یاد جانچه اجابت نبرات  
او که بایست آنچه ازین است فقط

دو بعضی

نیمه بعد ازین زیاده آمده  
دفع المرح

بفحقن مع در بعضی حدیث  
پایه ای قدر و منزلت

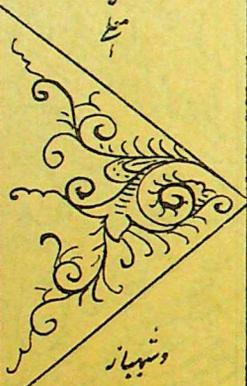
اونزد مولانا بالا

ترت او

از عرض

معن

میچ



دستباز

و هم میچ پیگیری بر اون

عظمت او در پید و در

نمی میچ هر

پدران

کمال

اون رسیده بهیت

ای محرم ستر لایه

مرات جان و کمال

مهمان ابیت عبود

صاحل لایام متلب

خطبه حضرت ازین که مصلحت  
بدرستی باشد بر آمدن آن حضرت صلی  
بسود که جاسه بر آمدن آن حضرت صلی  
ان در مویج یاد جانچه اجابت نبرات  
او که بایست آنچه ازین است فقط

|                        |                         |
|------------------------|-------------------------|
| سَعْدُ اللّٰهُ         |                         |
| برکت خدا               |                         |
| سَعْدُ النَّيَقِ       | خُطْبَةُ الْاِمْتِنَانِ |
| نیکی بن آدم و ایمان    | خطبه خواننده امتان      |
| عَلَمُ الْهُدٰی        | كَاشَفُ الْكُتُبِ       |
| علامت رهبنایی          | دور کننده عنمای سخت     |
| رَافِعُ الرَّبِّ       | عِزُّ الْعَرَبِ         |
| بلند کننده قدر و منزلت | سبب بزرگی عرب           |

صَاحِبُ الْفَجْرِ  
خداوند کفایش

خطبه سبب بزرگی عرب  
دور کننده عنمای سخت  
نیکی بن آدم و ایمان  
خطبه خواننده امتان  
صاحب الفجر  
خداوند کفایش  
بلند کننده قدر و منزلت  
علامت رهبنایی  
دور کننده عنمای سخت  
کاشف الکتاب  
خطبه خواننده امتان  
سعد النیق  
نیکی بن آدم و ایمان  
سعد الله  
برکت خدا

از وقت حضرت  
همیشه بنا بود که خواست  
آورد که درین زمین  
در وقت که در آن  
کشته بود و عمارت این  
بلکه نوسانات این  
انوان لایق بود که بعد از  
ذکر امام آنحضرت درود  
کفته شود لهذا گفت

حَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَسَلَّمَ اللَّهُمَّ

درود فرستد خدا بروی و بر آل او و سلام فرستد خدا یا

يَا رَبِّ بِجَاهِ نَبِيِّكَ الْمُصْطَفَى وَ

ای پروردگاری که بقدر منزلت پیغمبر تو که برگزیده شده است و

رَسُولِكَ الْمُرْتَضَى طَهَّرْ قُلُوبَنَا

فرستاده تو که پسندیده شده است پاک گردان دل‌های ما یا ز

مِنْ كُلِّ وَصْفٍ يُبَاعِدُنَا عَنْ

از هر خصیتی که دور اندازد ما میان را از

مُشَاهَدَتِكَ وَحُبَّتِكَ وَأَمِنَّا عَلَى السُّبَّةِ

دیدن تو و از محبت تو و بپیران ما یا ز بر طاقه پیغمبر

وَالْجَمَاعَةِ وَالشُّرْقِ إِلَى لِقَائِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ

و گروه تابعین و شوق بسوی دیدار تو ای خداوند بزرگی نام

وَالْإِكْرَامِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ

و فضل عام و درود فرستد خدا بر محترم و بهتر ما میان و

مَوْلَانَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ

و زکر در پیش ما میان محمد و بر آل او و بران او و سلام فرستد

تَسْلِيمًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سلام فرستادن

در این دعا که در هر روز بخواند هر که در دنیا و آخرت بر او درود فرستد خداوند او را از هر بدی و آفتی که در دنیا و آخرت بر او آید محفوظ نگاهدارد و او را در بهشت با اولاد او قرار دهد و او را از هر بدی و آفتی که در دنیا و آخرت بر او آید محفوظ نگاهدارد و او را در بهشت با اولاد او قرار دهد

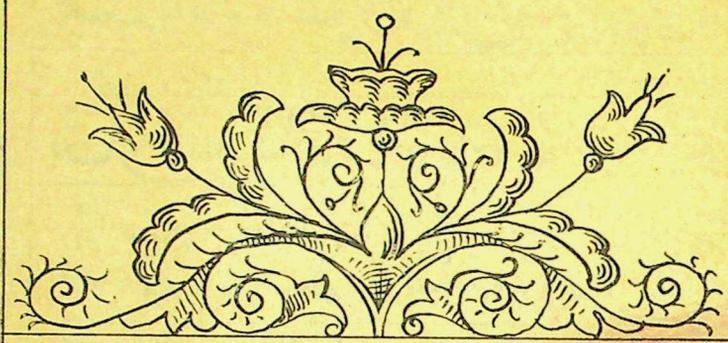
این دعا را هر روز بخواند هر که در دنیا و آخرت بر او درود فرستد خداوند او را از هر بدی و آفتی که در دنیا و آخرت بر او آید محفوظ نگاهدارد و او را در بهشت با اولاد او قرار دهد و او را از هر بدی و آفتی که در دنیا و آخرت بر او آید محفوظ نگاهدارد و او را در بهشت با اولاد او قرار دهد



این دعا را هر روز بخواند هر که در دنیا و آخرت بر او درود فرستد خداوند او را از هر بدی و آفتی که در دنیا و آخرت بر او آید محفوظ نگاهدارد و او را در بهشت با اولاد او قرار دهد و او را از هر بدی و آفتی که در دنیا و آخرت بر او آید محفوظ نگاهدارد و او را در بهشت با اولاد او قرار دهد

این دعا را هر روز بخواند هر که در دنیا و آخرت بر او درود فرستد خداوند او را از هر بدی و آفتی که در دنیا و آخرت بر او آید محفوظ نگاهدارد و او را در بهشت با اولاد او قرار دهد و او را از هر بدی و آفتی که در دنیا و آخرت بر او آید محفوظ نگاهدارد و او را در بهشت با اولاد او قرار دهد

صلی اللہ علیہ وسلم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدايکه بخشنده و مهربان است

صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ

درود فرستد خدای بر مهتر مایان و بزرگ مایان محمد

وَعَلَى آلِهِ وَسَلَّمَ وَهَدِيهِ صِفَةَ الرُّوضَةِ

و بر آل او و سلام فرستد این ست صفت روضه

الْمُبَارَكَةِ الَّتِي دُفِنَ فِيهَا رَسُولُ اللَّهِ

مبارکه که در آن گدوده شده است در آن پیغمبر خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَصَاحِبَاهُ

درود فرستد خدا بروی و سلام و دو یار او

أَبُوبَكْرٍ وَعُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُمَا

ابو بکر عمر رضی الله تعالی عنهما

قلوب چون نترسند ننورده  
 صلی اللہ علیہ وسلم درود را برانی تکریم  
 مطلبش بیکر آرد درود در این صورت  
 روزی صد مرتبه در روز یک بار که باقی فیض  
 سلطان قبرش برافشاید که باک شریک  
 در جنت پروردگارت ملت  
 بافت تخت ابروی این روزگات  
 هر که با چراغ این نور در این جنت  
 قوس این یک چشم درین محل  
 در صفت ننورده بین شکل تصویر ننورده است  
 در این وقت روزی که بعد از این ذکر کند  
 در حکم قبرش برافشاید که هر که جان بسین

در این وقت روزی که بعد از این ذکر کند  
 در حکم قبرش برافشاید که هر که جان بسین  
 در این وقت روزی که بعد از این ذکر کند  
 در حکم قبرش برافشاید که هر که جان بسین

در این وقت روزی که بعد از این ذکر کند  
 در حکم قبرش برافشاید که هر که جان بسین

در بعضی نسخه آمده ذکر یا نبی من است  
و در بعضی نسخه آمده ذکر یا نبی من است  
و در بعضی نسخه آمده ذکر یا نبی من است  
و در بعضی نسخه آمده ذکر یا نبی من است  
و در بعضی نسخه آمده ذکر یا نبی من است  
و در بعضی نسخه آمده ذکر یا نبی من است  
و در بعضی نسخه آمده ذکر یا نبی من است  
و در بعضی نسخه آمده ذکر یا نبی من است  
و در بعضی نسخه آمده ذکر یا نبی من است  
و در بعضی نسخه آمده ذکر یا نبی من است

هَكَذَا ذَكَرَهُ وَعُرْوَةُ بْنُ الزُّبَيْرِ رَضِيَ اللَّهُ

بهمین ذکر کرده است آنرا عروة بن زبیر خشود باد خدا

تَعَالَيَ عَنْهُ قَالَ دَفِنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى

تعالی از او گفت دفن کرده شد پیغمبر خدای درود فرستد

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي السَّهْوَةِ وَدَفِنَ أَبُو بَكْرٍ

خدای بروی در ساهوه در دفن کرده شد ابوبکر

رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ

راضی بود خدای تعالی از او پس پشت پیغمبر خدای

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَدَفِنَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ

درود فرستد خدای بروی در ساهوه در دفن کرده شد عمر بن خطاب

رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ عِنْدَ رَجُلٍ أَبِي بَكْرٍ

راضی بود خدای تعالی از او نزد دوابی ابله بگفته

الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَبَقِيَتِ السَّهْوَةُ

صدیق راضی بود خدای تعالی از او و باقی ماند ساهوه

الشَّرْقِيَّةَ فَارْعَاهُ فِيهَا مَوْضِعٌ قَبْرُ يُقَالُ لِلَّهِ

شرقیه در آن در آن جای یک قبرست گفته میشود و خدا

أَعْلَمُ إِنَّ عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَفِنَ فِيهِ

داناهست بدرستی که عیسی بن مریم بروی باد سلام دفن کرده خواهد شد

این حدیث در بعضی نسخه آمده است  
و در بعضی نسخه آمده است

هذه صفة  
الاعرابی کتبنا بابت اولم و ابی اسم  
بابت پیغمبر در سال سیزدهم و در سیزدهم  
قوله عند رجلی ابی بکر  
قوله عند رجلی ابی بکر  
و درین اشغال دارد که در بعضی نسخه  
و در بعضی نسخه آمده است  
و در بعضی نسخه آمده است

از اسما و در آید بسیار  
۱۳







تھا بلند سی

اول سمت و جمع الناس

مقام سبائی

مقام حرمی

مقام سبائی

مقام حرمی

باب عیسیٰ

باب عیسیٰ

باب النبی

باب النبی

باب السلام

باب عیسیٰ

صفا

محوہ

مكة المكرمة

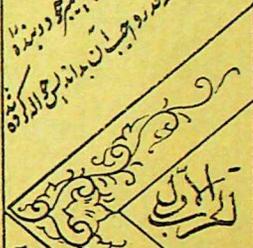
دردی سازد این که با او کشتی که در این کشتی است  
دانا حادث که با او کشتی که در این کشتی است  
دردی سازد این که با او کشتی که در این کشتی است  
دانا حادث که با او کشتی که در این کشتی است  
دردی سازد این که با او کشتی که در این کشتی است  
دانا حادث که با او کشتی که در این کشتی است



الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا  
وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا  
أَنَّ هَدانا اللَّهُ لَهُ الْكُفْرُ  
هُوَ الْأَسْمَاءُ الشَّرِيفَةُ فِي بَعْضِ الْأَثْنِ



این سوره را در وقت غایت فقر و تنگدستی  
در وقت که در راهی بودی و در وقت که  
در وقت که در راهی بودی و در وقت که  
در وقت که در راهی بودی و در وقت که  
در وقت که در راهی بودی و در وقت که  
در وقت که در راهی بودی و در وقت که



بازگشت به اول آن غایت فقر و تنگدستی  
در وقت که در راهی بودی و در وقت که  
در وقت که در راهی بودی و در وقت که  
در وقت که در راهی بودی و در وقت که  
در وقت که در راهی بودی و در وقت که  
در وقت که در راهی بودی و در وقت که

فَضَّلْ كَيْفِيَّةَ صَلَاةٍ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى

آلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آبَائِهِمْ

وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا

بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

این دعا را که در وقت دعا و در وقت...

در وقت دعا و در وقت دعا...

در وقت دعا و در وقت دعا...

در وقت دعا و در وقت دعا...

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ كَمَا

غدا یا در وقت دعا بر محمد و آل او چنانچه

صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ

در وقت دعا تو بر ابراهیم و برکت ده بر محمد

وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ

در آل محمد چنانچه برکت داده بر آل ابراهیم

فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ

در عالمین بدستی که ستوده شده بزکوری خدا در وقت دعا

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ

در آل محمد چنانچه در وقت دعا تو بر ابراهیم

وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى

و برکت ده بر محمد و آل محمد چنانچه برکت داده تو بر

إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ

ابراهیم بدستی که ستوده شده بزکوری خدا یا در وقت دعا

عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى آلِ

محمد که پیغمبر است نانویسنده دعا خوانده در آل

مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ

خدا یا در وقت دعا بر محمد که بنده است

تا آخر دنیا و پس از آن در وقت دعا...

این دعا را که در وقت دعا و در وقت...

در وقت دعا و در وقت دعا...

در وقت دعا و در وقت دعا...

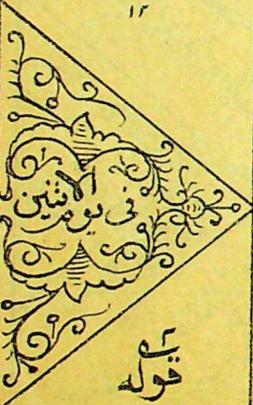


قولہ

وسل علی

محمد

سلام از حق تعالی بر سیدہ  
نگاہ داشتن وی است اودا  
بخیر و سلامت از هر امر کرده  
و از هر آفت  
۱۲



قولہ

وامرحم محمد

وال محمد

فائدہ شیخ عبدالحق  
در شرح مشکوٰۃ آورده اند کہ بعضی  
روایات لفظ ارحم محمد کما رحمت  
و رحمت واقع شدہ آ  
بصحت  
زیبیدہ  
۱۳

عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ

بر ابراهیم و بر آل ابراهیم بدستگرتو

حَمِيدٌ مُّجِيدٌ اللَّهُمَّ وَسَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

ستوده شده بزرگوار خدایا سلام بفرست بر محمد

وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

و بر آل محمد چنانچه سلام فرستاده بر ابراهیم

وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُّجِيدٌ

و بر آل ابراهیم بدستگرتو ستوده شده بزرگوار

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ وَ

خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد

ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَىٰ

رحم کن محمد را و آل محمد را و برکت ده بر

مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا حَصَلَتْ وَرَحْمَتِ

محمد و بر آل محمد چنانچه درود فرستاده تو در رحمت کردی تو

وَبَارَكْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ

و بر گشت دادی تو بر ابراهیم و بر آل ابراهیم

فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُّجِيدٌ هـ

در عالمان بدستگرتو ستوده شده و بزرگوارے

عجل الفاتحاه اللهم صل على محمد و آله الطيبين الطاهرين  
صلواتك عليهم في كل وقت  
و صلاة الله عليهم يوم تزلزل الأرض يوم ينادى فيها مناد يا محمد  
يا محمد يا محمد يا محمد  
يا محمد يا محمد يا محمد

عجل الفاتحاه اللهم صل على محمد و آله الطيبين الطاهرين  
صلواتك عليهم في كل وقت  
و صلاة الله عليهم يوم تزلزل الأرض يوم ينادى فيها مناد يا محمد  
يا محمد يا محمد يا محمد  
يا محمد يا محمد يا محمد

عجل الفاتحاه اللهم صل على محمد و آله الطيبين الطاهرين  
صلواتك عليهم في كل وقت  
و صلاة الله عليهم يوم تزلزل الأرض يوم ينادى فيها مناد يا محمد  
يا محمد يا محمد يا محمد  
يا محمد يا محمد يا محمد

|  |
|--|
| اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآزْوَاجِهِ                     |
| خدایا درود بفرست بر محمد که پیغمبر است و بر زنان او که                       |
| أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَذُرِّيَّتِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ                   |
| مادران مسلمانان و ذریت او و اهل بیت او                                       |
| كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ إِفْكَ حَمِيدٌ حَمِيدٌ                    |
| چنانچه درود فرستاده تو بر ابراهیم بر ستمکه ستوده شده بزرگ                    |
| اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا               |
| خدایا برکت ده بر محمد و بر آل محمد و بر آنجا                                 |
| بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ إِفْكَ حَمِيدٌ حَمِيدٌ                          |
| برکت داده تو بر ابراهیم بر ستمکه ستوده شده بزرگ                              |
| اللَّهُمَّ دَائِمِي الْمَدْحِ وَأَبَارِكِي السَّمَوَاتِ                      |
| خدایا کسره شده با مجموع فرشته زمینها و پرده آسمانها با مجموع سقف آسمانها     |
| وَجِبَارِ الْقُلُوبِ عَلَى فِطْرَتِهَا سَقِيهَا وَ                           |
| و بعباده کار فرمای دلها برافزایش آن بدینجت اند آن دلها د                     |
| سَعِيدًا هَا أَجْعَلْ شَرَّ أَتَفِ صَلَوَاتِكَ                               |
| نیک بخت اند آن دلها نازل گردان درودهای خود را که بزرگ و پرترند               |
| وَخَوَامِي بِرِكَاتِكَ وَرَفَاءَةً تَحْنِيكَ عَلَى مُحَمَّدٍ                 |
| و برکتهای خیر و نعمت خود را که افزون شوند و بخشایش مهر دهی آن خود را بر محمد |

در عبادت و بندگی او  
بهر درودی که بخواند  
او را در روز قیامت  
دوازده تا صد هزار ساله  
بوده و در روز  
بزرگوار آن روز که  
عجل الفاتحاه اللهم صل على محمد و آله الطيبين الطاهرين  
صلواتك عليهم في كل وقت  
و صلاة الله عليهم يوم تزلزل الأرض يوم ينادى فيها مناد يا محمد  
يا محمد يا محمد يا محمد

### المحرر الاول

چنانچه در روز قیامت  
او را در روز قیامت  
دوازده تا صد هزار ساله  
بوده و در روز  
بزرگوار آن روز که  
عجل الفاتحاه اللهم صل على محمد و آله الطيبين الطاهرين  
صلواتك عليهم في كل وقت  
و صلاة الله عليهم يوم تزلزل الأرض يوم ينادى فيها مناد يا محمد  
يا محمد يا محمد يا محمد

عجل الفاتحاه اللهم صل على محمد و آله الطيبين الطاهرين  
صلواتك عليهم في كل وقت  
و صلاة الله عليهم يوم تزلزل الأرض يوم ينادى فيها مناد يا محمد  
يا محمد يا محمد يا محمد

آن کی را از ازل لوح سعادت در کار داد وین کی را تا ابد نفس نقیضت بر زمین گذا عدل و دین را در اسوی می باشد



## وَنَافِرَاتِ الْاِحْكَامِ وَمُنِيرَاتِ الْاِسْلَامِ

د حکمای شہد را دارکان مسلمان را

هُوَ اَمِينُكَ الْمَأْمُونُ وَخَازِنُ عِلْمِكَ

بس آن امین است امین کرده شده و نگهبان علم است که

الْخَزُونِ وَشَهِيدُ اَيُّوْمِ الدِّينِ وَنَجِيَّتِكَ

پوشیده شد دست و گواہ است روز جزا و بر ایکنجند خندہ است

نِعْمَةٌ وَرَسُولُكَ بِالْحَقِّ رَحْمَةٌ اَللّٰهُمَّ

در حالیکه نیست و فرستاده است برستی در حالیکه رحمت خدا یا

افْسَحْ لِي فِي عَدَّتِكَ وَاجْزِئْهُ مُضَاعَفَاتٍ

فراخ کردن برای او در جهت تو و جزده آنرا زیاد کرده کن

الْخَيْرِ مِنْ فَضْلِكَ مُهَنَاتٍ لَهُ غَيْرَ مُكَدَّرَاتٍ

خیر از روی فضل خود در حالیکه باشد گوارنده برای او در حالیکه باشند گوارنده

مِنْ فَوْزِ تَوَالِكَ الْمَحْلُولِ وَجَزِيلٍ

در جهت فیرزی یافتن بزد جزا تو که فرود آنده شود درد و زیاد کن

عَطَائِكَ الْمَعْلُولِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ عَلَيَّ

بخشش تو که بیار پی آنده بود خدا یا بلند کردن بر

بِنَاءِ النَّاسِ بِنَاءً وَاكْرَمَ مَثْوَاهُ لَدَيْكَ

منزل آدمیان منزل ادرا د بزرگ کردن ارگاه او را نزد خود و نوبل

بمست بر  
و امر که  
بفیع بدیده نزد پیدایش از او در  
قال غیر و الودع بقابلت کلمات  
وقاد مستفهام است  
بفتح وال شاده بفتح صاف از  
قولی کمال

لا اله الا الله  
محمد رسول الله

عین مزی که فرود آنده شود در بیعت  
بمست و شکر نیست که چون در جهان  
ببفت مقام شود و عیشر زندگان  
ببفت کوار بود و  
ببفت کوار بود و  
المحلول و  
عند بفتح عین معاولام و لغت  
بفتح پو شیدن پیل ز نو شیدن بود  
و انجا م ا و کرا عطا است و در بعضی  
نسخه الوصول بعباده بفتح عین معاولام  
قولی بیا چه و این بلندای و بجز است که  
رسد بود و فدایای قالی و بجز است که  
ببخش ظام بود و در بعضی از کتابها  
آنحضرت صلوات الله علیه و سلم  
بفتح بجز و مقصود ازین تعلیم و اکرام  
مشتانیدن کسی را بجای سبکدوش  
خفت و احترام است

و این بینه بیاطم کرده اند حکمای  
نظر کرده اند و با مانند چیزی از بار  
از نظر نگار و ارکان سما و از کار  
الاحكام و ارکان خود و در این کلمه  
و با مانند ذات خود و در این کلمه  
با انکه قبول که اینها را قبول  
باینکه بفتح عین و باینکه  
افضل بفتح عین و باینکه  
عند بفتح عین و باینکه  
قال بفتح قاف و باینکه  
و این بینه بیاطم کرده اند حکمای

فعلک و نزله  
 قائده نزل بختین و سکون را  
 اول چه کبریا طعام و کوه خیز و حاضران  
 و بسیاری خود آن دریل که است معان  
 و سبب و دشت او باشد و او  
 بر آواز از امید او را کامل  
 و غالب کردن آن اول در ابرو همه مخالفان  
 علیه السلام به بیستون او با نوبت ۱۲  
 با نام کن نوری که که نماده در وی صلی ۱۲  
 فعلک و نزله  
 آنچه خوشتر شست و وی بود در هر چه بخت  
 و از زبیرا فعلک من استعانتک لیس  
 با موصو قبل تا تو فعلک از این سررا بخت  
 و در ای ارتقا خلق در ساندن وی ساندن  
 و خوشتر شست و وی از آن بد بخت  
 و در بعضی آمده اینها بختن بخت  
 و در صورت بقا عده و غیره نکال نام می  
 و در صورت بخت بخت که بود بخت

وَنْزَلَهُ وَأَنْزَلْنَا لَهُ نُورَهُ وَأَجْرَهُ مِنْ

و پینش ادرا دام و کامل کردن برای او نور او را و مزد ده او را از بهر

أَتْبَعَايَكَ لَهُ مَقْبُولَ الشَّهَادَةِ وَمَرْضَى

بر آنچه شست تو را او را در معانی که باشد پذیرفته شد و گواهی او و موافق خوشتر شست و تو

الْمَقَالَةَ ذَا مَنِيْقٍ عَدْلِ وَخُطَّةٍ فَصَلِّ

کویانی او صاحب گویا در است در دست و امیر که جداکننده بود حق از باطل

وَبُرْهَانَ عَظِيمٍ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ

و دلیل بزرگ بد استیکه خدای و فرشتگان او

يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

درود میکنند بر پیغمبر ای کسانی که گریده اید

صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا هَلْبِيك

درود گویند بر او و سلام گویند سلام گفتند آمده ام برای خدمت تو

اللَّهُمَّ رَبِّي وَسَعِدَيْكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ

ای بار خدایا ای پروردگاری و یاری میدهم دین ترا درودهای خدای که

الْبَرِّ الرَّحِيمِ وَالْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبِينَ

نیگوی گشته و مهربان است و فرشتگان که نزدیکان باریک الهی گشته اند

وَالَّتَّيْبِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشَّهَدَاءِ

و پشیمانان و راست گویان و گشته شده کن در راه خدا

در روز در روز  
 فی یوم  
 الاثنین  
 یعنی همین گفته شود هر چه از او را از بطور  
 و خطرت یعنی فاجعه و تشدید  
 ای همه متوکلین و بلا متوکلین ۱۲  
 ابتدا ای این درود و این دقیقه  
 درود و اشارت است بآنکه فرستادن  
 درود و بیجا است بر او الهی و بعد از آن  
 بود ای همین اشارت زیاده کرده لیل ۱۱  
 و ای همین اشارت زیاده کرده لیل ۱۱  
 و ای همین اشارت زیاده کرده لیل ۱۱

این قول بدل و جان در خدمت  
 دبی دقیقه باید که گویند  
 ای سنی نماید تا دین قول صادق  
 ای دلای که بخت نفس خود را  
 ای دلای که بخت نفس خود را  
 ای دلای که بخت نفس خود را



مقاماً محمود انصاری صاحب ان ستودند و بنامش شکر و تعظیم نمودند و ان مقام شریف و عظیم است

الْخَيْرِ وَمَرْسُولِ الرَّحْمَةِ اللَّهُمَّ اَبْعَثْهُ

له خوب و بختش که خدا یا سه بر اکتی ان ادر

مَقَامًا مَحْمُودًا تَغِيْظُهُ فِيْهِ الْاَوَّلُونَ

مقامی پسندیده که رشک برند در ان پیشینان

وَالْاٰخِرُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى

و پسینان خدایا صلح درود فرست بر محمد

اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ اِنَّكَ

آل محمد همانچه درود فرستاده تو بر ابراهیم بر راسته که تو

حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى

ستوده شده بزرگواری خدایا برکت ده بر محمد و بر

اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ

آل محمد همانچه برکت داد تو بر ابراهیم بر سبب آنکه تو ستوده شده

مَّجِيْدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِهِ

بزرگ خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل او

وَاصْحَابِهِ وَاَوْلَادِهِ وَاَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ

ویران او و اولاد او و ازواج او و ذریت او

وَاَهْلَ بَيْتِهِ وَاَصْحَابِيْهِ وَاَنْصَارِيْهِ

و اهل بیت او و بر خویشان او و یار و یارندگان او

صاحب ان ستودند و بنامش شکر و تعظیم نمودند و ان مقام شریف و عظیم است

مقاماً محمود انصاری صاحب ان ستودند و بنامش شکر و تعظیم نمودند و ان مقام شریف و عظیم است

مقاماً محمود انصاری صاحب ان ستودند و بنامش شکر و تعظیم نمودند و ان مقام شریف و عظیم است

مقاماً محمود انصاری صاحب ان ستودند و بنامش شکر و تعظیم نمودند و ان مقام شریف و عظیم است

مقاماً محمود انصاری صاحب ان ستودند و بنامش شکر و تعظیم نمودند و ان مقام شریف و عظیم است

مقاماً محمود انصاری صاحب ان ستودند و بنامش شکر و تعظیم نمودند و ان مقام شریف و عظیم است

مقاماً محمود انصاری صاحب ان ستودند و بنامش شکر و تعظیم نمودند و ان مقام شریف و عظیم است

مقاماً محمود انصاری صاحب ان ستودند و بنامش شکر و تعظیم نمودند و ان مقام شریف و عظیم است

شکر و تعظیم

انصاری صاحب ان ستودند و بنامش شکر و تعظیم نمودند و ان مقام شریف و عظیم است







بِحَمْدٍ وَلَمَّارَةٌ فَلَا تَحْرِمْنِي فِي الْجَنَّةِ رَوْقِيَّة

دعا لاکندیده ام از ادریس خردم کرد ان مراد در همه آنها دیدار ادریس

وَأَمْرِ قُنِي حُبَّتَهُ وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَ

درد زنی کن مرا محبت ادریس دبیران مرا بر دین ادریس

أَسْقِنِي مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَبًا زَوْيَا سَاعِيًا

بنوشان مرا آن از حوض او نوشیدنی شیراب گفته خردونده

هَيَّا لَا تَنْظِئَاءُ بَعْدَهُ أَبَدًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

کوانده که نشنیده نشویم بعد او هرگز بدرستی که تو بر هر چیزی

قَدِيرٌ اللَّهُمَّ أَبْلِغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مَبِيَّتِي حَيَّيَّةً

تو ای الهی خدایا برسان جان محمدا از من دعا خیر

وَسَّلَامًا اللَّهُمَّ وَكَمَا آمَنْتَ بِهِ وَلَمَّارَةٌ فَلَا

وسلامت خدایا و چنانچه کردیده ام من با او حال کندیده هم از ادریس

تَحْرِمْنِي فِي الْجَنَّةِ رَوْقِيَّة اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ

بلقبیب کن مرا در بهشتیها از دیدن او خدایا قبول فرما شایسته

شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ الْكَبْرِيِّ وَأَمْرُجْ دَرَجَتَهُ الْعَلِيَّا

شفاعت محمدا که بزرگترست و بلند کن درجه او را که بلندترت

وَأْتِهِ سُؤْلَهُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى كَمَا أَتَيْتَ

و بده او را مطلوب او را در آخرت و دنیا همانچه داده تو

Vertical marginal notes on the left side, containing various religious or explanatory text.

Diagonal marginal notes at the top right, providing commentary on the main text.

Large handwritten notes at the bottom of the page, continuing the discussion or providing additional prayers.

اوله

انك حميد محمد  
كبر او درون ابراهيم

نيز اكر اين الفاظ  
در احوال

آيه  
اوله

دست  
از توبه نشسته بر

است  
اوله

### فوله

وعيسى وروحك

يعني صادر شده  
از توبه و سوط

اسباب

۱۲  
۴

سَيِّدَنَا اِبْرَاهِيمَ وَسَيِّدَنَا مُوسَى اللَّهُمَّ صَلِّ

رئيس مايان ابراهيم و رئيس مايان موسى خدا يا درود بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى اِبْرَاهِيمَ

بر محمد و بر آل محمد چنانچه درود فرستاده تو بر ابراهيم

وَعَلَى آلِ اِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ

و بر آل ابراهيم و برکت ده بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى اِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ اِبْرَاهِيمَ

محمد چنانچه برکت داده تو بر ابراهيم و بر آل ابراهيم

انك حميد محمد اللهم صل وسلم وبارك

بر سینه که تو ستوده شده و بزرگواری خدا یا درود بفرست و سلام کن و برکت ده

عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَ

بر سر دار مايان محمد که پیغمبر هست و فرستاده شده توبه است و

اِبْرَاهِيمَ خَلِيْلِكَ وَصَفِيِّكَ وَمُوسَى كَلِيْمِكَ

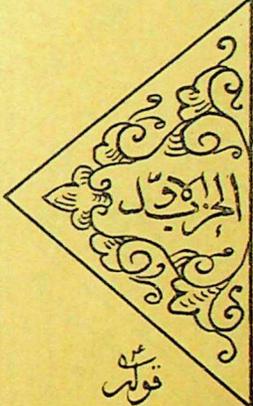
و ابراهيم دوست است و بر کنیده است موسی که مسموح است

وَجَنِّيكَ وَعَيْسَى رُوحِكَ وَكَلِيْمِكَ وَعَلَى جَمِيْعِ

و همرازت و عیسی که روح است و کلمه است و بر همه

مَلٰئِكَتِكَ وَرُسُلِكَ وَانْبِيَآئِكَ وَخَيْرِكَ مِنْ

فرشتگان خود و پیغمبران خود و انبیا خود و بر کنیده کن خود از



قولته

و كلمتك و اورا که

از ان گفت که کلمه  
کن حاصل شده

بپدر

أقولته

و در سلك بضم اول در دم

و بكون دم نیز

و پیغمبران  
خود که

صاحب کتاب

و صاحب

فوله و خیرتک

کبر خیرتک یا خیرتک

و بر کنیده کن خود

برای توبه

توبه

اوله

خویش

داوریا ایا که منفعتی در با او باشد...  
تفسیر کند شسته...  
خوردن به نیت باشد و ظاهر است که بر آ  
قبول و رضا بقصد  
یعنی خیزان درود فرستد که خدای تعالی  
محبوب را بی غرض بخورد که در درود کافر  
و فرستد خود که زکترین مخلوق است  
و است از آن کسی نداند که خداست  
نیت بر کسی به حق آسمان و منفعت  
نیت بر کسی به حق زمین  
بیان دینت که بر کسی به حق آسمان  
یعنی اصل از کلماته یعنی  
مقدار سخنان خود و برابر بسیار است  
شود سخنان او در آیه انعامت نیت  
چون که خدای تعالی در قرآن مجید در آیه  
سوره که گفت میفرماید و اگر با نیت آیه دریا  
مدا و بی نیت بسیار باشد و اگر با نیت آیه دریا  
بدر در کافر یعنی معانی قرآن و با معلومات او

خَلْقِكَ وَأَصْفِيَاءِكَ وَخَاصَّتِكَ وَأَوْلِيَاءِكَ

آفرینش تو و برپسیدهای تو و خاصگان خود و دوستان خود

مِنَ أَهْلِ مَرْضِيكَ وَسَمَائِكَ وَصَلَّى اللَّهُ

از اهل زمین تو و آسمان تو و درود فرستد خدای

عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ خَلْقِهِ وَرِضَا

بر دوستر مایان محمد بشمار خلق خود و خوشنودی

نَفْسِهِ وَرِزْقَ عَرَشِهِ وَمِثْلَ أَهْلِ كَلِمَتِهِ وَ

ذات خود و ریزن عرشش خود و مقدار سخنان خود و

كَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَكَلِمَا ذِكْرَهُ الدَّاكِرُونَ وَ

مثل آنچه اوست از ارادت و هرگاه یاد کند او را یاد کنند گان و

غَفَلَ عَنِ ذِكْرِ الْغَافِلُونَ وَعَلَى أَهْلِ

غفلت و رزق از یاد از غافلان و بر اهل

بَيْتِهِ وَعِزَّتِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَمَ

بیت او و اولاد وی که پاک اند و سلام فرستد

تَسْلِيمًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى

سلام فرستادند خدا یا درود بفرست بر محمد و بر

أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَعَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ

زنان او و اولاد او و بر همه پیغمبران

مقدار سخنان خود و برابر بسیار است  
شود سخنان او در آیه انعامت نیت  
چون که خدای تعالی در قرآن مجید در آیه  
سوره که گفت میفرماید و اگر با نیت آیه دریا  
مدا و بی نیت بسیار باشد و اگر با نیت آیه دریا  
بدر در کافر یعنی معانی قرآن و با معلومات او  
بر آیه فلان کرد و فلان مذاب در میان  
او زیرا که نامتای او در و کار و علوم  
صلا اند علیهم السلام درود بفرستد بر آن  
آن در در دست یعنی باید زده فرستد بر آن  
او زود است و استیجاب آید و در و کار خدای تعالی  
و سبحانه عرشاً است و در و کار خدای تعالی  
آن در در دست است و در دست بفرستد بر آن  
وقال فی درود در وقت مضای نفس  
در روزی در که دعا در وقت مضای نفس  
در روزی در که دعا در وقت مضای نفس  
در روزی در که دعا در وقت مضای نفس  
در روزی در که دعا در وقت مضای نفس  
در روزی در که دعا در وقت مضای نفس

ذکر کرده است ۱۲  
یعنی در وقت که در دست بفرستد بر آن  
و در دست بفرستد بر آن

والله اعلم  
بما نزلنا و  
اولئك هم  
الاولاد  
فوقه

عباد الله  
ياد من  
يتوجه بخدا  
و در بخت  
خود را

بگازین  
بنیامین  
نمی بینیم  
و در آن  
جمله

بنا کرده توان  
آسمان را  
تا از آن زمان  
بر ما دوست

وَالْمُرْسَلِينَ وَالْمَلَائِكَةَ وَالْمُقَرَّبِينَ لَهُ وَ

و فرستادگان و فرشتگان و نزدیکان درگاه تو و

جَمِيعٍ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ عَدَدًا مَّامُطَرِي

همه بندگانی که خدا که میسر و کارا کنند بشمار چیزی که بار آیندهت آنرا

السَّمَاءِ مِنْكُ بِنِيَّتِهَا وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

آسمان ابتدای آن زمان که بنا کرده تو آنرا و در در بخت بر محمد بشمار

مَا أَنْتَبِتَ لآخر مُنْكَ حَوْثًا وَصَلِّ عَلَى

چیزی که رویاندهت آنرا از بین ابتدای وقت که کسرتده تو آنرا و در در بخت بر

مُحَمَّدٍ عَدَدَ الْجُودِ فِي السَّمَاءِ فَإِنَّكَ أَحْصَيْتَهَا

محمد بشمار ستارگان که در آسمانند بس بر سیمک که نوشته آنهارا

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا تَنْقَسِي الأَرْوَاحُ

و در در بخت بر محمد بشمار چیزی که پیدا کرده تو دمزدن همه جانوران جاندارها

مِنْكَ خَلَقْتَهَا وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا

از ابتدای وقتی که پیدا کرده تو آنرا و در در بخت بر محمد بشمار چیزی که

خَلَقْتَ وَمَا خَلَقْتَ وَمَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَ

پیدا کرده تو و پیدا میکنی تو و چیزی که ترا سیده است که آن بعلوم تو و

أَضَاعَ ذَيْلِكَ أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ عَدَدَ خَلْقِكَ

نموده بر زیادۀ آن خدایا در و در بخت برایشان بشمار از فرمایش خود

بنا کرده توان آسمان را تا از آن زمان بر ما دوست  
نموده  
باران از آسمان و احوال است معلوم شده که  
و نعمت از آسمان می آید و حساب بخار از زمین بر خورند  
و بی آسمان نمی آید و از آن آبهای می شود  
دو بار در ۱۳۰۰ ساله  
و در آسمان بیاید و از آن آبهای می شود  
بنی و بشمار بر هر چیزی که در آسمان است  
بآن علم تو در بخت چیزی از او در بخت  
بنا کرده توان آسمان را تا از آن زمان بر ما دوست

الباقی من  
الاولاد  
فوقه

بیت بیست و هفتم در استنسی درود  
جان بنیت از علمت نشانیان  
فوقه واضعاف ذالک  
یعنی درود بخت بر محمد بنسوده تو  
توانی ببالا بردن او در بخت بر ما دوست  
اینکه نوشته در درازین جابجاست  
در طلب کثرت چندی درود

قولی درود بخت بر محمد در  
آیا که نوشته در بخت بر ما دوست  
سابق ۱۲

والمع

مبلغ عملك

بفتح هم و سكران با هم و ه  
و با نذاره نمايت

علم خود

بفتح يا عينا ارتقى علم  
بعبادت مودود

الفعل  
و كذا

علمك را نهايت نيت  
و با هم مودود نمايت

و بجهت عبادت  
و بجهت عبادت

قولك

وَرِضَاءَ نَفْسِكَ وَزِينَةَ عَرْشِكَ وَمِدادَ

و با نذاره خوشنودی ذات خود و بوزن عشر خود ملكه و بقدر

كَلِمَتِكَ وَمَبْلَغَ عِلْمِكَ وَائِيكَ اللَّهُمَّ صَلِّ

سخنان خود و رسیدگی علم خود و علامات خود خدا یا درود بفرست

عَلَيْهِمْ صَلَوةً تَقْوَى وَتَقْضُلُ صَلَوةً

برایشان درودیکه بلند و بزرگ بود درود

الْمُصَلِّينَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ

درود گویندگان بر آنها از مخلوقات همه

كَفَضْلِكَ عَلَىٰ جَمِيعِ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ

مانند بزرگی تو بر همه آفریدگان خود خدا یا درود بفرست

عَلَيْهِمْ صَلَوةً دَائِمَةً مَّسْمُومَةً اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

برایشان درودیکه همیشه باشد جاری بود همیشه

عَلَىٰ مَرِّ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ مُتَّصِلَةً الدَّوَامِ

بر جاری بودن شبها و روزها پیوسته بوده همیشه

لَا انْقِضَاءَ لَهَا وَلَا انْحِرَافًا عَنِ مَرِّ اللَّيَالِي وَالنَّهَارِ

نیت پایان رسیدن مرا آنرا و نه تنگگی بر که نشین شبها و

الْأَيَّامِ عَدَدَ كُلِّ وَابِدٍ وَطِيلَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

روزها بشمار قطعی ای باران بزرگ و ضعیف خدا یا درود بفرست بر

و انما لك هر روز که مودود است و بفرست  
و نشان قدرت او است و نیز نمايت  
و ادایات تو را نذاره نمايت  
بود با چو که نشین از آن ابات بر آن  
از احکام تو فصل اخبار و کلمات تو  
و حرکات و سکانت و ظاهر است که هر دو  
مادرت زیرا که مقصود با لغت در درود

كفضلك على جميع خلقك  
یعنی بزرگ بود درودیکه تو هست بر درود  
آن درود گویندگان بر همه آفریدگان تو  
تو بذات آنها زیرا که بزرگ است بر فضل  
انداخته بزرگی فاعل است ۱۲  
بلافاصله

كفضلك على جميع خلقك  
یعنی بزرگ بود درودیکه تو هست بر درود  
آن درود گویندگان بر همه آفریدگان تو  
تو بذات آنها زیرا که بزرگ است بر فضل  
انداخته بزرگی فاعل است ۱۲  
بلافاصله

كفضلك على جميع خلقك  
یعنی بزرگ بود درودیکه تو هست بر درود  
آن درود گویندگان بر همه آفریدگان تو  
تو بذات آنها زیرا که بزرگ است بر فضل  
انداخته بزرگی فاعل است ۱۲  
بلافاصله

عالمی از اللالی  
و بعضی از همان عبارت  
نیاید ۱۱

قول

محمد سبک

در ذکر وصفات شایسته

با آنکه ادغام است همه

کلمات پیغمبری را

۱۳

مُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ وَإِبْرَاهِيمَ خَلِيْلِكَ وَعَلِيَّ جَمِيْعٍ

محمد که پیغمبر است و ابراهیم که دوست است در همه

اَنْبِيَاءِكَ وَاصْفِيَاءِكَ مِنْ اَهْلِ رَضْوِكَ

پیغمبران خود و برگزیدگان خود از اهل زمین تو

وَسَمَائِكَ عَدَدَ خَلْقِكَ وَرِضَاءِ نَفْسِكَ

و آسمان تو بشمار آفرینش خود و با اندازه حسنه‌های ذات خود

وَزِيْرَةِ عَرْشِكَ وَمِثْلِ اَدْكَلِمَتِكَ وَمُنْتَهَى

و بوزن عرش خود و بمقدار سخنان خود و با اندازه نهایت

عَمَلِكَ وَزِيْرَةِ جَمِيْعِ مَخْلُوْقَتِكَ صَلْوَةٌ

نهایت عمل خود و بوزن همه آفرینش تو درودیک

مُكْرَرَةٌ اَبَدًا عَدَدَ مَا اَحْصَى عِلْمُكَ وَ

بلی هم آمده باشد همیشه بشمار چیزی که ضبط کرد از علم تو و

مِثْلًا مَا اَحْصَى عَمَلُكَ وَاضْعَافَ مَا اَحْصَى

بمقدار بری چیزی که ضبط کرده است از اعمال تو و چند در چند چیزی که شمرده است از ا

عِلْمِكَ صَلْوَةٌ تَرْبِيْدٌ وَتَقْوٌ وَتَقْضَلٌ وَ

علم تو درودیک زیاده و بلند و بزرگ بود

صَلْوَةٌ الْمُصَلِّيْنَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْخَلْقِ اَجْمَعِيْنَ

درود درودگوییندگان را بر آنها که از مخلوقات آنها کفضل



**قولہ**  
بعد الصلوة قائمہ  
در شکر دعا استاده کرده اند

در میان آسمان زمین بالادنی و  
از انجیری تا کمزرد و غیرستی بخیبر  
تود و درود خود البتہ مقبول است

یعنی دعوت اسلام را بکل بنام است  
دانت که در کعبه رسد دست در پای  
کعبه زود و نگاه که سید ۱۲

مانند بزرگے تو بر همه آفریدگان بعد از آن دعا  
ببین دعوت اسلام را بکل بنام است  
ان محمد از رسول الله ۱۲  
قولہ  
حفظ عهده و خدمت و سبب  
میکند و عمود و ستون است  
واجب بود دانست که آنچه  
انفرت علی الله علیه السلام  
بگویند و در کعبه است  
قولہ

كَفَضِيكَ عَلٰى كَمِّى خَلْقِكَ تَسْتَقْدَوْم

بِهِدِ الدُّعَاءِ فَإِنَّهُ مَرْجُو الْإِجَابَةِ اِنْ شَاءَ  
باین دعا بر تحقیق آن دعا امید داشته شده است پذیرفتن او

اللَّهُ تَعَالَى عَبْدَ الصَّلَاةِ عَلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ  
اگر خواهد خدای بزرگ بعد درود بر پیغمبر

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ زَمَرَةٍ  
بر روی سلام خدا یا کردن ما را از کسی که لازم گرفته اند

مِلَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
دین پیغمبر تو که محمد است درود فرستد خدای بوی سلام

وَعِظَةً حُرْمَةً وَأَعَزَّ كَلِمَةً وَحَفِظَ عَهْدَهُ  
و بزرگ داشته مرتبه بزرگی او را و بزرگی دادند کلمه او را و نگاه داشته میان او را

وَدَمِئَةً وَنَصْرَ حَرْبٍ وَدَعْوَتَهُ وَكَثْرَتَهُ  
و دامت او را و یاری دادند شکر او را و خوانند او را و زیاده کرد اینند

تَابِعِيهِ وَفِرْقَتَهُ وَوَأْفَى زُمَرَتَهُ وَلَمْ  
بگردان او را و کرده او را و اندند کرده او را و نکردند

يُخَالَفُ سَبِيلَهُ وَسُنَّتَهُ اللَّهُمَّ إِنِّي  
مخالفت راه او را و طلقه او را خدا یا بزرگ



آن چنانچه توصیف خدا تعالی و یقین  
و طاعت وی  
قولہ

یعنی بگردان او را ۱۲  
قولہ  
یعنی خواندن او را بپوشیدن خود  
قولہ  
کثر بشکر خداوند ۱۲  
قولہ  
بگردد کرده او را و در او زیاده  
شامل بودن و موافقی شدن است

این دعا جامع است و علیها بسیار راهها  
علم و علم از کرامت آمده و هر که بخواند  
و این دعا جامع است و علیها بسیار راهها  
علم و علم از کرامت آمده و هر که بخواند  
و این دعا جامع است و علیها بسیار راهها  
علم و علم از کرامت آمده و هر که بخواند

از تو نویسی چنانکه زون بطریق و بی طلبی  
و از تو نویسی چنانکه زون بطریق و بی طلبی  
و از تو نویسی چنانکه زون بطریق و بی طلبی  
و از تو نویسی چنانکه زون بطریق و بی طلبی

أَسْأَلُكَ أَلَيْتُمْ سَأَلَ بَيْتِيهِ وَأَعُوذُ بِكَ

سوال میکنم من ترا چنگ زون بطریق و بی و نه میگیرم بتو

مِنَ الْإِخْرَافِ عَمَّا جَاءَ بِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي

از روگردانیدن از چیزی که آورده است از خدا باید بر سستیگم

أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ مُحَمَّدٌ

سوال میکنم ترا از این که سبب آنچیز که سوال کرده است تو از ان محمد

فَبَيْنِكَ وَمَسْئَلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پیغمبرت و فرستاده است درود فرستده ضای تقالی بر دی و سلام

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَكَ مِنْهُ

ویناه میگیرم بتو از بدی چیزی که بنه گرفته است بتو از ان جز

لِمُحَمَّدٍ وَبَيْنِكَ وَمَسْئَلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

محمد که پیغمبرت و فرستاده است درود فرستده ضای بر دی

وَسَلَّمَ اللَّهُمَّ اغْنِمْنِي مِنْ شَرِّ الْفِتَنِ وَ

سلام خدا یا نگاه دار مرا از شره فتنها و

عَافِنِي مِنْ جَمِيعِ الْحَيْنِ وَأَصْلِحْ لِي مَا

سلامت دار مرا از همه محنتها و درست کن گردان از من چیزی که

ظَهَرَ وَمَا بَطَّنَ وَثِقْ قَلْبِي مِنَ الْحِقْدِ

خیال برت و چیزی که پوشیده است و باک گردان دل مرا از کینه و لغد

و آن دست و پا است و چشم روشن هم غصه دارا  
ان آنست که استقامت کند در بار دارا و از آن  
حق تعالی بان است و در بار دارا و از آن  
سخ از آن نموده است و قول حق را در حق  
دان دل است و از آن است و در حق  
سخن وی از خصال نبیست و صوت  
ظا غیرت و باطن نبیست و از آن  
ظا غیرت و باطن نبیست و از آن  
ظا غیرت و باطن نبیست و از آن

از تو نویسی چنانکه زون بطریق و بی طلبی  
و از تو نویسی چنانکه زون بطریق و بی طلبی  
و از تو نویسی چنانکه زون بطریق و بی طلبی  
و از تو نویسی چنانکه زون بطریق و بی طلبی



و آنچه در این دعا است از جمله دعاهاست که در روز قیامت بخواند  
و در روز قیامت بر او نوشته شود که از او در روز قیامت بخواند  
و در روز قیامت بر او نوشته شود که از او در روز قیامت بخواند

وَأَهْزِلْ لَآلِهَمَّ اَنَّ لِي ذُنُوبًا فِيمَا بَيْنِي

سخنه که بسخر کی گفته شود خدا ایا بدستی که برای من کنههاست در میان ما

وَبَيْنِكَ وَذُنُوبًا فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَ خَلْقِكَ

در میان تو و کنههاست در میان ما و میان آن که بد کن تو

اللَّهُمَّ مَا كَانَ لَكَ مِنْهَا فَاعْفُوهُ وَمَا كَانَ

خدا ایا آنچه باشد مر تر از آن کن بان بس بخشش آزا و آنچه باشد

مِنْهَا لِحَلْفِكَ فَتَحْتَهُ عِزُّهُ وَاعِزِّي بِفَضْلِكَ

از آن کن بان برای افرید که تو پس بر دار بار آزا از من و بی نیاز کردن مرا بفضول خود

إِنَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ اللَّهُمَّ تَوَزَّ بِأَعْيُنِ قَلْبِي

برستی که تو صاحب مرزش هستی حسد یا روشن کردن سببم دل مرا

وَأَسْتَعْمِلْ بِطَاعَتِكَ بَدَنِي وَخَلِصْ مِنْ

در عمل آ بفرمان برداری خود تن مرا درها کن از

الْفِتَنِ سِرِّي وَأَسْغَلْ بِالْإِعْتِبَارِ فِكْرِي

فتنها باطن مرا در کار دار بعبرت گرفتن اندیشه مرا

وَقِي شَرَّ وَسَاوِسِ الشَّيْطَانِ وَأَجْرُ مِنْهُ

دنگاه را از بدی و وسوسهای شیطان داین کردن مرا از د

يَا رَحْمَنُ حَتَّى لَا يَكُونَ لَهُ عَلَى سُلْطَانٍ

ای نیک بخشنده تا آنکه نباشد مراد را بر من غلبه

و آنچه در این دعا است از جمله دعاهاست که در روز قیامت بخواند  
و در روز قیامت بر او نوشته شود که از او در روز قیامت بخواند  
و در روز قیامت بر او نوشته شود که از او در روز قیامت بخواند  
و در روز قیامت بر او نوشته شود که از او در روز قیامت بخواند  
و در روز قیامت بر او نوشته شود که از او در روز قیامت بخواند

و آنچه در این دعا است از جمله دعاهاست که در روز قیامت بخواند  
و در روز قیامت بر او نوشته شود که از او در روز قیامت بخواند  
و در روز قیامت بر او نوشته شود که از او در روز قیامت بخواند  
و در روز قیامت بر او نوشته شود که از او در روز قیامت بخواند  
و در روز قیامت بر او نوشته شود که از او در روز قیامت بخواند

و آنچه در این دعا است از جمله دعاهاست که در روز قیامت بخواند  
و در روز قیامت بر او نوشته شود که از او در روز قیامت بخواند  
و در روز قیامت بر او نوشته شود که از او در روز قیامت بخواند  
و در روز قیامت بر او نوشته شود که از او در روز قیامت بخواند  
و در روز قیامت بر او نوشته شود که از او در روز قیامت بخواند

سعدی است به تمام فایز اند  
دگرگشتن از است کلمات در ایضا نوشته  
فکر کن ای خواجه زورت یک هفت آن نور کز نور  
فکر کن ای خواجه زورت یک هفت آن نور کز نور  
فکر کن ای خواجه زورت یک هفت آن نور کز نور  
فکر کن ای خواجه زورت یک هفت آن نور کز نور

من راه آن تبه که پیش آید شهن  
فکر کن ای خواجه زورت یک هفت آن نور کز نور  
فکر کن ای خواجه زورت یک هفت آن نور کز نور  
فکر کن ای خواجه زورت یک هفت آن نور کز نور  
فکر کن ای خواجه زورت یک هفت آن نور کز نور

الْحَبِيبُ التَّائِي  
تَقْرِئُ يَوْمِ الثَّلَاثِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَعْلَمُ  
وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعْلَمُ وَأَسْتَغْفِرُكَ  
مِنْ كُلِّ مَا تَعْلَمُ إِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ  
أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي مِنْ  
رَمَائِي هَذَا وَاحِدًا قَائِفِينَ وَتَطَاوُلِ  
أَهْلِ الْجُرُأَةِ عَلَيَّ وَأَسْتَغْفِرُهُمْ أَيَايَ اللَّهُمَّ

این است را بدین نیز یافته است  
در زمانه اعمال نویسنده بلکه گفته که در پیش  
آن غم است و آن آرد از نفس بر  
علی ای خواجه زورت یک هفت آن نور کز نور  
فکر کن ای خواجه زورت یک هفت آن نور کز نور  
فکر کن ای خواجه زورت یک هفت آن نور کز نور

از زمانه من این زمان و فرا رفتن فتنه ها  
صاحبان دلیری بر من و ضعیف شدن ایشان مرا خدایا  
از زمانه من این زمان و فرا رفتن فتنه ها  
صاحبان دلیری بر من و ضعیف شدن ایشان مرا خدایا

درگز بکبر خدای  
۱۲

فکر  
من جمیع خلق این باغبان  
از کثرت ذرات بسیار از غنای  
یاد در ظاهر یاد بر این دروغ  
سیدان اند که دست  
۱۲  
فکر  
۱۲  
بغض غمزه  
۱۲

اجعلني منك في عبادك ممنيع وحرز حصين

کردان مرا از جهت فضل خود در بنام استوار و مکان استوار

من جميع خلقك حتى تبلغني اجلي معافا

از همه آفرینش خود تا آنکه برسانی مراد من که از دعا که بشیم عافیت داده شده

اللهم صل على محمد وعلى آل محمد عدد

هدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار

من صلى عليه وصل على محمد وعلى آل محمد

کسانی که درود فرستند بر او و درود بفرست بر محمد و بر آل محمد

عدد من لم يصل عليه وصل على محمد

بشمار کسانی که درود نگفتند بر او و درود بفرست بر محمد

وعلى آل محمد كما ينبغي الصلوة عليه و

و بر آل محمد چنانچه سزاوارست درود فرستادن بر او و درود

على محمد وعلى آل محمد كما يجب الصلوة

بر محمد و بر آل محمد چنانچه واجبست درود

عليه وصل على محمد وعلى آل محمد كما

بر او و درود بفرست بر محمد و بر آل محمد چنانچه

أمرت أن يصل عليه وصل على محمد وعلى

فرموده تو که درود فرستاده شود بر او و درود بفرست بر محمد و بر آل



فکر  
که يصل على من لم يصل  
درود و یا درود هم معلوم شد که هیچ  
سزای تقابل همه موجودات و درود  
بفرست صل الله علیه و آله و سلم نیز سبب  
و درود بفرست اختلاف است که زبان حال  
یکوینو زبان چنانچه بان ذکر شده  
بن درود دنیا بقال است و غنای  
در شمار اول اگر نه در شمار دوم پس  
طلب برود بشمار همه موجودات شده

قول

اللهم صل على محمد وآل محمد  
خود بخیر واسطه از تو که اصل بی تو نباشد  
و آن ذات حق تعالی است با نیکی که با  
زیات خود و ظاهر کنند همه اشیا را  
از عدم بوجود برین معنی الملاق بخواه  
صل الله علیه و آله و سلم و آنحضرت

و از نور من است یعنی که شسته  
چون که سپید اگر دعای تعالی توین اول  
و در اسم مبارک آنحضرت صل الله علیه و آله  
نور اسم مبارک آنحضرت صل الله علیه و آله  
و سلم و شرح آن در اینجا باید دید ۱۲  
فقط صل الله علیه و آله و سلم در آن  
نور است که در دل و کان رزقهای  
نقیح میم و کمال در ذات مبارک رس  
مانند زرد چوبه در ذات مبارک رس  
پوشیده ۱۲ قول صل الله علیه و آله

إِلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مِنَ نُورِ الْأَنْوَارِ

ال محمد که نور او از نور اصل همه نورهاست و

أَشْرَقَ بِشِعَاعِ سِرِّهِ الْأَسْرَارِ اللَّهُمَّ صَلِّ

روشن شد بدخشندگی راز او همه رازهاست خدا یا درود بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ

بر محمد و بر آل محمد و بر اهل بیت او که

الْأَبْرَارِ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

بیکو کاراستند بر آنها خدا یا درود بفرست بر محمد

عَلَى آلِهِ جَبْرَانُورِكَ وَمَعْدِنِ اسْرَارِكَ

بر آل او که دریای نورهای است و کان رزقهای است

وَلِسَانِ حُجَّتِكَ وَعَرُوسِ مَمْلَكَتِكَ وَ

د زبان دلیل وحدانیت و نوکه فدای ملک است و

إِمَامِ حَضْرَتِكَ وَخَاتِمِ أَنْبِيَائِكَ صَلَوَةٌ

پیروی درگاه است و آخر پیغمبران تو درود فرستاده

تَدْوٍ وَمُرِيدًا وَآمِيكَ وَتَبَقْرِي بَيْتِكَ صَلَوَةٌ

همیشه باشد همیشه و پانیده ماند بپایندگی تو درودیکه

تَرْضِيكَ وَتَرْضِيهِ وَتَرْضَى بِهَا

خشنود گرداند ترا و راضی گرداند او را و خشنود شوی تو سبب آن

فِي الْبَيْتِ وَالنَّبَا

نقیح عین نوکه فدای ملک تو یعنی خانه  
نوکه خدا سبب زینت خانه باشد  
دو بار بزرگ سبب زینت خانه باشد  
اولی استند همچنین شأن آنحضرت  
صل الله علیه و آله و سلم است  
ملک فدای ۱۲ قول تو رضی  
نقیح تا داد و خشنود شوی تو سبب آن  
درود و از میان که خشنود شوی تو سبب آن  
عازخان است در فدای تو درود  
همان مقصود عازخان است  
نظم  
دلیک ما خوانیم از آن  
مادامه این خشنود شوی  
۱۲

در وقت بیدار شدن و در وقت خواب و در وقت نماز و در وقت دعا و در وقت هر چه که خواهد کرد و در وقت هر چه که خواهد خواند و در وقت هر چه که خواهد کرد و در وقت هر چه که خواهد خواند

عَنَّا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْجَلَدِ وَ

از مایان ای بخشنیده ترین بخشنیدگان خدایا ایستادانه حلال و

لِلرَّامِ وَرَبِّ الشَّعْرِ الْحَرَامِ وَرَبِّ الْبَيْتِ

حرام و خداوند مشعر حرام و خداوند خانه

لِلْحَرَامِ وَرَبِّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ اَبْلَغَ لِسَانِنَا

ماحرمت و خداوند رکن و مقام برسان مهیتر و بهترین

وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ مِّنَّا السَّلَامُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

و صاحب مالک مایا محمد از مایان سلام خدایا درود و بفرست بر

سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْاَوَّلِيْنَ

سر در مایان و یاری دهنده مایان محمد سر در پیشینیان

وَالْاٰخِرِيْنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَ

و پسینان خدایا درود و بفرست بر رئیس مایان و

مَوْلَانَا مُحَمَّدٍ فِيْ كُلِّ وَقْتٍ وَحِينَ اَللّٰهُمَّ

مالک مایان محمد در هر زمان و هنگام خدایا

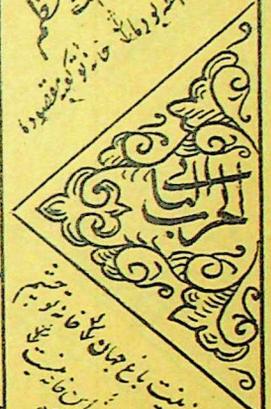
صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ فِي

درود و بفرست بر سر در مایان و مالک مایان محمد در

اَلْمَلَأِ الْاَعْلٰى اِلَى يَوْمِ الدِّيْنِ اَللّٰهُمَّ

کروه بلند تر از روز جزا خدایا صل

در وقت بیدار شدن و در وقت خواب و در وقت نماز و در وقت دعا و در وقت هر چه که خواهد کرد و در وقت هر چه که خواهد خواند و در وقت هر چه که خواهد کرد و در وقت هر چه که خواهد خواند



در وقت بیدار شدن و در وقت خواب و در وقت نماز و در وقت دعا و در وقت هر چه که خواهد کرد و در وقت هر چه که خواهد خواند و در وقت هر چه که خواهد کرد و در وقت هر چه که خواهد خواند

در وقت بیدار شدن و در وقت خواب و در وقت نماز و در وقت دعا و در وقت هر چه که خواهد کرد و در وقت هر چه که خواهد خواند و در وقت هر چه که خواهد کرد و در وقت هر چه که خواهد خواند

ازین کونیه در آن حضرت صلوات  
علیه آید و سلم و بجا بیاید سلام مشرف  
سین یا نیدم آن کونیه در ایست توان  
داشت که سلام بر آن حضرت صلوات  
کار و صحت و اقامت و برکت و در وقت  
افتد ترا از صد سلام بکند  
قولی فی الملای الاعلی  
و از زودی در دره بلند تر از روی تپه  
تقریبان درگاه الهی اندو مشغول  
در عبادت وی و کار نذر بهر لای شمشیر  
تمام صفحہ متعلقه ۸۵

صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ حَتَّى تَرْتِ

درد و بفرست بر پیش مایان و صاحب مایان محمد تا آنکه وارش شوی تو

الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ

زمین را و هر کس که برانت و تو بهترین وارثانی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأَمِيِّ وَعَلَى

خدایا درود بفرست بر محمد که پیغمبر ناخوانده و نا نویسنده است و بر

إِلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ

ال محمد چنانچه درود فرستاده تو بر ابراهیم بر سینه تو

حَمِيدٌ مُجِيدٌ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ

ستوده شده بزرگوار و برکت ده بر محمد که پیغمبر

الْأَمِيِّ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ

ناخوانده و نا نویسنده است چنانچه برکت داده تو بر ابراهیم بر سینه تو ستوده شده

مُجِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

بزرگواری خدایا درود بفرست بر سه دار مایان محمد

وَعَلَى آلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا

و بر آل سید مایان محمد بشمار چیزی که

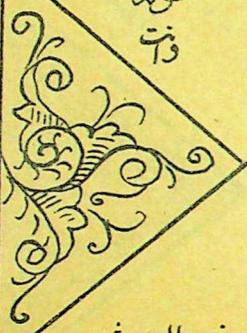
أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَجَرَى بِهِ قَلَمُكَ

فرا رسیده است جان علم تو و در غمت جان قلم تو

قولی  
حق قرنت

یعنی میرانی و نسبت کردانی همه  
خلایق را و باقی مایه تو چه میراث  
چیزی را کونیه بعد از مردون  
یکه به گیری رسد

قولی  
و انت



خیر الوارثین یعنی باقی  
همه بعد از نفی همه

غلائق  
۲۱

قولی

الامی

و با این همه الواجب علوم  
بر کشوده و مشرع

همه پیشینیان را  
بر منوع

نموده  
۱۲

باز در وقت دعا  
در خواندن این کلمات  
باید که در  
۱

قول

وَسَبَقَتْ مَشِيَّتَكَ وَهِيَ خَيْرٌ مِنْ  
مَشِيَّتِكَ إِذْ ارَادَهُ تَوْبِعُونَ بَابُ  
مَيْتٌ تَكْسِدُ بِمَشِيَّتِكَ تَأْتِي بِهَا  
خَلْفَهُ بِأَرَادَ أَنْ يَنْتَقِزَ خَارِجًا  
فَوَلَّى الْمَوَدَّاءَ إِلَى  
كِبَرِ الْوَدَّاءِ لِيُفَادِلَ  
دَائِمًا ۱۲

وَسَبَقَتْ بِمَشِيَّتِكَ وَصَلَّتْ عَلَيْهِ

ویشی نموده است بر بودن آن اراده تو در و در فرستاده اند بر او

مَلَائِكَتِكَ صَلَوَةً دَائِمَةً يَدًا وَأَمِكَ

فرشتگان تو در و دیکه همیشه بود به همیشه تو

بَاقِيَةً بِفَضْلِكَ وَأِحْسَانِكَ إِلَى أَبَدٍ

و پاینده بسبب فضل تو و بخشش تو تا زمانیکه نهایت

الْأَبَدِ أَبَدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

ندارد همیشه جهان بود که پایان هر چه همیشه بودن آنرا و نباشد نیست

لَدَيْمُومِيَّتِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا

هر همیشه بودن آنرا خدا یا در و در بفرست بر رئیس مایان سید

مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا أَحْصَى

محمد و بر آل سید مایان محمد بشمار چیزی که فراموش کرده است

بِهِ عِلْمَكَ وَأَحْصَاهُ كِتَابُكَ وَشَرِّدَتْ

بآن علم تو و شمرد و ضبط نمود آنرا که با تو دو کواچه دادند

بِهِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْرَضَ عَنْ أَصْحَابِهِ وَ

بان فرشتگان تو و خوشنود شود از یاران او

أَرْحَمَ أُمَّتَهُ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ اللَّهُمَّ صَا

در رحمت کن امت او را بدین سبب که تو ستوده شده و بزرگواری خدا یا



قول  
وما احاط به علمك  
نظم

دانه نیت در کین دکان  
که ز علمش بود محیط بان  
عد و یک در بسیارها  
عد و یک کتاب بسیارها

بمنز و یک او بود فلان هر  
بمدر علم او بود فلان  
قول  
و انرض

فوق  
استله  
اورا ۱۲

قول

وعلی جمیع اصحاب محمد

صالح اسرار آورده که در دو رکعت

در دو رکعت از سید علی علیه

اصحاب را نیز بنجارد درود در هر دو رکعت آورده

نقره بعد از این الصلوة هذا علی

ع

اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى جَمِيعِ

اصحاب محمد اللهم صل على محمد وعلى آل محمد

محمد كما صليت على ابراهيم وبارك اللهم

على محمد وعلى آل محمد كما باركت على ابراهيم

وعلى آل ابراهيم في العالين انك حميد

مجيد اللهم صل على سيدنا ومولانا

محمد عدا ما احاط به علمك اللهم

صل على سيدنا ومولانا محمد عدا ما

احصاه كتبك اللهم صل على سيدنا

محمد وضبط نموده است از آن باب خود خدا یا در دو رکعت بر سه درامایان

اللهم صل على محمد وعلی آل محمد  
وعلی جمیع اصحاب محمد  
صالح اسرار آورده که در دو رکعت  
در دو رکعت از سید علی علیه  
اصحاب را نیز بنجارد درود در هر دو رکعت  
نقره بعد از این الصلوة هذا علی  
ع

اللهم صل على محمد وعلی آل محمد  
وعلی جمیع اصحاب محمد  
صالح اسرار آورده که در دو رکعت  
در دو رکعت از سید علی علیه  
اصحاب را نیز بنجارد درود در هر دو رکعت  
نقره بعد از این الصلوة هذا علی  
ع

اللهم صل على محمد وعلی آل محمد  
وعلی جمیع اصحاب محمد  
صالح اسرار آورده که در دو رکعت  
در دو رکعت از سید علی علیه  
اصحاب را نیز بنجارد درود در هر دو رکعت  
نقره بعد از این الصلوة هذا علی  
ع

ما قدرت و صفت قدرت خود بخوان  
بمانندت و صفت قدرت خود بخوان  
۹۲ که اراده نماید  
۹۲ که اراده نماید

بخواند و بداند که این است  
بخواند و بداند که این است  
بخواند و بداند که این است

بخواند و بداند که این است  
بخواند و بداند که این است  
بخواند و بداند که این است

بخواند و بداند که این است  
بخواند و بداند که این است  
بخواند و بداند که این است

وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا مَفَعْتَنِي بِكَ قَدْرَكَ

و مالک مایان محمد بشمار چیز که روان شده است بآن قدرت تو

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ

خدایا درود بفرست بر سه در مایان و مالک مایان محمد بشمار

مَا خَصَصْتَهُ إِزَادَتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

چیز که خاص ساخته است از افزایشات تو خدایا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا تَوَجَّهَ إِلَيْهِ

سه در مایان و یاری دهنده مایان محمد بشمار چیزی که روی آورده است بوی ان

أَمْرِكَ وَهَيْبَتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا

فرمان تو و باز داشتن تو خدایا درود بفرست بر سه در مایان

وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا وَسَّعَتْ سَمْعَكَ

و صاحب مایان محمد بشمار چیز که فراسیده است از شنوای تو

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ

خدایا درود بفرست بر سید مایان و مالک مایان محمد

عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ بَصْرُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

بشمار چیز که فراسیده است بآن بینای تو خدایا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا ذَكَرَهُ الْذَّاكِرُونَ

سر در مایان و یاری دهنده مایان محمد بشمار چیزی که یاد کرده اند او را یاد کنندگان اللهم

بخواند و بداند که این است  
بخواند و بداند که این است

بخواند و بداند که این است  
بخواند و بداند که این است  
بخواند و بداند که این است  
بخواند و بداند که این است  
بخواند و بداند که این است  
بخواند و بداند که این است

قول

وغفل عن  
ذکره الغفلون

فائده  
در اجیاء

العیلوم آورده که ایمن  
شایقی آنحضرت صلی الله علیه و سلم  
در خواب دید که گفت یا رسول الله  
چه پادشاه اوست شایقی  
از جمله تو که  
دی



در کتاب  
رسالت گفته و صلی الله  
علی محمد کما ذکره  
اللذاکرون وغفل عن  
ذکره الغفلون  
پس فرمود  
آنحضرت

صلی الله تعالی علیه وآله وسلم  
پادشاه اوست شایقی  
آنکه استناد کرده  
نخواهند او

برای  
کتاب  
۲

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ

خدایا درود بفرست بر بزرگ مایان و مالک مایان محمد

عَدَدَ مَا غَفَلَ عَن ذِكْرِهِ الْغُفْلُونَ اللَّهُمَّ

بشمار چیزی که غفلت و رزند از یاد کردن او غفلان خدا یا

صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ

درود بفرست بر بهتر و مهمتر مایان و صاحب و مالک مایان محمد بشمار

قَطْرِ الْأَمْطَارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا

قطره های باران خدا یا درود بفرست بر رئیس مایان

وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ أَوْقَاعِ الْأَشْجَارِ

و مالک مایان محمد بشمار بر کهای درختان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ

خدایا درود بفرست بر سید مایان و صاحب مایان محمد

عَدَدَ دَعْوَاتِ الْفُقَرَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا

بشمار جانوران سید آنها خدا یا درود بفرست بر سید مایان

وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ دَعْوَاتِ الْبِحَارِ اللَّهُمَّ

و مالک مایان محمد بشمار جانوران دریا ها خدا یا

صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ

درود بفرست بر سردار مایان و مالک مایان محمد بشمار

بشمار  
بشمار  
بشمار  
بشمار  
بشمار

قولی

میاہ البحار

یعنی آبہاء دریا با اعتبار جزا  
آب اگر خیال کرده شود  
مثل ذره ذره

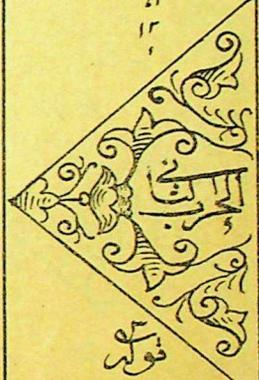
۱۲

قولی

واضاء علیہا لنتها

یعنی بشمار هر چه  
بر روی بی

۱۳



قولی

بالغدو والاحصال

بضمتین و تشدید او و مراد  
بمنتهی درودت در هر اوقات  
و ذکر کرده است در طرف  
شب و روز برای بزرگی این  
دو وقت که فرشتگان شب  
و فرشتگان روز درین

وقت مع

۱۲

قولی

عدد الواصل کبریه

بشمار رکبها یعنی

اجزای آن

۱۲

مِیَاهِ الْبَحَارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا

آقهای دریا یا خدایا درود بفرست بر رئیس مایان

وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَمًا أَظْلَعُ عَلَيْهِ الْبَلَدُ

و مالک مایان محمد بشمار آنچه یکبار یکبار شده است بر آن شب

وَإِضَاءَ عَلَيْهِ النَّهَارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا

و روشن شده است بر آن روز خدایا درود بفرست بر سید مایان

وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ بِالْغَدُوِّ وَالْإِحْصَالِ اللَّهُمَّ

و مالک مایان محمد بوقت باداد و بوقت شبانگاه خدایا

صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَمًا

درود بفرست بر سید مایان و مالک مایان محمد بشمار

الرِّمَالِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَ

رکبها خدایا درود بفرست بر هر متر و متر بایان

مَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَمًا لِلنِّسَاءِ وَالرِّجَالِ اللَّهُمَّ

مالک مایان محمد بشمار زنان و مردان خدایا

صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ رِضَاءً

درود بفرست بر رئیس مایان و مالک مایان محمد با اندازه خوشنودی

نَفْسِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا

ذات حلاله خدایا درود بفرست بر رئیس مایان و مالک مایان محمد

مُحَمَّدٍ بِمَكَدِكُمْ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا

محمد بمقدار سخنان خود خدایا درود بفرست بر سرور مایان

وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ مِلَّا سَمَوَاتِكَ وَارْضِكَ

و مالک مایان محمد باندازه بری آسمانهای خود و زمین خود

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ

خدایا درود بفرست بر سرور مایان و صاحب مایان محمد

زِنَةَ عَرْشِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا

بوزن عرش خود خدایا درود بفرست بر سرور مایان

وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ

و صاحب مایان محمد بشمار آفریدگان تو خدایا

صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ

درود بفرست بر سرور مایان و صاحب مایان بزرگترین

صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نَبِيِّ الرَّحْمَةِ

درود با سعه خود خدایا درود بفرست بر پیغمبر صاحب بخشایش

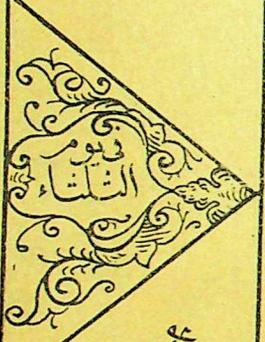
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى شَفِيعِ الْأُمَّةِ اللَّهُمَّ صَلِّ

خدایا درود بفرست بر شفاعت کننده امت خود خدایا درود بفرست

عَلَيْكَ أَشْفِ الْغُمَّةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

بر دور کننده اندوه خدایا درود بفرست بر

قولی  
بزرگترین بزرگترین یعنی بزرگترین خود  
تجسست یعنی آن است این کلام  
نموده این درود را چشم  
نموده این مقدار  
باند  
۱۳



قولی  
نبی الوصیة  
یعنی این در اسلام  
باید دید  
۱۲

قولی  
کاشف الغم  
دشمنی میم دور کننده اندوه  
از کسی آرد او را بگرد  
در دنیا و آخرت  
۱۱



۵  
قول  
الشامة بن بن  
رثا بن عيسى  
اسماء بن يحيى  
فولس بن غفر  
بهاضن بن محمد  
فولس بن غفر  
بهاضن بن محمد  
فولس بن غفر  
بهاضن بن محمد

|   |   |
|---|---|
| الشامة اللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ الْعِلْمَةِ اللّهُمَّ        | علامت خدايا درود بفرست بر خداوند مهر نبوت خدايا                 |
| صَلِّ عَلٰى الْمَوْصُوفِ بِالْكَرَامَةِ اللّهُمَّ صَلِّ           | درود بفرست بر وصف کرده شده بزرگ خدايا درود بفرست                |
| عَلٰى الْمُخَصَّصِ بِالرَّحْمَةِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ       | بر خاص کرده شده ب سرداری خدايا درود بفرست بر کسی که             |
| كَانَ تَطْلِعُهُ الرَّحْمَةُ اللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مَنْ كَانَ     | بود کسی که میگرداد او را بر خدايا درود بفرست بر کسی که بود      |
| يَرَى مِنْ خَلْفِهِ كَمَا يَرَى مِنْ أَمَامِهِ اللّهُمَّ صَلِّ    | میدید از پس پشت خود چنانچه میدید از پیش خود خدايا درود بفرست    |
| عَلٰى الشَّيْفِ الْمُسْتَفْعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اللّهُمَّ صَلِّ | بر شفاعت کننده که قبول کرده شد شفاعت روز قیامت خدايا درود بفرست |
| عَلٰى صَاحِبِ الضَّرَاعَةِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى                  | بر صاحب زدستی خدايا درود بفرست بر                               |
| صَاحِبِ الشَّفَاعَةِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ                | خداوند شفاعت خدايا درود بفرست بر صاحب                           |
| الْوَسِيلَةِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلٰى صَاحِبِ الْفَضِيلَةِ           | مستند عالی خدايا درود بفرست بر خداوند بزرگ                      |

ثابت شده که در نفس مبارک ای آن حضرت  
 ابرو در آن قبل از نبوت  
 اظهار آن نبوت  
 صلوات الله علیه و السلام از اوقات مبارک  
 قول من خلف کسی که بفرست  
 میم از آن بعد از پدید آمدن  
 قول من امام  
 او بودی  
 بفتح الف پیش خود کسی را که پیش او  
 بودی و ثابت شده این صفت او  
 هرگز در آن نزد شیخین و صحیح است



عظیم بود در طریق حرف عادت بفرست  
 مقابله با چشم یا چیزی که گفته اند که بود  
 باطن بود بلکه گفته اند که با کسی که پیش  
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم در پیش بود  
 باشند سوراخ سوزن در آن قول  
 ضعیف است  
 بفرست  
 قول الشفاعة  
 قول  
 علامت صاحب الضراعة  
 بر صاحب زدستی  
 حضرت خندانند با بیاری و چون  
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم در آن  
 از آن بود  
 بصفات الهی عادت خود  
 غالب بود در آن  
 از آن است  
 بسمت بازت بر کسی که  
 هم کسی است از آن

صاحب الغلبین قولہ  
سید محمد ہمدانی در مطالعہ اسرار  
از دہ کو ناسیدہ است نہ است  
علی الحدید و آلہ و سلم بیان نام در  
ابن خلدون در بیان صوت غلبین مبارک  
در کتب احادیث و روایات  
و بعضی احوال و کلمات  
و بعضی احوال و کلمات  
و بعضی احوال و کلمات

جدا بچ کرد و اندک بسیار مشتاق  
ان خواصی برکت بسیار مشتاق  
فاک و ذوق بیخود از مشتاق  
غلبین سید البرار صلوات  
غلبین مبارک را با بعضی خواص  
از روضۃ الاحباب تا یغایم جمال  
الذی حدیث بیکر در صفا نقل  
گفته درین مقام و نقل خود است  
مشتاق فاک بایستی علی اللہ علیہ  
والد و سلم بویات ان فیض باب نیند



ای دل دیدم کار غلبینت  
رشته جان تر کار غلبینت  
نزدایم ز غم چون جبری  
تا چو غلبین زیر پای

صاحب البرهان  
دلیل روشن که دلالت کند  
بر صدق رسالت و حقانیت  
و دیگر معجزات و کرامات

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى صَاحِبِ الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ

خدا درود بفرست بر خداوند پایه بلند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى صَاحِبِ الْمِرَاوَةِ

خدا یا درود بفرست بر خداوند عصا

صَلِّ عَلَى صَاحِبِ النَّعْلَيْنِ اللَّهُمَّ صَلِّ

درود بفرست بر صاحب النعلین خدا یا درود بفرست

عَلَى صَاحِبِ الْحِجَّةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

بر خدا وند دلایل روشن استوار خدا یا درود بفرست بر

صَاحِبِ الْبُرْهَانِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى صَاحِبِ

خداوند دلایل روشن خدا یا درود بفرست بر خداوند

السَّاطِنِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى صَاحِبِ التَّاجِ

غلبه خدا یا درود بفرست بر خداوند تاج

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى صَاحِبِ الْمِعْرَاجِ اللَّهُمَّ صَلِّ

خدا یا درود بفرست بر صاحب معراج خدا یا درود بفرست

عَلَى صَاحِبِ الْقَضِيْبِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رَاكِبِ

بر خداوند عصا خدا یا درود بفرست بر سوار

النَّجِيبِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رَاكِبِ الْبُرَاقِ اللَّهُمَّ

نقاهیل و برگزید خدا یا درود بفرست بر سوار براق خدا یا صل

قولہ  
داکب النجیب  
نقاهیل و برگزید خدا  
نقاهیل و برگزید خدا  
نقاهیل و برگزید خدا

انحضرت و صاحب الاموال

فعل مختلف فاعل مفعول به و غیره  
فعل مضارع و اول آن در وصف است  
فعل ماضی و اول آن در وصف است  
فعل مضارع و اول آن در وصف است  
فعل ماضی و اول آن در وصف است

اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحْتَرِقِ السَّبْعِ الطَّبَا وَاللَّهُ

خدا یا درود بفرست بر درگذرنده از هفت آسمان که بالای یکدیگر کند خدا یا

صَلِّ عَلَى السَّفِيحِ فِي جَمِيعِ الْأَنَامِ اللَّهُ صَلِّ

درود بفرست بر شفاعت کننده در همه انسانی که خدا یا درود بفرست

عَلَى مَنْ سَبَّحَ فِي كَفِّهِ الطَّامِ اللَّهُ صَلِّ

بر کسی که تسبیح کرد در کف دست او طعام خدا یا درود بفرست

عَلَى مَنْ بَكَى إِلَيْهِ الْجِدْعُ وَحَنَّ لِفِرَاقِهِ

بر کسی که سیرکیت بسوی او شاخ خزان و ناله غمناکان میکرد از برای جدایی او

اللَّهُ صَلِّ عَلَى مَنْ تَوَسَّلَ بِهِ طَيْرُ الْفَلَاحَةِ

خدا یا درود بفرست بر کسی که وسیله ساخت او را پرندگان بیابان

اللَّهُ صَلِّ عَلَى مَنْ سَبَّحَتْ فِي كَفِّهِ الْحَمَاةُ

خدا یا درود بفرست بر کسی که تسبیح کرد در کف دست او سنگ ریزه ها

اللَّهُ صَلِّ عَلَى مَنْ تَشَفَّعَ إِلَيْهِ الطَّبِيُّ بِإِصْحَاحِ

خدا یا درود بفرست بر کسی که روی او در بسوی او آهوی بگلام صح

كَلَامِ اللَّهِ صَلِّ عَلَى مَنْ كَلَّمَهُ الضَّبُّ فِي

خدا یا درود بفرست بر کسی که سخن کرد با دوی سوسمار در

مَجْلِسِهِ مَعَ أَصْحَابِهِ الْأَعْلَامِ اللَّهُ صَلِّ عَلَى

مجلس و بایاران او که بزرگانند خدا یا درود بفرست بر

عالم و سلم بیار شده بر هر بل زودی آمد  
عالم و سلم بیار شده بر هر بل زودی آمد  
عالم و سلم بیار شده بر هر بل زودی آمد  
عالم و سلم بیار شده بر هر بل زودی آمد

عزیزان آنکه از کتب مکتوبه یاد بیارند شود  
از کتب مکتوبه یاد بیارند شود  
از کتب مکتوبه یاد بیارند شود  
از کتب مکتوبه یاد بیارند شود



در سفرهای این که سفر بود در سفر بود  
در سفرهای این که سفر بود در سفر بود  
در سفرهای این که سفر بود در سفر بود  
در سفرهای این که سفر بود در سفر بود





*فصل در صلوات  
صلوات بر ائمه  
کبریا صلوات بر ائمه کبریا  
صلوات بر ائمه کبریا  
صلوات بر ائمه کبریا  
صلوات بر ائمه کبریا*

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى صَاحِبِ الدَّلَالَةِ

خدایا درود بفرست بر صاحب رهبنمایان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى صَاحِبِ لِشَارِ اللَّهُمَّ

خدایا درود بفرست بر خداوند اشارت خدایا

صَلِّ عَلَى صَاحِبِ لِكْرَامَاتِ اللَّهُمَّ صَلِّ

درود بفرست بر خداوند بزرگیها خدایا درود بفرست

عَلَى صَاحِبِ الْعَلَامَاتِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

بر خداوند علامت خدایا درود بفرست بر

صَاحِبِ لِبَيَّاتِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى صَاحِبِ

خداوند دلایلی روشن خدایا درود بفرست بر خداوند

الْمُعْجَزَاتِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى صَاحِبِ الْخَوَارِقِ

خداوند معجزات خدایا درود بفرست بر خداوند انفالی که پاره کننده اند

الْعَادَاتِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مَنْ سَلَّمَتْ عَلَيْهِ

رسولهای مائرا خدایا درود بفرست بر کسیکه سلام گفتند بر او

الْأَحْبَارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مَنْ سَجَدَتْ بَيْنَ

سنگها خدایا درود بفرست بر کسیکه سجده کردند

يَدَيْهِ الْاِسْتِجَارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مَنْ تَقَنَّتْ

پیش او در حقان خدایا درود بفرست بر کسی که رانده *مِنْ*

*اول از تعریف حضرت زکریا علیه السلام است  
که در قرآن مجید مذکور است  
و در حدیث آمده است که هر که صلوات بخواند بر ائمه کبریا  
پانصد مرتبه روزی یکبار آن مرد را خداوند روزی از او بخواهد  
چهارصد مرتبه روزی یکبار آن مرد را خداوند روزی از او بخواهد  
سهصد مرتبه روزی یکبار آن مرد را خداوند روزی از او بخواهد  
دو صد مرتبه روزی یکبار آن مرد را خداوند روزی از او بخواهد  
صد مرتبه روزی یکبار آن مرد را خداوند روزی از او بخواهد  
و در حدیث آمده است که هر که صلوات بخواند بر ائمه کبریا  
پانصد مرتبه روزی یکبار آن مرد را خداوند روزی از او بخواهد  
چهارصد مرتبه روزی یکبار آن مرد را خداوند روزی از او بخواهد  
سهصد مرتبه روزی یکبار آن مرد را خداوند روزی از او بخواهد  
دو صد مرتبه روزی یکبار آن مرد را خداوند روزی از او بخواهد  
صد مرتبه روزی یکبار آن مرد را خداوند روزی از او بخواهد*



*مذکور شده و بعضی ذکر آن بسیار با و  
بیت معجزه است که هر که آن را بخواند  
مثل آن از رسول الله را بود که اجاب فرموده  
از راه است که هر که از او است بسیار دوست  
فولک الخوارق العادات یعنی صافات  
و عادت زانند صادق است چه چیزی از این  
از کتب تمام شده است  
مسئله ای که از جا این سرود*

*روایت کرده است  
گفتند پیغمبر صلوات الله علیه و آله و سلم  
که هر که صلوات بخواند بر ائمه کبریا  
پانصد مرتبه روزی یکبار آن مرد را خداوند روزی از او بخواهد  
چهارصد مرتبه روزی یکبار آن مرد را خداوند روزی از او بخواهد  
سهصد مرتبه روزی یکبار آن مرد را خداوند روزی از او بخواهد  
دو صد مرتبه روزی یکبار آن مرد را خداوند روزی از او بخواهد  
صد مرتبه روزی یکبار آن مرد را خداوند روزی از او بخواهد  
و در حدیث آمده است که هر که صلوات بخواند بر ائمه کبریا  
پانصد مرتبه روزی یکبار آن مرد را خداوند روزی از او بخواهد  
چهارصد مرتبه روزی یکبار آن مرد را خداوند روزی از او بخواهد  
سهصد مرتبه روزی یکبار آن مرد را خداوند روزی از او بخواهد  
دو صد مرتبه روزی یکبار آن مرد را خداوند روزی از او بخواهد  
صد مرتبه روزی یکبار آن مرد را خداوند روزی از او بخواهد*

من کشته شد در جنگ ...  
صلوات علی سید عالم ...  
دی ایضا ...  
صلوات علی سید عالم ...  
صلوات علی سید عالم ...

مِنْ نُورِهِ الْأَزْهَارُ اللَّهُ صِلَ عَلَيَّ مَنْ

از نور او شکوفه های درختان خدا یا درود بفرست بر کسیکه

طَابَتْ بِبَرَكَتِهِ الْبُشَارُ اللَّهُ صِلَ عَلَيَّ

چفته شد بین او سیوهای درختان خدا یا درود بفرست بر

مَنْ أَخْضَرَّتْ مِنْ بَقِيَّةِ وَضُوئِهِ الْأَشْجَارُ

کسی که سبز شد از پس مانده آب وضوی دی درختان

اللَّهُ صِلَ عَلَيَّ مَنْ فَاضَتْ مِنْ نُورِهِ

خدا یا درود بفرست بر کسی که آشکارا شده از نور او

جَمِيعُ الْأَنْوَارِ اللَّهُ صِلَ عَلَيَّ مَنْ بِالصَّلَاةِ

همه نورها خدا یا درود بفرست بر کسیکه سبب درود گفتن

عَلَيْهِ يَحْطُّ الْأَوْزَارُ اللَّهُ صِلَ عَلَيَّ مَنْ

بروی انداخته میشود بارهای کنه کاران خدا یا درود بفرست بر کسیکه

بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ تَسَالُ مَنَائِلُ الْأَبْرَارِ اللَّهُ

سبب درود گفتن بروی یافته میشود مرتبه های بنو کاران خدا یا

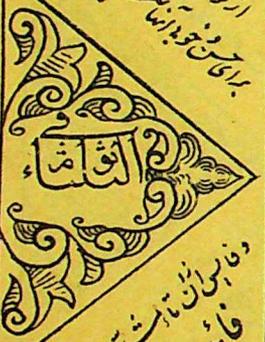
صِلَ عَلَيَّ مَنْ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ يُرْحَمُ الْبُكَارُ

درود بفرست بر کسی که سبب درود گفتن بروی بخشیش کرده میشود بزرگان

وَالصَّغَارُ اللَّهُ صِلَ عَلَيَّ مَنْ بِالصَّلَاةِ

و خردان خدا یا درود بفرست بر کسی که با سبب درود گفتن

از صدق اسالت دی ...  
بجای او زمین خود او آمدن درختان ...  
بخفت صلوات علی سید عالم در اکثر احادیث آمده ...  
از نور وی صلوات علی سید عالم ...  
برای من خود از آن سبب تقفیت نفع

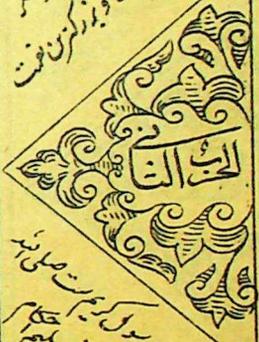


و تا بر آن دست زده و قاف مفتوحه ...  
فاندره در بیف احادیث آمده ...  
از هر لحاظ صلوات علی سید عالم ...  
بر زمین بیگانه از آن قطره از نور او ...  
من بود که هر که خواهد که بود که مراد او ...  
کلی سعادتی که در آنست ...  
سعدت گفته اند که انچه بخت نزد ...  
محمد بنی با سعادت رسیده ۱۲

مَنْ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ يَحْطُّ الْأَوْزَارُ اللَّهُ صِلَ عَلَيَّ مَنْ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ يُرْحَمُ الْبُكَارُ وَالصَّغَارُ اللَّهُ صِلَ عَلَيَّ مَنْ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ تَسَالُ مَنَائِلُ الْأَبْرَارِ اللَّهُ صِلَ عَلَيَّ مَنْ فَاضَتْ مِنْ نُورِهِ اللَّهُ صِلَ عَلَيَّ مَنْ اخْضَرَّتْ مِنْ بَقِيَّةِ وَضُوئِهِ الْأَشْجَارُ طَابَتْ بِبَرَكَتِهِ الْبُشَارُ اللَّهُ صِلَ عَلَيَّ مَنْ مِنْ نُورِهِ الْأَزْهَارُ اللَّهُ صِلَ عَلَيَّ مَنْ

بعد از قافله اولی آن حضرت در این روز در میان بیاد او  
 در وقت بیخوشی فریاد کرده و فریاد کرده و فریاد کرده  
 در وقت بیخوشی فریاد کرده و فریاد کرده و فریاد کرده  
 در وقت بیخوشی فریاد کرده و فریاد کرده و فریاد کرده  
 در وقت بیخوشی فریاد کرده و فریاد کرده و فریاد کرده  
 در وقت بیخوشی فریاد کرده و فریاد کرده و فریاد کرده

درد دهنده و بالای این...  
 غیبه اولی معلوم شده...  
 هم عالیان که اینگونه و پادشاه...  
 قالی را که بندگان خود عطا فرموده...  
 نهایت زین عجزین استایان و بشکر...  
 او را احد و غایت و بزرگترین نعمت



وی فرستادن رسول کریم صلوات  
 علیه السلام بر ایشان و وقت حکم  
 دین تویم و رضای خداوند بر آن  
 لعظیم و رضای خداوند بر آن  
 و پس از آن دادن توفیق سبب توفیق  
 متابعیت وی و گردیدن تصدیق  
 و کاشتن چشم محبت او در کما و بیل

عَلَيْهِ نَتَقَمُّ فِي هَذِهِ الدَّارِ وَ فِي بَلَدِكَ الدَّارِ

بر روی بجهت در می شود بیغمتهای درین دنیا و دهر و در خواستیم شد بیغمتهای آخرت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مَنْ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ

خدا یا درود بفرست بر کسیکه سبب درود گرفتن بر او است

تَنَالِ رَحْمَةَ الْعَزِيزِ الْعَفَّارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

رسیده میشود بخشش فدای را که غالبیت و آنزکار خدا یا درود بفرست بر

الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُخْتَارِ

یاری داده شده و توفیق داده شده خدا یا درود بفرست بر برگزیده

الْمَجْدِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا

بزرگی داده شده خدا یا درود بفرست بر سید مایان و صاحب دامک مایان

مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مَنْ كَانَ إِذَا مَشَى

محمد خدا یا درود بفرست بر کسیکه بود و وقتی که میرفت

فِي الْبَرِّ الْآقِبِ تَقَلَّبَتِ الرَّحُوشُ بِأَذْيَالِهِ

در میان بایان غله از تاب کیمیا می آویختند جانوران رننده محرابی بد آنهای مبارک

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ

خدا یا درود بفرست بر روی او و بر آل وی و پیروان او

وَسَلِّمْ وَسَلِّمْ وَسَلِّمْ وَأَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و سلام بفرست سلام فرستادن و سپاس ستایش رضای ربست آفریننده همه عالمات

از فضل کیفیت الصلوة  
 تا بحیاج اول آخرت

توفیق او را در درون...  
 از زمان آخرت تا...  
 بعد از آن زمان...

تو کجای علی صلوات الله علیه  
در عقوبت عاصیان با وجود آنست  
قل ز فیه با وجود آنست با وجود آنست  
کن با وجود آنست ز فیه با وجود آنست  
تراز آنست با وجود آنست ز فیه با وجود آنست  
شستن با وجود آنست ز فیه با وجود آنست  
منگ که از آنست ز فیه با وجود آنست  
سبب آنست ز فیه با وجود آنست  
لا تا تو از آنست ز فیه با وجود آنست  
می از آنست ز فیه با وجود آنست  
سنگاری از آنست ز فیه با وجود آنست  
که در آنست ز فیه با وجود آنست  
در آنست ز فیه با وجود آنست

# الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَدَأَ الرَّبْعَ

لَمْ يَدُلَّ لِلَّهِ عَلَّاهُ بَعْدَ عَلَيْهِ وَعَلَى عَفْوِهِ

ستایش و ستودگی مرخداى رحمت بر بردبارى وى با وجود داشتن او و بردگرگشتن او

بَعْدَ قَدْ رَبِّهِ اللَّهُ رَبِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ

با وجود توانا بودن او خدایا بدرستی که من پناه میگیرم تو از

الْفَقْرِ إِلَّا إِلَيْكَ وَمِنَ الدُّنْيَا إِلَّا لَكَ وَمِنَ

احتیاج گرگوبوى تو و از جور بودن مگر برای تو و از

الْخَوْفِ إِلَّا مِنْكَ وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَقُولَ

ترسیدن مگر از تو و پناه میگیرم بتو از گفتن

زُورًا أَوْ أَغْتَابِي جُورًا أَوْ أَكُونَ بِكَ

دروغ یا آنکه ایتم من بدکار را یا آنکه باشم من بگرم تو

مَغْرُورًا وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ سَمَائَةِ الْأَعْلَاءِ

فریب داده شده و پناه میگیرم تو از خوشه دشمنان

وَعَضَائِلِ الدَّاءِ وَخَيْبَةِ الرَّجَاءِ وَذَوَالِ

درد سخت و نایافت آرزو و نیت شدن

درمان بود ۱۲ قولی دروغ بگفت  
یعنی از گفتن سخن دروغ آرزوی را  
دروغ ای بار منور بنیاد تو دروغ آرزوی را  
گفته است سارا ۱۳ قولی که آن قولی است  
مغفور یعنی نافرمان شیطان را او را دور  
دراز اندازد و با آوردن برکن او در یکباره  
و با وجود دروغ تعصبت آرزوی مغفرت

## الْفُضُولَا

در دل اندازد اگر چه این ملک است عفو تو  
نیت با میدرخ طبیعت امان را در طلوع  
زنده اند که از کرمای شیطان است که تو  
عشرت را در اختیار اندازد که وقت قیمت  
در ۱۴ م اذ گرفتار نیاید به بی بد که حال  
پناه طلب نیاید بهیت کار او در بغرود  
گذاری از فشار نه روز خون یانه کار کن  
از خوشی در دشمنان سبب رسیدن رنج  
و نصیحت از قضاوت آنکه در میان و بپولای  
نفس بر فوی اوست از بنده غنا و زنی حق آتی در ده  
اوست بس هر چه از بنده غنا و زنی حق آتی در ده  
بر آن خوشی خوشی نیاید بهیت آتی در ده  
خود دار ما را با قولی دروغ آرزوی را  
مکه را ما را با قولی دروغ آرزوی را  
نغمه عین حکم در این زنا و سبب بیار ما  
بدر آن را دارم آن در سراسر که اخلاق  
زمیم اند ۱۳

درد در سخت و نایافت آرزو و نیت شدن  
فریب داده شده و پناه میگیرم تو از خوشه دشمنان  
مغروراً و أعوذُ بِكَ مِنَ سَمَائَةِ الْأَعْلَاءِ  
زوراً أو أغتابي جوراً أو أكون بِكَ  
الخوفِ إلا مِنكَ وأعوذُ بِكَ أَنْ أقولَ  
بَعْدَ قَدْ رَبِّهِ اللَّهُ رَبِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ  
لَمْ يَدُلَّ لِلَّهِ عَلَّاهُ بَعْدَ عَلَيْهِ وَعَلَى عَفْوِهِ

دردن از شکر و سپاس روزی است  
 خوش کرد آن نعمت را در  
 خوش کرد آن نعمت را در

**الْبِرَّةِ وَالْحَيَاءِ وَالْبِقْمَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا**  
 خیر و خوبی و ناکاه رسیدن عقوبت حسد یا درود بقرت بر همه در مایان

**وَعَمَدٍ وَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَأَجْرُهُ عَنَّا مَا هُوَ أَهْلُهُ**  
 محمد و سلام بقرت بر وی و پادشاهش از مایان چیزیکه آن نژاد را از آن ست که

**حَبِيبِكَ ثَلَاثًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا**  
 دوستی سه بار بکار کنی در درود حسد یا درود بقرت بر همه در مایان

**إِبْرَاهِيمَ وَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَأَجْرُهُ عَنَّا مَا هُوَ أَهْلُهُ**  
 ابراهیم و سلام بقرت و پادشاهش ده دور از مایان چیزی که او ستمه اور

**خَلِيلِكَ ثَلَاثًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا**  
 دوستی سه بار بخوانند خود حسد یا درود بقرت بر همه در مایان

**مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْإِسِيدِنَا مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ**  
 محمد و بر او حسد یا درود بقرت بر همه در مایان محمد چنانکه درود فرستاده تو

**وَدَحَمْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ**  
 درسم کرده تو در بکت ده بر ابراهیم در عالمیان

**إِنَّكَ حَمِيدٌ عَظِيمٌ عَدَدُ خَلْقِكَ وَرِضَاءٌ**  
 بزرگ است که تو ستوده شده و بزرگوار است بشمار آفرینش خود و مقدار حسندوی

**نَفْسِكَ وَرِزْقَةَ عَرَشِكَ وَمِدَادَ كَلِمَتِكَ**  
 ذات خود و بوزشش خود و مقدار سخنان خود الهام

دردن از شکر و سپاس روزی است  
 خوش کرد آن نعمت را در  
 خوش کرد آن نعمت را در



بیر آن گشته ابر و پادشاهش  
 و مثل آن شیخ و درست آزان اوقه  
 و شیخ آن شیخ و مثل آن شیخ  
 و شیخ آن شیخ و مثل آن شیخ

خایلیک و شیخ  
 کتبه اند که نور حبت حبیب زبوره  
 غلت خلیل نور علی نور است حبت  
 پیر نور و پیر نور است حبت  
 از حبت انعم نور است حبت  
 حبت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ

خدا یا درود بفرست بر رئیس مایان محمد بشمار کسیکه

صَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

درود فرستادند بروی خدا یا درود بفرست بر سید مایان محمد

عَدَدَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

بشمار کسی که درود نفرستادند بروی خدا یا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا صَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُمَّ

سید مایان محمد بشمار درودهای که فرستاده شده است بروی خدا یا

صَلَّى عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ اخْضَعُافَ مَا

درود بفرست بر سید مایان محمد تو بر تو درودهای که

صَلَّى عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا

فرستاده شده است بروی خدا یا درود بفرست بر سید مایان

مُحَمَّدٍ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

محمد چنانچه سزاوار است خدا یا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ كَمَا حَبُّهُ وَتَرْتُّهُ خَالَهُ

سید مایان محمد چنانچه دوست داری تو دشمنی دشمنی تو برای او

الْحَبُّ الثَّالِثُ يُقْبَلُ فِي يَوْمِ الرَّجَاءِ

قولی  
ماصلی علیہ  
بفهم صادر کرد که لام شده و فتح  
درودهای که فرستاده شده است  
بر حضرت سید مایان علیه السلام از تو  
و از فرشتگان تو و از دیگران که آن تو را  
قولی اضعا فاصلی علیہ  
بفهم صادر شد تا قبل



قولی  
و ترضی لیس مانند این درود  
اول نیز که گفته است با بر تفتاد  
و بجا فرودم  
تمام شد  
م

قولی اللهم صل علی روح  
سیدنا محمد وعلی بن ابی طالب  
علی خدیو بادرد و بفرست بر جان پاک  
سید ما یان محمد در میان جاها  
در میان خود از انبیا اولیا  
بر آید کان خود را در او در میان آنها  
علی خدیو کن او را در میان آنها  
این را بخواند او را در میان آنها  
بسی است معنی آنجا خدیو این می آید

قولی  
و صبحه وسلم

فائده کما  
روایت کرده است ابن فاکانی  
کسی که بخواند این درود را مقادیر  
بهر بیست و پنج ساله

صلی الله علیه و آله وسلم  
در خواب

قولی  
کلمه اغفل عنک عن الخلق

مرا در این  
همیشه درودت زیرا که زانیان  
هر دو خالی نیست  
۱۵



قولی

النبی الاحی

نظم

سلم و لوح بودش زنده زینت  
زان نفوس است آرم آنست

آنکه تنش ز کسب بچشم

بقسم کرد و دست چشمت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رُوحِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ فِي

خدا یا درود بفرست بر جان پاک سید ما یان محمد در

الْأَرْوَاحِ وَعَلَى جَسَدِهِ فِي الْأَجْسَادِ وَ

جاها در میان تن پاک او در تنها

عَلَى قَبْرِهِ فِي الْقُبُورِ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ

بر کور مبارک او در کورها و بر پاک او و یاران او

وَسَلِّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ كَمَا

و سلام بفرست خدایا درود بفرست بر سید ما یان محمد هر گاه که

ذِكْرَهُ الذِّكْرُ وَاللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا

یاد کنند او را همه یاد کنند کان خدایا درود بفرست بر سید ما یان

مُحَمَّدٍ كُلَّمَا غَفَلَ عَنْ ذِكْرِ الْخَفَلُونَ

محمد هر گاه غفلت ورزند از یاد او همه غافلان

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

خدایا درود بفرست و سلام بفرست بر پیش ما یان محمد

وَالنَّبِيِّ وَأَزْوَاجِهِ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ

که پیغمبر است ما خوانده و ما نویسنده و زنان او که مادران مؤمنان اند

وَذُرِّيَّتِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوةً وَسَلَامًا

و اولاد او و اهل بیت او درودی و سلامی لا

فکر  
آن درود در سبب او برای حق باشد  
واجب است بر ایمان کرم با نیت  
از زمان کفر و ضلالت در این نیت  
مایا را بچنگن ایمان و به است  
دو فرخ و شفاست و میرساند  
بکار زلفت بس آدمی حق او شود  
میرود و کسی که خدا در شود چنان  
و نوق و محبت  
۱۲

لَا يُضَايِعُ عَدَدُهَا وَلَا يَقْطَعُ مَدَدُهَا

سکاهی که ضبط کرده نشود و شمار آن هر دورا و بریده نشود زیادتی آن هر دورا

اللَّهُ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا أَحَاطَ

خدا یا درود بفرست بر سید مایان محمد شمار چیزی که فراسدست

بِعِلْمِكَ وَأَحْصَاهُ كِتَابُ صَلَاةٍ تَكُونُ

اورا علم تو و ضبط کرده است آن کتاب تو درودیکه باشد

لَكَ رِضَىٰ وَحَقِّهِ آدَاءٌ وَأَعْطَاهُ الْوَسِيلَةَ

برای تو سبب خوشنودی و برای حق او سبب ادای و بده او را منزلی بلند

وَالْفِضِيلَةَ وَالذَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَأَبْعَثَهُ

و بزرگ و پای بلند و بر انگیز او را

اللَّهُ الْمَقَامَ الْحَمْدُ الَّذِي وَعَدْتَهُ وَ

خدا یا در مقامی که ستوده شده است آن مقامی که وعده کرده تو او را و

أَجْرَهُ عَنَّمَا هُوَ أَهْلُهُ وَعَلَىٰ جَمِيعِ إِخْوَانِهِ

و پاداش ده او را از ایمان چیزی که او سزاوار است و بر همه برادران وی

مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ

از پیغمبران و راست گویان و کشته شده گان در راه خدا

وَالصَّالِحِينَ اللَّهُ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

و سیکو کاران خدا یا درود بفرست بر سید مایان محمد

فکر  
وَعَلَىٰ جَمِيعِ إِخْوَانِهِ  
یعنی و بر همه برادران و پیوسته  
و باطن باقی و باقی  
۱۲

فکر  
وَالصَّالِحِينَ  
یعنی سیکو کاران که همه قول  
و فعل ایشان موافق فرمود  
خدا و رسول صل  
الله علیه و آله  
۱۲

فکر  
عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ  
و علی سید ما قاطع شده و دروغ نگوید  
محمد زاده  
نموده

المنزل بضم میم و فتح زاء  
و کسر زاء نیز آمده ۱۳

قول

المقرب بفتح راء

شده

۱۲  
قول

يوم القيمة

نامه

در تفسیر حسینه از زبان نقل کرده  
فرمود بحیر علی امیر علیه السلام  
نزدیک کرده اند  
بر خدایت

وَإِنَّ لَهُ الْمُنْزِلَ الْمُقَرَّبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ

و زود آرد او را در جای فرود آمدن که نزدیک ده شده است روز قیامت خدایا

صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ تَوَجَّهْ

درود بفرست بر سید مایان محمد خدایا از جهت بخش او را

بِتِلْجِ الْعِزِّ وَالرِّضَى وَالْكَرَامَةِ اللَّهُمَّ

بیست ایندن تاج و خشنودی و بزرگی خدایا

أَعْطِ لِسَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا سَأَلَكَ

بده هر سرور مایان محمد بزرگترین چیزی را بیکه سوال کرده است تو را

لِنَفْسِهِ وَأَعْطِ لِسَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ

برای ذات خود دیده هر سرور مایان محمد بزرگترین

مَا سَأَلَكَ لَهُ أَحَدٌ مِّنْ خَلْقِكَ وَأَعْطِ

چیزی که سوال کرده است تو را برای ادی که از آفرینش بیگان تو دیده

لِسَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا أَنْتَ مُسْئِلٌ لَهُ

هر سرور مایان محمد بزرگترین چیزی که تو سوال کرده شده است برای او

إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا

تا روز قیامت خدایا درود بفر بر سید مایان

مُحَمَّدٍ وَآدَمَ وَنُوحَ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى

محمد و آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی



و بنشد با خود  
بر عرش و حق تعالی روشن  
یا کست و نجیب مقصود از  
نشدیدن آنست صلوات الله علیه  
با خود بنظم و تکریم حضرت  
صلوات الله علیه  
و هم

تسبیح

در حدیث آمده  
کسی که بگوید اینکلمات از الله است  
تا یوم القیامه ذهب ثوبان

برای او  
تسبیح  
۱۲

قول  
تسبیح العز والرضاء والكرامة  
یعنی تسبیح عز و رضای حسن و کرامت  
قول کس الدعوات در شفا از و سب این  
این دعا که بخواند او را این را و تقه اند  
که او را از ابدال  
بود

قولك

وعيسى ابن مريم عليهما السلام

اولا و آخرهما انما ليعباز و ادون  
و جبا و با كافران و از برای عیسا علی

سردايت ترا بديگرا  
من النبیین و المرسلین

در رسالت اسلام یک کک نسبت چهار  
علمهم اسلام یک کک نسبت چهار  
نزار بوده اند از آنجا که رسد کتب دره

رسول بوده اند و فرق چهار  
در شرح اسمای شریف کوش

و عِيسَى وَمَا بَيْنَهُم مِّنَ النَّبِيِّينَ وَالرَّسُولِينَ

و عیسا و ک یک در میان ایشان بودند از پیغمبران و مرسلان

صَلَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

درودهای خدا و سلام او باد بر ایشان همها

ثَلَاثًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى آبِيْنَا أَدَمَ وَ إِبْنِنَا

بخوان سه بار خدایا درود بفرست بر پدر مایان آدم و ماور مایان

حَوْءَاءَ صَلَوةٌ مَلِيْكِيكَ وَاَعْظِمَ مَا مَنَ

مانند درود یک میفرستی تو بر فرشتگان خود و بده ان هر دورا از

الرِّضْوَانِ حَتَّى تُرَضِيَهُمَا وَاَجْزِهِمَا اللَّهُمَّ

حسنودی تا آنکه حسند و کرد آن هر دورا و پادشاهان هر دورا خدا یا

أَفْضَلُ مَا جَازَيْتَ بِهِ أَبَا وَاُمَّةً عَن وُلَدَيْهِمَا

بزرگترین چیزی که پاداشش داده تو با و پدری را و مادری را از دو فرزندان هر دو

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا جَبْرِيْلَ وَاَمِيْكَائِيلَ

خدایا درود بفرست بر سید مایان جبرائیل و میکائیل

وَاِسْرَافِيْلَ وِعَزْرَائِيْلَ وَحَمَلَةَ الْعَرْشِ

و اسرافیل و عزرائیل و بردارندگان عرش

وَعَلَى الْمَلِيْكَةِ وَاَلْمُقَرَّبِيْنَ وَعَلَى جَمِيْعٍ

و بر فرشتگان و نزدیکان درگاه تو و بر همه

در شرح اسمای شریف کوش  
ارایید که در فرق ایمان آوردن تعیین  
عد و بنا یکر دیگر باید گفت که ایمان  
اورد من بنده پیغمبران خدای که همه حق  
و افضل و اشرف به حضرت محمد  
صلی الله علیه و آله و سلم  
ثلاثا سید مهدی در مطالع الهی  
فقیر کرده که هر که بخواند این درود را به

کتاب عالم کتب را تعظیم کرده باشد  
قول حق با خود  
شده است از آنجا که آنجا که  
آدم علیه السلام  
و که فراداد  
چهار فرشته که نزدیک رکاب او تانه  
در روز کفر  
چهار شهسوار تانه که با اسما تویس

کافی ز قضا است یکمال  
قول حاکم العرف  
از این کلام  
در صورتیکه  
حضرت امیر است که امروز بر در از آنکان  
۶ شش پاره اند و در وقت است  
باشند و در سدرا که آورده که نیست  
مستوف یا منت اصناف باشند ۱۲

قولہ

ثَلَاثًا دَرِبْغُفَ نَسْتَه

غیا نیاید

۱۲

قولہ

ابد الابد

در بعض نسخه آمده ابد الابد

بالف عباد

باد

الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ

پیغمبران و مرسلان درود بای خدای

سَلَامُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ثَلَاثًا اللَّهُمَّ صَلِّ

سلاهای او بر آنها همه با سه بار خدایا درود بفرست

عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا عَلِمْتَ وَمِثْلًا

بر سه درمایان محمد بشمار چیزی که دانسته تو و با اندازه بری

مَا عَلِمْتَ وَزِينَةً مَا عَلِمْتَ وَمِثْلًا

چیزی که دانسته تو و وزن چیزی که دانسته تو و با اندازه

كَلِمَاتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

سخنان تو خدایا درود بفرست بر سید مایان محمد

صَلَاةً مَوْصُوفًا بِمَا لَمْ يَزِدِ اللَّهُ صَلِّ عَلَى

درودیکه هیوسته باشد بر فرزند خدایا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلَاةً لَا تَنْقُطُ أَبَدًا أَبَدًا

سه درمایان محمد درودیکه بریده نشود تا آخر زمان

وَتَبِيحُ اللَّهِ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلَاةً

وفاذ نشود خدایا درود بفرست بر سید مایان محمد مانند درود تو

الَّتِي صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا

که فرستاده تو آن درود را بروی و سلام بفرست بر سید مایان محمد



قولہ

ملا کبرسم ۱۲

قولہ

التي صليت عليه

طاعت که درودیکه دی

سجانه جل سانه

بر محبوب

خود

فرستاده بنده

خوب تر و سیکوتر خواهد

بودن بر آن مثل

آن طلب

کرد



قوله

والسبب في كل موجود

عنه ان ذات باكر انما خلقه صلوات  
عليه واله وسلم نبوي محمد  
صلى الله عليه واله وسلم  
مبعوثه راسخا  
شهود

وَالسَّبَبُ فِي كُلِّ مَوْجُودٍ عَيْنُ اَعْيَانِ

وواسطه در بودن هر آفریده شده چشم بزرگان

خَلَقَكَ الْمُتَقَدِّمِ مِنْ نَوْمِ رِضْيَاكَ صَلَوةً

آفرینیش تو اول ظاهر شده از نور تجلی روشنی ذات تو درود فرستادن

قَدْ وُؤِدَّ وَاوَمِكَ وَتَبَقَى بِبَقَائِكَ لِامْتِنَانِي

که همیشه باشد همیشه تو وایزیده بودی بسیار سنگین تو نیست آخر

لَهَا دُونَ عَيْدِكَ صَلَوةً تُرَضِّيكَ وَتَرْضِيهِ

را از آن بجز علم تو درود دیگر خوشنودنشوی تو خوشنودنشود ا

وَقَرَضِي بِهَا عَنَّا يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّهُمَّ

و خوشنودنشوی بسبب آن از مایان ای پروردگر عالمیان خدا یا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا فِي عِلْمِ

درود بفرست بر سید مایان محمد بشمار چه سینه که در علم

اللّهِ صَلَوةً دَائِمَةً بَدًا وَاوَمُّكَ اَللّهُمَّ

خداست درودیکه همیشه باشد همیشه که ملک خدای فدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى

درود بفرست بر سردار مایان محمد چنانچه درود فرستاده تو بر

سَيِّدِنَا اِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلٰى سَيِّدِنَا

سردار مایان ابراهیم و برکت ده بر سید مایان

نظم

مفیدت و نه و چنانچه پذیرفته  
خاص بی کرب آن  
اوست نه و ادیان بی کرب  
اصل دی و سبب عالم شریف



قوله

المقدم در بعضی نسخ المتفق  
بجای جمله بجای سیم اول از هر جمله  
از نور تو که در زینت قوی

قوله

عدد ما فی علم الله

فأده

در تکلام  
از طاب

سوی هم ظاهر عدول نموده

این را در علم

بلاغت بقا  
نکونید

مطلع  
والاصول علی سیدنا محمد  
بعد ازین تا در آورده  
و علی آل  
سیدنا  
محمد

۱۲  
 قول علی ایبراهیم لفظ ال مضاف  
 در بقیه خبریکه باقیمانده از زمانه  
 بقدر درستی بفتح قاف و بیل ایف  
 و جاز بست بفتح قاف و بیل ایف  
 رعایت قوه در این نسبت اینجا را  
 و جمعه در هر هفته او نیم تا آرد  
 دیگر ۱۲  
 قول  
 نیا بقی خبریکه باقیمانده از زمانه  
 بقدر درستی بفتح قاف و بیل ایف  
 و جاز بست بفتح قاف و بیل ایف  
 رعایت قوه در این نسبت اینجا را  
 و جمعه در هر هفته او نیم تا آرد  
 دیگر ۱۲

من الساعات  
 بت چهار ساعت است چون آفتاب  
 در محل می آید و در دو ساعت زودتر  
 میشود و در دو ساعت دیرتر  
 بعد از نشستن چون آفتاب در ربع  
 میزان می آید و کوتاه تر از روزهای  
 زمستان در ساعت روز می شود و شب  
 یا زود ساعت و در تابستان عکس این است  
 ۱۲

|   |
|---|
| حَمْدٌ وَعَلَى السَّيِّدِ نَا مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ               |
| پادشاه محمد در ال سید مایان محمد چنانچه برکت داده تو                  |
| عَلَى الْإِبْرَاهِيمِ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ               |
| بر ال ایبراهیم در عالیان بدرستی که تو ستوده شده                       |
| حَمِيدٌ عَدَدَ خَلْقِكَ وَرِضَاءِ نَفْسِكَ                            |
| بزرگواری بشمار آفرینش تو و خوشنودی ذات تو                             |
| وَزِنَةَ عَرْشِكَ وَمِثْلَ أَذْكَلَّتِكَ وَعَدَدَ                     |
| و بوزن عرش تو و مانند سنجان تو و شمار                                 |
| مَا ذَكَرَكَ بِهِ خَلْقِكَ فِيمَا مَضَى وَعَدَدَ                      |
| چیزیکه یاد کرده اند ترا با او آفریدگان تو در زمانیکه گذشته است و شمار |
| مَا هَذَا ذَكَرُوكَ بِهِ فِيمَا بَقِيَ فِي كُلِّ سَنَةٍ               |
| زمانیکه آن یاد میکنند ترا بدان در زمانیکه باقیمانده است در هر سال     |
| وَشَهْرٍ وَجُمُعَةٍ وَيَوْمٍ وَلَيْلَةٍ وَسَاعَةٍ                     |
| و ماهی و هفته و روزی و شبی و ساعتی                                    |
| مِنَ السَّاعَاتِ وَشِمِّ وَنَفْسٍ وَطَرْفَةِ                          |
| از ساعات و بمقدار رسیدن بوی دماغ و چشم زدنی                           |
| وَلَحْمَةٍ مِّنَ الْأَبَدِ إِلَى الْأَبَدِ وَأَبَادٍ                  |
| و اندک نظر کردن از ابتدای زمانه تا آخر زمانه و زمانهای                |



قول  
 و تفسیر بفتح نون وفا  
 و گفته اند که تمام شب و روز  
 بست چهار هزار  
 دم ازادی  
 میشود  
 ۱۲  
 قول  
 طریقه بفتح طاء و گویند که  
 آدمی در هر شب چهل  
 هشت هزار بار  
 چشم  
 میزند  
 ۴

۱۲  
 نظر کردن  
 بمقدار رسیدن  
 بوی دماغ  
 و چشم زدنی  
 قول

قوله

وَأَبَاد

در دال آبا و کس رفع

هر دو روا

۱۲

قوله

لَا يَنْقُطُ فَادْفَع

آن دال

همه

۲۱

الدُّنْيَا وَأَبَادَ الْآخِرَةِ وَكَثُرَ مِنْ ذَلِكَ

دنيا و زمانهای درازی آخرت است و زیاده از آنچه ذکر کردم

لَا يَنْقُطُ أَوَّلُهُ وَلَا يَنْقُطُ آخِرُهُ اللَّهُمَّ

برین نشود اول آن و تمام نشود آخر آن خدا یا

صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَلَى قَدْرِ

درود بفرست بر سید مایان محمد بر اندازه

حُبِّكَ فِيهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

دوستی تو در حق وی خدا یا درود بفرست بر سید مایان محمد

عَلَى قَدْرِ عِنَايَتِكَ بِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

بر اندازه تویم تو بسوی وی خدا یا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ حَقَّ قَدْرِهِ وَمَقْدَارِهِ

ریش مایان محمد لائق مرتبه او و بزرگی شان او

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلَوةً

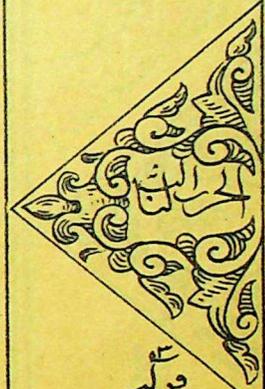
خدا یا درود بفرست بر بزرگ مایان محمد درود بکه

تُجِنَّا بِهَا مِنْ جَمِيعِ الْأَهْوَالِ وَالْآفَاتِ

خدا مگردانی ما را از سبب آن از همه ترسها و آفتها

وَتَقْضِي لَنَا بِهَا جَمِيعَ الْحَاجَاتِ تَطَهَّرْنَا

و داد کردانی برای ما این سبب همه حاجتها و پاک کردانی ما را از آنها



قوله

قد دفع دال و کون

آن

قوله

الْأَهْوَالِ

یعنی مصیبت که سبب آن نقصان

در دین و یا در دنیا پیدا

آید و سبب آن

مضطر

و گنجی

ناید

آ

بِهَا مِنْ جَمِيعِ السَّيِّئَاتِ وَتَرَفَعْنَا بِهَا اَعْلَى

سبب آن از همه کس بان و بلند کرد آنی مایان را بسبب آن برتر

الدَّرَجَاتِ وَبَلَّغْنَا بِهَا اَقْصَى الْغَايَاتِ

پایان و برسانی مایان را بسبب آن پایان ترن نهایت

مِنْ جَمِيعِ الْخَيْرَاتِ فِي الْحَيَاةِ وَبَعْدَ الْمَمَاتِ

از همه بسبب کونها در زندگانی و پس از مردن

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ فَاحْتَمَى صَلَاةَ الرَّضَى

خدا یا درود بفرست بر سرور مایان محمد درودیکه سبب جشودی تو بود

وَأَرْضَ عَنْ أَصْحَابِهِ رِضَاءَ الرَّضَى لِلْعَمْرَةِ

دخشود باش از یاران او خشنودیکه میداشود از دشمنودای خدایا

صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ السَّابِقِ لِلْخَلْقِ

درود بفرست بر سید مایان محمد که پیش بوده است مرا همه بیکان را

نُورًا وَرَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ظُهُورُهُ عَدَدُ مَن

نور او و بخشش است برای عالمیان ظهور او بشمار چیزیکه

مَضَى مِنْ خَلْقِكَ وَمَنْ بَقِيَ وَمَنْ سَعِدَ

گذشته است از آفریدگان تو و کسیکه پس مانده است و کسی که نیک بخت شده است

مِنْهُمْ وَمَنْ سَبَقَ صَلَاةَ لِسْتَعْرِقِ الْعَدَا

از آنها و کسیکه بخت شده است درودیکه کرد از درودش من همه مراتب شمارا

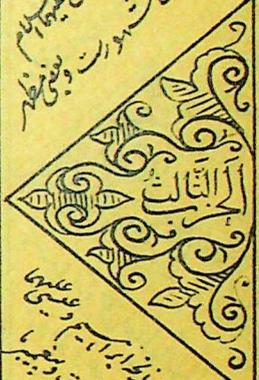
فوق العباد اعلی الدرجات یعنی درجه  
در دریا با معجزه کنی نشسته از سلف گفتند  
میگفتند که آنرا اقتدا میکنند و ملاطفت  
بقدر آنند که ازین یاد افکار است یعنی  
بر آوردند و بسببیک که از ترس آن فرست  
صلی الله علیه و سلم ما دم که میفرمود با حق  
نشد که بگو تا از بار این درود بدین اثر  
اللهم صل علی سیدنا محمد وعلی  
صلوة تقبیلها الجبار قول او بعد  
المات بیدارندم و این کشته از زنده  
فوق عبادیم همه گفتند درود مذکور  
نشد هنوز سر بر سر بار تمام نشد بود  
یادش کین یافت و خلاص شدیم  
و گفته اند که در هر مومی و چینی که کسی ازین درود را



رسیده آمدی قالی آن اندوه را از  
گردانه و عدد که در خواندن این درود  
برای بر آمدن مقصود در حدت و اکثر  
کثیر از ۱۳۱ قول السابق مخلوق  
یعنی در آن نفس و اگر از یاد نمودی  
بسیج بودی از آن تاریکی عدم ظهور  
عبد القادر جیلانی تو خج را بر این تمام کرده  
و در مطالع الهیات آورد از این که  
باز تو نشود معالی را و فرود بیاید از  
بنا بر سر درود و خواننده را در این  
و این میکند زدی از این که در  
ازین درود بر آن نیست فایده بسیار  
در بقدر شکر که با حق است و از این  
قول استغفر الله ربی و ازین  
عما اینها را تا آنکه ازین درود  
از قول او بدین درود ۱۲۰

و تحیط بالحد و فرا رس  
ان درود پایان حسن و خوبرا که زیاد  
زیاده از آن درود و فضیلت زیاد  
قرآن است همه روزها و شبها در  
روز بعد از آن همه روزها در  
اندر هر روز و شب ۱۱

در مقام ثواب و عیب بی کلام زیاده  
بخوان و بپسند که عیب کلام زیاده  
در نقل نشیند خداوند چهار بجهت دید  
آثار لطف و رحمت است از حال خواننده  
دانش و معرفت فرود بیاید از حال  
جبال بود و بیرون بیرون علم اسلام ظاهر  
که خشم برین است و فریاد و غم و غم



و تحیط بالحد صلوٰة لا غایة لها و استہا

و فرا رسد پایان حسن و خوبرا درود دیگر نیست آخر مراد و نه پایان

و لا انقضاء صلوٰة دائمة بد و امیک و

و نه تمام بودن درود دیگر همیشه باشد همیشه تو و

عَلٰى اِلٰهٍ وَ صَحْبِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيْمًا مِثْلَ الَّذِي مَلَأْتَ

بر آل او و یاران او و سلام بفرست و سلام فرستاده مانند آنچه مذکور شد

اللّٰهُ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ الَّذِي مَلَأْتَ

خدا یا درود بفرست بر سید مایان محمد که بزرگ تو

قَلْبَهُ مِنْ جَلَالِكَ وَعَيْنُهُ مِنْ جَمَالِكَ

دل او را از بزرگی خود و دیده او را از حسن و خوبی خود

فَأَصْبَحَ فَرِحًا مُؤَيَّدًا مَنْصُورًا وَعَلَىٰ اِلٰهٍ وَ

بسکت شادان قوت داده شده یاری داده شده و بر آل او و

صَحْبِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيْمًا وَاللَّمْدُ لِلّٰهِ عَلَىٰ ذٰلِكَ

یاران او و سلام بفرست سلام و ستای تو و ستایشی که شاید مژدای را بران

اللّٰهُ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَلٰى

خدا یا درود بفرست بر سید مایان و مالک مایان محمد بشمار

اَوْرَاقِ الزَّيْتُوْنَ وَ جَمِيعِ الثَّمَارِ اَللّٰهُمَّ

برگی درخت زیتون و همه میوه خدا یا صل

جال بوده از دعا بیزار است و عیب  
اسلام که علم اینان معرفت و پیغمبر  
صالحان را در هر جا با جمع بود در جواب  
چنانچه از کتابت پیغمبر شود  
گردد بسیار رسول کریم  
مهرت نماند بودین  
ذات او بظن صفات کمال

خوبی درو حال جلال  
مولا فریاد فتنه کرا  
قوس او را از آفتون  
فاصل کرد این درخت را بزرگان  
و مذکور است در قرآن و تحت مبارکت  
کنند لغت در مطالع اسرار که گفته  
شد است بر برگ زیتون نام خدا  
قال که اسم اعظم است

قولش

مآکان یعنی در زمان گذشته

و سایر یکتا در مجال استقبال

انقسام است یعنی دهامی کرده  
دین او از مردان و زنان و خورد  
و کلان

القانونین یعنی از رستندگان  
بطلوب زنی و ضوی و اینها  
توبت عظیم

قولش طاربت العالمین  
تشیب

چه اگر مخالفت سنت دومی صلای  
علیه را در اسلام و ناف باشد اولی  
بزرگست از کعبه در بودن بیدار

وقت آنرا در عمل بطریق دوی صلای  
علیه و علی آرد سلم عجت و فاضل  
و سید قوی است برای حصول سعادت  
لبغای راحت است ای او

بیان نموده است که در میان دل و بدن  
بدرستی که از وقت بیات بود  
چون وقت است و شیخ محسن است  
اگر بعد قیامت چه کسی که بیات بود  
۱۲

صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَبْدَنَا

درود بفرست بر سید مایان و صاحب مایان محمد بنهار چینه یک

كَانَ وَمَا يَكُونُ وَعَدَدُ مَا أَظْلَمَ عَلَيْهِ

بود دمی باشد و بشمار چینه یک تاریک شده است بر آن

الْيَوْمَ وَالضَّاءُ عَلَيْهِ النَّهَارُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

شب و روشن شده است بر آن روز خدا یا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِهِ وَآزْوَاجِهِ

رئیس مایان و مالک مایان محمد در آل محمد و آزوج او

وَذُرِّيَّتِهِ عَدَدَ أَنْفَاسِ أُمَّتِهِ اللَّهُمَّ بِبِرَّةٍ

و ذریت او بشمار دهامی است او خدا یا درود بفرست بپین

الصَّلَاةِ عَلَيْهِ اجْعَلْنَا بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ

درود گفتن بر دمی کردن مایان را برود در ستادن بر دمی

مِنَ الْقَائِمِينَ وَعَلَىٰ حَوْضِهِ مِنَ الْوَارِدِينَ

از رستگاران و بر حوض او از فردا آیندگان

السَّارِبِينَ وَيَسِّتِهِ وَطَاعَتِهِ مِنَ الْعَامِلِينَ

نوشندگان و بطیقت او و ستمان بر داری او از کارکنندگان

وَلَا تَحُلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

دکن برده در میان مایان و میان او روز قیامت ای پروردگار هر افریدگان

و الحمد لله رب العالمين  
فصل في فضل الصلاة  
التي هي اتم الاعمال

وَاعْفِرْ لَنَا وَوَالِدَيْنا وَلِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ

دسامرز مایان را و مریدان و مادر مایان را و همه مسلمانان را

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

دستبندی کشتیدم خدای را که پروردگار عالیشان است



# اَبْدُ الثَّلَاثِ

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

خدا یا درود بفرست و سلام بفرست و برکت ده بر سید مایان محمد

وَ عَلَى السَّيِّدِنَا مُحَمَّدٍ كَرَّمَ خَلْقَكَ وَسَبَّحَ

و بر آل سید مایان محمد که بزرگوارترین آفریدگی است و سپرداغ

أَفْئِكَ وَأَفْضَلِ قَائِمٍ لِحَقِّكَ الْمَبْعُوثِ

همه اطراف آسمان است و بزرگترین بر استاده با دای حق تو که بر آنچه شده

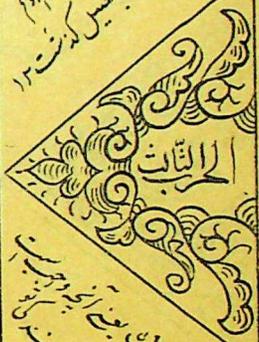
بِتَيْبِيرِكَ وَ رَفِيقِكَ صَلَوةً يَتَوَلَّى تَكْلِمَ رُهَا

بسبب آسان ساختن تو و لطف تو درودیکه پیوسته باشد پی در پی آمدن آن

وَقُلُوحُ عَلَى الْأَكْوَانِ أَنْوَارُهَا اللَّهُمَّ صَلِّ

دتابان شود بر همه تو آفرینش روشنیهای آن خدا یا درود بفرست و تسلم

و الحمد لله رب العالمين  
فصل في فضل الصلاة  
التي هي اتم الاعمال  
و الحمد لله رب العالمين  
فصل في فضل الصلاة  
التي هي اتم الاعمال  
و الحمد لله رب العالمين  
فصل في فضل الصلاة  
التي هي اتم الاعمال



اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ  
و عَلَى السَّيِّدِنَا مُحَمَّدٍ كَرَّمَ خَلْقَكَ وَسَبَّحَ  
أَفْئِكَ وَأَفْضَلِ قَائِمٍ لِحَقِّكَ الْمَبْعُوثِ  
بِتَيْبِيرِكَ وَ رَفِيقِكَ صَلَوةً يَتَوَلَّى تَكْلِمَ رُهَا  
وَقُلُوحُ عَلَى الْأَكْوَانِ أَنْوَارُهَا اللَّهُمَّ صَلِّ  
وَقُلُوحُ عَلَى الْأَكْوَانِ أَنْوَارُهَا اللَّهُمَّ صَلِّ  
وَقُلُوحُ عَلَى الْأَكْوَانِ أَنْوَارُهَا اللَّهُمَّ صَلِّ

وَقُلُوحُ عَلَى الْأَكْوَانِ أَنْوَارُهَا اللَّهُمَّ صَلِّ  
وَقُلُوحُ عَلَى الْأَكْوَانِ أَنْوَارُهَا اللَّهُمَّ صَلِّ  
وَقُلُوحُ عَلَى الْأَكْوَانِ أَنْوَارُهَا اللَّهُمَّ صَلِّ

فوق المملک بقولک  
یعنی در زمان دورت بیخبران در  
خدا ای قالی است و ده بت بیخبران  
خود در کلام خود و در کلام  
انتخابی آرد که من بزرگترین انبیاست  
از بعد تقوی خود و در کلام خود  
از زمان مبعوتت خود را بر آن کرده  
از خداوند خود و در کلام خود  
از خداوند خود و در کلام خود  
از خداوند خود و در کلام خود

وَسَيِّدٌ وَبَارِكْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى

اسلام بفرست و برکت ده بر سید مایان محمد و بر

السَّيِّدِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلِ مَدْوَحٍ بِقَوْلِكَ

آن سید مایان محمد که بزرگترین ستوده شدت بکلام تو

أَشْرَفِ دَاجٍ لِلْإِعْتِصَامِ بِحَبْلِكَ وَخَاتِمِ

داشرف ترین بر خواننده مردمان برای چنگ زدن بدن تو و آخر

أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ صَلَوَةٌ تُبَلِّغُنَا فِي

هم پیغمبران تو و مرسلان تو درودیکه برساند مایانرا در

الدَّارِ الْآخِرَةِ بِحَبْلِ فَضْلِكَ وَكَرَمَةِ رِضْوَانِكَ

هر دو جهان انزویه بخشش تو و بزرگی خوشنودی تو

وَوَصْلِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ

و وصل تو خدا ای درود بفرست و سلام بفرست و برکت ده

عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى السَّيِّدِ مُحَمَّدٍ

بر سید مایان محمد و بر آل سید مایان محمد

الرَّمْلَ الْكَرِيمَ مِنْ عِبَادِكَ وَأَشْرَفِ الْمُنَادِينَ

که بزرگترین همه بزرگان از بندگان تو و بزرگترین خوانندگان مردم

لِطَرِيقِ رَشَادِكَ وَسِرَاجِ أَقْطَارِكَ وَبِلَادِكَ

برای راهنمایی به آیت تو و چراغ کن ۲۰ ی زمین است و شهرهای است

مانند کسی استوار است که در جهات دراز  
از طاعت چه کفر و مشاکات  
و این خوانندگان بر آنچه از  
اینجا است که پیوسته است  
و این از دعوت اوست  
تا بیاید پیش از آنکه  
تحقیق به کمال است تا  
فوق عبیر فضلتک در لغت  
تو است



بعضی رساندند از بسیاری  
و کرامت رضوانک زیرا که در  
عاشقانت و دیگر بزرگواران  
که در از است از آن سبب درود  
در لغت بگفتند و بگفتند  
فان و ما و ما و ما و ما و ما  
در او صاف می بگفتند و او صاف  
تا به پای ما که می بیند تو  
فوق العبادین بگویم که در  
فوق العبادین بگویم که در  
فوق العبادین بگویم که در  
فوق العبادین بگویم که در

در بعضی نسخه است و در بعضی  
بزرگترین همه بزرگان از بندگان تو  
برای راهنمایی به آیت تو و چراغ کن  
۲۰ ی زمین است و شهرهای است  
۱۲

لا یفنی نوره و نور  
قولہ  
ولا یقید

صَلْوَةٌ لَا تَقْتُلِي وَلَا تَبِيدُ تُبَلِّغُنَا بِهَا

درود که فانی نشود و نابود نشود برسان مایه از اسب آن

كِرَامَةً الْمَزِيدِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَى

بزرگم زیادتر عطا می خود حسدا یا درود بفرست و سلام بفرست و برکت ده بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ أَسِيدِنَا مُحَمَّدٍ الرَّبِّيعِ

سید مایان محمد و بر آل سید مایان محمد که بلند تر است

مَقَامُهُ الرَّاجِبِ تَعْظِيمُهُ وَاحْتِرَامُهُ صَلْوَةٌ

جائز او و اجابت بزرگ در شستن او و نگاه داشتن بزرگی او درودیکه

لَا تَقْطَعُ أَبَدًا وَتَقْتُلِي سَرْمَدًا وَلَا تَحْصِرُ

بریده نشود هرگز و فانی نشود همیشه در رقیه شمار نیاید

عَدَدًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ

از روی شمار خدا یا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد

كَمَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي

چنانچه درود فرستاده تو بر ابراهیم و بر آل ابراهیم در

الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُّجِيدٌ وَصَلِّ اللَّهُمَّ

عالمیان بدرستی که تو ستوده شده بزرگواری و درود بفرست خدا یا

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كُلَّمَا ذَكَرَهُ

بر محمد و بر آل محمد هرگاه یاد کند او ما الذاکرین

کلمه المزیل یعنی بزرگی زیاد  
عطا خود که از او عدول نمود و قول  
و زیاد یعنی در آنجا که میگوید  
کرد اند یعنی بیان آوردند یادداشت



نیکوست یعنی نیک است و نیکو  
از یادداشت که افضل گرامت است  
و این لقای بود و گرامت که بحضرت  
مخبر گرداند ۱۲  
مشرف  
قولہ

و احتیاطاً  
برای تعظیم آنحضرت صلوات الله علیه  
و آلا و سلم چند جا در قرآن آمده  
پس تو که تعظیم می کنی آنرا  
و آلا و سلم که فرستد العیا زیادتر

قولہ  
سَرْمَدًا اِبْفَتْحِ بَيْنَ

فصل مختصر از طباطبائی که طایف کرده  
 دوازده در اول او در طباطبائی که طایف کرده  
 دوازده در اول او در طباطبائی که طایف کرده  
 دوازده در اول او در طباطبائی که طایف کرده  
 دوازده در اول او در طباطبائی که طایف کرده

عناصرتن شفا صفتی نقل کرده که در کتب معتبره  
 علی بن مسلم بیان کرده است که در روز سه شنبه  
 از آن گفتن بسیار است که در روز سه شنبه

علیه السلام بیان کرده است که در روز سه شنبه  
 از آن گفتن بسیار است که در روز سه شنبه  
 از آن گفتن بسیار است که در روز سه شنبه

عناصرتن شفا صفتی نقل کرده که در کتب معتبره  
 علی بن مسلم بیان کرده است که در روز سه شنبه  
 از آن گفتن بسیار است که در روز سه شنبه

عناصرتن شفا صفتی نقل کرده که در کتب معتبره  
 علی بن مسلم بیان کرده است که در روز سه شنبه  
 از آن گفتن بسیار است که در روز سه شنبه  
 از آن گفتن بسیار است که در روز سه شنبه

اللَّهُ صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَالْحَقَّ أَنَّ اللَّهَ

خدا یاد رود بفرست بر در که زنده از هفت آسمان که بالای یکدیگر کند خدا یا

صَلِّ عَلَيَّ الشَّفِيعِ فِي سَمِيِّ الْأَفْأَمِ اللَّهُ صَلِّ

درد و بفرست بر شفاعت کننده در هفت آسمان خدا یاد رود بفرست

عَلَيْ مَنْ سَبَّحَ فِي كَيْفِهِ الطَّعَامَ اللَّهُ صَلِّ

بر کسی که تسبیح کرد در کف دست او طعام خدا یاد رود بفرست

عَلَيْ مَنْ بَكَى إِلَيْهِ الْجِدْعُ وَحَنَّ لِفِرَاقِهِ

بر کسی که بگریست بسوی او شیخ خرما و ناله غمناکان میکرد از برای حیدر یا او

اللَّهُ صِلْ عَلَيَّ مَنْ تَوَسَّلَ بِهِ طَيْرُ الْفَلَاحَةِ

خدا یاد رود بفرست بر کسی که وسیله ساخت او را برندگان بیا بیا

اللَّهُ صِلْ عَلَيَّ مَنْ سَبَّحْتَ فِي كَيْفِهِ الْحَصَاةُ

خدا یاد رود بفرست بر کسی که تسبیح کرد در کف دست او سنگ بریزد

اللَّهُ صِلْ عَلَيَّ مَنْ تَشَفَّعَ إِلَيْهِ الطَّيْبُ بِأَفْضَحِ

خدا یاد رود بفرست بر کسی که روی او در بسوی او آهوی بکلام صحیح

كَلَامِهِ اللَّهُ صِلْ عَلَيَّ مَنْ كَلَّمَهُ الضَّبُّ فِي

خدا یاد رود بفرست بر کسی که سخن کرد باوی سوسمار در

مَجْلِسِهِ مَعَ أَصْحَابِهِ الْأَعْلَامِ اللَّهُ صِلْ عَلَيَّ

مجلس و بیاوران او که بزرگانند خدا یاد رود بفرست بر

عناصرتن شفا صفتی نقل کرده که در کتب معتبره  
 علی بن مسلم بیان کرده است که در روز سه شنبه  
 از آن گفتن بسیار است که در روز سه شنبه







فصل شده در شرح  
شکوه آن که گفت بودیم آنچه  
صلی الله علیه و آله در سفری که در آنجا بود  
نمی بارید یعنی گفت مراد آنحضرت کواچی  
وی ای عسرا بگفت کجاست که کواچی میاید  
باز آنچه پرسید گویا فرمود که کواچی میاید  
درخت بین تو از آن درخت را میبینی  
صلی الله علیه و آله فرمود که کواچی میاید  
پس وی ای او را در آن درخت در حال آنکه  
زین تا آنکه است و انداخته است  
بلکه کواچی که در آن درخت چیدن  
انداخته است با کواچی است  
از درخت رسالت وی بسا برکت است  
از صد رسالت خود آمدن درختان پیش  
جای رویدن خود آمدن درختان پیش  
آنحضرت صلی الله علیه و آله در آنرا احادیث  
آمده است اول آنکه تقویت است  
آنچه هر که بر همه بود و در آن  
الآن چهار که بر همه بود و در آن  
از زوری وی صلوات الله علیه بر کسین  
برای من بود از آنست تقویت  
تقویت نفع

مِنْ نُورِهِ الْأَزْهَارُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مِنْ

از نور او شکوفه های درختان خدا یا درود بفرست بر کسیکه

طَابَتْ بِبَرَكَتِهِ الثَّمَارُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

نخچه شد بین او میوه های درختان خدا یا درود بفرست بر

مِنْ اخْضَرَّتْ مِنْ بَقِيَّةِ وَضُوئِهِ الْأَشْجَارُ

کسی که سبز شد از پس مانده آب و ضوئ وی درختان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مِنْ فَاضَتْ مِنْ نُورِهِ

خدا یا درود بفرست بر کسی که آشکارا شده از نور او

جَمِيعُ الْأَنْوَارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ

همه نورها خدا یا درود بفرست بر کسی که سبب درود گفتن

عَلَيْهِ حَطُّ الْأَوْزَارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مِنْ

بروی انداخته میشود بارهای کهنکاران خدا یا درود بفرست بر کسیکه

بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ تَمَالُ مَنَازِلُ الْأَبْرَارِ اللَّهُمَّ

سبب درود گفتن بر وی یافته میشود مرتبه های نیکوکاران خدا یا

صَلِّ عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيْهِ يُرْحَمُ الْبَكَارُ

درود بفرست بر کسی که سبب درود گفتن بر وی بخشنای کرده میشود بزرگان

وَالصَّغَارُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ

و خردوان خدا یا درود بفرست بر کسی که با سبب درود گفتن



و فاسقان نام شده و وقار یافته  
فاندره در بعضی احادیث آمده  
تو آنحضرت صلوات الله علیه و آله  
از سخن باز آمده قطعه در ۲۰ قبار  
بر زمین بیکه از آن کل کتاب و لید و از آن  
من بود که هر که خواهد که گوید که در آن  
کلی است در آن شرح بیف  
سعادت گفته اند از آنجمله نزد  
محمد بنی بعثت رسیده ۱۲

مقال بضم تا ۱۲  
مقال بضم تا ۱۲  
مقال بضم تا ۱۲  
مقال بضم تا ۱۲  
مقال بضم تا ۱۲  
مقال بضم تا ۱۲

قوکر نعمت در خانه دار  
 یعنی بفرستد در روزی از نعمت های در دنیا ببرد  
 بسیار خوشتر از روزی از نعمت های در دنیا ببرد  
 قوکر المؤمنین یعنی در روز قیامت  
 داده شده باشد که آن را از کف دست  
 و در کارهای دنیا و آخرت  
 نثار کنند آن قوکر  
 بعد از قاف  
 قوکر بجزای خداوند  
 یعنی داد  
 یعنی داد  
 یعنی داد  
 یعنی داد

عَلَيْهِ نَتَعَمَّرُ فِي هَذِهِ الدَّارِ وَ فِي تِلْكَ الدَّارِ

بر روی بجهت درمی شویم بنگه های دین دنیا و بهره در خواستیم بنگه های آخرت

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مَنْ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ

خدا یا درود بفرست بر کسیکه سبب درود گفتن بر او

تَنَالُ رَحْمَةَ الْعَزِيزِ الْفَقِيرِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

رسیده میشود بخشش خدای را که غایت و آخر کار خدا یا درود بفرست بر

الْمَنْصُورِ الْمَوْجِدِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُخْتَلِ

یاری داده شده و قوت داده شده خدا یا درود بفرست بر برگزیده

الْمُجَدِّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا

بزرگی داده خدا یا درود بفرست بر سید مایان و صاحب مالک مایان

مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مَنْ كَانَ إِذَا مَشَى

محمد خدا یا درود بفرست بر کسیکه بود وقتی که میرفت

فِي الْبَرِّ الْأَقِيمِ تَقَلَّبَتْ لَوْ حُوشٌ بِأَذْيَالِهِ

در میانان غلغلای از آب گیاه های او میخیزند جانوران رنده همچو ای بر آنها مبارک

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ

خدا یا درود بفرست بر روی و بر آل وی و یاران وی

وَسَلِّمْ وَسَلِّمْ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و سلام بفرست سلام فرستاده و سپاس ستایش مرزای رب آفریننده همه عالمیان

در وقت سخن می فریاد کنند و  
 و در این ناله ها و فریاد  
 عیان می آید و فریاد  
 و در این ناله ها و فریاد  
 عیان می آید و فریاد  
 و در این ناله ها و فریاد  
 عیان می آید و فریاد  
 و در این ناله ها و فریاد  
 عیان می آید و فریاد



در وقت سخن می فریاد کنند و  
 و در این ناله ها و فریاد  
 عیان می آید و فریاد  
 و در این ناله ها و فریاد  
 عیان می آید و فریاد  
 و در این ناله ها و فریاد  
 عیان می آید و فریاد

از فصاحتها صلوة  
 تا اینجا رج اول خوانند  
 بعد از آن که خداوند  
 را از اول آن تمام  
 بعد از آن که خداوند

فوق علی علیه السلام  
در عقوبت عاصیان با وجود ارتکاب  
گناه بمانند کسان را قوی بود  
کنند و با وجود قوت زشتی را  
تراز کن و همه قوا را بر غفرت افزون  
شستند تا سبب بیاورد همه  
منک که از آنکه ترسکاری از تو  
سبب استکار است  
لا تاخا فواخره و ترسند است تا  
می ترسد بسیار سبب است  
می ترسد بسیار سبب است  
می ترسد بسیار سبب است

# الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَدَأَ الرَّبْعَ

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَّاهُ بَعْدَ عَلَيْهِ وَعَلَى عَفْوِهِ  
ستایش استودکی بر خدای رحمت برورد باری وی با وجود داشتن او بر در که حق او  
بَعْدَ قُدْرَتِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ

باجود توانا بودن او خدایا بدرستی که من پناه میگیرم تو از  
الْفَقْرِ إِلَّا إِلَيْكَ وَمِنَ الدُّرِّ إِلَّا لَكَ وَمِنَ

الْخَوْفِ إِلَّا إِلَيْكَ وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَقُولَ  
ترسیدن که از تو و پناه میگیرم تو از گفتن

زُورًا أَوْ أَغْشَى جُورًا أَوْ أَكُونَ بِكَ  
دروغ یا آنکه ایتم من بدکار را یا آنکه باشم من بگرم تو  
مَغْرُورًا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سَمَاءِ الْأَعْدَاءِ

وَعُضَائِلِ الدَّاءِ وَخَيْبَةِ الرَّجَاءِ وَزَوَالِ  
فريب داده شده و پناه میگیرم تو از خون من دشمنان  
و در در سخت و نایافت آرزو و نیت شدن

درمان بود ۱۲۰  
بعضی از گفتن سخن دروغ بلیت  
دروغ ای باد که موزن بیاورد دروغ آوری را  
گفته است سارا ۱۲۰  
مغفور و بعضی نیت فرشته شیطان را او را دور  
در از اندازد و بر آوردن کنه در کبریاوند  
و با وجود دوام تعصبت آرزوی غفرت



در دل نذر اندازد اگر چه این کلمه است  
نیست باید در طبیعت مان را در واقع  
زنده اند که از کلمات شیطان است  
عشرت نقد از دست داده پس باید که  
پناه طلب نماید و از حق سبحانه و تعالی  
گذارد ای تقاضای...  
از تو می در دشمنان سبب رسیدن  
و بصیبت لا تقم  
نفس بر خوی از بند غلامی می آید  
ادب بس هر چه نماید بلیت  
بر آن تو می در حق می بایست  
خود دار ما را با  
گذارد ما را با  
بعضی هم که در این  
بدن را در انچه در سراسر که اخوان  
زیمه اند ۱۲۰

بدر آن اشک و سبب زوال نعمت خیر  
بودن آن نعمت خیر  
خیر و خوبی و ناکاه رسیدن عقوبت خدا یا درود و بفرست بر سر در مایان  
رضای آن سید کا  
بدر آن اشک و سبب زوال نعمت خیر  
بودن آن نعمت خیر  
خیر و خوبی و ناکاه رسیدن عقوبت خدا یا درود و بفرست بر سر در مایان  
رضای آن سید کا  
بدر آن اشک و سبب زوال نعمت خیر  
بودن آن نعمت خیر  
خیر و خوبی و ناکاه رسیدن عقوبت خدا یا درود و بفرست بر سر در مایان  
رضای آن سید کا

النِّعْمَةُ وَجَاءَ الْيَقِينُ اللَّهُ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا

خیر و خوبی و ناکاه رسیدن عقوبت خدا یا درود و بفرست بر سر در مایان

و مُحَمَّدٍ وَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَآجِرُهُ عَنَّا مَا هُوَ أَهْلُهُ

محمد و سلام بفرست بر وی و پاداش از مایان چیزیکه آن سزاوار آن است که

حَبِيبِكَ ثَلَاثًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا

دوست سه بار که کنند درود ما خدا یا درود و بفرست بر سر در مایان

إِبْرَاهِيمَ وَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَآجِرُهُ عَنَّا مَا هُوَ أَهْلُهُ

ابراهیم و سلام بفرست و پاداش ده او را از مایان چیزی که او سزاوار

خَلِيلِكَ ثَلَاثًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا

دوست سه بار خوانده تو خیر خدا یا درود و بفرست بر سید مایان

مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْإِسِيدِنَا مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ

محمد و بر او سید مایان محمد چنانکه درود و فرستاده تو

و دَرَجَتٍ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ

درجه کرده تو و برکت ده بر ابراهیم در عالمیان

إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ عَدَدَ خَلْقِكَ وَرِضَاءِ

بدر سینه که تو ستوده شده و بزرگوار باشی از آفرینش خود و مقدار خوشنودی

نَفْسِكَ وَزِينَةِ عَرْشِكَ وَمِدَادِ كَلِمَتِكَ

ذات خود و بوز عرش خود و مقدار سخنان خود اللهم

بدر آن اشک و سبب زوال نعمت خیر  
بودن آن نعمت خیر  
خیر و خوبی و ناکاه رسیدن عقوبت خدا یا درود و بفرست بر سر در مایان  
رضای آن سید کا  
بدر آن اشک و سبب زوال نعمت خیر  
بودن آن نعمت خیر  
خیر و خوبی و ناکاه رسیدن عقوبت خدا یا درود و بفرست بر سر در مایان  
رضای آن سید کا  
بدر آن اشک و سبب زوال نعمت خیر  
بودن آن نعمت خیر  
خیر و خوبی و ناکاه رسیدن عقوبت خدا یا درود و بفرست بر سر در مایان  
رضای آن سید کا



بدر آن اشک و سبب زوال نعمت خیر  
بودن آن نعمت خیر  
خیر و خوبی و ناکاه رسیدن عقوبت خدا یا درود و بفرست بر سر در مایان  
رضای آن سید کا  
بدر آن اشک و سبب زوال نعمت خیر  
بودن آن نعمت خیر  
خیر و خوبی و ناکاه رسیدن عقوبت خدا یا درود و بفرست بر سر در مایان  
رضای آن سید کا

خَلِيلِكَ وَتَقِيَّتِهِ حَبِيبًا نَزِيهًا  
فَلْتَعْلَمَنَّ نَزْرًا عَلَى نَزْرٍ شَهِيْرًا  
بدر آن اشک و سبب زوال نعمت خیر  
بودن آن نعمت خیر  
خیر و خوبی و ناکاه رسیدن عقوبت خدا یا درود و بفرست بر سر در مایان  
رضای آن سید کا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ

خدا یا درود بفرست بر رئیس مایان محمد بشمار کاینکه

صَلِّ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

درود فرستادند بروی خدا یا درود بفرست بر همه دارمایان محمد

عَدَدَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

بشمار کسینکه درود نفرستادند بروی خدا یا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا صَلِّ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ

سید مایان محمد بشمار درود های که فرستاده شده است بروی خدا یا

صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ إِضْعَافَ مَا

درود بفرست بر سید مایان محمد تو بر تو درود هاییکه

صَلِّ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا

فرستاده شده است بروی خدا یا درود بفرست بر سید مایان

مُحَمَّدٍ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

محمد چنانچه سزاوار است خدا یا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ كَمَا حَبِبْتَ وَتَرَكْتَ خَلَاءَهُ

سید مایان محمد چنانچه دوست داری تو دشمن و دشمنی تو برای او

الْحَرْبِ الثَّلَاثِ الْبُرْءِ فِي يَوْمِ الرَّجَاءِ

قول

ما صلّى على

بفهم صادر کرد که لام شده و فتح

درود هاییکه فرستاده شده است

بشمار کسینکه درود نفرستادند بروی

خدا یا درود بفرست بر همه دارمایان محمد

تو بر تو درود هاییکه

فرستاده شده است بروی خدا یا درود بفرست بر

سید مایان محمد چنانچه سزاوار است

خدا یا درود بفرست بر سید مایان

محمد چنانچه دوست داری تو دشمن و دشمنی تو برای او

در روز رجاء

قوله اللهم صل على روح سيدنا محمد في الآخرة  
 سيدنا محمد در بفرست بر جان پاک  
 یعنی خدایا درود بفرست بر جان پاک  
 در ایامان محمد در میان جانها  
 در ایامان خود از انبیا درود پاک  
 یعنی خدایا درود بفرست بر جان پاک  
 در ایامان محمد در میان جانها  
 این را بخواند او را در ایامان آنها درود پاک  
 یعنی خدایا درود بفرست بر جان پاک  
 در ایامان محمد در میان جانها

قولته  
 و صحبه وسلم  
 فانه كما

روایت کرده است ابن فاکمانی  
 کسی که بخواند این درود را معتقد  
 بار به سینه بغمیر خدا

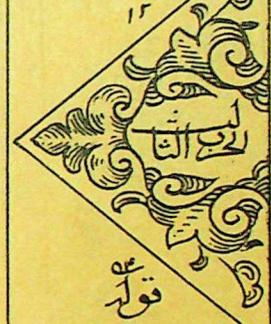
صلی الله علیه و آله وسلم  
 در خود

قولته

كلما غفلت عنك فاعفون

هر گاه از تو فراموشی  
 همیشه درود بفرست زیرا که زمانه  
 هر دو خانی نیست

۱۲



قولته

النبي الاحق

نظم

تم روح بود شکر بفرست  
 زان نفوس است که در است

آنکه شوق کسب جویم

لقم که زود دست چشم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى رُوحِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ فِي

خدایا درود بفرست بر جان پاک سید ما یان محمد در

الْأَرْوَاحِ وَعَلَى جَسَدِكَ فِي الْإِحْسَادِ وَ

جانها در تن پاک او در تنها

عَلَى قَبْرِهِ فِي الْقُبُورِ وَعَلَى إِلِهِ وَصَحْبِهِ

بر کور مبارک او در کورها و بر اهل او و یاران او

وَسَلِّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ كَمَا

و سلام بفرست خدایا درود بفرست بر سید ما یان محمد هر گاه که

ذِكْرُ الذِّكْرُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا

یاد کنند او را همه یاد کنندگان خدایا درود بفرست بر سید ما یان

مُحَمَّدٍ كُلَّمَا غَفَلَ عَن ذِكْرِ الْغَفَلُونَ

محمد هر گاه غفلت ورزند از یاد او همه غافلان

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

خدایا درود بفرست و سلام بفرست بر پیش ما یان محمد

وَالنَّبِيِّ وَأَزْوَاجِهِ أَقْرَبَاتِ الْمُؤْمِنِينَ

که پیغمبر است ما خوانده و نام زینده و زنان او که مادران مؤمنان اند

وَذُرِّيَّتِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوةً وَسَلَامًا

و اولاد او و اهل بیت او درودی و سلامی لا

قولگه  
آن درود ب سبب او برای حق باشد  
و واجب است بر ایمان که در این سبب  
از زبان کفر و ضلالت ایمان و هدایت  
و میرمانند در آخرت از آن است  
بکار از رحمت پس او می حق آید شود  
مگر در دروس که در درود و غیره  
و نون و محبت  
۱۲

لَا يُحْطَىٰ عَدَدُهَا وَلَا يَقْطَعُ مَدَدُهَا

سکاهی که ضبط کرده نشود و شمار آن هر دورا و بریده نشود زیادتی آن هر دورا

اللَّهُ صَلَّىٰ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَمًا حَاطًا

خدا یا درود بفرست بر سید ایمان محمد بشمار چیزی که فراسد است

بِعِلْمِكَ وَأَخْصَاءُ كِتَابِكَ صَلَوةٌ تَكُونُ

اورا علم تو و ضبط کرده است آنرا کتاب تو درودیکه باشد

لَكَ رِضَىٰ لِحَقِّهِ آدَاءٌ وَأَعْطَاهُ الرِّيسِيْلَةَ

برای تو سبب خوشنودی و برای حق او سبب ادای و بده اورا منتری بپسند

وَالْفِضِيْلَةَ وَاللَّارِجَةَ الرَّفِيْعَةَ وَابْعَثْهُ

و بزرگ و پاپی بپسند و بر آنکیز اورا

اللَّهُمَّ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ وَ

خدا یا در مقامی که ستوده شده است آنمقامی که وعده کرده تو او را و

أَجْرَهُ عَنَّا مَا هُوَ أَهْلُهُ وَعَلَىٰ جَمِيْعِ إِخْوَانِهِ

و پاداش ده او را از ایمان چیزی که او سزاوار است و بر همه برادران وی

مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِيْنَ وَالشُّهَدَاءِ

از پیغمبران و راست گویان و کشته شده کان در راه خدا

وَالصَّالِحِيْنَ اللَّهُمَّ صَلَّىٰ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

و سنیو کاران خدا یا درود بفرست بر سید ایمان محمد

فولگه  
و علی جمیع اخوانه  
یعنی بر همه برادران دینی وی که  
و باطن باقی و باطن  
۱۲



قولگه  
و الصالحين  
یعنی سنیو کاران که همه قول  
و فعل ایشان موافق است  
خدا در رسول صل  
اسمه علیه السلام  
۱۲

فولگه  
عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ  
و علی السیدنا  
محمد زیاده  
نموده  
۱۲

المنزل بضم میم و فتح زاء  
و کسر زاء نیز آمده ۱۳

قول

المقرب بفتح راء

شده

قول

یوم القيمة

فائده

در تفسیر حسین از زبان نقل کرده  
فسر بود پیغمبر صلی الله علیه و سلم

نزدیک کرده اند

در حدیث



و من ند با خود  
بر عرش و حق تعالی ازین

یک است و انجیب مقصود از

نشدن بجز صلی الله علیه و سلم

با خود بقیتم و تکریم کبریت

صلی الله علیه و سلم

بهم

استنبیه

در حدیث آمده

کسی که بگوید اینکلمات از الله است

تا یوم القيمة در جیب شود

برای او

تسع

۱۲

وَأَنْزَلَهُ الْمَنْزِلَ الْمُقَرَّبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ

و فرود آر او را در جای فرود آمدن که نزدیک ده شده است روز قیامت خدا یا

صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ تَوَجَّهْ

درود بفرست بر سید ما یان محمد خدا یا از جهت بخشش او را

بِتِلْجِ الْعِزِّ وَالرِّضَى وَالْكَرَامَةِ اللَّهُمَّ

بیوست بیدن توج و خوشنودی و بزرگی خدا یا

أَعْطِ لِسَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا سَأَلَكَ

بده هر سرور ما یان محمد بزرگترین چیزی را که سوال کرده است ترا

لِنَفْسِهِ وَأَعْطِ لِسَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ

برای ذات خود و بده هر سرور ما یان محمد بزرگترین

مَا سَأَلَكَ لَهُ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ وَأَعْطِ

چیزی که سوال کرده است ترا برای او سیکه از آفریدگان تو و بده

لِسَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا أَنْتَ مُسَوَّلٌ لَهُ

هر سرور ما یان محمد بزرگترین چیزی که ترا سوال کرده شده است برای او

إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا

تا روز قیامت خدا یا درود بفرست بر سید ما یان

مُحَمَّدٍ وَآدَمَ وَنُوحَ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى

محمد دادم دفع و ابراهیم موسی و موسی

قول  
بیتاج الغنا الضا و الکتابه  
یعنی شکر انبیه برای او بچونج بوشان  
قول کس الیوم و القیمه  
این دعاست در شفا از و سب این  
اورد که بخواند و این را وقتکه اند  
که او از ارباب  
بود

قول

و عیسیٰ ابن مریم علیهم السلام  
اولا و احسنهم انما کتبوا بعد از او  
و جباران با کافران و از برای اینست  
که در این کتاب از برای کافران  
در صفت شریف آمده که نسبت چهار  
علیهم السلام یک یک نسبت چهار  
نوار بوده اند از آنجا که در حدیث آمده  
رسول بوده اند و فرق دینی و رسول  
در شرح اسمای شریف تعیین

وَعِيسَىٰ وَمَا بَيْنَهُمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ

و عیس و ک نیک در میان ایشان بودند از پیغمبران و مرسلان

صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

درودهای خدا و سلام او باد بر ایشان هم

ثَلَاثًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ آيَاتِنَا أَدَمَ وَإِنَّا

بخوان سه بار خدا را درود بفرست بر پدران آدم و ماورایان

حَوَاءَ صَلَوَةٌ مَلَائِكَتِكَ وَأَعْظَمُ مَا مِنْ

چا مانند درودیکه میفرستی تو بر فرشتگان خود و بیهان هر دورا از

الرِّضْوَانِ حَتَّىٰ تُرَضِيَهُمَا وَأَجْزِهِمَا اللَّهُمَّ

حشودی تا آنکه حشود کردی آن هر دورا و پاکیزگی آن هر دورا ضایا

أَفْضَلُ مَا جَاءَتْ بِهِ أَبَاوَأُمَّةٌ عَنْ وُلْدٍ فِيهَا

بزرگترین چیز که پاداش داده تو با و پدری را و مادری را از دو فرزند آن هر دورا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ سَيِّدِنَا جَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ

خدا یا درود بفرست بر سید مایان جبرائیل و میکائیل

وَإِسْرَافِيلَ وَعِزْرَائِيلَ وَحَمَلَةَ الْعَرْشِ

و اسرافیل و عزرائیل و بردارندگان عرش

وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ وَالْمُرْتَبِينَ وَعَلَىٰ جَمِيعٍ

در فرشتگان و نزدیکیان درگاه تو در همه

در شرح اسمای شریف تعیین  
ایا باید که در حق ایان آوردن تعیین  
عدو بنا یکر و بلکه باید گفت که ایان  
اوردن من بخدمت پیغمبران خدای که همه حق  
و افضل و شرف به حضرت محمد  
صلی الله علیه و آله و سلم  
ثلاثا سه بار در مطالع است  
نقل کرده که هر کس بخواند این درود را بار



که با تمام کتب را شریف کرده باشد ۱۲  
قول که در آنجا آمده است بعد از الفی سید کرده  
شده است از آنجا که آن بهلولی چوب  
ادم علیه السلام ۱۲ قول که در آنجا آمده است  
و کرم خاد ۱۲ قول که در آنجا آمده است  
چهار فرشته که نزدیک درگاه تو است  
در بزرگ منظر  
چهار شهسوارند که با اسلحه  
ند که در آنجا آمده است  
کافر ز قمارت یکبار در صوبای  
از برای ۱۲ قول که در آنجا آمده است  
نسخه ۱۲ قول که در آنجا آمده است  
صفت آنست که او در روز قیامت  
۲ شریف آمده و در روز قیامت  
باشند و در درگاه آورده که  
صوفی یا است اصناف باشند ۱۲

قولہ

ثَلَاثًا دَرِبْغُفَةَ نَسْتُو

ثلاثا نیتا

۱۲

قولہ

ابد الابد

در بعض نسخه آمده ابد الابد

بالف عباد

باد



قولہ

ملا یکسر سم ۱۲

قولہ

التي صليت عليه

طاعت که درودیکه وی

سجانه جبرسانه

بر محبوب

خود فرستاده شده

خوب تر و سیکوتر خواهد

بودن بر آن مثل

ان طلب

کردن

الْاَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ

پیغمبران و مرسلان درود بای خدای د

سَلَامُهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ ثَلَاثًا اللَّهُمَّ صَلِّ

سلامهای او بر آنها همه با سه بار خدایا درود بفرست

عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا عَمِلْتَ وَمِثْلًا

بر درمیان محمد بشمار چیزیکه داشته تو و مانند پری

مَا عَمِلْتَ وَبِرَّةَ مَا عَمِلْتَ وَمِثْلًا

چیزی که داشته تو و وزن چیزی که داشته تو و مانند

كَلِمَاتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

سخنان تو خدایا درود بفرست بر سید مایان محمد

صَلَاةً مَوْصُورَةً لِيَبْتَغِيَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

درودیکه پیوسته باشد بر فرزند خدایا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلَاةً لَا تَنْقُطُ اَبَدًا اَبَدًا

سه درمیان محمد درودیکه بریده نشود تا آخر زمان

وَتَبِيكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلَاةً

وفاقت نشود خدایا درود بفرست بر سید مایان محمد مانند درود تو

الَّتِي صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى سَيِّدِنَا

که فرستاده تو آن درود را بروی و سلام بفرست بر سردرمایان محمد

قول و امام حضرت  
طهره سید محمد در مطاع  
صلی علیه و آله در روز اول  
تولدت رسول الله صلی  
عنه و آله و سلم  
تولد یافت  
نور چشمی  
گشاده شد  
و در آن  
روز در آن  
روز در آن  
روز در آن

مُحَمَّدٍ صَلَّى سَلَامَكَ الَّذِي سَلَّمْتَ عَلَيْهِ وَ

محمد سلام تو که فرستاده تو آن سلام را بروی

اجْرِهِ عَنَّا مَا هُوَ أَهْلُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

پاداش او را از ما این چیزیکه ادلائقت حسد ایا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلَوةً تُرْضِيكَ وَ تُرْضِيهِ

سر دار ما یان محمد درودیکه خوش گرداند ترا و خوشد گرداند او را

و تُرْضَى بِهَا عَنَّا وَ اجْرُهُ عَنَّا مَا هُوَ أَهْلُهُ

در آنچه شوی ترسیده از ما یان و پاداش او را از ما این چیزیکه او سزاوار است

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ جِزْءًا مِنْ

خدا یا درود بفرست بر سید ما یان محمد که در یای نوزهای گنت

وَمَعْدِنِ اسْرَارِكَ وَ لِسَانِ حُجَّتِكَ وَ

وکان رازهای گنت و زبان دلیل روشن گنت و

عَرُوسِ مَمْلَكَتِكَ وَ اِمَامِ حَضْرَتِكَ وَ طِبْرٍ اَبْر

نوا خند ای ملک گنت و پنیوای درگاه گنت و آرایش

مُلْكِكَ وَ خَزَائِنِ حُجَّتِكَ وَ طِبْرٍ تَوْشِعْتِكَ

ملک گنت و گنجینهای بخشایش گنت و راه روشن گنت

الْمُتَلَدِّ بِتَوْحِيدِكَ اِنْشَانَ عَيْنِ الْوَجُودِ

که لذت یابنده است بتوحید تو ادی مانند مردی که چشم وجود عالم

عالمی در روزی که از گشتن ای سرور و در آن روز  
جهان بیادوستید ای سرور و در آن روز  
قول خزان و محمد یعنی سرش از او  
باز آید که سید بر سر او است  
در آن روز و آن روز  
قول و طریق شریک را که در آن روز  
از یکی مایات دانسته بیان آنست



صلی علیه و آله و سلم  
قولی التلک ذنوبی محمد فاند  
با که تو جید شانه فاند  
بود اهدت و گنت و این اگر از جهت  
باشد که در بعضی نمیشد و از جهت  
شسته که اندر بود دست و به صورت  
بهر هفت کمال بهشت یکت و بهشت  
و محمد صلی الله علیه و آله و سلم  
از سواد شود بین بان از با  
انها نشسته نموده و ما جان از با  
و آنکه تو جید علامت از با  
اسلام و در یک بسته لال از با  
خدا یا که اهدت و این بسته  
و کان فیما فیما فیما فیما  
لگنت تا این آوی از با  
صلی علیه و آله و سلم  
کفایت بودی از با  
مظالم کفایت بودی از با  
مظالم کفایت بودی از با  
کی باندی جهان بین تا در آن  
در بسته شدی

قوله

والسبب في كل موجود  
عنه اكر ذات باكر انما صلته  
عليه الله وسلم بنوري  
مبج فریده را پند  
شود

وَالسَّبَبُ فِي كُلِّ مَوْجُودٍ عَيْنُ اَعْيَانِ

دو اسط در بودن هر آفریده شده چشم بزرگان

خَلْقِكَ الْمُتَقَدِّمِ مِنْ دُورِ رُضِيَاكَ صَلَوةٌ

آفرینش تو اول ظاهر شده از نور تجلی روشنی ذات تو درود فرستادن

تَدُّوْمُ بَدِ وَاْمِيكَ وَتَبَقِي بِبَقَائِكَ لِاٰمِنْتِي

که همیشه باشد همیشه تو داینده بودی پسند که تو میت آخر

لَهَا دُونَ عِيْلِكَ صَلَوةٌ تُرْضِيكَ وَتَرْضِيهِ

مر از آن بجز علم تو درود دیگر خوشنودشوی تو خوشنودشود ا

وَقَرَضِي بِهَا عَنَّا يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ

و خوشنودشوی بسبب آن از مایان ای پروردگار عالیمان خندایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا فِي عِلْمِ

درود بفرست بر سید مایان محمد بشمار چینی که در علم

اللّٰهِ صَلَوةٌ دَائِمَةٌ بَدِّ وَاِهْمَلِكِ اللّٰهُمَّ

خداست درودیکه همیشه باشد همیشه ملک خندای قدایا

صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى

درود بفرست بر سردار مایان محمد چنانچه درود فرستاده تو بر

سَيِّدِنَا اِبْرَاهِيْمَ وَبَارِكْ عَلٰى سَيِّدِنَا

سردار مایان ابراهیم و برکت ده بر سید مایان

نظم

هفت و نه و چاه نیز خند  
خاص بی کرب ان  
دوست شده و ادیان خزل  
اسدی و سجد عظم خزل



قوله

المتقدم در بفرست المتقدّم  
بجای صلح بجای سیم اول از هر برده  
از نور تو که نوریت قوی

قوله

عدد ما فی علم الله

فانده

در بکلام  
از خطاب

بوی هم ظاهر عدول نموده

این را در علم

بلافت بها  
نکونید

مجلس  
الاصول علی سیدنا و آله  
عبدالرزاق در آمده  
و علی ال  
سیدنا محمد

۱۳  
قول علی ابن ابی طالب  
در بقیع نخله علی ابن ابی طالب  
قول علی ابن ابی طالب  
در بقیع نخله علی ابن ابی طالب

حَمْدٌ وَعَلَى السَّيِّدِ نَا حَمْدٌ كَمَا بَارَكْتَ

سوره حمد در آل سید مایان محمد چنانچه برکت داده تو

عَلَى الْإِبْرَاهِيمِ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ

بر آل ابراهیم در عالمیان بدرستی که تو ستوده شده

مَجِيدٌ عَدَدَ خَلْقِكَ وَرِضَاءِ نَفْسِكَ

بزرگواری بشمار آفرینش تو وحشودی ذات تو

وَرِزْقَةَ عَرْشِكَ وَمِثْلَ أَدْكَلِيَّتِكَ وَعَدَدَ

دو وزن عرشش تو و باندازه سخنان تو و شمار

مَا ذَكَرَكَ بِهِ خَلْقِكَ فِيمَا ضَرَعَدَدَ

چیزیکه یاد کرده اند ترا با دافریدگان تو در زمانیکه گذشته است و شمار

مَا هُوَ ذَكَرُوكَ بِهِ فِيمَا بَقِيَ فِي كُلِّ سَنَةٍ

زمانیکه آن یاد میکنند ترا بدان در زمانیکه باقی مانده است در هر سال

وَمَشْهُرٍ وَجَمْعَةٍ وَيَوْمٍ وَلَيْلَةٍ وَسَاعَةٍ

و ماهی و هفته و روزی و شبی و ساعتی

مِنَ السَّاعَاتِ وَشَمِّ نَفْسٍ وَطَرْفَةٍ

از ساعات و بمقدار رسیدن بوی دماغ و چشم زدنی

وَلَحْمَةٍ مِّنَ الْأَبَدِ إِلَى الْأَبَدِ وَآبَادٍ

و اندک نظر کردن از ابتدای زمانه تا آخر زمانه و زمانهای

قول علی ابن ابی طالب  
در بقیع نخله علی ابن ابی طالب  
قول علی ابن ابی طالب  
در بقیع نخله علی ابن ابی طالب  
قول علی ابن ابی طالب  
در بقیع نخله علی ابن ابی طالب  
قول علی ابن ابی طالب  
در بقیع نخله علی ابن ابی طالب  
قول علی ابن ابی طالب  
در بقیع نخله علی ابن ابی طالب  
قول علی ابن ابی طالب  
در بقیع نخله علی ابن ابی طالب



و فسر بفتح نون وفا  
و گفته اند که تمام شب و روز  
بست چهار هزار  
دم ازادی  
مینود  
۱۳

قول  
طرقه بفتح طاء و گویند که  
آدمی در هر شب چهل  
هفت هزار بار  
چشم  
میزند  
۴

۱۳  
نظر کردن  
بمقدار رسیدن  
بوی دماغ  
و چشم زدنی  
قول

قوله

وَأَبَاد

در دال آباد کسوف

بر دو روز است

۱۲

قوله

لَا يَنْقُطُ بِنَفْسِ فَاوَاخِر

آن دال

۳۱

۳۱

الدُّنْيَا وَأَبَادَ الْآخِرَةِ وَكَثُرَ مِنْ ذَلِكَ

دنیای دنیا و زمانهای درازای آخرت است و زیاد از آنچه ذکر کردم

لَا يَنْقُطُ أَوَّلُهُ وَلَا يَنْقُطُ آخِرُهُ اللَّهُمَّ

برین نشود اول آن و نماند نشود آخر آن خدا یا

صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَلَى قَدَرٍ

درود بفرست بر سید مایان محمد بر اندازه

حُبِّكَ فِيهِ اللَّهُ صَلَّى عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

دوستی تو در حق وی خدا یا درود بفرست بر سید مایان محمد

عَلَى قَدَرٍ عِنَايَتِكَ بِهِ اللَّهُ صَلَّى عَلَى

بر اندازه تو به سوی وی خدا یا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ حَقَّ قَدْرِهِ وَمِقْدَارِهِ

رئیس مایان محمد لائق مرتبه او و بزرگی شان او

اللَّهُ صَلَّى عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلَوَةً

خدا یا درود بفرست بر بزرگ مایان محمد درود بگو

تُجَنَّبُنَا بِهَا مِنْ جَمِيعِ الْاَهْوَالِ وَالْاَفَاتِ

خدا ص کردانی ما را از بسبب آن از همه ترسها و آفتها

وَتَقْضِي لَنَا بِهَا جَمِيعَ الْحَاجَاتِ وَتَطَهِّرْنَا

دادا کردانی برای ما را از بسبب همه حاجتها و پاک کردانی ما را از آنها



قوله

قَدْ رَفَعَهُ دَالٌ مَكُون

آن

قوله

الْاَهْوَالِ

یعنی مصیبت که بسبب آن نقصان

در دین و یا در دنیا پیدا

آید و بسبب آن

مضطرب

و ناایمن

ناید



قولی که در این باب آمده است  
بدرستی برده است  
در مقام قایم و سبب است  
بچه و بیگانه  
میت کلام  
قولی که در این باب آمده است  
بدرستی برده است  
در مقام قایم و سبب است  
بچه و بیگانه  
میت کلام  
قولی که در این باب آمده است  
بدرستی برده است  
در مقام قایم و سبب است  
بچه و بیگانه  
میت کلام

وَحَيْطُ بِلِحْدٍ صَلَوَةٌ لِّأَعْيَةِ طَهْرًا وَمَسْتَهَا

و فرارسد بپایان حسن و خود را درودیکه نیست آخر مراد و نه پایان

وَلَا انْقِضَاءَ صَلَوَةٍ دَائِمَةٍ بَدًا وَمَيْكًا وَ

و نه تمام بودن درودیکه همیشه باشد و نه پستی

عَلَى إِلَيْهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا مِثْلَ ذَلِكَ

بر آل او و یاران او و سلام بفرست و سلام فرستاده مانند آنچه مذکور شد

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ الَّذِي مَلَكَ

خدا یا درود بفرست بر سید مایان محمد که بزرگوار تو

قَلْبَهُ مِنْ جَلَالِكَ وَعَيْنَهُ مِنْ جَمَالِكَ

دل او را از بزرگی خود و دیده او را از حسن و خوبتی خود

فَاصْبِحْ فَرِحًا مُؤَيَّدًا مَنصُورًا وَعَلَى إِلَيْهِ وَ

بس که شادان قوت داده شده یاری داده شده و بر آل او

صَحْبِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا وَلِلْحَمْدِ لِلَّهِ عَلَى ذَلِكَ

یاران او و سلام بفرست سلام فرستادی و ستایشی که شاید مضای را بران

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَلَيَّ

خدا یا درود بفرست بر سید مایان و مالک مایان محمد بنشار

أوراق الزيتون وجميع الثمار اللهم

برگی درخت زیتون و همه میوه خدا یا صل

در مقام قایم و سبب است  
بچه و بیگانه  
میت کلام  
قولی که در این باب آمده است  
بدرستی برده است  
در مقام قایم و سبب است  
بچه و بیگانه  
میت کلام  
قولی که در این باب آمده است  
بدرستی برده است  
در مقام قایم و سبب است  
بچه و بیگانه  
میت کلام



جال بوده اند چنانچه بر اسم علیها  
اسلام که علم آنان معرفت و عبادت  
صلوات الله علیه صلوات  
چنانچه از کتاب معلوم میشود  
در تفسیر رسول کریم  
مهرت نمانده بود درین

دلت از همه صفات کمال  
خسته درو حال جلال  
فوق فوجا نفع فاکر اول  
قولی که در این باب آمده است  
بدرستی برده است  
در مقام قایم و سبب است  
بچه و بیگانه  
میت کلام  
قولی که در این باب آمده است  
بدرستی برده است  
در مقام قایم و سبب است  
بچه و بیگانه  
میت کلام

فوق فوجا نفع فاکر اول  
قولی که در این باب آمده است  
بدرستی برده است  
در مقام قایم و سبب است  
بچه و بیگانه  
میت کلام  
قولی که در این باب آمده است  
بدرستی برده است  
در مقام قایم و سبب است  
بچه و بیگانه  
میت کلام

قول است

ماکان یعنی در زمان گذشته  
قول است  
و سایر یکتا در بیان استقبال

انفاسد امتد یعنی دههای کرده

دین او از مردان و زنان و خورد  
و کلان ۱۲

القانونین یعنی از رستندگان  
قول است  
بطلوب دینی و دنیوی و یا بنبلان

نواب عظیم  
قول است  
قوله طاروت العالمین

تشبیه  
قول است  
پیر آنکه مخالفت سنت و می علی است  
علیه آله و سلم و منافق ماند او مانع  
بزرگست از کعبه در و در بودن بیدار



فقت آنرا در عمل بطریق وی مثل نه  
علیه و علی آله و سلم محبت و امان  
رسید قوی است برای همسر سعادت  
یعنی رحمت است او را  
ربا است  
بیان بخت است شرم عشق جان و دل برینند  
بودنش مگر از در وقت بخت بود  
چو وقت شد بخت و شمع محترق است  
اگر بعد قنیان که یکبار بخت او  
۱۲

صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ عَدَمًا

درود بفرست بر سید مایان و صاحب مایان محمد بشمار چینی که

كَانَ وَمَا يَكُونُ وَعَدَمًا أَظْلَمَ عَلَيْهِ

بود وی باشد و بشمار چینی که تاریک شده است بر آن

الْيَدِ وَأَضَاءَ عَلَيْهِ النَّهَارُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

شعب و روشن شده است بر آن روز خدا یا درود بفرست بر

سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَأَزْوَاجِهِ

رئیس مایان و مالک مایان محمد در بر آل محمد و ازوج او

وَذُرِّيَّتِهِ عَدَدَ أَنْفَاسِ أُمَّتِهِ اللَّهُمَّ بِبَرَكَاتِهِ

و ذریت او بشمار دههای است او خدا یا درود بفرست همین

الصَّلَاةِ عَلَيْهِ اجْعَلْنَا بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ

درود کفتن بر وی کردن مایان را برود در ستادن بر وی

مِنَ الْقَائِمِينَ وَعَلَى حَوْضِهِ مِنَ الْوَارِدِينَ

از رستکاران و بر حوض او از فرود آیدگان

السَّارِبِينَ وَيَسْتَبِيهِ وَطَاعَتِهِ مِنَ الْعَامِلِينَ

نوشندگان و بطریقت او و فرمان برداری او از کارکنندگان

وَلَا تَحُلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

وکن پرده در میان مایان و میان او روز قیامت ای پروردگار هر افرمگان

ما یجب فی کل وقت من الصلوات  
و کذب العالین

وَاعْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا وَالْجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ

دسامرز مایان را و مردیدر و مادر مایانرا و مرهمه مسلمانان را

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و ستایجی گوشید مخرای را که پروردگار عالیمان است



إِنشَاءً

و کذب العالین  
یعنی از کفرین از یگانگت از پیغمبران  
در شناسگان و سالان فریاد درگاه تو  
و کذب العالین  
و همستایب است آن حضرت صلوات الله علیه  
بچراغ دانش و اسما تفصیل کندت ۱۲



اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ

خدا یا درود بفرست و سلام بفرست و برکت ده بر سید مایان محمد

وَعَلَى السَّيِّدِنَا مُحَمَّدٍ كَرَّمَ خَلْقَكَ وَسَبَّحَ

و بر آل سید مایان محمد که بزرگوارترین آفریدگان است و چه سداغ

أَفْئِكَ وَأَفْضَلِ قَائِمٍ بِحَقِّكَ الْمَبْعُوثِ

بمژ اطراف آسمان است و بزرگترین برکننده بلاهای حق تو که بر اینجهت شده

بِتَيْبِيرِكَ وَرَفِيقِكَ صَلَوةً يَتَوَلَّى أَتْكَرُهَا

بسبب آن ساختن تو و لطف تو درودیکه پیوسته باشد پی در پی آمدن آن

وَقَلُوحٌ عَلَى الْأَكْوَانِ أَنْوَارُهَا اللَّهُمَّ صَلِّ

و تابان شود بر همه تو آفریش روشنیهای آن خدا یا درود بفرست و سلم

یعنی سید محمد صلوات الله علیه  
قول کریم صلوات الله علیه  
بر سیدگان تو و آفرینش صلوات الله علیه  
بیا ایستاد انداختن صلوات الله علیه  
بزرگترین برکت است افضلیت  
قول کریم صلوات الله علیه  
سبب و صلوات الله علیه  
بر است از آنچه واجب بود  
قول کریم صلوات الله علیه  
تا خیر در میان آن نباشد  
قول کریم صلوات الله علیه  
یعنی تابان شود در روشنیهای آن درود  
و غلال آفریش که ریح و نوال عظمت کفر  
نا آفر آفریش که ریح و نوال عظمت کفر  
نازل شود ۱۲



لا یغنی فیها قولاً  
ولا یغنی فیها قولاً  
ولا یغنی فیها قولاً

صَلَاةٌ لَا تَقْبَلُ وَلَا تَبِيدُ تَبْلِغُنَا بِهَا

درود که فانی نشود و نابود نشود برسان مایه از اسب آن

كِرَامَةِ الْمَزِيدِ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَى

بزرگه زیادتی عطای خود خدا یا درود بفرست و سلام بفرست و برکت ده بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَسِيدِنَا مُحَمَّدٍ الرَّسِيعِ

سید مایان محمد و بر آل سید مایان محمد که بلند ترست

مَقَامُهُ الرَّاجِبِ تَعْظِيمُهُ وَاحْتِرَامُهُ صَلَاةٌ

جائز او در چیست بزرگ داشتن او و نگاه داشتن بزرگی او درودیکه

لَا تَقْطَعُ أَبَدًا وَتَقْبَلُ سَرْمَدًا وَلَا تَخْصِرُ

بریده نشود هرگز و فانی نشود همیشه و در قیبه شمار نیاید

عَدَدُ اللَّهِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

از روی شمار خدا یا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد

كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي

چنانچه درود فرستاده تو بر ابراهیم و بر آل ابراهیم در

الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ حَمِيدٌ وَصَلِّ اللَّهُمَّ

عالمیان بزرگیت که ستوده شده بزرگواری و درود بفرست خدا یا

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كُلَّمَا ذَكَرَهُ

بر محمد و بر آل محمد هرگاه یاد کنی او را الله اکبر

کلمه المیزان یعنی بزرگی زیادتی  
عطا خود که از او عده من بود قول  
بزرگی از این احسن و الحسنى  
کرد اند یعنی در نماز که کسی  
کرد اند یعنی زبان او رده اند یادش



نیگوست یعنی پشت و نشسته  
از یادش که فضل کرامت است  
و این لغای بود کرامت که بخش  
گرم خود در شبستان را بیان آرزو  
مشرف کرد اند ۱۲  
قول  
و احتیاطاً صل علی  
برای تعظیم آن حضرت صل علی  
والله اعلم بالصواب  
بزرگ تعظیم و صل علی علیه  
والله اعلم بالصواب

قول  
سَرْمَدًا ابْتِغَاءً بَيْنَ  
۱۲

اللّٰهُ اَكْبَرُ وَغَفَلَ عَنْ ذِكْرِهِ الْخَافِلُونَ

بیدکنندهگان و غفلت در زند از یاد او غافلان

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْهُ

خداایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد و رحمت کن

مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ لَهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ

محمد را و آل محمد را و برکت ده بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَرَحِمْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى

محمد چنانچه درود فرستاده تو و رحمت کرده تو و برکت داده تو بر

إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ

ابراہیم و بر آل ابراهیم پرستیده که تو ستوده شده

جَمِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ

بزرگواری خداایا درود بفرست بر سیدمایان محمد که پیغمبر

الْأُمِّيِّ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ وَعَلَى آلِهِ وَسَلَّمَ

ناخوانده و نا نویسنده مت پاک پاک کرده شده در آل او و سلام بفرست

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مَنْ خَتَمْتَ بِهِ الرِّسَالَةَ

خداایا درود بفرست بر کسیکه ختم کردی بر وی پیغمبری را

وَأَيَّدْتَهُ بِالنَّصْرِ وَالْكَوْنِ وَالشِّفَاعَةِ

و تقویت داده تو او را بیاری دادن و بدادن حوض کونش و شفاعت

قول  
الظاهر المطهر  
منع انبید در بار شرفیابی  
قول  
ختمت به الرساله  
زیرا که در مساله اول علیه السلام  
جامع بود که لات می پیغمبر از اول علیه السلام  
بعد از وی احتیاج می پیغمبر و کبریا در جهت  
جان تو بکن و دل ذات توست ما  
محب و خدایان که لات می



فوقه و ایدت  
توت داده تو او را و در جهت  
قول  
بیان آن در حوض کونش  
و الشفاعة  
قول

مس آن در بیان هشتم  
در فضیلت کونش  
فوقه

فوقه فی الخلق مغیره  
عزت جباری کرده و نام او در میان  
فوقه فی الخلق مغیره  
عزت جباری کرده و نام او در میان  
فوقه فی الخلق مغیره  
عزت جباری کرده و نام او در میان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّ

خدا یا درود بفرست بر سید و مایان و مالک مایان محمد که پیغمبر

الْحِكْمَةِ السَّرَّاجِ الْوَهَّاجِ الْخَصْرُصِ

صاحب حکومت و صاحب حکمت جوهریت افروخته داناان خاص کرده شده

بِالْحَنِيقِ الْعَظِيمِ وَخَيْرِ الرُّسُلِ سَيِّدِ الْمِعْرَاجِ

بجوهی بزرگ و ختم پیغمبران صاحب معراجت

وَعَلَى آلِهِ وَأَخْبَائِهِ وَأَتْبَاعِهِ السَّالِكِينَ

و بر آل او و یاران او پیروان او که روندگان

عَلَى مَنْجِيهِ الْقَوْمِ فَأَعْظِمِ اللَّهُمَّ بِهِ

براه روشن خود که درو بجز منیت بس خدا یا بان راه

مِنْهَا جُورُ الْإِسْلَامِ وَمَصَابِيحُ الظُّلَمِ

راشمن ستارگان در دین سمانه و چراغهای تاریکی شبها

الْمُهْتَدَى بِهِمْ فِي ظُلْمَةِ لَيْلِ السُّكِّ الدَّاجِ

یافته شده است بسبب آنها در تاریکی شب که که سخت تاریک است

صَلَاةِ دَائِمَةٍ مُسْتَمِرَّةٍ مَا قَلَّ كُنْتُ فِي

درودیک همیشه باشد روان باشد بی دردی تا زمانیکه برهم زنند با یکدیگر در

الْأَجْرُ الْأَمْوَاجِ وَطَافَ بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ

در باها و طواف کند بجانه قدس من

فوقه فی الخلق مغیره  
عزت جباری کرده و نام او در میان  
فوقه فی الخلق مغیره  
عزت جباری کرده و نام او در میان  
فوقه فی الخلق مغیره  
عزت جباری کرده و نام او در میان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فوقه فی الخلق مغیره  
عزت جباری کرده و نام او در میان  
فوقه فی الخلق مغیره  
عزت جباری کرده و نام او در میان  
فوقه فی الخلق مغیره  
عزت جباری کرده و نام او در میان

قوله الحجاج نصحنا  
مراد بجامه در وقت زياره  
كوفه حاجان تا قيامت موجود است

بیت  
ارباب هم که در آن عرض حکم  
نیکان عظیم و  
عبد شوخان عظیمی و  
اشرف روز نازل از حضرت  
نویسن آن شیخ روز وفاتش  
عادت پرده انداخته است

قوله افضل الاصل  
یعنی از سنن ترمذی سلام از روی کتاب  
در سنن ترمذی  
قوله الکرمین  
صاحب کرم زندق صاحب  
قوله صفوة  
فانست در صفتش و ضمه که سه  
قوله لمبعار

مِنْ كُلِّ فَحٍّ عَمِيقٍ الْحَجَّاجُ وَأَفْضَلُ الصَّلَاةِ

از هر آینه از راه دور و دراز و فح کنندگان و استون ترین درود هم

وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَّسُولِهِ الْكَرِيمِ وَصَفْوَتِهِ

دسلام نازل باد بر محمد که فرستاده اوست صاحب بزرگ و برزیده آن

مِنَ الْعِبَادِ وَشَفِيعِ الْخَلْقِ فِي الْمِعَادِ

از بندگان و شفاعت کننده استیدگان در وقت وعده

صَاحِبِ الْمَقَامِ الْحَمْدِ وَالْحَوْضِ الْمَوْجِدِ

صاحب مقام ستوده شده حوض که درود کرده شود بران

النَّاهِضِ بِأَعْبَاءِ الرِّسَالَةِ وَالسَّلْبِ الْأَعْمَرِ

استاده برود وقت بارهای کران پیغمبری در سینه آن حکم الایضالترت

وَالْخُصُوصِ بِشَرَفِ السَّعَادَةِ فِي الصَّلَاحِ

وخاص کرده شده بعل کردن بکوش در از استکار خلق که

الْأَعْظَمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ صَلَاةٌ

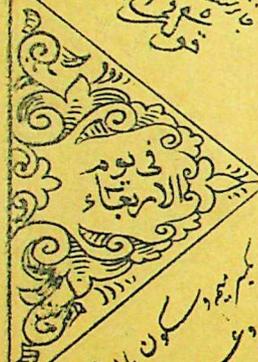
بزرگترت درود فرستنده ضای بر وی و بر آل وی درود بیکه

دَائِمَةٌ مُسْتَمِرَّةٌ الدَّوَامِ عَلَىٰ مَرِّ اللَّيَالِي

همیشه باشد جاری باشد همیشه بر جاری بودن شبها

وَالْأَيَّامِ فَهُوَ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

در روزها بسوی سر دار پیشینیان و پسینیان



قوله في يوم  
قوله الامر بقاء

کبریم و سکون یافته در وقت  
و عده و آن روز قیامت است که  
آرزو در دفع حسد ای قلب بادن  
بفتح بیم غیر یا معنی رجم و از ان نیز  
اروز قیامت باشد که رجم میکند خلق آرزو  
بوی حیات ۱۲  
بوجهاء الصلاة  
کران از کالیف پیغمبر  
قوله بالتبلیغ  
یعنی تا ملامت آن رسالت  
اول زین را از عیب و تقصیر  
و ای حافظ پیغمبر صلوات الله  
قوله السعایه  
بلکرمین ۱۲

بکر از کبریت از باب بودن آن  
در احوال ۱۲

الاعظم  
قوله

قول  
المسلمين

بکرامت شده

قول

واظهر

ربط منقوط روشن ترين

و در بعضی نسخ بطاء غیر

منقوط آمده

عین

با کترین

در

لا اله الا الله

بکرامت

و از ک

بدر منقوط

۱۲

قول

واظن

با کترین

بکرامت

وَأَفْضَلُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَيْهِ

و بزرگترین پیشینیان و پسینیان بر روی باد

أَفْضَلُ صَلَاةِ الْمُصَلِّينَ وَأَزْكَى سَلَامِهِ

بزرگترین درود گویندگان و پاکترین سلام

الْمُسَلِّينَ وَأَطْيَبُ كِرَالِدَّ الْكِرِينِ وَأَفْضَلُ

سلام گویندگان و پاکترین و خوشترین یادگستندگان و افزونترین

صَلَوَاتِ اللَّهِ وَأَحْسَرُ صَلَوَاتِ اللَّهِ وَأَجَلُ

درودهای حسدای و سبکترین درودهای فدای و بزرگترین

صَلَوَاتِ اللَّهِ وَأَجْمَلُ صَلَوَاتِ اللَّهِ وَأَكْمَلُ

درودهای حسدای و خوشترین درودهای حسدای و کاملترین

صَلَوَاتِ اللَّهِ وَأَسْبَغُ صَلَوَاتِ اللَّهِ وَأَتَمُّ

درودهای حسدای و تمامترین درودهای حسدای و کاملترین

صَلَوَاتِ اللَّهِ وَأَظْهَرُ صَلَوَاتِ اللَّهِ وَأَعْظَمُ

درودهای حسدای و روشنترین درودهای حسدای و بزرگترین

صَلَوَاتِ اللَّهِ وَأَذْكَرُ صَلَوَاتِ اللَّهِ وَأَطْيَبُ

درودهای حسدای و روشنترین درودهای حسدای و پاکیزهترین

صَلَوَاتِ اللَّهِ وَأَبْرَكُ صَلَوَاتِ اللَّهِ

درودهای حسدای و افزونترین درودهای حسدای و ازکی

قول و ابرک  
افزونترین درودهای حسدای  
و خوشترین

۱۲۵  
 و آرزوی  
 قوی و استی  
 قوی و استی  
 قوی و استی

صلوات الله  
 و آرزوی  
 قوی و استی  
 قوی و استی

و بر احوال  
 و آرزوی  
 قوی و استی  
 قوی و استی

و بر احوال  
 و آرزوی  
 قوی و استی  
 قوی و استی

و بر احوال  
 و آرزوی  
 قوی و استی  
 قوی و استی

و آرزوی صلوات الله و آتمی صلوات الله

و روشن ترین درودهای حسدای و افزاینده ترین درودهای حسدای

و آوفا صلوات الله و استنی صلوات الله

و تمام ترین درودهای حسدای و بلند ترین درودهای حسدای

و اعلی صلوات الله و اکثر صلوات الله

و بلند ترین درودهای حسدای و بسیار ترین درودهای حسدای

و اجمع صلوات الله و اعظم صلوات الله و

و فراهم آئینده ترین درودهای حسدای و شامل ترین درودهای حسدای

و ادم و صلوات الله و ابقی صلوات الله

همیشه باشنده ترین درودهای حسدای و پاینده ترین درودهای حسدای

و اغز و صلوات الله و ارفع صلوات الله و

غزین ترین درودهای حسدای و بلند ترین درودهای حسدای

و اعظم صلوات الله و علی افضل خلق الله و

و بزرگترین درودهای حسدای بر بزرگترین آفرینش حسدای و

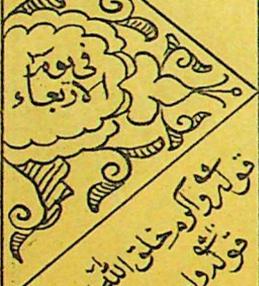
و احسن خلق الله و اجل خلق الله و اکر و خلق الله

و بهترین آفرینش حسدای و بزرگترین آفرینش حسدای و بزرگترین آفرینش حسدای

و اجمل خلق الله و اجمل خلق الله و اتم خلق الله و

و جمیل ترین آفرینش حسدای و کمترین آفرینش حسدای و تمامترین آفرینش حسدای

و اعظم صلوات الله  
 و آرزوی حسدای  
 و بلند ترین درودهای حسدای  
 و تمام ترین درودهای حسدای  
 و بلند ترین درودهای حسدای  
 و بسیار ترین درودهای حسدای  
 و اجمع صلوات الله  
 و اعظم صلوات الله  
 و فراهم آئینده ترین درودهای حسدای  
 و شامل ترین درودهای حسدای  
 و ادم و صلوات الله  
 و ابقی صلوات الله  
 و اغز و صلوات الله  
 و ارفع صلوات الله  
 و اعظم صلوات الله  
 و علی افضل خلق الله  
 و احسن خلق الله  
 و اجل خلق الله  
 و اکر و خلق الله  
 و اجمل خلق الله  
 و اجمل خلق الله  
 و اتم خلق الله



و اعظم صلوات الله  
 و آرزوی حسدای  
 و بلند ترین درودهای حسدای  
 و تمام ترین درودهای حسدای  
 و بلند ترین درودهای حسدای  
 و بسیار ترین درودهای حسدای  
 و اجمع صلوات الله  
 و اعظم صلوات الله  
 و فراهم آئینده ترین درودهای حسدای  
 و شامل ترین درودهای حسدای  
 و ادم و صلوات الله  
 و ابقی صلوات الله  
 و اغز و صلوات الله  
 و ارفع صلوات الله  
 و اعظم صلوات الله  
 و علی افضل خلق الله  
 و احسن خلق الله  
 و اجل خلق الله  
 و اکر و خلق الله  
 و اجمل خلق الله  
 و اجمل خلق الله  
 و اتم خلق الله

نظم  
 و آرزوی حسدای  
 و بلند ترین درودهای حسدای  
 و تمام ترین درودهای حسدای  
 و بلند ترین درودهای حسدای  
 و بسیار ترین درودهای حسدای  
 و اجمع صلوات الله  
 و اعظم صلوات الله  
 و فراهم آئینده ترین درودهای حسدای  
 و شامل ترین درودهای حسدای  
 و ادم و صلوات الله  
 و ابقی صلوات الله  
 و اغز و صلوات الله  
 و ارفع صلوات الله  
 و اعظم صلوات الله  
 و علی افضل خلق الله  
 و احسن خلق الله  
 و اجل خلق الله  
 و اکر و خلق الله  
 و اجمل خلق الله  
 و اجمل خلق الله  
 و اتم خلق الله



قولی  
صیغوت بر اینجند شده برات

قولی  
علا ایچ شافع  
ظفر ایندترین هر شفاعت کنند

قولی  
قبول شفاعت نزد خداوند  
قبول کرده شده و افاضه آن برترین آن

قولی  
قبول شافع  
قبول کرده شده و افاضه آن برترین آن

قولی  
قبول شافع  
قبول کرده شده و افاضه آن برترین آن

قولی  
قبول شافع  
قبول کرده شده و افاضه آن برترین آن

الْكَرَّمُ مَبْعُوثٌ أَصْدَقُ قَائِلٍ أَيْحِ شَافِعٍ لَهُ

بزرگترین برای سخن گفته شده راست کوی بر کوییده ظفر یا بسنده ترین هر شفاعت کننده

أَفْضَلُ مُشْفَعٍ فِيهِمَا اسْتَوْع

بزرگترین هر شفاعت قبول کرده شده اول اعتماد و با امانت در چیزیکه سپرده شده بوی

الصَّادِقِ فِيمَا بَلَغَ الصَّادِعُ بِأَمْرِ رَبِّهِ

راست کوی در چیزیکه رسانیده آشکارا کننده گفته شده برود کار خود را

الْمُضْطَلَعُ بِمَا حُمِلَ أَقْرَبُ رُسُلِ اللَّهِ إِلَى

استاده بقوت پیگیری که بار کرده شده نزدیکترین پیغمبر خدا ی بوی

اللَّهِ وَسَيْلُهُ وَأَعْظَمُهُمْ عَدَا عِنْدَ اللَّهِ

خدا ی از روی وسیله و بزرگترین آنها از روی شهادت نزد خدا

مَنْزِلَةً وَفَضِيلَةً وَأَكْرَمُ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ

از روی مرتبه و بزرگی و بزرگترین پیغمبران خدا

الْكَرَامِ الصَّفْوَةِ عَلَى اللَّهِ وَأَحِبَّهُمْ إِلَى

ک بزرگان و برگزیده کنند نزد خدا ی و دوست ترین ایشان نزد

اللَّهِ وَأَقْرَبِهِمْ زُلْفَى لَدَى اللَّهِ وَكَرَمِ

خدا ی و نزدیکترین ایشان از روی شرف و منزلت نزد خدا ی و بزرگترین

لَخَلْقٍ عَلَى اللَّهِ وَأَحْطَاهُمْ وَأَمْرَاهُمْ

همه آفرینش نزد خدا ی و نزدیکترین ایشان از روی مرتبه و جاه و برگزیده ترین ایشان

و احکم رتبته این را رسانیده در وقت  
امروند بطهاران پوشیده در وقت  
چیز و زمان نشاید بارزان  
قولی فیما بلغ  
بند بلام در چیزیکه رسانیده  
ببزرگان بوی حق فاعله  
قولی الصادع بصدا و عین غیر مقولاً



قولی  
بکر لام استاد بقوت و بهیبت  
قولی  
نظم حالت پیغمبر که در پیغمبر که بار کرده  
شده بان از کالیف دین  
قولی  
اقرب رسال الله و وسیله  
در طلب قرب بخدمت حق سبحانه و تعالی  
قولی  
نظم زاری مقولاً در شیخ فاعله  
علا ایچ این روز فاعله  
قولی  
و احظا هر ی این شیخ از روی بندگی  
ایرود جاه چنانچه در اینست بهرگاه  
پادشاه ۱۲۵

فوقه محاسن جانی و سخاوت  
و عفت و تواضع و رحمت و در حدیث و انان  
در علم و ادب و استقامت و استقامت  
و عفت و تواضع و رحمت و در حدیث و انان  
فوقه محاسن جانی و سخاوت  
و عفت و تواضع و رحمت و در حدیث و انان

# لَدَى اللَّهِ وَعَلَى النَّاسِ قَدْرًا وَ

بزرگترین ایستادن از روی همه آدمیان از روی ستم و مرتبه د

# أَعْظَمُهُمْ تَحَلُّوْا كَمَلِهِمْ مَحَاسِنًا وَفَضْلًا

بزرگترین ایستادن از روی ستم و کمالترین ایستادن از روی کردارهای نیک استند

# وَافْضَلِ الْإِنْبِيَاءِ دَرَجَةً وَاكْمَلِهِمْ

و بزرگترین پیغمبران از روی مرتبه و کمالترین ایستادن

# بِشَرِيعَةٍ وَأَشْرَفِ الْإِنْبِيَاءِ نِصَابًا وَ

از روی دین و بزرگترین پیغمبران از روی مرتبه دهم و

# أَبْنِيهِمْ نَبِيًّا وَخَطَابًا وَأَفْضَلِهِمْ مَوْلِدًا

روشن ترین ایستادن از روی کلام و سخن و بزرگترین ایستادن از روی مکان تولد

# وَمَهَاجِرًا وَعِزَّةً وَأَصْحَابًا وَآكْرَمًا

دکان هجرت دال و اصحاب و بزرگترین

# النَّاسِ أَرْوَمَةً وَأَشْرَفِهِمْ جُرْتُمَةً وَ

مردمان از روی اصل و بزرگترین ایستادن از روی جماعت و

# خَيْرِهِمْ نَفْسًا وَأَطْرَهُمْ قَلْبًا وَأَصْلَقِهِمْ

بهترین ایستادن از روی نفس و پاکترین ایستادن از روی دل در راست ترین ایستادن

# قَوْلًا وَأَزْكَاهُمْ فِعْلًا وَأَشْبَهُهُمْ أَصْلًا

از روی سخن و پاکیزه ترین ایستادن از روی کار کردن و استوارترین ایستادن از روی بد او

بزرگترین ایستادن از روی همه آدمیان از روی ستم و مرتبه د  
بزرگترین ایستادن از روی ستم و کمالترین ایستادن از روی کردارهای نیک استند  
و بزرگترین پیغمبران از روی مرتبه و کمالترین ایستادن  
از روی دین و بزرگترین پیغمبران از روی مرتبه دهم و  
روشن ترین ایستادن از روی کلام و سخن و بزرگترین ایستادن از روی مکان تولد  
دکان هجرت دال و اصحاب و بزرگترین  
مردمان از روی اصل و بزرگترین ایستادن از روی جماعت و  
بهترین ایستادن از روی نفس و پاکترین ایستادن از روی دل در راست ترین ایستادن  
از روی سخن و پاکیزه ترین ایستادن از روی کار کردن و استوارترین ایستادن از روی بد او

بزرگترین ایستادن از روی همه آدمیان از روی ستم و مرتبه د  
بزرگترین ایستادن از روی ستم و کمالترین ایستادن از روی کردارهای نیک استند  
و بزرگترین پیغمبران از روی مرتبه و کمالترین ایستادن  
از روی دین و بزرگترین پیغمبران از روی مرتبه دهم و  
روشن ترین ایستادن از روی کلام و سخن و بزرگترین ایستادن از روی مکان تولد  
دکان هجرت دال و اصحاب و بزرگترین  
مردمان از روی اصل و بزرگترین ایستادن از روی جماعت و  
بهترین ایستادن از روی نفس و پاکترین ایستادن از روی دل در راست ترین ایستادن  
از روی سخن و پاکیزه ترین ایستادن از روی کار کردن و استوارترین ایستادن از روی بد او

بزرگترین ایستادن از روی همه آدمیان از روی ستم و مرتبه د  
بزرگترین ایستادن از روی ستم و کمالترین ایستادن از روی کردارهای نیک استند  
و بزرگترین پیغمبران از روی مرتبه و کمالترین ایستادن  
از روی دین و بزرگترین پیغمبران از روی مرتبه دهم و  
روشن ترین ایستادن از روی کلام و سخن و بزرگترین ایستادن از روی مکان تولد  
دکان هجرت دال و اصحاب و بزرگترین  
مردمان از روی اصل و بزرگترین ایستادن از روی جماعت و  
بهترین ایستادن از روی نفس و پاکترین ایستادن از روی دل در راست ترین ایستادن  
از روی سخن و پاکیزه ترین ایستادن از روی کار کردن و استوارترین ایستادن از روی بد او

معنی از عهده گرفته که از خاک مینورود و در کجاست  
بیکام کفر و ضلالت و فتنان و غیبت تقدیر است  
در آن زمین سینه و در آن  
ز طره دست با چوبی در آن زمانها  
ایمان آردی آید و باز یکدیگر در لوی زمین کجاست  
اصطلاح است چنانچه یکدیگر در لوی زمین کجاست  
از احوال آن زمان که درین مسأله و در  
سنان کتیرا باشد و در جسد مینورود و در  
باید رعایت ای در جسد مینورود و در  
دین تو گرفته قاف تا قاف جهان آید لفظی  
بیکار از عبادت مینورود و در کجاست  
بیان که تا هر چند تا عهده گرفته  
و اوفاه عهده ایست با حق  
ایشان از روی بیان با حق  
خلاف وعده حالت کتیرا کتیرا  
دعوه اوقات به ۱۲ قول کتیرا

وَأَوْفَىٰ عَهْدًا وَأَمِئَةً مُّجْدًا وَالْكَرِيمِ

و وفا کننده ترین ایشان از روی بیان و استوارترین آن از روی بزرگی و بزرگترین ایشان

طَبْعًا وَاحْسِنَهُمْ صَعًا وَاطْيَبَهُمْ فِرْعَاوُ

از روی طبیعت و سبکترین ایشان از روی سبکی کردن و خوشترین ایشان از روی اولاد و

الْكَرِيمِ طَاعَةٌ وَسَمْعًا وَأَعْلَاهُمْ مَقَامًا

افزونترین ایشان از روی فرمانبرداری و شنیدن حکام حق و بلندترین ایشان از روی مرتبه

وَأَخْلَاهُمْ كَلَامًا وَأَزْكَاهُمْ سَلَامًا وَاجْلِيهِمْ

و سببترین ایشان از روی سخن گفتن و پاکیزهترین ایشان از روی سلام گفتن و بزرگترین ایشان

قَدْرًا وَأَعْظَمِيهِمْ فِخْرًا وَأَسْمَهُمْ فِخْرًا وَ

از روی مرتبه و بزرگترین ایشان از روی استیلا بزرگی در زمین آن از روی استیلا بزرگی

أَرْفَعِيهِمْ فِي الْمَدَارِ الْأَعْلَىٰ ذِكْرًا وَأَوْفَاهُمْ

بلندترین ایشان در گروه بلندترین از روی یاد کردن و وفا کننده ترین ایشان

عَهْدًا وَاصْدَقِيهِمْ وَعْدًا وَالْكَرِيمِ شُكْرًا

از روی بیان و راستترین ایشان از روی وعده و بیشترترین ایشان از روی سپاس گذاری

وَأَعْلَاهُمْ أَمْرًا وَاجْلِيهِمْ صَبْرًا وَاحْسِنَهُمْ

و بلندترین ایشان از روی فرمان و سبکترین ایشان از روی شکیبایی و سبکترین ایشان

خَيْرًا وَأَقْرَبِيهِمْ يَسْرًا وَاجْعَلِيهِمْ

از روی هر خوبی و نزدیکیترین ایشان از روی آسانی و بلندترین ایشان

باید رعایت ای در جسد مینورود و در  
دین تو گرفته قاف تا قاف جهان آید لفظی  
بیکار از عبادت مینورود و در کجاست  
بیان که تا هر چند تا عهده گرفته  
و اوفاه عهده ایست با حق  
ایشان از روی بیان با حق  
خلاف وعده حالت کتیرا کتیرا  
دعوه اوقات به ۱۲ قول کتیرا

باید رعایت ای در جسد مینورود و در  
دین تو گرفته قاف تا قاف جهان آید لفظی  
بیکار از عبادت مینورود و در کجاست  
بیان که تا هر چند تا عهده گرفته  
و اوفاه عهده ایست با حق  
ایشان از روی بیان با حق  
خلاف وعده حالت کتیرا کتیرا  
دعوه اوقات به ۱۲ قول کتیرا

باید رعایت ای در جسد مینورود و در  
دین تو گرفته قاف تا قاف جهان آید لفظی  
بیکار از عبادت مینورود و در کجاست  
بیان که تا هر چند تا عهده گرفته  
و اوفاه عهده ایست با حق  
ایشان از روی بیان با حق  
خلاف وعده حالت کتیرا کتیرا  
دعوه اوقات به ۱۲ قول کتیرا

باید رعایت ای در جسد مینورود و در  
دین تو گرفته قاف تا قاف جهان آید لفظی  
بیکار از عبادت مینورود و در کجاست  
بیان که تا هر چند تا عهده گرفته  
و اوفاه عهده ایست با حق  
ایشان از روی بیان با حق  
خلاف وعده حالت کتیرا کتیرا  
دعوه اوقات به ۱۲ قول کتیرا

باید رعایت ای در جسد مینورود و در  
دین تو گرفته قاف تا قاف جهان آید لفظی  
بیکار از عبادت مینورود و در کجاست  
بیان که تا هر چند تا عهده گرفته  
و اوفاه عهده ایست با حق  
ایشان از روی بیان با حق  
خلاف وعده حالت کتیرا کتیرا  
دعوه اوقات به ۱۲ قول کتیرا

باید رعایت ای در جسد مینورود و در  
دین تو گرفته قاف تا قاف جهان آید لفظی  
بیکار از عبادت مینورود و در کجاست  
بیان که تا هر چند تا عهده گرفته  
و اوفاه عهده ایست با حق  
ایشان از روی بیان با حق  
خلاف وعده حالت کتیرا کتیرا  
دعوه اوقات به ۱۲ قول کتیرا

باید رعایت ای در جسد مینورود و در  
دین تو گرفته قاف تا قاف جهان آید لفظی  
بیکار از عبادت مینورود و در کجاست  
بیان که تا هر چند تا عهده گرفته  
و اوفاه عهده ایست با حق  
ایشان از روی بیان با حق  
خلاف وعده حالت کتیرا کتیرا  
دعوه اوقات به ۱۲ قول کتیرا

باید رعایت ای در جسد مینورود و در  
دین تو گرفته قاف تا قاف جهان آید لفظی  
بیکار از عبادت مینورود و در کجاست  
بیان که تا هر چند تا عهده گرفته  
و اوفاه عهده ایست با حق  
ایشان از روی بیان با حق  
خلاف وعده حالت کتیرا کتیرا  
دعوه اوقات به ۱۲ قول کتیرا

باید رعایت ای در جسد مینورود و در  
دین تو گرفته قاف تا قاف جهان آید لفظی  
بیکار از عبادت مینورود و در کجاست  
بیان که تا هر چند تا عهده گرفته  
و اوفاه عهده ایست با حق  
ایشان از روی بیان با حق  
خلاف وعده حالت کتیرا کتیرا  
دعوه اوقات به ۱۲ قول کتیرا

باید رعایت ای در جسد مینورود و در  
دین تو گرفته قاف تا قاف جهان آید لفظی  
بیکار از عبادت مینورود و در کجاست  
بیان که تا هر چند تا عهده گرفته  
و اوفاه عهده ایست با حق  
ایشان از روی بیان با حق  
خلاف وعده حالت کتیرا کتیرا  
دعوه اوقات به ۱۲ قول کتیرا

باید رعایت ای در جسد مینورود و در  
دین تو گرفته قاف تا قاف جهان آید لفظی  
بیکار از عبادت مینورود و در کجاست  
بیان که تا هر چند تا عهده گرفته  
و اوفاه عهده ایست با حق  
ایشان از روی بیان با حق  
خلاف وعده حالت کتیرا کتیرا  
دعوه اوقات به ۱۲ قول کتیرا

باید رعایت ای در جسد مینورود و در  
دین تو گرفته قاف تا قاف جهان آید لفظی  
بیکار از عبادت مینورود و در کجاست  
بیان که تا هر چند تا عهده گرفته  
و اوفاه عهده ایست با حق  
ایشان از روی بیان با حق  
خلاف وعده حالت کتیرا کتیرا  
دعوه اوقات به ۱۲ قول کتیرا

باید رعایت ای در جسد مینورود و در  
دین تو گرفته قاف تا قاف جهان آید لفظی  
بیکار از عبادت مینورود و در کجاست  
بیان که تا هر چند تا عهده گرفته  
و اوفاه عهده ایست با حق  
ایشان از روی بیان با حق  
خلاف وعده حالت کتیرا کتیرا  
دعوه اوقات به ۱۲ قول کتیرا

باید رعایت ای در جسد مینورود و در  
دین تو گرفته قاف تا قاف جهان آید لفظی  
بیکار از عبادت مینورود و در کجاست  
بیان که تا هر چند تا عهده گرفته  
و اوفاه عهده ایست با حق  
ایشان از روی بیان با حق  
خلاف وعده حالت کتیرا کتیرا  
دعوه اوقات به ۱۲ قول کتیرا

باید رعایت ای در جسد مینورود و در  
دین تو گرفته قاف تا قاف جهان آید لفظی  
بیکار از عبادت مینورود و در کجاست  
بیان که تا هر چند تا عهده گرفته  
و اوفاه عهده ایست با حق  
ایشان از روی بیان با حق  
خلاف وعده حالت کتیرا کتیرا  
دعوه اوقات به ۱۲ قول کتیرا

۱۳۰  
فصل مکانا

بسیار از دست خود نشان داد و از دست دیگران  
بسیار از دست ایشان بخود کرده که همیشه  
از کتب و نوشته و در آمده از راه دور که  
معلوم است که در این روزها  
و کتب و حقا از روی دلیل و معانی  
و تقاضای در این روزها  
مردان این روزها  
و با عدل و انصاف است  
در شان او و در کتب ابودردقافا  
اصفا علی و کتب من با رسول امیر کرم  
دستی بود پیغمبری تا اینکه یقین آید پیغمبر خود  
گفت آنحضرت صلوات الله علیه که هر چه از دست  
و حال که این بیای از بعضی که در او بود  
که از آن در در نوشته بر زمین بود در بیان  
از آن در در نوشته بر زمین بود در بیان  
یعنی حق تقاضای امر را هر که در پیوست

مَكَانًا وَّاعْظِمُوا شَانًا وَّاثْبِرُوا بِرُهَا نَات

از روی منزلت و بزرگترین ایشان از روی جاه و مرتبه و استوارترین ایشان از روی دلیل

وَأَرْجَحِهِمْ مِيزَانًا وَّأَقْصِهِمْ اِيْمَانًا وَّ

و گرانترین ایشان از روی آزادی ترازد و پشیمانی ایشان از روی ایمان و

أَوْضَحِهِمْ بَيَانًا وَّأَفْضَحِهِمْ لِسَانًا وَّ

روشنترین ایشان از روی بیان و خوشگوترین از روی زبان و

أَطْهَرِهِمْ سُلْطَانًا

ظاهرتین ایشان از روی دلیل

الْحَبِيبِ الرَّبِّ الْأَبِيعِ بِرَبِّهِمُ الْمَسِيحِ

اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ

خدا یا درود بفرست بر محمد که بنده است و فرستاده شده است

النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ

که پیغمبر ناخوانده و ناآلوده است در آل محمد خدا یا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوةً

درود بفرست بر محمد و بر آل محمد درود که نگویند



نزد روی روی آن پیغمبر است گفت  
یا را او که آری همین است پس گفت پس  
او را وزن و اندازه کن بر روی از آن او  
پس وزن کرده چشم من از آن است گفت  
راج آدم و چه چشم من از آن است گفت  
وزن کن و در پیش او را بیدار کن  
شتم دیده در پیش او را بیدار کن  
پس گفت در کن او را بیدار کن  
وزن کرده چشم من از آن است گفت  
که در چشم من از آن است گفت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَكُونَنَّ  
لَكَ شَاكِرِينَ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَكُونَنَّ  
لَكَ شَاكِرِينَ

تکون الخ صی

تذکرت این درود در توت القلوب

و احوال عالم با خفاف و بعضی الفاظ

در میان ابرام الراجین است

نقل کرده که هر که خواند این درود را

بنت عجب در هر جمعیت درود را

برای او شفاعت نماید صلوات علیه

و السلام

تَكُونُ لَكَ رِضًا وَ لَكَ جَزَاءً وَ لِحِقَّةٍ اَدَاءً

باشد بره تو خوشنودی و برای او پاداش و برای حق او ادا دهن

وَ اعْطِهِ الْوَسِيْلَةَ وَ الْفَضِيْلَةَ وَ الْمَقَامَ

و بده او را اسند عالی در بهشت و بزرگی و مقامی که

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ عَدَدُهُ وَ اَجْرُهُ عَنَّا مَا

ستوده شده است که و عدده کرده تو او را پاداش ده او را از میان چیزیکه

هُوَ اَهْلُهُ وَ اَجْرُهُ اَفْضَلُ مَا جَازَتْ نَبِيًّا

او سزاوار است و پاداش ده او را بهترین آنچه پاداش داده تو پیغمبری را

عَنْ قَوْمِهِ وَ رَسُوْلًا عَنِ امْتِهِ وَ دِيْنِ اَهْلِ

از قوم او و رسولی را از امت او و درود و بفرست بر

جَمِيْعِ اِخْوَانِهِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّالِحِيْنَ

همه برادران او از پیغمبران همه و سنی که کاران

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ اَللّهُمَّ اجْعَلْ فِضَائِلَ صَلَوَاتِكَ

ای بخشاینده ترین بخشاینده گان خدا یا کردان درودهای خود را که بزرگند

وَ شَرِّ اَرْكَافِ زَكَوَاتِكَ وَ نَوَاصِيْ بَرَكَاتِكَ وَ عَوَاطِفِ

و بزرگترین خیر و خوبی خود را و دوا خزاننده بر کتبی خود را و مهر با نیما

رَافِيْتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ تَحِيَّتِكَ وَ فِضَائِلِ

بخشایش خود را و سنی که ای خود را و سلام خود را و بزرگترین

افضل ما جازیت نبیا  
در بعضی نسخه آمده خربت بالف بعد از  
جم و در جزای پیغمبران از امت  
درافوزت بوم  
تذکرت  
۱۱

الشیخ یوسف  
الحلیس  
قولی

اللهم اجعل فضائل  
این درود در  
رجاء  
و توت  
الصلو  
تذکرت با چیزی تفاوت  
و آخر او یارب  
العالمین  
بت  
۱۲

نو کذا قاله البرکات ... در دوازده احسان ...  
 در دوازده احسان بر برگه ...  
 در دوازده احسان بر برگه ...  
 در دوازده احسان بر برگه ...

**الَاَيْكَ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَرَسُولِهِ**

نعمتهای خود را بر محمد سردار پیغمبران در ستوده شده

**رَبِّ الْعَالَمِينَ قَائِدِ الْخَيْرِ وَفَاتِحِ الْبُرُوجِ الْحَمْدِ**

پروردگار عالمیان کننده هر خوبی و مسکن بر دشمنان دروازه آسمان و شیرین کنش برین

**وَسَيِّدِ الْأُمَّةِ اللَّهُمَّ أَبْعَثْهُ مَقَامًا حَمِيدًا**

بهتر و بهتر امت حسد ایا بر انگیز او را در مقامی که ستوده شده است

**تَرْفٍ بِهٖ قَرَبَهُ وَتَقَرُّ بِهٖ عَيْنُهُ بَغِيْطُهُ**

که نزدیکی کردانی تو بسبب آن منزلت او را و شاد گردانی بسبب آن چشمه او را رشک بر نهد او را

**بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ اللَّهُمَّ اعْطِهِ**

سبب آن مقام پیشینان و پسینان حسد ایا بده او را

**الْفَضْلَ وَالْفَضِيْلَةَ وَالشَّرْفَ وَ**

افزونی مرتبه و بزرگی و شرف و

**الْوَسِيْلَةَ وَالذَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَالْمِيزَةَ**

منزل عالی در بهشت و پایه بلند و جاگ

**الشَّاحِحَةَ اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيْلَةَ**

سه آرد او را خدایا بده محمد را منزل عالی در بهشت

**وَبَلِّغْهُ مَمْلُوكَهُ وَأَجْعَلْهُ أَوَّلَ شَاْفِعٍ**

در برسان مراد او را و گردان او را پیش از هر شفاعت کننده و

در باران زمین هر چه در آید در روز قیامت ...  
 از باران زمین هر چه در آید در روز قیامت ...  
 و کلهای کوهها بیاید و در قیامت بیاید ...  
 و کلهای کوهها بیاید و در قیامت بیاید ...  
 با غنای بی شمار بیاید و در قیامت بیاید ...  
 با غنای بی شمار بیاید و در قیامت بیاید ...  
 با غنای بی شمار بیاید و در قیامت بیاید ...



تا آخر حمد و تسبیح ...  
 فاتیح شریف ...  
 فاتیح شریف ...  
 فاتیح شریف ...  
 فاتیح شریف ...

تبار لفظ بر اسم تکرار ...  
 تبار لفظ بر اسم تکرار ...  
 تبار لفظ بر اسم تکرار ...  
 تبار لفظ بر اسم تکرار ...



الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ

عالیان خدا یا درود بفرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ وَأَعْطِهِ الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَ

محمد و بده او را سبب و بزرگی و

الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَأَبْعَثْهُ الْمَقَامَ الْحَمِيدَ

بالاترین و بر او بفرست مقام ستوده شده

الَّذِي وَعَدْتَهُ مَعَ إِخْوَانِهِ النَّبِيِّينَ صَلَّى

که وعده کرده تو او را با برادرهای او که پیغمبرانند در روز قیامت

اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَسَيِّدِ الْأُمَّةِ

خدا بر محمد پیغمبر صاحب بخشایش و سردار امت

وَعَلَى نَبِيِّنَا أَدَمَ وَمِنْ أَحْوَاءِ وَمَنْ وَوَلَدًا مِنْ

و بر پسرهایمان آدم را و مادرهایمان حوا را و کسی که زاده از نیده او از

النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشَّهِدَاءِ وَ

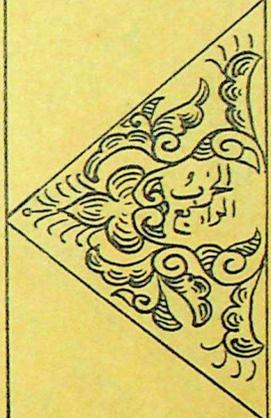
پیغمبران و راستکاران و شهنشاهان در راه خدا و

الصَّالِحِينَ وَصَلِّ عَلَى مَلَائِكَتِكَ أَجْمَعِينَ

سیدکاران و درود بفرست بر فرشتگان خود همه

مِنْ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَعَلَيْنَا

از باشندگان آسمانها و از باشندگان زمینها و بر ما و بر ما





وَمِنَ الْأَسْرَارِ  
قولہ

وہ روزگار میں جو اسرار  
دین کے ہیں ان کو اسرار  
کہتے ہیں

عبدالرحمن  
قولہ

المُرْسَلِينَ الْأَخْيَارِ  
مُرْسَلِينَ یعنی ایسے  
میں سے جو اچھے  
ہوں

یہ روزگار ہے جو اسرار  
دین کے ہیں ان کو اسرار  
کہتے ہیں

عبدالرحمن  
قولہ

یہ روزگار ہے جو اسرار  
دین کے ہیں ان کو اسرار  
کہتے ہیں

یہ روزگار ہے جو اسرار  
دین کے ہیں ان کو اسرار  
کہتے ہیں

وَسِرِّ الْأَسْرَارِ وَسَيِّدِ الْأَبْرَارِ وَزَيْنِ

ہزار ہفت بازار کائنات آئے  
یکے کے صاحب عبادت آئے  
قولہ

دراز ہزار ہای الہیات و سرور نیکو کاران و زینایش

اظلم علی الیل  
یعنی تمہیں  
زمین

الْمُرْسَلِينَ الْأَخْيَارِ وَالرَّمِيمِ مِنْ أَظْمِ عَلَيْهِ

پیغمبران نیکو کاران و بر کزیہ کنست و بر کزیہ کنست آری پندہ مت آوے

قولہ  
تکرم ہا در مطالع  
المسرات آوردہ کو خواندن این درود

الْبَلِّ وَأَشْرَقَ عَلَيْهِ النَّهَارُ عَدَدَ مَا نَزَلَ

سب و روشن شدہ بروی روز شمار چیزیکہ فرود آدہ است

کیا بر او ہزار بار  
آئے

مِنْ أَوَّلِ الدُّنْيَا إِلَى آخِرِهَا مِنْ قَطْرِ الْأَمْطَارِ

از ابتداء دنیا تا آخر ان از قطری ہای باران

وَعَدَدَ مَا نَبَتْ مِنْ أَوَّلِ الدُّنْيَا إِلَى آخِرِهَا

و شمار چیزیکہ رستہ است از اول دنیا تا آخر ان

مِنَ النَّبَاتِ وَالْأَشْجَارِ صَلَوَةٌ دَائِمَةٌ بَدْوَاهِ

از سبزا و درختان درودیکہ ہمیشہ باشد بر ہمیشہ

مُلْكِ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ اللَّهُ صَدَّقَ عَلَى

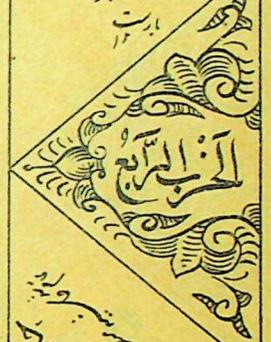
ملک خداوندیکہ یگانہ غالب بر ہمت خدا یا درود و بفرست بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلَوَةٌ تُكْرَمُ بِهِمَا مَوَالِدُهُ

بہتر و مہتر مایان محمد درودیکہ بزرگ کرد ان تو سبیل جا بودن او را و

تَشْرِيفُ بِهَا عَقْبَاهُ وَتُبْلَغُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

بلند کرد ان سبب ان آخست او را و بر سادہ تو اورا سبب ان روز قیامت منشا



Handwritten notes and prayers in Urdu script, including phrases like 'اللہ اکبر' and 'سبحان اللہ'.

Handwritten notes and prayers in Urdu script at the bottom of the page, including phrases like 'اللہ اکبر' and 'سبحان اللہ'.



۱۳۸  
 و انشده  
 ان نور عیاشی در دیده  
 و انشده  
 ان نور عیاشی در دیده  
 و انشده  
 ان نور عیاشی در دیده  
 و انشده  
 ان نور عیاشی در دیده

عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى آلِ

بر بهتر و بهتر مایان محمد که پیغمبر ناخوانده دانایینده است در آل

مُحَمَّدٍ الَّذِي هُوَ أَمِّيٌّ شَمْسٌ الْهُدَى

محمد که سله او زیباترین آفتابهای رهنماید

نُورًا وَأَبْجَرَهَا وَأَسْبَغُ الْأَنْبِيَاءِ فَخْرًا وَ

از روی روشنی و غالب ترین انعامت و سیر کننده ترین پیغمبر است از روی بزرگ و

أَشْهَرَهَا وَنُورًا أَزْهَرَ أَنْوَارِ الْأَنْبِيَاءِ وَ

شهره ترین انعامت و نور او روشن ترین نورهای پیغمبر است در

أَسْرَفَهَا وَأَوْضَحَهَا وَأَزْكَا الْخَلِيقَةِ أَخْلَاقًا

برترین نور است در روشن ترین انعامت و پاکترین اخلاق است از روی خوبیا نیک

وَأَظْهَرَهَا وَكَرَّمَهَا خَلْقًا وَأَعَدَّهَا اللَّهُمَّ

و پاکترین انعامت و در بزرگترین آنها از روی صورت ظاهری در دست ترین آنها حسنها یا

صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى

درود بفرست بر سید ما مایان محمد که پیغمبر ناخوانده دانایینده است در

إِلِ مُحَمَّدٍ الَّذِي هُوَ أَمِّيٌّ مِنَ الْقَمَرِ الشَّامِ

آل محمد که از زیباترین از ماه کامل

وَالْكَرْمُ مِنَ السَّحَابِ الْمُرْسَلَةِ وَالْبَحْرِ

و بخش اینده تر از ابر که فرستاده شده است و دریای لایطم

این نور عیاشی در دیده  
 و انشده  
 ان نور عیاشی در دیده  
 و انشده  
 ان نور عیاشی در دیده  
 و انشده  
 ان نور عیاشی در دیده



بسیار سفید بود و زیاده بسیار که در کم  
 زیاده بسیار سفید بود و زیاده بسیار که در کم  
 زیاده بسیار سفید بود و زیاده بسیار که در کم  
 زیاده بسیار سفید بود و زیاده بسیار که در کم

برتر از ماه کامل  
 از زیباترین از ماه کامل  
 از زیباترین از ماه کامل  
 از زیباترین از ماه کامل

قوله الخطم

وفا سقطوطوطا وغير سقطوط  
در بعضی نسخ آمده الخطم کبریا  
سپار سقطوطوطا سقطوط و تکرار  
لفظ اول شده در شرح غیر تفصیل

مذکور شده است  
نسخه دیگر  
نسخه دیگر  
نسخه دیگر

قوله  
نسخه دیگر  
نسخه دیگر  
نسخه دیگر

الْحَمْدُ لِلَّهِ صَلَّى عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ

بزرگ و کمان حسد ایا... و در بفرست بر سه در میان محمد که پیغمبری که

الْإِمَامِيِّ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ الَّذِي قُرِنَتْ الْبَرَكَهُ

ناخوانده و نا نویسنده است و بر آل محمد که نزدیک کرده شد مدت افزوده خیر و خوب

بِذَاتِهِ وَحَيَّاهُ وَقَطَّرَتْ الْعَوَالِمُ رَطِيبُ

بذات پاک او و بر وی پاک او و خوش شویید گرفت همه جهانیان بخوش شویید

ذِكْرِهِ وَرِيقَهُ اللَّهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ

یاد او و خوش شویید او حسد ایا در و در بفرست بر محمد و بر آل او

وَسَلَّمَ اللَّهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و سلام بفرست حسد ایا در و در بفرست بر محمد و بر آل محمد و

بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ

در بکرت ده بر محمد و بر آل محمد و رحمت کن محمدا و کلا

مُحَمَّدٌ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى الْإِبْرَاهِيمِ

محمد را چنانچه درود فرستاده تو و بکرت داده تو رحمت کرده تو برابر ابراهیم

وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ

و بر آل ابراهیم بدرستی که تو ستوده شده و بزرگواری حسد ایا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَنَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ

درود بفرست بر محمد که بنده است پیغمبر است و فرستاده شده است

در آیه تشبیه بیایا و تشبیه  
خوش شویید یک هدایت در ایچین  
عزیزت و می طاعت علی که و مسلم عالم  
غیب شهادت فرار سید و باغ  
اهل عرفان و شانه ارباب رحمان  
از آن معجز کردید که کن داغان  
توی ضلالت و جهالت بوی از آن تشبیه



به تشبیه چهارده بدیع روی تو  
که مویطه جهان بسزای کیو بنویس

قوله

اللهم صل على محمد  
والرسل

نسخه دیگر

از ده کون بود از حضرت

صلی الله علیه و آله

محمد و علی

رسل و ملائکه

کشته ده باشد از بود

شود پیش از آنکه

بنیاد

النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

که پیغمبرنا خوانده و نازلینده و بر آل محمد صلوات خدا یا درود بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ مِلَّةَ الدُّنْيَا وَمِلَّةَ

محمد و بر آل محمد باندازه پری دنیا و بر

الْآخِرَةِ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ مِلَّةَ

آخرت و برکت ده بر محمد و بر آل محمد باندازه پری

الدُّنْيَا وَمِلَّةَ الْآخِرَةِ وَاحْتِمْ مُحَمَّدًا وَأَالَ

دنیا و پری دنیا و برکت کن محمد را و آل

مُحَمَّدٍ مِلَّةَ الدُّنْيَا وَمِلَّةَ الْآخِرَةِ وَاجْزِ مُحَمَّدًا

محمد را باندازه پری دنیا و پری آخرت و جز او را

وَأَالَ مُحَمَّدٍ مِلَّةَ الدُّنْيَا وَمِلَّةَ الْآخِرَةِ وَسَلِّمْ

و آل محمد را باندازه پری دنیا و پری آخرت و سلام بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ مِلَّةَ الدُّنْيَا وَمِلَّةَ

بر محمد و بر آل محمد باندازه پری دنیا و بر

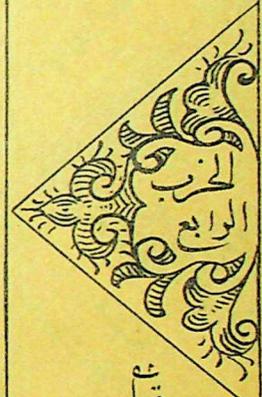
الْآخِرَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَمَرْتَنَا

آخرت خدا یا درود بفرست بر محمد چنانچه حکم کرده تو ما یان را

أَنْ نَصَلِّيَ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا يُنْبِغِي

آنکه درود فرستیم بر او و درود بفرست بر محمد چنانکه سزاوار است آن صلوات

قوله  
صلوات کبیرم  
۱۲



قوله

مِلَّةَ الدُّنْيَا وَمِلَّةَ الْآخِرَةِ

این بیا لغت در بر که درود

یعنی اعتبار کرده

درود را  
مقدار

تن دار که هر دو جهان پربانند

زیرا که پر با حقن است

چیزی تن  
دار

قوله ان صلواتنا عليك يا رسول الله  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه

قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه

قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه

اَنْ يُّصَلِّيَ عَلَيْهِ اللَّهُ صِلَ عَلَيَّ نَبِيِّكَ

که درود فرستاده بر او خدا یا درود بفرست بر پیغمبر خود

المُصْطَفَى وَرَسُولِكَ الْمُرْتَضَى وَوَلِيِّكَ

که برگزیده شده است و فرستاده شده خود که پسندیده دوست خود

المُجْتَبَى وَآمِينَكَ عَلَى وَجْهِ السَّمَاءِ اللَّهُمَّ

چیده شده اهل امانت خود بر وجهی که فرود آمده است از آسمان خدا یا

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا كَرِيمًا وَالْأَسْلَافِ الْقَائِمِ

درود بفرست بر محمد که بزرگترین کنه شستگان است استاده

بِالْعَدْلِ وَالْإِنصَافِ الْمَنْعُوتِ فِي

براسته و در راسته و جدا کردن حق از باطل ستوده شده در

سُورَةِ الْأَعْرَافِ الْمُنتَخِبِ مِنْ أَصْلَابِ

در سوره اعراف چیده شده از صلبها

الْبُطُونِ وَالْبَطُونِ الظَّرَافِ الْمُصَفَّى

بزرگان و شکمهای پاکیزه دینگو صاف کرده شده

مِنْ مُصَاصِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ بْنِ عَبْدِ

از حنضله عبد المطلب که پسر عبد

مَنَافٍ الَّذِي هَدَيْتَ بِهِ مِنَ الْخِلَافِ

مناست آن محمدی که راه نمودی تو بسبب وی مایانرا از خلفا

الرسول النبي الامي صلواتنا  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه

قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه

قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه

قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه



قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه

قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه  
قوله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه

این درود را قول او وقتیکه در روز  
الطهارت است  
این عیسی مسیح است  
بگو این درود را که  
بعد از نماز  
۱۲

و بجز اینها  
قول کرده  
من الصلوات  
یعنی که در ایندی  
بروی مرتبه  
بسیار است  
۱۱  
۱۲

وَبَيْتٍ بِهِ سَبِيلَ الْعَفَافِ اللَّهُمَّ إِنِّي

و ظاهراً در این سخن بزرگوار است  
سؤال کن ترا  
اسْأَلُكَ بِأَفْضَلِ مَسْئَلَتِكَ وَيَا حَبِيبَ

اسْمَائِكَ إِلَيْكَ وَأَكْرَمِهَا عَلَيْكَ وَيَا

مَنْتَ عَلَيْنَا مُحَمَّدٌ نَبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَسَلِّمْ فَاسْتَقْدِّتْنَا بِهِنَّ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ

أَمَرْتَنَا بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ وَجَعَلْتَنَا

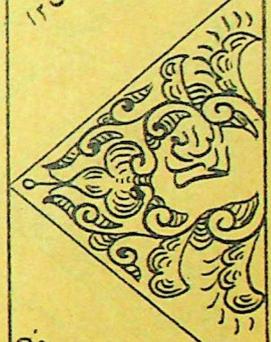
عَلَيْهِ دَرَجَةً وَكَفَّارَةً وَلَطْفًا وَمَنَامًا

إِعْطَاكَ فَادْعُوكَ تَعْظِيمًا لِأَمْرِكَ وَ

إِتِّبَاعًا لِوَصِيَّتِكَ وَمَنْجَرًا لِمَوْعُودِكَ

برای پیروی کردن عهد و پیمان تو در حال که قلب و فایده از تو هر دو عدد تو ما

من الصلوات  
یعنی که در ایندی  
بروی مرتبه  
بسیار است  
۱۱  
۱۲



قول کرده  
من اعطاك  
بسیار است  
۱۱  
۱۲

تَعْظِيمًا لِأَمْرِكَ  
بسیار است  
۱۱  
۱۲

قولنامه

اذا استجاب  
عصی لازم حق او بر مایان از بر آنکه  
بر مایان تا بخت ۱۲  
در استکود استقامت او را در همه جا که  
خبر داده ابیات کرد گفت محمد  
عربی تا شود طبق را رسول نجات  
هر چه ثابت شده بقول نجات  
بموجب آن واجب بر مایان از آن

لَا حَبُّ لِنَبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي

از برای خبر که لازم است بر مایان مریغیر مایان را درود فرستند خدا بروی و سلام فرستند در

أَدَاءِ حَقِّهِ قَبْلَنَا إِذَا مَنَّا بِهِ وَصَدَّقْنَا هُ

اد استحق حق او که نزد ما نیست از بر آنکه گردیده ایم مایان با درود است که در استقامت او را

وَأَتَّبَعْنَا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ وَقُلْتُ

و پیروی کردم نوری را که فرو فرستاده شده است با او و گفته تو

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ

پرستیدند خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر پیغمبر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا

ای آن کسانی که گردیده ایم درود بفرستید بروی و سلام فرستید

تَسْلِيمًا وَأَمَرَتِ الْعِبَادَ بِالصَّلَاةِ عَلَى

سلام فرستادن و فرمودی تو بسند که ترا سه بفرستادن درود

نَبِيِّهِمْ فَرِيضَةً نِ افْتَرَضَتْهَا وَأَمَرَتْ بِهَا

پیغمبران در حالیکه فرض ساخته شده است چنین فریضه که لازم کرده تو او را و فرموده تو این زبان من

فَنَسَّكَ جَلَالَ وَجْهِكَ وَتَوَعَّرَ عَظْمِكَ وَ

بن سوال بکنم ترا بر سبیل بزرگی ذات تو در دشمنی بزرگی تو

بِمَا أُوحِيَتْ عَلَى نَفْسِكَ لِلْمُحْسِنِينَ أَنْ تُصَلِّيَ أَنْتَ

بر سبیل چیزی که لازم کرده تو بر ذات خود مریغیر را آنکه درود فرستد تو

لِنَبِيِّنا مُحَمَّدٍ

وَقُلْتُ وَفَوَكَ لَكَ

علیهم

اللهم



قولنامه

وَأَتَّبَعْنَا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ

پیغمبران در حالیکه فرض ساخته شده است چنین فریضه که لازم کرده تو او را و فرموده تو این زبان من

فَنَسَّكَ جَلَالَ وَجْهِكَ وَتَوَعَّرَ عَظْمِكَ وَ

بن سوال بکنم ترا بر سبیل بزرگی ذات تو در دشمنی بزرگی تو

بِمَا أُوحِيَتْ عَلَى نَفْسِكَ لِلْمُحْسِنِينَ أَنْ تُصَلِّيَ أَنْتَ

بر سبیل چیزی که لازم کرده تو بر ذات خود مریغیر را آنکه درود فرستد تو

بِمَا أُوحِيَتْ عَلَى نَفْسِكَ لِلْمُحْسِنِينَ أَنْ تُصَلِّيَ أَنْتَ

بر سبیل چیزی که لازم کرده تو بر ذات خود مریغیر را آنکه درود فرستد تو

بموجب آن واجب بر مایان از آن

بر سبیل بزرگی ذات تو در دشمنی بزرگی تو

بن سوال بکنم ترا بر سبیل بزرگی ذات تو در دشمنی بزرگی تو

بر سبیل بزرگی ذات تو در دشمنی بزرگی تو

بن سوال بکنم ترا بر سبیل بزرگی ذات تو در دشمنی بزرگی تو

بر سبیل بزرگی ذات تو در دشمنی بزرگی تو

بن سوال بکنم ترا بر سبیل بزرگی ذات تو در دشمنی بزرگی تو

بر سبیل بزرگی ذات تو در دشمنی بزرگی تو



قولش تبعاً  
قیامت با او با در حدیث آمده که هر روز  
صف میخواند از آن جمله شهادت  
است آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم  
پیران دلالت دارد بر بزرگی و کبر و بزرگو  
و سرداران ایشان ۱۲ قول از آن است  
نظم اول بخش دوم بتون در آخر  
یعنی کردان او را بیشتر از آن بخیران  
و با بروردارندگان در امور دین و دنیوی  
نسخه آمده از راز او بفتح اول و سکون دوم  
قولش قوت قولش نور

النَّبِيِّينَ تَبَعًا وَ أَكْثَرَهُمْ أَزْوَاجًا وَ أَفْضَلَهُمْ

پیشبران از روی پیران و بیشترین آنها از روی وزیران و بزرگترین آنها

كَرَامَةً وَ تَوْرًا وَ أَعْلَاهُمْ دَرَجَةً وَ أَفْضَلَهُمْ

از روی بزرگی و روشنی و بلندترین آنها از روی درجه و فراخ ترین آنها

فِي الْجَنَّةِ مِثْرًا اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي السَّابِقِينَ

در جنت از روی مکان حسدایا کردان در پیش گرفتن

غَايَةَ وَ فِي الْمُنْتَحِينَ مِثْرًا وَ فِي الْمُقَرَّبِينَ

غایت او را و در برگزیدگان جای او را و در نزدیکان

دَارًا وَ فِي الْمُصْطَفِينَ مِثْرًا اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ

محل او را و در برگزیدگان جای او را حسدایا کردان او را

أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ عِنْدَكَ مِثْرًا وَ أَفْضَلَهُمْ تَوَابًا

بزرگترین بزرگترینان علیه نزد خود از روی مرتبه و بزرگترین ایشان از روی پاداش

وَ أَقْرَبَهُمْ مَجْلِسًا وَ اثْبَتَهُمْ مَقَامًا وَ أَصَوِّبُهُ

و نزدیکترین ایشان از روی چاشنی و استوارترین ایشان از روی جا سپردن و دردت ترین ایشان

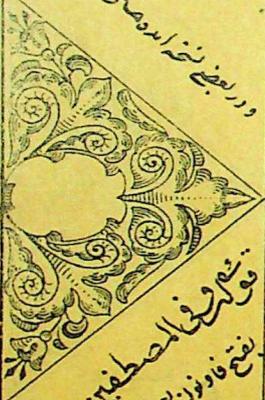
كَلِمًا وَ اجْمَعْ لَهُمْ سَأَلَةً وَ أَفْضَلَهُمْ لَدَيْكَ

از روی سخن کردن و نظر باینده ترین ایشان در هر حاجتی از روی محال و افزون ترین ایشان نزد تو

نَضِيبًا وَ اعْظَمْ لَهُمْ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَةً وَ أَنْزِلْهُ

از روی بهره بین و بزرگترین ایشان در چیزی که نزدت از روی خواستش و فرود آ

بتون را بمعنی قوت  
از روی دین است  
قولش غایب  
یعنی پیشی گرفتن  
و سبکی با در تفاوت و دخول است  
قولش نور  
در بعضی نسخه آمده منزلت را بمعنی مرتبه



قولش المصطفین منزل  
نسخه و از روی بعینه در برگزیدگان جای او  
و این لازم می آید که در مرتبه آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم  
بزرگترین است و با بر بزرگترین است  
از روی بزرگترین است  
قولش مجل  
یعنی در مرتبه تو در مکان  
قولش و اثبتهم مقاما  
استوارترین ایشان از روی پاداش

از روی بهره بین و بزرگترین ایشان در چیزی که نزدت از روی خواستش و فرود آ  
قولش  
یعنی بزرگترین از روی پاداش  
قولش  
یعنی بزرگترین از روی پاداش  
قولش  
یعنی بزرگترین از روی پاداش  
قولش  
یعنی بزرگترین از روی پاداش



تو فریستند و بعضی خجسته  
 کبریا شده یعنی آن کس که در معرفت  
 علیه السلام در میان آن معرفت تا بر آن  
 قوی است که آنرا قوی می نامند  
 و نیز فریج از کس که در معرفت  
 صلاخله نغمه است آن یعنی در معرفت  
 آنست که طلب این احوال را در آخرت  
 صلح علیها السلام در احوال و احوال او و بی بدین  
 عالم بود در آخرت در احوال او و بی بدین

**وَاسْتَعْمَلْنَا فِي سُنَّتِهِ وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَعَرَفْنَا**

و کردان مایرا کارکنند که در طوقی وی و میران مایرا بر دین وی و دلشسان مایان را

**وَجِهَهُ وَاجْعَلْنَا فِي زَمْرَتِهِ وَحَرِّبْهُ اللَّهُمَّ اجْمَعْ**

روی مبارک روی و کردان مایرا در کرده وی دلشکر پیروان وی خدایا فراهم آ

**بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ لَمَا آمَنَّا بِهِ وَكَمْزَرَهُ وَلَا تَفْرِقْ**

در میان مایان و در میان او چنانچه گوئیم مایان بوی و حال آنکه ندیده ایم مایان و او جزایه بینداز

**بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ حَتَّى تَدْخُلْنَا مَدْخَلَهُ وَتُوْمَرْنَا**

در میان مایان و در میان او تا آنکه دراری مایرا در جای در آمدن وی دزد و آری مایرا

**حَوْضَهُ وَجْعَلْنَا مِنْ رُفَقَائِهِ مَعَ الْمُتَمِّمِ**

حوض وی را و کردان مایرا از جمله همراهان وی در حلقه که بهم مایان با یک انعام کرده

**عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ**

بر آنها که از پیغمبرانند و راستکارانند و دشمنان در راه خدا

**وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا الْحَمْدُ**

دینداران را و چنین گویند این کرده همشینان ستایش ترا و اوست

**اللَّهُ رَبِّ اسْتِكْرَاءِ الرَّبِّعِ الْعَلِيِّينَ**

خدا بر آنکه بر او درگاه عالیان است

**الثَّالِثِ مِنَ النِّصْفِ الْأَخْرَجِي**

بالم در آخرت در احوال او و بی بدین  
 و بالم بر این طایفه اگر آنرا بدست در احوال او  
 این عبارات را پس از آنکه آنرا بدست در احوال او  
 حصول آنست که در سید تو قاتر برای سرسین  
 بنیادت غنی خلق و عبادت پیروی صلوات الله  
 بر دلشستان و احوال آنست که در آخرت  
 علیه السلام در احوال او و بی بدین  
 در طوقی مایرا از جمله همراهان وی در حلقه  
 صلوات الله علیه و آله و سلم  
 فی تو مومنان  
 این عبارات را پس از آنکه آنرا بدست در احوال او  
 حصول آنست که در سید تو قاتر برای سرسین  
 بنیادت غنی خلق و عبادت پیروی صلوات الله  
 بر دلشستان و احوال آنست که در آخرت  
 علیه السلام در احوال او و بی بدین  
 در طوقی مایرا از جمله همراهان وی در حلقه  
 صلوات الله علیه و آله و سلم  
 فی تو مومنان  
 این عبارات را پس از آنکه آنرا بدست در احوال او  
 حصول آنست که در سید تو قاتر برای سرسین  
 بنیادت غنی خلق و عبادت پیروی صلوات الله  
 بر دلشستان و احوال آنست که در آخرت  
 علیه السلام در احوال او و بی بدین  
 در طوقی مایرا از جمله همراهان وی در حلقه  
 صلوات الله علیه و آله و سلم  
 فی تو مومنان

در این عبارات که در این کتاب است  
 در طوقی مایرا از جمله همراهان وی در حلقه  
 صلوات الله علیه و آله و سلم  
 فی تو مومنان  
 این عبارات را پس از آنکه آنرا بدست در احوال او  
 حصول آنست که در سید تو قاتر برای سرسین  
 بنیادت غنی خلق و عبادت پیروی صلوات الله  
 بر دلشستان و احوال آنست که در آخرت  
 علیه السلام در احوال او و بی بدین  
 در طوقی مایرا از جمله همراهان وی در حلقه  
 صلوات الله علیه و آله و سلم  
 فی تو مومنان



فصل فی الاجساد

یعنی غایتی که در آن کس در آن مواضع خود بجای جایی که مجوس است یا با کس خود  
 در مکانهای حضور و غیر آن مواضع در هر جای که مجوس است یا با کس خود  
 در مکانهای حضور و غیر آن مواضع در هر جای که مجوس است یا با کس خود  
 در مکانهای حضور و غیر آن مواضع در هر جای که مجوس است یا با کس خود

صَلِّ عَلَى جَسَدِي فِي الْاَجْسَادِ وَعَلَى رُوْحِي

درود بفرست بر بدن پاک او در تن او در جان پاک او

فِي الْاَرْوَاحِ وَعَلَى مَوْقِفِي فِي الْمَوَاقِفِ وَ

در جانها در جای استادن او در جاها

عَلَى مَشْهَدِي فِي الْمَشَاهِدِ وَعَلَى ذِكْرِي اِذَا

بر جای حاضر بودندی در مکانهای حضور و بر یاد کردن او وقتی که

ذَكَرْتُمْ صَلَاةً مِّنَّا عَلٰى نَبِيِّنَا اَللّٰهُمَّ اَبْلِغْهُ

یا کرده شود درود فرستادن از ما بر پیغمبر ما این حسنها برسان او را

مِنَّا السَّلَامَ كَمَا ذَكَرَ السَّلَامُ وَالسَّلَامُ عَلٰى

از ما برسان سلام چنانچه ذکر کرده شده است سلام و سلام باد بر

النَّبِيِّ وَرَحْمَةً اَللّٰهُ تَعَالٰى وَبِرَكَاتِهِ اَللّٰهُمَّ

پیغمبر در رحمت حسنها که برتر است وافرزدنیهای خوبی خدا

صَلِّ عَلٰى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَعَلَى

درود بفرست بر فرشتگان خود که نزدیکان درگاه تو اند در

اَنْبِيَائِكَ الْمُطَهَّرِينَ وَعَلَى رُسُلِكَ الْمُرْسَلِينَ

پیغمبران خود که پاککننده و بر پیغمبران خود که فرستاده شده اند

وَعَلَى حَمَلَةِ عَرْشِكَ وَعَلَى حَبْرِيٍّ وَمِيكَائِيلَ

و بر دارنده گان عرش خود و بر سببرئیل و میکائیل

بر آن اوقات که در آن مکان بکشد درود  
 رحمت خود بر آن مکانها از آسمان برآورد  
 و از دست بر بندگانها از آسمان برآورد  
 بلیت بر زمین بکشد آن کف پای تو بود  
 تا آنچه صاحب نظران خواهر بود و با ۱۲  
 خوراک را از آتش کشتی نیست وقت بکشد  
 آن حضرت صلوات الله علیه را در هر روز  
 رحمت آبی تا که فرمودی بپوشد آن مکان را



آن پاککننده گان را  
 یعنی پاککننده گان را  
 یا ایها الذین امنوا صلوا علیه  
 و سلموا تسلیما و بلغوا انهم  
 که نشسته و چون در خواست از حق تعالی که  
 سلام برسان بر پیغمبر صلی الله علیه و آله  
 پس سلام عرض نمود تا آنکه خداوند  
 بفرماید بفرشتگان که سلام او برسانید  
 بر وی و صلی الله علیه و آله و سلم  
 و آنرا که حق تعالی صلوات  
 او را در کتب خود  
 میفرماید که  
 و اگر ام بر آنها سلام  
 میکنید

قول  
ملك الموت

زیر که این چهار فرشته  
زویان بارگاه  
جلالت آن

قول

که در بان دوزخست ۱۲  
قول

الکرام الکاتبین

یعنی درود بفرست بفرستگان که  
بزرگانه نزو تو نویسد

روزنامه اعمال  
نگار



قول

الارضین

بفتح راد  
۱۲۱۵

قول

من اهل بیوت

المرسلین

یعنی

از اهل بیت  
پیغمبران صاحب کتاب  
و تحقیق اهل بیت

ادل گفته

۱۲

وَاِسْرَافِيْلَ وَمَلَكِ الْمَوْتِ وَرِضْوَانَ خَازِنِ

داسرافیل و فرشته موت و رضوان که نگهبان

جَنَّتِكَ وَمَالِكٍ وَصَلِّ عَلَيَّ كَرَّمَ الْكَاتِبِينَ

بهشت تست در ملک و درود بفرست بر کرام الکاتبین

وَصَلِّ عَلَيَّ اَهْلِ طَاعَتِكَ اَجْمَعِينَ مِنْ اَهْلِ

درود بفرست بر فرمان برداران خودت همه آنها از باشندگان

السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ خَيْرِنَ الْكَلِمَاتِ اَهْلِي بَيْتِ

آسمانها و زمین ها خدایا بده اهل بیت

نَبِيِّكَ اَفْضَلُ مَا آتَيْتَ احَدًا مِنْ اَهْلِ

پیغمبر خود را بزرگترین چیزی که داده تو کسی را از اهل

بُيُوتِ الْمُرْسَلِينَ وَاَجْرُ اصْحَابِ نَبِيِّكَ

خانها پیغمبران و پاداش داده یاران پیغمبر خود را

اَفْضَلُ مَا جَازَيْتَ احَدًا مِنْ اصْحَابِ مُرْسَلِينَ

بزرگترین چیزی که پاداش داده تو کسی را از یاران پیغمبران

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ

خدایا بیامرز مؤمنین و مؤمنات را و مسلمین

وَالْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْواتِ

و مسلمات را زندگان را از ایشان و مردگان را و اغفلنا

قوله

رحيم

يعني بخشنده پس بگر بنظر  
رحمت بر ما رحمت خود اين دعا  
قبول فرما اينجا درود علي بن

عبدالله بن عباس

الصدوق

تمام شد  
۱۳

وَاعْفِرْ لَنَا وَلاَ إِخْوَانَنَا الَّذِينَ سَبَقُوا بِالْإِيْمَانِ

و بيا مرز مايان را و مر برادران مايانرا که پيشه گرفته بر مايان بايمان

وَلاَ تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا

و مگردان در دلماس مايان کينه براي آنها که کرده اند

رَبَّنَا إِنَّكَ رَوْفٌ رَّحِيمٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ

ای پروردگار مايان بر سیکه تو مهربان بخشنده خدايا درود بفرست بر پيغمبر که منسوبست

أَهْلِ بَيْتِي مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ

بسوی باشم محمد در آل او و ياران او و سلام بفرست

تَسْلِيمًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ صَلَوةً

سلام بفرست خدايا درود بفرست بر محمد که بهترين همه آفريده است درودیکه

تَرْضِيكَ وَتَرْضِيهِ وَتَرْضِي عِبَادَتَهُ

خشنود گرداند و خشنود کرده اند او را و خشنود شوی تو بسبب آن از مايان ای بخشاننده ترين

الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ

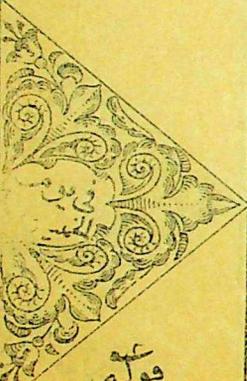
بخشانندگان خدايا درود بفرست بر محمد و بر آل او و

صَلِّ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَثِيرًا تَسْلِيمًا طَيِّبًا مَبَارَكًا

ياران او و سلام بفرست و سلام در حالیکه بسيار سلام فرستادند پاکيزه و برکت داده شده

فِيهِ جَزِيلًا جَمِيلًا دَائِمًا يَدًا وَأَمْرًا مَلِكِ اللَّهِ

دران بزرگ سیکه همیشه باشد هميشه مگر خدای



قوله

الهاشمي

يعني منسوبست به اسمم که پدر رحمت

و است صلي الله عليه واله وسلم

بالا از من در زمان تسبیح است

مذکور شده و در حديث فرست

اولا و باشم بر همه

فرستادند

۱۳

قوله

لتسليما

يعني سلام

فرستادند

بلفظ

۱۳

قول

الفضاء  
بفتح فاء زین فراخ

و کشاد  
دخال  
۱۲

قول

توازن السموات والارض

یعنی درودیکه بر ایشیا در کرانه  
وزن اسما

در نهجا



فوله خلقت

یعنی آفریده تو در زمان گذشته  
قول

خالقه یعنی پیدا کننده  
آزایان حال و آسینده ۱۲

قول

العافیة  
یعنی سلامتی از همه افات و بیای  
ظا هر سبب طای

قول

فی الدین

در امر دین سلامت داشتن  
از نفس شیطان و بندگان

از افغان در

عصیان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِهِ مِلَّةَ الْفَضَاءِ

خدا یا درود بفرست بر محمد و بر آل او باندازه پری زمین سوراخ

وَعَدَدَ النُّجُومِ فِي السَّمَاءِ صَلَوةً تَوَازِنُ

و بشمار ستارگان که در آسمانند درودیکه بر او باشد

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَدَدَ مَا خَلَقْتَ وَمَا

آسمانها را زمین را و بشمار چیزیکه آفریده تو و هر چیزیکه

أَنْتَ خَالِقُهُ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ

تو پیدا کننده او را تا روز قیامت خدا یا درود بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ

بر محمد و بر آل محمد چنانچه درود فرستاده تو بر

إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

ابراهیم و برکت ده بر محمد و بر آل محمد چنانچه

بَارَكْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي

برکت داده تو بر ابراهیم و بر آل ابراهیم در

الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُّجِيدٌ اللَّهُمَّ إِنِّي

عالیان پرستیکه تو ستوده شده و بزرگواری خدا یا پرستیکه

أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدِّينِ

سوال میکنم ترا بخشش از گناهان و سلامتت در امر دین

Handwritten marginal notes in Persian script, including phrases like 'اللهم صل على محمد و آل محمد' and 'اللهم صل على محمد و آل محمد كما صليت على إبراهيم و آل إبراهيم'.

فوقه والذاتیا...  
میتوانی آن را لاحق و در آن جهان بر آن  
جای بر انواع غیر او در حدیث لطیف  
عافیت را و اکثر است حال ادا از نیت  
از است که سستی که کج بیقاس است  
در بعضی نسخه آمده بعد از این فلان باشد  
این دعا را در ۱۲ قفله است  
پیشن این یعنی عیسا و نقصای مارا  
بسته الی الجبل کبریا و غیره  
بکورت دریا کبریا و غیره

وَاللّٰهُمَّ وَالْآخِرَةَ تَلَا اللَّهُمَّ اسْتَرْفِئْ بَرَكَةَ

دینا و آخرت سر مرتبه بگوید حسد ایام پیش از اینا هر پرده خود

الْجَمِيلِ تَلَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ

که بکورت سر مرتبه بگوید حسد ایام بدستیکم سوال میکنم ترا بر وسیله حق تو

الْعَظِيمِ وَبِحَقِّ نُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِحَقِّ

که بزرگست و بوسیله نور ذات تو که بزرگست و بوسیله

عَرْشِكَ الْعَظِيمِ وَمِمَّا حَمَلَ كُرْسِيِّكَ مِنْ

عرش تو که بزرگست و بوسیله چیز که برداشته است از آن که سستی تو از

عَظَمَتِكَ وَجَلَالِكَ وَجَمَالَكَ وَبِهَائِكَ وَ

بزرگی تو و از غنیه تو و از صفات لطیفه تو و از حسن خود تو و از آنرا

قُدْرَتِكَ وَسُلْطَانِكَ وَبِحَقِّ أَسْمَائِكَ الْخَزْوِيَّةِ

وصف توانایی تو و از غنیه تو و بوسیله نامهای تو که بحسن دارند

الْمَكُونَةِ الَّتِي لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنْ

و نگاه داشته اند که آنگاه بیافته است بر آن هیچ کس از

خَلْقِكَ اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي

آفسد بیکان تو حسد ایام سوال میکنم ترا بر وسیله نام تو که

وَضَعْتَهُ عَلَى الْيَلِّ فَاظْلَمَ وَعَلَى النَّهَارِ

بنهادی تو او را بر شب پس تاریک شد و بر روز

هَذَا  
أَبْتِدَاءُ حَرْبِ  
يَوْمِ الْجُمُعَةِ

اللَّهُمَّ  
إِنِّي

وهمك الكرم...  
بازت در هر روز...  
مظلم...  
و هر روز که از آن روز...  
بازت در هر روز...  
مظلم...  
و هر روز که از آن روز...  
بازت در هر روز...  
مظلم...

بیت  
زمین از تنب لرزه آید  
فروگرفت بر دایره سبوح کوه  
فلسطین لغیر این معنی اول  
باید از نمودن آن که هم از زمین را در زمین لغیر  
استوار شد بر این معنی  
فلسطین لغیر این معنی  
فلسطین لغیر این معنی  
فلسطین لغیر این معنی  
فلسطین لغیر این معنی

بیت

زمین از تنب لرزه آید  
فروگرفت بر دایره سبوح کوه

قول

فاصطرت

فائده

ظاهر کلام آنست که وجود همه  
این چیزهای مذکور از اثر وصیت  
یک اسم مبارکست اما محققان گفته  
حق تعالی را اسمای بسیارست در هر  
اسمی صیغی و اثری نماده که  
در دیگر کیفیت  
و هر چه

فَاسْتَنَارَ وَعَلَى السَّمَوَاتِ فَاسْتَقَلَّتْ وَ

بس روشن شد و بر آسمانها

عَلَى الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَعَلَى الْجِبَالِ

بر زمین بس قرار گرفت و بر کوهها

فَارَسَتْ وَعَلَى الْبِحَارِ وَالْأَوْدِيَةِ فَجَرَّتْ وَ

بس استوار شد و بر دریاها و رودخانهها

عَلَى الْعُيُونِ فَانْبَعَتْ وَعَلَى السَّحَابِ فَاَمْطَرَتْ

بر چشمها بس بچشیدند آب و بر ابر بس بارید

وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْأَسْمَاءِ الْمَكْتُوبَةِ فِي

و سوال میکنم ترا خدایا بوسیله نامهای تو که نوشته اند در

جَهَةِ اسْرَافِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

پیشانی اسرافیل بر دس باد سلام و بوسیله نامهای تو

الْمَكْتُوبَةِ فِي جَهَةِ جِبْرِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

که نوشته شده در پیشانی جبرئیل بر دس باد سلام

وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ

و بر فرشتگان که نزدیکان درگاه تو اند و سوال میکنم ترا ای خدایا

بِالْأَسْمَاءِ الْمَكْتُوبَةِ حَوْلَ لِعِزَّتِكَ وَأَسْأَلُكَ

بوسیله نامهای تو که نوشته شده اند گرد بگرد عزت تو و سوال میکنم ترا



درین عالم  
بوجود آیات از صفیات  
و آثار آن اسما جلود  
ظهوری  
آید

نظم

باشد اسما که او چنان بسیار  
که بود بر تراز قیاس شمار

در خبر که چه هست صد کم یک

هست نسبت بآنجا نیک

و چه بگویم که این است  
بیت از نامهای که در  
ک

در وقت این دعا  
در وقت این دعا  
در وقت این دعا

فکر  
فکر  
فکر

فکر  
فکر  
فکر

بِالْأَسْمَاءِ الْكُتُوبِ حَوْلَ الْكُرْنِيِّ وَأَسْأَلُكَ

بوسید نامها یک نوشته شده اند کرد کرد کر سه سوال میکنم ترا

اللَّهُمَّ بِالْأَسْمَاءِ الْكُتُوبِ عَلَى وَرَقِ الزَّيْتُونِ

خدا ای بوسید نامی که نوشته شده است بر برگ درخت زیتون

الْحَبْرِ الْخَامِسِ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ

وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْأَسْمَاءِ الْعُظْمَى الَّتِي

سوال میکنم ترا خدا ای بوسید نامها که بزرگند که

سَمَّيْتَ بِهَا نَفْسَكَ مَا عَلِمْتُ مِنْهَا وَمَا

نامیده بان نام ذات خود را آنچه که دانستم من زبان نامها و آنچه که

أَعْلَمُ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ

با آنها سوال میکنم ترا خدا ای بوسید نامها سیکه خوانده است ترا

بِهَا اَدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ

با آنها آدم بروی باد سلام و بوسید نامها سیکه خوانده است ترا

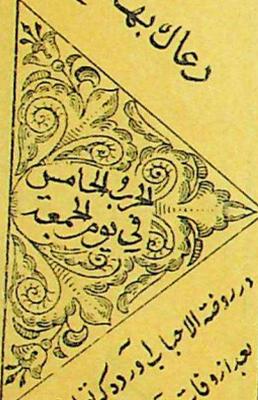
يَهْيَانُوحُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي

با آنها نوح بروی باد سلام و بوسید نامها سیکه خوانده است ترا

دَعَاكَ يَهْيَاهُودُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

خوانده است ترا با آنها یهود علیه بروی باد سلام و بوسید نامها سیکه

در وقت این دعا  
در وقت این دعا  
در وقت این دعا



در وقت این دعا  
در وقت این دعا  
در وقت این دعا

فکر  
فکر  
فکر

دعایها ابراهیم  
دعایها صلوات  
دعایها صلوات

دعایها صلوات  
دعایها صلوات  
دعایها صلوات

دعایها صلوات  
دعایها صلوات  
دعایها صلوات

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَلَدَاتِهِ

که خوانده است ترا بانها ابراهیم بر دی باد سلام و بسیدله نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا صَالِحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ

که خوانده است ترا بانها صالح بر دی باد سلام و

بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا يُوسُفُ عَلَيْهِ

بوسیدله نامهای که خوانده است ترا بانها یونس بر دی باد

السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا أَيُّوبُ

سلام و بوسیدله نامهای که خوانده است ترا بانها ایوب

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا

بر دی باد سلام و بوسیدله نامهای که خوانده است ترا بانها

يَعْقُوبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي

یعقوب بر دی باد سلام و بوسیدله نامهای که

دَعَاكَ بِهَا يُوسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِأَسْمَاءِ

خوانده است ترا بانها یوسف بر دی باد سلام و بوسیدله

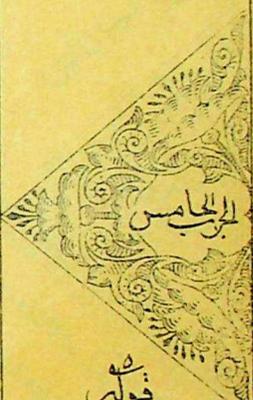
لِأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ

نامهای که خوانده است ترا بانها موسی بر دی باد سلام

وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا هَارُونَ عَلَيْهِ

و بوسیدله نامهای که خوانده است ترا بانها هارون بر دی باد

دعایها صلوات  
دعایها صلوات  
دعایها صلوات



قولی  
یعقوب  
نام دی اسه این است و سیک  
پیغمبران از اولاد  
ادینه ۱۲  
قولی  
یوسف  
در سین دی بر چه جایزت ۱۲

قولی  
موسی  
نبردی یعقوب علیه السلام  
هارون  
قولی  
دعایها صلوات  
بوسیدله نامهای که خوانده است ترا بانها موسی علیه السلام  
بوسیدله نامهای که خوانده است ترا بانها هارون علیه السلام

تفکر  
تشیب  
نشدی بوی بن ابی ساجم علیهم  
سیر

تفکر  
استصیلاح

دعا از احباب و پیغمبر صلوات الله علیهم  
در روز قیامت  
کونیه عمری صدوی واجب آورده که  
بر رویان وفات او تو را پیغمبر صلوات  
علیه و الله وسلم و در هر روز ششصد مرتبه  
در پیشه که کونیه ۱۲  
قول در اول دم  
قول در عقب علیها سلام سیر

السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا شُعَيْبٌ

سلام و بوسیله نامهای که خوانده است ترا بانها شعیب

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا

بردی باد سلام و بوسیله نامهای که خوانده است ترا بانها

إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي

اسمائیس بردی باد سلام و بوسیله نامهای که

دَعَاكَ بِهَا دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

خوانده است ترا بانها داود علیه بردی باد سلام و بوسیله نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا سُلَيْمَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ

که خوانده است ترا بانها سلیمان بردی باد سلام و

بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا زَكَرِيَّا عَلَيْهِ

بوسیله نامهای که خوانده است ترا بانها زکریا بردی باد سلام و

السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا يُحْيَى

سلام و بوسیله نامهای که خوانده است ترا بانها یحیی

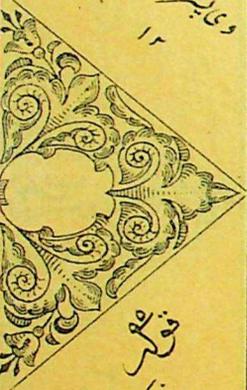
عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا

بردی باد سلام و بوسیله نامهای که خوانده است ترا بانها

أَرْمِيَاءَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي

ارمیا بردی باد سلام و بوسیله نامهای که

سلیمن  
و یسیر داوود است علیها سلام  
۱۲



تفکر  
زکریا

بمزه صد الف و بمزه نیز آمده  
دنب دی یعقوب علیها سلام سیر ۱۲

تفکر  
یحیی

ودی یحیی زکریا علیها سلام  
علیها سلام

و من ان نیز گفته اند  
سبب آن نیز گفته اند  
ادب و سکون را و بکم هم  
دفعه غمزه و سکون را و بکم هم  
سبب آن نیز گفته اند  
ادب و سکون را و بکم هم  
دفعه غمزه و سکون را و بکم هم

بدر لام و شمع یاقون  
۱۲

بسم الله

عظیم

کبریا و شکیلی بدارون

و کرمین

شبن و کرمین

در طبع شمع یاقون و کرمین  
و کرمین و کرمین

شبن و کرمین

۱۵۸

ذوالکفل  
کبریا و شکیلی بدارون  
فای  
قول  
یوشع علیه السلام  
نسب وی یوشع  
عید اسلام  
۱۲



قول

عیسی ابن مریم  
در سه ارکه آورده که میان محمد و عیسی  
الصلوة والسلام شمس و نجیاه  
شش سال  
بود  
۱۲

قول

و علی جمیع النبیین  
و در دو سلام فرستد خدای  
بر همه پیغمبران رساند  
احکام همه پیغمبران  
۱۲

دَعَاكَ بِهَا شَعْبَاءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

خوانده است ترا بانها شعبا بروی باد سلام و بوسید نامهای که

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا الْيَاسِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ

که خوانده است ترا بان ایاس بروی باد سلام

بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا الْبَيْسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بوسید نامهای که خوانده است ترا بان بایس بروی باد سلام

وَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا ذُو الْكِفْلِ عَلَيْهِ

و بوسید نامهای که خوانده است ترا بان ذوالکفل بروی باد

السَّلَامُ وَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا يُوْشَعُ

سلام و بوسید نامهای که خوانده است ترا بانها یوشع

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي دَعَاكَ بِهَا

بروی باد سلام و بوسید نامهای که خوانده است ترا بانها

عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ بِالْأَسْمَاءِ

عیسی پسر مریم بروی باد سلام و بوسید نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

که خوانده است ترا بانها محمد در دو فرستد خدای بروی

وَسَلَّمَ وَعَلَىٰ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ

و سلام فرستد و بر همه پیغمبران و مرسلین آن

قول  
و علی جمیع النبیین و المرسلین  
و در دو سلام فرستد خدای  
بر همه پیغمبران رساند  
احکام همه پیغمبران  
۱۲

فکر ان تصلی علی محمد  
سوال بیستم ز باب نه و سی و یکم  
شده در ایام ائمه در روز و فرشتی تو را

فکر در سی و یکم  
فکر در سی و یکم  
فکر در سی و یکم

فکر در سی و یکم  
فکر در سی و یکم  
فکر در سی و یکم

فکر در سی و یکم  
فکر در سی و یکم  
فکر در سی و یکم

فکر در سی و یکم  
فکر در سی و یکم  
فکر در سی و یکم

اِنَّ تَصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خَلَقْتَهُ

آنکه در روز فرست تو بر محمد بشمار چیزیکه پیدا کرده تو آنرا

مِن قَبْلِ اَنْ تَكُونَ السَّمَاءُ مَبْنِيَةً وَالْاَرْضُ

پیش از آنکه باشد آسمان بنا کرده شده و زمین

مَدْحِيَّةً وَالْجِبَالُ مُرْسَاةً وَالْجَارِ مَجْرَاةً

سزده شده و کوهها استوار کرده شده و دریاها جاری کرده شده

وَالْعِيُونُ مُنِجْرَةً وَالْاَنْفَارُ مِنْ مَمْرَةٍ وَالشَّمْسُ

و چشمهای آتیه روان و جو بیاسی آتیه ریزان و آفتاب

مُضْحِيَّةً وَالْقَمَرُ مُضِيًّا وَالْكَوْكِبُ

تابان و ماهتاب درخشان و ستارگان

مُسْتَبِيرَةً كُنْتَ حَيْثُ كُنْتَ لَا يَجْعَلُ أَحَدٌ

فروزان بودی تو جاییکه بودی تو نمیدانند هیچ کس

حَيْثُ كُنْتَ إِلَّا أَمْتُ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

جاییکه بودی تو کمر تو در حالتی که یگانه تو نیست شریکی مرتزا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ جِلْمِكَ وَصَلِّ

خدایا درود بفرست بر محمد بشمار بر دباری خود و درود بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ رَعِيكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

بر محمد بشمار علم خود و درود بفرست بر محمد بشمار

در بعضی نسخه نقلین داد آمده بعضی نوری تو بین

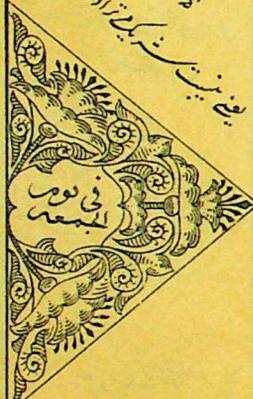
افزایشین نیز با

فکر

و حدیثی که یگانگی تو در صفات خود را

فکر

آتش دوزخ است که تزار صفات بر کاف



دقیقه

از الفاظی که در بعضی مکان مفهوم می شود  
با تغییر در آن و بی سواد از اینست که در  
یک مرتبه از نسبت زمان و مکان بگوید  
ظهور صفات جلال و جلال بگوید  
ادب و شرف  
حافظ می شناسد ربابی  
که هر چه بودیده بگوید  
ببیند آنچه حال قبیله  
نکند از حال حق قطعا

عبد جلیلک  
فکر

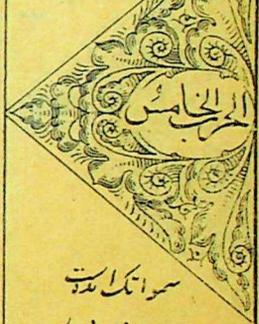
عبد جلیلک  
فکر

عبد جلیلک  
فکر

عبد جلیلک  
فکر

# قولہ نعت

یعنی  
 العام بفرمانی در  
 دنیا و آخرت  
 ۱۲  
 قولہ  
 سبع سمواتک  
 ثقیبہ  
 و بعضی نسخہ بہ اسماء الکی کہ  
 دست و در بعضی نسخہ اول  
 کہ بعدہ سبع



سمواتک مدتہ  
 بعدہ خلفت ۲ ارضین سبع  
 ہر سادہ  
 ۱۳  
 قولہ  
 کل یوم الف مرۃ  
 یعنی درود بفرست بعد  
 وجہ مذکور در روز  
 ہزار بار  
 ۱۳

کَلِمَاتِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ نِعْمَتِكَ وَ

سخنان خود درود بفرست بر محمد بشمار نعت خود و

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ مِثْلَ سَمَوَاتِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

درود بفرست بر محمد مانند آسمانهای خود و درود بفرست بر محمد

مِثْلَ أَرْضِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ مِثْلَ عَرْشِكَ

مانند آرزہ بری زمین خود و درود بفرست بر محمد بوزن مانند عرش خود

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ زِينَةَ عَرْشِكَ وَصَلِّ عَلَى

درود بفرست بر محمد بوزن عرشش خود و درود بفرست بر

مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا جَرَى بِهِ الْقَلَمُ فِي أُمَّ الْكِتَابِ

محمد بشمار چیزی کہ روان بآن قلم در لوح محفوظ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ فِي سَبْعِ

درود بفرست بر محمد بشمار چیزی کہ پدید آورده در ہفت

سَمَوَاتِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا أَنْتَ

اسما ہما سے خود و درود بفرست بر محمد بشمار چیزی کہ تو

خَالِقٌ فِيهِنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ

پیدا کنندہ در آسمانها تا روز قیامت در ہر روز

أَلْفَ مَرَّةٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

ہزار بار خدا یا درود بفرست بر محمد بشمار چیزی کہ کل

قولی قطرات نبتخ طاروا

عوم خلقت الدنيا در سب و بهین نیاست خود کرده و تنون تنون

قولی من سبحك الله سبحان الله

و عبادت ترا بعضی نیت کند

كُلُّ قَطْرَةٍ قَطَرَتْ مِنْ سَمَوْتِكَ إِلَى الْأَرْضِ

هر قطره باران که چکید دست از آسمانی خود بسوی زمین تو

مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

از ابتدای روزی که پدید کرده تو دنیا را تا روز قیامت

فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

در هر روز سه هزار بار خدا ای درود بفرست بر محمد

عَدَدَ مَنْ سَبَّحَكَ وَهَمَّ لَكَ وَيَكْبَّرُكَ

بشمار کسی که با کی یاد میکند ترا و تمییز میکند ترا و تکبیر میکند ترا

بِعِظَمِكَ مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ

بزرگی یاد میکند ترا از روزیکه پدید کرده تو دنیا را تا روز

الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ اللَّهُمَّ صَلِّ

قیامت در هر روز هزار بار خدا ای درود بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ أَنْفُسِهِمْ وَأَلْفَ ظُهُمٍ وَصَلِّ

بر محمد بشمار دمای آنها که الفاظ ایشان در درود بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ كُلِّ نَمَةٍ خَلَقْتَهَا فِيهِمْ

بر محمد بشمار هر جانیه که پدید کرده تو آنها در ایشان

مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

از روزیکه پدید کرده تو دنیا را تا روز قیامت

بیشتر که خدای را هیچ چیز نیست  
باین در استخوان لب خواجه زبان نطق  
و خواجه با زبان حال  
از زمین را درود و صد لا شکر که گوید  
و کبریا  
بسیار و بسیار تا که خدا را ست  
بسیار

قولی قطره قطرات نبتخ طاروا  
بسیار یاد میکند ترا بزرگی بزرگی بزرگی  
دمای شیخ کنندگان و دیگران که  
باینها مذکور شد

قولی الف اظلم  
یعنی سخن این الف اظلم  
بسیار یاد میکند ترا بزرگی بزرگی بزرگی  
باینها مذکور شد

این نامه و خط اظلم  
بسیار یاد میکند ترا بزرگی بزرگی بزرگی  
باینها مذکور شد

نمونه نبتخ طاروا  
قولی  
بسیار یاد میکند ترا بزرگی بزرگی بزرگی  
باینها مذکور شد

بسیار یاد میکند ترا بزرگی بزرگی بزرگی  
باینها مذکور شد

فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ اللَّهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ

در هر روزی هزار بار خدا یا درود بفرست بر محمد

عَلَى السَّحَابِ الْجَارِيَةِ وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ عِدَّةَ

بشمار ابر های دونه دونه درود بفرست بر محمد بشمار

الرِّيَّاحِ الدَّارِيَةِ مِنْ يَوْمٍ خَلَقْتَ الدُّنْيَا

باد های که پراکنده کنند کاشند از روزیکه پیدا کرده تو دنیا را

إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ اللَّهُمَّ

تا روز قیامت در هر روز هزار بار خدا یا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عِدَّةَ مَا هَبَّتْ عَلَيْهِ الرِّيَّاحُ

درود بفرست بر محمد بشمار چیز که وزیدت بر آن بارها

وَتَرَكَهُ مِنَ الْأَغْصَانِ وَالْأَشْجَارِ وَ

وچنانچه است از بارها از شاخه ها و درختان و

الْأَوْرَاقِ وَالْثَمَارِ وَجَمِيعِ مَا خَلَقْتَ عَلَى

برگها و بارهای درختان و همه آنچه پیدا کرده تو بر

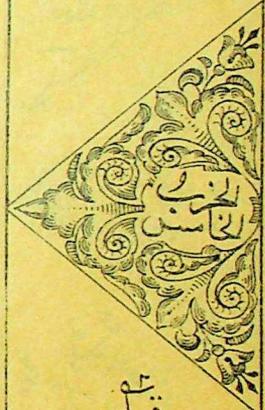
أَرْضِكَ وَمَائِي سَمَوَاتِكَ مِنْ يَوْمٍ خَلَقْتَ

زمین خود و درمیان آسمانهای خود از روزیکه پیدا کرده تو

الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ

دنیا را تا روز قیامت در هر روزی هزار بار مَرَّةً

قوله  
السحاب الجارية  
ابراهی دونه  
از جایی  
بجای  
۱۲



قوله  
الرياح الدارية  
باد های پراکنده  
خاک را در  
آن  
۱۲

قوله  
مرکت  
تنه  
۱۲

قولی  
ملا ارضك  
كسب همه یعنی اندازه پوی زمین خود  
بعد این بیان کند آن چیزی را که

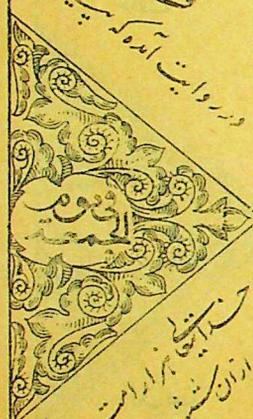
قولی  
اقلت  
دو لفظ یک معنی من  
عجبت است ۱۲

قولی  
من قلد وقلک  
یعنی از آثار قدرت تو و مهره که

موجود است بر زمین از آثار قدرت  
مست

بک درختان  
هر قدرش از قریب معنی کند که در

قولی  
الآنست  
من آمده  
در روایت آمده که پیدا کرد



در بیان  
در بیان  
در بیان

قولی  
سبع بجارک  
من آمده  
ذکر کرده اند هفت دربارا برین وجه  
در بعضی نسخ لفظ عد دینا  
یعنی درود بفرست  
بجاری دریا  
۱۲

مَرَّةً اللَّهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ نجومِ السَّمَاءِ  
بار خدایا درود بفرست بر محمد بشمار ستارگان آسمان

مِنْ يَوْمٍ مَخَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ  
از روزی که پیدا کرده تو دنیا را تا روز قیامت

فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ اللَّهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ  
در هر روزی هزار بار خدایا درود بفرست بر محمد

مِثْلًا أَرْضِكَ مَا حَمَلَتْ وَأَقْلَّتْ مِنْ قَدْرِكَ  
باندازه پوی زمین خود از چیزی که برداشته است از زمین از آثار قدرت تو

اللَّهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ فِي سَبْعِ  
خدایا درود بفرست بر محمد بشمار چیزی که پیدا کرده تو در هفت

بِحَارِكِ مَا لَمْ يَجْعَلْ عِلْمَهُ إِلَّا أَنْتَ وَمَا أَنْتَ  
در بیابای خود از چیزی که فراز سیده است بان در آن هیچ کس مگر آنکه سیدنا تو و چیزی که

خَالَفَتْ فِيهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ  
پیدا کننده او را در آنها تا روز قیامت در هر روز

أَلْفَ مَرَّةٍ اللَّهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مِثْلًا  
هزار بار خدایا درود بفرست بر محمد بشمار چیزی که پرند است

سَبْعِ بِحَارِكِ وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ رِبَّةً سَبْعِ بِحَارِكِ  
بان هفت دریا بای تو و درود بفرست بر محمد برابر وزن هفت دریا بای خود

قول

اقله ت صحت

واقف بر روی  
مغفرت آنکه چنانچه  
بلا فریبند

قول

من قدرتك درستی

بعد این آنکه

من یوم

خلقت

مَّا حَمَلَتْ وَأَقَلَّتْ مِنْ قُدْرَتِكَ اللَّهُمَّ وَصَلِّ

از جنس چیزیکه بر گشته اند آن دریا را آنقدرت تو خدایا و در بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ امْوَاجِ جِبَارِكِ مِنْ يَوْمِ

بر محمد بشمار موجهای دریا هست خود از روزی که

خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ

پیدا کرده تو دنیا را تا روز قیامت در هر روزی

أَلْفَ مَرَّةٍ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَدِكَ

هزار بار خدایا و در بفرست بر محمد بشار

الرَّمْلِ وَالْحَصَى فِي مَسْتَقِرِّ الْأَرْضِينَ وَ

ریگ و سنگریزه در حال گستره آن در جای قرار زمینها و

سَهْلَهَا وَجِبَالِهَا مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا

نرم آن و کوههای آن از روزیکه پیدا کرده تو دنیا را

إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ اللَّهُمَّ

تا روز قیامت در هر روز هزار بار خدایا

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ اضْطِرَابِ لِيَةِ الْعَانَةِ

و در بفرست بر محمد بشمار برهمزدن آهنگهای شمشیر

وَالْمَلْحَةِ مِنَ يَوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ

و شمشیر از روزیکه پیدا کرده تو دنیا را تا روز القیامه



الدنيا

الیوم القیامه فی کل یوم

الفصحة

۱۲

قول

امواج جبارك

یعنی برهمزدن

آهنگهای

آن

۱۲

قول الرمل

یعنی ریگ

آن

قول مستفاد  
نفع قاف

قول العذبة  
نفع عین

قول الملحة  
نفع لسان

اللهم

در بیض نسخه اللهم نیامده ۱۲

اول نیتها

یعنی روزه خانا و زمینهای نشیب اگر چه در و آب بود ۱۲

قول

و طسرها و راههای آن زمین در بیض نسخه بدل طسرها طسرها ۱۲

الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ وَصَلِّ عَلَيَّ

قیامت در هر روز هزار بار و در دو بفرست بر

وَحَمْدٍ عَدَدَ مَا خَلَقْتَهُ عَلَيَّ جَدِيدًا أَضْكَ

محمد بنهار چیزیکه پیدا کرده تو او را بر روی زمین خود

فِي مُسْتَقَرِّ الْأَرْضِينَ شَرْقِيًّا وَغَرْبِيًّا

در جای مسترار زمین با در جانب برآمدن آفتاب در جانب او و در فتن آفتاب

سَهْلَهَا وَجِبَالِهَا وَأَوْدِيَّتِهَا وَطَرِيقِهَا

جانب نرم آن و کوههای آن و دودایهای آن و راههای آن

وَعَامِرِهَا وَغَايِرِهَا إِلَى سَائِرِ مَا خَلَقْتَهُ

در جای آباد آن و در آن آن تا همه آنچه پیدا کرده تو او را

عَلَيْهَا وَمَا فِيهَا مِنْ حَصَاةٍ وَمُدِّ رَوْحٍ

بر آن و چیزیکه در آن زمین است از سنگریزه و کلوخ و سنگ

مِنْ يَوْمٍ خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

از روزی که پیدا کرده تو دنیا را تا روز قیامت

فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

در هر روز هزار بار و صلوات بر محمد

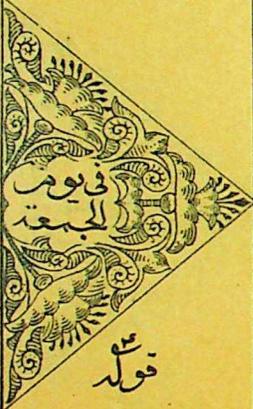
النَّبِيِّ عَدَدَ نَبَاتِ الْأَرْضِ مِنْ قَبْلِهَا

که بفرست بنهار رستنیهای زمین از قبل آن

اللهم مع

قول

یعنی منقوطة ۱۲



فی یوم الجمعة

قول

مدد

بفتح میم و دال

۱۲

قول

محمد

بفتح ما و جیم

قول

من قبلتها

از قبل آن زمین

و ان جا کعبه

نیز

و از هر مکان که اعتقاد

کردند

۱۲

نسخه کلمتی النسخ المغربي قال

والتقوا  
والله

لفظ است که در حدیث آمده  
این را اولین قلم در  
دو مجتهدین است  
می آید هر یک  
تفسیر

معلم  
نور  
قول  
و ثوابها

برای آن زمین یعنی بار  
درختان کرمان

نور  
نور  
نور  
نور

سخن بر این آمده  
و عو قها  
عجمان  
عجمان

قول

یخرج و یفصح  
یا بحیه و نسیم رایحه بشمار  
بر می آید از زمین در و بهت کهنه  
تا فوقیه و کسرا باشد یعنی آنچه  
بر می آید از زمین یا بر می  
آری از زمین آنرا  
تو ای حسنه  
نقش ۱۲  
۱۳

وَشَرَقِيَا وَغَرْبِيَا وَسَهْلِيَا وَجَبَلِيَا وَ

و جانب مشرق آن و مغرب آن و نرم آن و کوههای آن و

اَوْدِيَّتِيَا وَاشْجَارِيَا وَثَمَارِيَا وَاَوْدِيَّتِيَا

رودخانههای آن و درختان آن و میوههای آن و برکهای آن که

وَزُرُوعِيَا وَجَمِيعَ مَا يَخْرُجُ مِنْ تَحْتِهَا وَبَرَكَاتِهَا

و کشتزارهای آن و همه آنچه بر آید از زمین از رستهها آن و افزونهای خرد و خرد آن

مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ فِي كُلِّ

از روزی که پدید کرده تو بسیار تا روز قیامت در هر

يَوْمٍ اَلْفَ مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ وَصِّلْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَدَّةَ

روزی هزار بار حسنه ای و درود بفرست بر محمد و بشمار

مَا خَلَقْتَ مِنَ الْبَشَرِ وَالشَّيَاطِينِ وَمَا نَسِيتَ

چیزی که پدید آورده تو از پریان و آدمیان و شیاطین و آنچه که تو

خَافَهُ مِنْهُمْ اِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ اَلْفَ

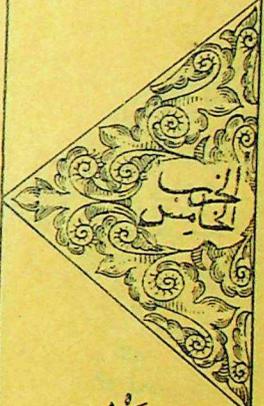
پیدا کرده آنرا از آنها تا روز قیامت در هر روزی هزار

مَرَّةٍ اَللّٰهُمَّ وَصِّلْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَدَّةَ كُلِّ شَعْرَةٍ

بر حسنه ای که در درود بفرست بر محمد بشمار هر موئی که

فِي اَبْدَانِهِمْ وَفِي وُجُوهِهِمْ وَعَلَى رُؤُوسِهِمْ مِنْ دُنُو

در تنهای آنها و در رویهای آنها و بر سرهای آنها از ابتدای زمان



قول  
و برکاتها  
و افزونهای حسنه و خیر آن  
زمین چنانچه آید و بود  
و جملها  
۱۲

قول  
و الشیاطین  
در روایت آمده که از زمین  
آدمیان و هم حسنه  
از آفرینش  
جنیان  
۱۳

و الله اعلم  
بما فی  
الکتاب  
و السلام  
۱۲

قول

خفقتان الطیر

بفتح خا همقوط و فالبعده  
قاف درود بفرست بر محمد  
بشمار جنبانیدن و بر هم زدن  
بازوهای پرندهکان  
پریین ۱۲  
قول

وطیران الجن

بفتح ط و یا و بشمار پریین  
پریین در  
بیا  
۱۲



قول

مشادات الارض منعباد

یسع بوده اند ان چهار  
پایان در زمین جا  
جایهای  
افتاب و جانب جایهای  
فرورفتن آفتاب  
از ان زمین  
۱۲

خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ

سده کرده تو دنیا را تا روز قیامت در هر روز

أَلْفَ مَرَّةٍ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ خَلْفَتِهِ

هزار بار خدایا درود بفرست بر محمد و بشمار جنبانیدن بازوهای

الطَّيْرِ وَطَيْرَانَ الْجِنِّ وَالشَّيَاطِينِ مِنْ يَوْمِ

پرندهکان و پریین پریان و شیاطین از روزی که

خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ

پیدا کرده تو دنیا را تا روز قیامت در هر روز

أَلْفَ مَرَّةٍ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ خَلْفَتِهِ

هزار بار خدایا درود بفرست بر محمد بشمار

بِهَيْمَةٍ خَلَقْتَهَا عَلَىٰ جَدِيدِ أَرْضِكَ مِنْ

چهار پایان که پیدا کرده تو او را بر روی زمین خود از

صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا

خورد یا بزرگ در جایهای بر آمدن آفتاب و جایها فرورفتن ان

مِنْ أَيْسَرِهَا وَجَنَّتْهَا وَمَا لَا يَعْلَمُ عِلْمَهُ إِلَّا أَنْتَ مِنْ يَوْمِ

از آسویان آن و پریان آن و از جنس چیز که فراز سه دست بان و شش پنج کمر که مداف تو از روزی که

خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ

پیدا کرده تو دنیا را تا روز قیامت در هر روز

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

الْفَمْرَةَ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَدَّةَ خَطَاهُمْ

هزار بار خدايا درود بفرست بر محمد بنما قدماي ايشان

عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا

بر روی زمین از روزی که پيدا کرده تو دنيا را

إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ أَلْفِ مِائَةِ اللَّهُمَّ

تا روز قیامت در هر روز هزار بار خدايا

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَدَّةَ مَنْ يُصَلِّي عَلَيْهِ وَ

درود بفرست بر محمد بنما که نیک درود میفرستند بروی و

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَدَّةَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ وَصَلِّ

درود بفرست بر محمد بنما که نیک درود نمیفرستند بروی و درود بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَدَّةَ الْقَطْرِ وَالطَّرِّ وَالسَّابِ وَصَلِّ

بر محمد بنما قطره باران درستیها و درود بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَدَّةَ كُلِّ شَيْءٍ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بر محمد بنما هر چیزی خدايا درود بفرست بر محمد

فِي الْبَيْتِ إِذِ ابْتِغَيْتَنِي وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي النَّهَارِ

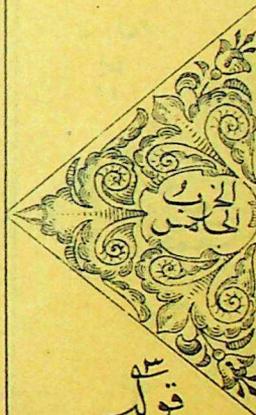
در شب چون بپوشد عالم را بتاریکی خویش درود بفرست بر محمد در روز

إِذَا تَجَلَّى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي الْأَخِرَةِ وَالْأُولَى

چون روشن شود درود بفرست بر محمد در سرای آخرت و دنیا وصل

قول  
المطر  
بفتح سیم

وطی  
۱۶



قول

إذا تجلى

یعنی چون آشکارا گردد

در روشن

شود  
۱۲

قول  
شایسته

بنیادهای این دعا که در کتاب  
بود یعنی در دو کتاب که اکثرین  
روایت کرده اند و اینها از آن  
روایت کرده اند که در این  
دعا که در کتاب است

و این دعا  
برای است و سعادتی  
باشد

در هر روز

۱۲

در هر روز

چنین خواند که هر روز در هر روز

در هر روز

در هر روز

در هر روز

۱۲

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ شَابَانَ رَكِيًّا وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

در روز ولادت بر محمد در حالیکه جوان بود ستوده و در روز ولادت بر محمد

كَلِمًا مَرْضِيًّا وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ مَسْدُكَ كَانِ فِي الْمَرْحَلَةِ

در حالیکه که بیست سال برده شایسته و در روز ولادت بر محمد از ابتدا از ماست که بود وی در کعبه

صَبِيًّا وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنَ الصَّلَاةِ

کودک و در روز ولادت بر محمد تا آنکه باقی نماند از درود

سَأَلْتُ اللَّهَ وَأَعْطَى مُحَمَّدًا الْمَقَامَ الْحَمْدُ الَّذِي

چیزی حسد ایا دیده محمد را معنی که ستوده شد دست که

وَعَدْتَهُ الَّذِي إِذَا قَالَ حَصَدَتْهُ وَإِذَا

و عهد کرده تو او را آن محمدی که وقتی که گفت سخنی رست سنجی تو او را سنج و چون

سَأَلَ أَعْطَيْتَهُ اللَّهُمَّ وَأَعْظَمَ بُرْهَانًا

در خواست از تو چیزی دادی تو او را حسد ایا و بزرگ کردن دلیل او را و

شَرَفَ بِنَبَاتِهِ وَأَيْلُوحَجَّتْهُ وَبَيْنَ فَضِيلَتِهِ

بلند کردن بهای مرتبه او را در روشن کردن دلیل نبوت او را و بزرگ کردن بزرگی او را

اللَّهُمَّ وَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ وَاسْتَعْمَلْنَا

خدا ایا و قبول شد ما شفاعت او را در حق امت او که رکنه کن کردن ما یا ترا

بِسُنَّتِهِ وَتَوَقَّفْنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَأَحْسَرْنَا فِي

بطریق وی و بمسیران ما یا ترا بر دین وی و کردن ما یا ترا بر دین قیامت در

قول  
مرضیه

شایسته و پسندیده  
در احوال  
داخل  
۱۲



این یوم  
نیمه

قول  
المقام المحمود  
مقامی که ستوده شده است  
بزرگان همه کس

قول  
صدقت  
راست و محقق ساختی تو برای او  
سخن او را و از آنجمله  
قصه خواب آنحضرت  
صلی الله علیه و آله  
در روز  
نهارت  
۱۲

بهر آنکه این دعا  
بزرگ است  
۱۲  
بنا بر این است که در هر روز  
بنا بر این است که در هر روز  
بنا بر این است که در هر روز  
۱۲

قولہ

من رفقائہ

یعنی از مسراہان

وصاحبان

وی

۱۲

قولہ

دعوتک لہما

یعنی خواندم من ترا بان نامادری

اولی این درود

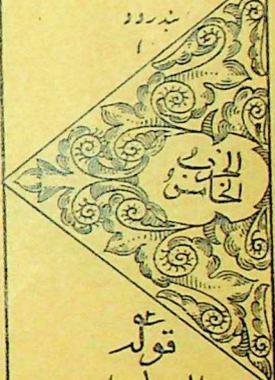
قولہ

وصفت

تغی ذکر کردم وصف آرا بال

نیز درود

۱



زُمرَّتہ و تحَّت لِوَاوِئِہِ وَاَجْعَلْنَا مِنْ رُفَقَائِہِ

گروه وی و در زیر نیز دوی و گردان مایا ترا از مسراہان وی

وَاوْرِدْنَا حَوْضَہُ وَاَسْقِنَا بِکَاسِہِ وَاَنْفَعْنَا

و نرسد و در آرمایا ترا بر حوض وی و بنوشان مایا ترا بجام و دہرہ گردان مایان

بِحَبِیْبِہِ اَللّٰہِ اٰمِیْنٍ وَاَسْأَلُکَ بِاَسْمَائِکَ

بدوستی وی حسیب ای چنین باد و سوال میکنم ترا بوسیلہ نامہا سے تو

الَّتِی دَعَوْتُکَ بِہَا اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ عَلَدَد

کہ خواندم ترا بانہا آنکہ درود فرستہ تو بر محمد بشمار

مَا وَصَفْتُ وِمِمَّا لَا یَعْلَمُہُ اِلَّا اَنْتَ

چیزیکہ وصف کردم انرا و چیزیکہ وصف نکردم از جنس چیزیکہ نمیداند هیچیکہ مگر تو

وَاَنْ تَرْحَمَنِیْ وَتَتَوَبَّ عَلٰی وِعَافِیْہِیْ مِنْ

و آنکہ ببخشی بر من و بپسندی تو بآمرایا و عافیت دہی مرا از

جَمِیْعِ الْبَلَاءِ وَ الْبَلَاءِ وَاَنْ تَغْفِرَ لِیْ وَاَنْ

بہم آفتها و در بنجا و آنکہ بیا مرزی مرا و

لِوَالِدَیْ وَاَنْ تَرْحَمَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِیْنَ

پدر و مادر مرا و رحمت کنی مردان گرویدگان را و زنان گرویدگان را و مردان فرمان برنده شریعت را

وَ الْمُسْلِمَاتِ الْاَحْیَاءِ مِنْہُمْ وَ الْاَمْواتِ وَاَنْ تَغْفِرَ

و زنان فرمان برنده را از زندگان و مردگان و آنکہ بیا مرزی تو

قولہ

البلوای

بہتر بعد الف یعنی رنجها و ضربها کہ

سبب آرزویش بود و شہود بودی

بالف مقصود رضیت چنانچہ

در نسخہ آمدہ

۱۳

قولہ

ان تغفر لی

در بعض نسخہ آمدہ و لوالدی

و ترحم المؤمنین

۱۴

قال الشيخ الامام  
عليه السلام في  
المقاري ان يبيح نفسه  
واباه فلا بد  
ولجميع المسلمين  
فان الدعا ههنا مستحبا  
ان شاء الله تعالى انتهى

قوله فلان بن فلان  
اي بجای فلان بن فلان  
بخوانند باشد نام خود نام پدر  
بجای خود کبریا  
قوله  
الناطح خط کار و جفتارا

عَبْدُكَ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ الْمُذْنِبِ النَّاطِحِ

بنده خود را که فلان بن فلانست گنه کارست خط کار

الضَّعِيفِ وَأَنَّ تَوْبَ عَلَيْهِ إِنَّكَ عَفُورٌ

تا توانی و اگر بپندیری توبه از او بدستیگر تو امر ز کاری

رَحِمَهُ اللَّهُ أَمِينٌ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ قَالَ قَفْ

بخشنده خدا ای پسرین یاد ای پروردگار عالمان گفت نه

رَسُوهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَرَأَ

پیغمبر خدا درود فرستاده خدای بروی و سلام فرستاده کسی که خواند

هَذِهِ الصَّلَاةُ مَرَّةً وَاحِدَةً كَتَبَ اللَّهُ تَوْبَةً

این درود را یکبار می نویسد خدای برای او پاداش

مَجْرِيَةً مَقْبُولَةً وَتَوَابَ مِنْ أَحْسَنِ قَبْرِ مَنْ رَدَّ

جای پذیرفته شده و تواب کسیکه از دود را از فرزندان

اسْمِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَبُولُ اللَّهِ

اسماعیل بروی یاد سلام بین سبکویه حسد

تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا مَلِكُ يَا قُدْرَتُ يَا حَكِيمُ

بر برکت و بزرگترت ای فرشته گان من این بنده است از بنده نام من که

أَلْتَأْصِلُ عَلَيَّ جِبْتِي مُحَمَّدٌ قَوْعِي

بسیار گفته است درود را برد دست من که محمدت بر سوخته عزت من

قف  
على الحديث وابدأ  
من قوله وفي رواية اللهم  
انى اسالك ۱۲



قوله من قراء هذه الصلوة  
كل اول وامله  
انى اسالك بحضرتك العظيم  
قوله  
مرة واحدة في يوم خود

كتبت الدرر بنى محمد  
بمخاضى برادى ۱۲  
اعتنق زنت  
قوله  
بمخاضى برادى ۱۲  
بمخاضى برادى ۱۲

بمخاضى برادى ۱۲  
بمخاضى برادى ۱۲  
بمخاضى برادى ۱۲  
بمخاضى برادى ۱۲  
بمخاضى برادى ۱۲  
بمخاضى برادى ۱۲

قولی

در بعضی نسخه ها آمده است که در روز دوشنبه ۱۱  
در بعضی نسخه ها آمده است که در روز دوشنبه ۱۱  
در بعضی نسخه ها آمده است که در روز دوشنبه ۱۱

در بعضی نسخه ها آمده است که در روز دوشنبه ۱۱  
در بعضی نسخه ها آمده است که در روز دوشنبه ۱۱  
در بعضی نسخه ها آمده است که در روز دوشنبه ۱۱

وَجَلَّالِي وَوَجُودِي وَجَدِي وَارْتِقَاعِي

و به بزرگی من و هستی ذات من و به بزرگی من و برتری من

اَعْطَيْتَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ صَلَاحًا عَلَيَّ حَبِيبِي

بر آن سینه میدهم او را بقابل هر حرفی که در روز ستاد بهشت بران بردوست من که

مُحَمَّدٍ تَصَرَّفَ فِي الْجَنَّةِ وَكَيْفَ تَبَيَّنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

محمد است خاندند در بهشت و بهر آن سینه می آید او نزد من روز قیامت

تَحْتَ لَوَائِي الْحَمْدُ وَفُورٌ وَجْهِي كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ

در زیر علم حسد و جلال که باشد روشنی روی او همچو ماه شب چاه

الْبَدْرِ وَكَفَّهْ فِي كَيْفِ حَبِيبِي مُحَمَّدٍ هَلَا

چهار دور و باشد کف او در کف دوست من که محبت این تو ای پرورد

لِيْنَ قَالَهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ لَهُ هَلَا

هر کسی راست که میگوید آنرا در هر روز جمعه مر آن گوینده را این

الْفَضْلُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَفِي

افزودن و اب است و خدا ای صاحب فضل و بزرگی است و در

رِوَايَةِ اللَّهِ إِنيَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَا حَمَلَ

روایت آمده خدا یا بهر سینه که من سوال میکنم ترا بوسیله چیزی که بر داشته است آنرا

كَرْسِيَّكَ مِنْ عَظَمَتِكَ وَقَدْ رَتِكَ وَجَلَّالِكَ

کرسی تو از بزرگی تو و آثار قدرت تو و بزرگی



و این بشارت است نهایت بر کسی که  
مشیت آن سینه در روز آخرت صلوات  
علیه و آله و سلم در بعضی نسخه ها  
زیادتر است و در بعضی نسخه ها  
قول کرده اند که در روز قیامت  
تا چه که این آیه را در روز قیامت  
و آنکه در حدیث آمده است که هر که  
فهمید و از آن یکبار بگوید آنرا  
از برای شرف آن روز و آنکه  
ان لفظی است از آنکه در کتاب  
در تمام علم کبار  
بخواند

قولی  
و خدا را این در روز قیامت و دیگر  
آیه با این الفاظ  
اللهم انی ایه  
۱۳

بِهَائِكَ وَسُلْطَانِكَ وَبِحَقِّ اسْمِكَ الْخَزُونِ

روشنی تو و پادشاهی تو و لایسید نام تو که پوشیده

الْمَكُونِ الَّذِي سَمَّيْتَهُ بِنَفْسِكَ وَأَنْزَلْتَهُ

و کجا هدایت شده است که نامیده تو بدان ذات خود را و فرزند تاده آزا

فِي كِتَابِكَ وَأَسْتَأْذِنُكَ فِيهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ

در کتاب خود و اختیار کرده تو آزا در علم پنهان

عِنْدَكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ

زود خود اینک درود بفرستی تو بر محمد که بنده است و فرستاده است

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَافَ إِدْحِثَ بِهِ أَجَبَتْ

و سوال میکنم ترا بنام تو آن نامی که چون دعا کرده شوی تو بان نام مستجاب گشته

وَإِذَا سَأَلْتَهُ بِهِ أَعْطَيْتَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

و چون خواسته شد و از تو بان میدهد تو و سوال میکنم ترا بنام تو

الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى الْيَدِ الْيَافِظِ وَعَلَى النَّهَارِ

که گذاشتی او را بر شب پس تا یک شد و بر روز

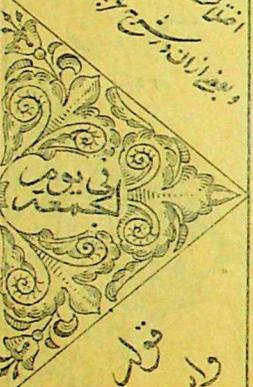
فَأَسْتَنْارَ وَعَلَى السَّمَوَاتِ فَاسْتَقَلَّتْ وَعَلَى

پس روشن شد و بر آسمانها پس بر پاشند و بر

الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَعَلَى الْجِبَالِ فَرَسَتْ

زمین پس مترا یافت و بر کوهها پس استوار شدند

تقوی  
المخزون المکنون  
کجا بر آنست که بر او از آن اسم عظیم است  
پوشیده است در بیان همه اسمها که  
و بنید اند آزا که سبب کمان خاص  
خدا است ایالتی از علم آن و ادوات  
و در عالمی که میجایس پوشیده  
ان اسم که بزرگتر است و در بعضی آن  
اختلاف است چنانچه در اجابت مذکور کردیم  
و بعضی از آن در شرح جزوه در مقام نوشتیم



قول  
و است اعترفت به  
یعنی اختیار کرده تو آزا و خاص  
و یکبار شده تو بان نام ۱۲  
تقوی  
و اذا سألته به  
یعنی چون خواسته شد  
تو بان نام چیز را را اعطیت  
میدهد که تو آن  
۱۲

قولی  
عَلَى السَّحَابِ  
فَامْطَرَتْ  
مَبِيتَ

نیار دساتا تکوینی بیار  
نیار دزمین تا تکوینی بیار  
قولی  
صَلَّى اللَّهُ  
در بعضی نسخ صلوات الله علیه  
یعنی درودهای خدا  
بر او ۱۲



قولی

مَبِيتَ

یعنی پیش از آنکه باشد آسمان  
بر پا کرده شده  
تا زمین  
نمان  
۲

وَعَلَى الصُّعْبَةِ فَذَلَّتْ وَعَلَى مَاءِ السَّمَاءِ

در چرخ سخت پس نرم شد و بر آب آسمان

فَسَكَبَتْ وَعَلَى السَّحَابِ فَامْطَرَتْ وَاسْأَلُكَ

پس بریزید و بر ابر پس باریه و سوال میکنم ترا بآنچه که

بِاسْمِكَ بِهِ مُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

بآنچه که سوال کرد ترا بان محمد که پیغمبر شست و سوال میکنم ترا بآنچه که سوال کرد

بِهِ اِدْمُ نَبِيِّكَ وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِهِ

بآن آدم که پیغمبر شست و سوال میکنم ترا بآنچه که سوال کرد ترا بان

اَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ

پیغمبران تو و فرستادگان تو و فرشتگان تو که نزدیکان درگاه تو اند

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

درود فرستد خدا بر ایشان همه با و سوال میکنم ترا بآنچه که سوال کرد ترا

بِهِ اَهْلُ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ اِنْ تَصَلَّى عَلَيَّ

بآن مسلمان برندگان تو همه ایشان اینک درود بفرستد که بر

مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ مِنْ قَبْلِ

محمد و بر آل محمد بشمار چیزی که پیدا کرده تو پیش از

اَنْ تَكُونَ السَّمَاءُ مَبْنِيَّةً وَالْاَرْضُ مَطْحِيَّةً

آنکه باشد آسمان بر پا کرده شده و زمین کسردوشده و

قله

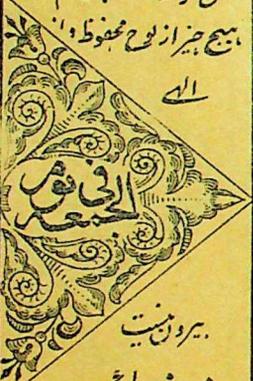
مرسیت

ضمیمه هم در سکون را و کس  
بین استوار یا استوار  
کننده زمین ا

۱۴  
عقد

اللوح المحفوظ

تخته که نگاه داشته شده است  
از تغییر من علقه ازان چیزی که  
تعلق گرفته است بان علم خود  
بیخ چیز از لوح محفوظ و ا



بیردینیت

فائده

در معالم آورده که لوح از یکدست  
هر و از یکدست و درازی  
آن از آسمان نازمین است  
و پهنای او از شرق  
تا مغرب که بنا

او

از با قوت است

و او در کفر فرشته است

بجانب است

عش  
۱۳

وَالْجِبَالُ مَرْسِيَةٌ وَالْعَيْنُ مَنِيْرَةٌ وَالْأَنْهَارُ

و کوههای استوار و چشمهای آب کشنده و جویهای

مَنْوَرَةٌ وَالشَّمْسُ مَخِيْمَةٌ وَالْقَمَرُ مَضِيْبًا

آب ریزان و آفتاب تابان و ماهتاب درخشان

وَالكِرَابِكُ مَنِيْرَةٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ

و ستارگان منوروزان خدا یا درود بفرست بر محمد و

عَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ عِلْمِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ

بر آل محمد بشمار علم خود و درود بفرست بر محمد و

عَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ بَارِيْ خُودِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ

بر آل محمد بشمار پر دباری خود و درود بفرست بر محمد و

عَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا اَحْصَاهُ اللّٰهُ وَالْمَحْفُوْظُ

بر آل محمد بشمار چیزی که شمرده است آنرا لوح محفوظ

مِنْ عِلْمِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ

از علم تو خدا یا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد

عَدَدَ مَا جَرَىٰ بِهٖ الْقَلَمُ فِيْ اَمْرِ الْكِتَابِ

بشمار چیزی که روان شد بان قلم در لوح محفوظ

عِنْدَكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ مِّثْلًا

نزد تو و درود بفرست بر محمد و بر آل محمد مانند آنچه برای

۱۲  
کتابت  
نسخه این است  
باجری و قلم  
قوله

قول

صفوة الملكة

یعنی صفهای فرشتگان یا اهل آن  
صفها و تسبیح و ثنای بی بی

یعنی سبحان گفته

و تقدیر هم

نشانه گفتن

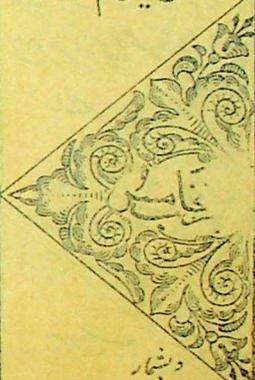
از بی

سبحان الملك لقدوس

یعنی یا کی یا کیس که با او شایسته که

پاک از هر نقص

و تحمید هم



بشارت

الحمد لله گفتن و تحمید هم

و بشارت شاکفتن ایشان بزرگ

خدا و تکبیر هم و بشارت

اسد اکبر گفتن بشارت

و تقلیل هم

و بشارت

لا اله الا الله

گفتن این

قول

من یوم

دریم فتحه و کسره در تنوین و با تنوین هر سه رود است ۱۲

سَمَوَاتِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ مِلًّا

آسمانهای خود و درود بفرست بر محمد و بر آل محمد باندازه پری

أَرْضِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ مِلًّا

زمین و درود بفرست بر محمد و بر آل محمد باندازه پری

مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ يَوْمٍ خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى

چیزیکه تو پیدا کننده آنرا از روزیکه پیدا کرده تو دنیا را تا

يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ

روز قیامت خدا یا درود بفرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ عَدَدَ صُفُوفِ الْمَلَائِكَةِ وَتَسْبِيحِهِمْ وَ

محمد بشارت صفهای فرشتگان و تسبیح ایشان و

تَقْدِيرِهِمْ وَتَحْمِيدِهِمْ وَتَكْبِيرِهِمْ

تقدیر ایشان و تحمید ایشان و ثنا گفتن ایشان و تکبیر ایشان

وَقَلِيلِهِمْ مِنْ يَوْمٍ خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى

و تقلیل ایشان از روزیکه پیدا کرده تو دنیا را تا

يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى

روز قیامت خدا یا درود بفرست بر محمد و بر

آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ السَّحَابِ الْجَارِيَةِ وَالرِّيَّاحِ

آل محمد بشارت ابر ۴۷ دهنده و بادهای

دریم فتحه و کسره در تنوین و با تنوین هر سه رود است ۱۲

اللّٰهُ اَرِيْتَهُ مِنْ يَوْمٍ مَخَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلَى يَوْمٍ

برآکنده کنده از روزیکه پدیدآوده تو دنیا را تا روز

الْقِيَامَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ

ایات خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ عَدَدَ كُلِّ قَطْرَةٍ تَقَطَّرُ مِنْ سَمَوَاتِكَ

محمد بشمار هر قطره که میسزد از آسمانهای تو

اِلَى الْاَرْضِ وَمَا تَقَطَّرُ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

به سوی زمین تو و آنچه خواهد ریزد تا روز قیامت

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ

خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار

مَا هَبَّتِ الرِّياحُ وَعَدَدَ مَا تَحْرِكُ لَا شَجَارًا

در زمین باد با همه و بشمار جنبیدن همه درختان همه

وَالْاَوْرَاقُ وَالزَّرْعُ وَجَمِيعُ مَا خَلَقْتَ فِي قَرَارٍ

و بر کف و کنت زار را و همه آنچه پیدا کرده تو در قرارگاه

لِلْفِطْرِ مِنْ يَوْمٍ مَخَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

نکاه داشت از روزیکه پدیدآوده تو دنیا را تا روز قیامت

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ

خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار

قولی که  
تقطیر میسزد در زمان حال و در بعضی  
نحوه آمده قطرات یعنی زینبت زمان  
که نشسته  
قولی که  
صاهبت در بعضی نسخه  
الروح آمده است یعنی بنابر چیزی که  
زینبت بر آن باد با همه  
قولی که  
نفسم عین  
۱۲



قولی که  
جسیت  
بکبر عین  
۱۲  
قولی که  
فکر الحفظ  
قرارگاه مکان نگاه داشت  
۱۲  
نفسم عین  
۱۲

قوله

المطر يفتح سيم  
وطا ۱۲

الْقَطْرِ وَالْمَطَرِ وَالنَّبَاتِ مِنْ يَوْمٍ خَلَقْتَ

قطره و باران در ستیها از روزیکه پیدا کرده تو

قوله

انت خالقه  
و در بعضی نسخه آمده  
فیها بعد  
خالقه  
۱۳

الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

دنیا تا روز قیامت خدا یا درود بفرست بر محمد

وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ النُّجُومِ فِي السَّمَاءِ مِنْ يَوْمٍ

در آل محمد بشمار ستارگان در آسمان از روزیکه

خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ

پیدا کرده تو دنیا تا روز قیامت خدا یا درود بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ فِي

بر محمد و بر آل محمد بشمار چیزیکه پیدا کرده تو در

بِحَارِكِ السَّبْعَةِ مَا لَا يَعْلَمُ عَلَيْهِ إِلَّا أَنْتَ

بصفت دریاها خود از جنس چیزیکه نمیدانند و فراز سیدیت آن در دنیا هیچکس کمتر تو

وَمَا أَنْتَ خَالِقُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ

و آنچه که تو پیدا کرده تا روز قیامت خدا یا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ الرَّمْلِ

درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشماره ریک

وَالْحَصَى فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا

و سنگریزه ها که بوده است آن در جانب بیهای بر آفتاب از زمین و فرودش آن اللهم



قوله

ومغار بیهای جانب  
جایهای فرودش آفتاب  
ازان  
زمین  
۱۴

قول

الفاظهم

یعنی بشمار سخنان ایشان خواه

سفر باشند و خواه

مرکب منی باشند

یا بیغنی

۱۲

قول

طیران الجن بیغنی

بشمار پریدن پریا

در هوا

۱۳



النبی یوم

قول

یعنی بشمار چو نکان زمین

چنانچه بار و سوز و کرم

و مانند آن

۱۴

قول

الوحوش

یعنی اول و دوم

۱۵

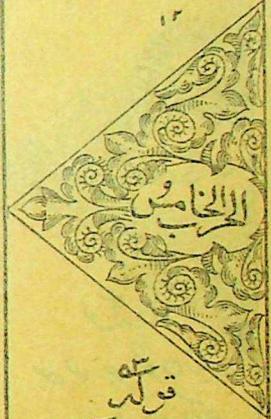
|  |
|--|
| اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا                |
| خدا یا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار چیزیکه                              |
| خَلَقْتَ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَمَا أَنْتَ خَالِقُهُ                        |
| پیدا کرده تو از جن و انسان و چیزیکه تو پیدا کننده آن                             |
| إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ |
| تا روز قیامت خدا یا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد                              |
| عَدَدَ أَنْفُسِهِمْ وَالْفَاطِمِ وَالْحَاطِمِ مِنْ                               |
| بشمار و معنای ایشان و الفاظ ایشان و کسرستنیهای ایشان از                          |
| يَوْمٍ خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ                  |
| روزیکه پیدا کرده تو دنیا را تا روز قیامت خدا یا                                  |
| صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ طَيْرِ الْجِنِّ               |
| درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار پریدن جن                                   |
| و الْمَلَائِكَةِ مِنْ يَوْمٍ خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ                    |
| در استکان از روزیکه پیدا کرده تو دنیا را تا روز                                  |
| الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ              |
| قیامت خدا یا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد                                     |
| عَدَدَ الطُّيُورِ وَالْهُوَامِ وَعَدَدَ الْوُحُوشِ                               |
| بشمار پرندگان و پشهها و بشمار جانواران رهنده صحرائ                               |

قول  
والاتهام

بفتح و مد و همزه و نیز  
بکسر همزه  
۱۲

قول

فی مشارق  
یعنی در حالتی که بوده اند  
اینهمه زکوة در  
زمین راه  
۱۳



قول

علاء الاحياء  
یعنی بشارت زندگان از  
بر جاندار  
۱۴

قول

میشی علی جلیین  
چنانچه آدمیان در پند  
جون بر زمین  
روند  
۱۵

وَالْاَكَاْمِي فِي مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَمَغَارِبِهَا

در بستیما و بلند بیازین در زمین جانها بر آمدن آفتاب و جانب جاها فرد رفتن آن سه

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ الْاَحْيَاءِ

خدا یا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشارت زندگان

وَالْمَوْتِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ

و مردگان خدا یا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشارت

مَا ظَلَمَ عَلَيْهِ اَيُّدٍ وَمَا شَرَّقَ عَلَيْهِ النَّهَارُ

چیزی که تاریک بر او شب و چیزی که روشن شده است بر او روز

مِنْ يَوْمٍ خَلَقْتَ الدُّنْيَا اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ

از روزیکه پیدا کرده تو دنیا را تا روز قیامت خدا یا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ شِئْتَ

درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشارت کسی که میسرود بر

رَجُلَيْنِ وَمَنْ شِئْتَ عَلَى اَبْنِ مَرْيَمَ خَلَقْتَ الدُّنْيَا

دو پاسه و کسی که میسرود بر چهار پاسه از روزیکه پیدا کرده تو دنیا را

اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

تا روز قیامت خدا یا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد

عَدَدَ مَنْ صَلَّاهُ عَلَيْهِ مِنَ الْجِنِّ وَالانْسِ وَالْمَلَائِكَةِ

بشارت کسی که درود فرستاده بروی از جن و انس و فرشتگان من

مِنْ يَوْمٍ خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ

از روزیکه پدید آورده تو دنیا را تا روز قیامت خدایا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ لَمْ يَصَلِّ

درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بنمار کسی که درود نفرستاده است

عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ مَا

بروی خدا ای درود بفرست بر محمد و بر آل محمد چنانچه

يَحِبُّ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و چنانچه تو دوست داری درود فرستاده شود بر او خدایا درود بفرست بر محمد

وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا يُبَغِي أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ

و بر آل محمد چنانچه دوست داری ای که درود فرستاده شود بر او خدا ای درود بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى لَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنْ

بر محمد و بر آل محمد تا اینکه باقی نماند چیزی از

الصَّلَاةِ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي

درود بر او خدایا درود بفرست بر محمد در

الْأَوَّلِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ اللَّهُمَّ

بیت‌نشان درود بفرست بر محمد در پیشینان خدایا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَأِ الْأَعْلَى إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

درود بفرست بر محمد در کرده بند تا روز قیامت

اللَّهُمَّ  
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ  
عَدَدَ مَنْ  
لَمْ يَصَلِّ  
عَلَيْهِ



قوله  
محمد  
کبیر  
۱۲

قوله  
مَا سَأَلَ اللَّهُ لِقُوَّةِ  
الْأَبِ لِلَّهِ الْعَلِيِّ  
الْعَظِيمِ

حدیث آمده که داده نورد  
اورا خیر و خوب در راهل و مال او  
بس بگوید نزد آن مانشا و الله لا  
حول ولا قوَّة الا بالله العلی العظیم  
نه بنید در آن چیز که ما خوانند  
اورا

شرح در جرب ششم



قوله

عظمت انه  
د اینجی هسره را که بعد از نبوت  
باف بدل کند برای نفوت  
لفظ آینه  
قوله

برهان

یعنی هر که دران دلیل نبوت  
ادرا در همه خلاق معلوم  
کردد ملبس گمته ادرا

مَا سَأَلَ اللَّهُ لِقُوَّةِ الْأَبِ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

آنچه خواهد خدا میشود نیت تو انانی محکس را که تو فین خدا ای که برتر و بزرگتر

الْحَرْبِ السَّارِ فِي يَوْمِ السَّبْتِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَاعْطِهِ

خدا ای درود بفرست بر محمد در آن عمر دیده ادرا

الْوَسِيلَةَ وَالْفِضِيلَةَ وَالذَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ

وسیله و بزرگی و پایی بلند

وَأَجْعَلْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ إِنَّكَ

در بر انکیز ادرا در مقام محمود که سعه دعه کرده تو ادرا بر سینه تو

لَا خَلِيفَ لِمَعَادِ اللَّهِ عِظَمُ شَأْنِهِ وَبَيْنَ

خلاف سینه و عده را خدا ای بزرگی کردن مرتبه ادرا و ظاهرا کردن

بِرُحْمَانِهِ وَأَيْلِ حُجَّتِهِ وَبَيْنَ فَضِيلَتِهِ وَتَقَبُّلِ

دلیل ادرا در روشن کردن دلیل ادرا و ظاهرا کردن بزرگی ادرا و قبول کن

شَفَاعَتِهِ فِي أُمَّتِهِ وَاسْتَعْمَلْنَا بِسُنَّتِهِ

سفارش ادرا در حق امت او و کردن مایا از او که کندگان بطریقه دی

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَيَا رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ

ای پروردگار عالیاں درای پروردگار عرش که بزرگی خدا ای یارب

قوله  
است در صورت و ساکن  
بسته  
زن برنای مجتهد  
بسته کار که بین است  
۱۲

يَا رَبِّ احْسُرْ فِي زُرَّتِي وَتَحْتَ لِوَائِي وَ

ای پروردگار من بخشود گردان مایه را در که ده ای و در زیر لوی ای او

اسْقِنَا بِكَاسِيهِ وَانْفَعْنَا بِحَبَّتِهِ امِين

بخش ن مایه را کاس او و نفع ده مایه را بدوستی او چنین باد

يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ يَا رَبِّ بَلِّغْهُ عَنَّا

ای پروردگار عالمان خدا ای ای پروردگار من برسان او را از مایان

أَفْضَلِ السَّلَامِ وَاجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلُ مَا جَازَيْتَ

بهترین سلام و یاد آتش ده او را از مایان بزرگترین چیز که یاد آتش اده تو

بِهِ النَّبِيِّ عَنِ امْتِهِ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ يَا رَبِّ

بر آن پیغمبری از امت او ای پروردگار عالمان خدایای پروردگار من

إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي وَتَتُوبَ

بدرسته که من سوال میکنم ترا آنکه بیامرزی تو مرا و رحم کنی تو مرا و پندری تو توبه

عَلَيَّ وَتُعَافِيَنِي مِنْ جَمِيعِ الْبَلَاءِ وَالْبَلَوَاءِ

بر من و نهداری مرا از همه آفتها و طرهای

الْخَارِجِ مِنَ الْأَرْضِ وَالنَّازِلِ مِنَ السَّمَاءِ إِنَّكَ

که برانیده هست از زمین و فرود آید اند از آسمان بر ستم که تو

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَرَبُّ رَحْمَتِكَ وَأَنْ تَغْفِرَ لِلْمُؤْمِنِينَ

بر هر چیزی توانای بسبب بخشایش خود و آنکه بیامرزی مؤمنان را

قوله

واجبه

بیان جزای پیغمبران علیهم السلام  
از است در حسنه دوم  
مذکور شد

۱۲

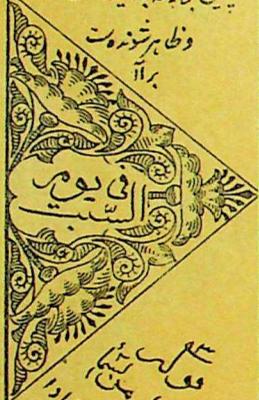
قوله

الخارج من الارض مني

چنین بلا که برانیده است از او

و نظیر شوم است

۱۱



قوله

والنَّازِلِ مِنَ السَّمَاءِ  
چنانچه باران سخت و آفتها را  
و آتش برق و غیر  
آن ۱۲

قوله

رَبِّ رَحْمَتِكَ  
بسه در بخشایش تو  
خود را ۱۲

قوله

لِلْمُؤْمِنِينَ  
بر آن که ایمان  
۱۲

روز و پنجشنبه  
 قولش  
 باحسان یعنی با بیان

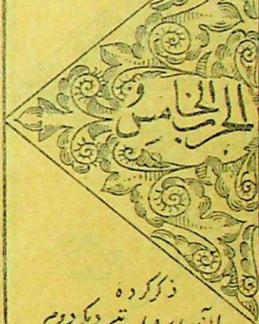
مصابیح الدین  
 کرده اند از آن در طبرستان

و عن التابعین یعنی شیخ و ابوبکر  
 از آن که دیده اند از ارباب و کاتبان

فوقه همزه بیست  
 یعنی نادان هوسا نه در حق و در حقیر  
 قولش

طاعت ۱۲  
 قولش  
 یوم الدین  
 یعنی زقیقت ۱۲  
 قولش

والحمد لله رب العالمین  
 یعنی ستایش مرخدا یست که پروردگار  
 عالیاست بر آنکه تو حق داد مایان  
 نظر ستاد در و بر بنی خود  
 صلی الله علیه و آله وسلم  
 و این آخرا در رد  
 است که



ذکر کرده  
 آن را بر دایره یک دوم  
 و اول آن این است  
 اللهم انی اسئلك بحق  
 ما حمل کرسیک

تمام شد خط دوم  
 بتوفیق پروردگار بزرگوار

قولش  
 رب الارواح  
 در سطح اسرار آورده که تعلیم  
 آنحضرت صلی الله علیه و آله سلم صحابه  
 و ائمه و اولاد آنرا با نمودند این دعا را  
 بیکدیگر عاقلند پس سیه این دعوات  
 دنیا ۱۲

وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ

و مؤمنات را و مسلمانان و مسلمات را زندگان

مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَرَضِيَ اللَّهُ عَنْ أَزْوَاجِهِ

از ایشان و مردگان را و خشنود باد خدای از زنان او

الطَّاهِرَاتِ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَرَضِيَ اللَّهُ

که پاکند مادران مؤمنان و خشنود باد خدای

عَنْ أَصْحَابِهِ الْأَعْلَاءِ أُمَّةِ الْهُدَى وَمَصَابِيحِ

از یاران او که بزرگ اند پیشوایان رهبر و ستارگان

الدُّنْيَا وَعَنِ التَّابِعِينَ وَقَابِعِ التَّابِعِينَ لَهُمْ

دنیای از پیروی کنندگان و پیروی کنندگان پیروی کنندگان هرگز  
 بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

پس بگویم تا روز پاداش دستایش مرخدا یست که پروردگار عالم است

هَذَا تَبْدَأُ التَّلَاثِيَّةُ

اللَّهُمَّ رَبَّ الْأَرْوَاحِ وَالْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ

خدایا پروردگار جان و تنهای کهنه شده

اسْأَلُكَ بِطَاعَةِ الْأَرْوَاحِ الرَّاجِعَةِ إِلَى

سوال میکنم تو را بوسیله فرمان بردن تو جانها باز گردنده بسوی

اجها

قولش  
 البالیة کهنه زندگان  
 در کتب ۱۲

تو که بگوئی یا بر کسی خورشید  
پراکنده بودن آن که در آنجا خورشید  
یعنی بر آن است بر آنجا خورشید  
فصلی است که در آنجا خورشید  
حق را از اهل قولین بیخون  
و امیدوارند بخشش ترا با که یا مری  
کسی بان این ترا و آرزوی در سبخت  
مسال لیکاه حق که است  
شناخت قدرت خود را قولی بصیری  
روید من آدر نسخه مصنوعات تو نظر عبت  
پرستیم و بیرون آفرینش که با کون قدرت  
بچون و بنویسد تو عاوس نما میست  
همه نقش این کسبند بر نگار که است  
بر صبح پروردگار را بس چوین حق تعالی  
بندهکان را بنور معرفت خود روشن کرد  
از کوی غفایت و جلالت را بر سر اند  
بگذرد وقت حاجت شرح کجا اوقات  
بنا بر شرف و بیادوستی است با افکار عمل

# اَجْسَادُهَا وَبِطَاعَةِ الْاَجْسَادِ الْمُتَمِّمَةِ

تنها خود در جسمان بر دن تنهای هم آئینده و معنای تونده

وَعَرُوقَهَا وَبِكَلِمَتِكَ النَّاقِدَةِ فِيهِمْ وَاخْتِذَكَ

بارگها سے خود و سخنن تو که جاری شونده اند در این معنای دیگر استنق تو

لِلْحَقِّ مِنْهُمْ وَالْحَاكِمِ بَيْنَ يَدَيْكَ يَنْظُرُونَ

حق را از ایشان و حالانکه باشند همه آینه بد کن پیش تو در حالیکه استظاری بر نه

فَصَلِّ مَضَائِكَ وَبِرَجُونِ رَحْمَتِكَ وَتَجَافُونَ

جدا کنند حکم ترا ای امید دارند بخشش ترا ای ترسند

عِقَابِكَ اَنْ تَجْعَلَ لِنُورِي بِصِرِّي وَذِكْرَكَ

عقوبت ترا آنکه گردانی تو روشن سازد در دیده من و یاد کردن تو را

بِالْيَدِ وَاللَّيْلِ عَلَيَّ السَّانِي وَمَعْلَا حِلْمِي فَانْتَرِحِي

شب در روز بر زبان من و کردار غایب است بس روزی کن مرا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى اِبْرَاهِيمَ وَ

خدایا درود بفرست بر محمد چنانچه درود فرستاده تو بر ابراهیم و

بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى اِبْرَاهِيمَ اللَّهُمَّ

برکت ده بر محمد چنانچه برکت دادی تو بر ابراهیم خدایا

اجْعَلْ صَلَواتِكَ وَبَرَكاتِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى اٰلِ

کردان درودهای خود را و بر کنتای خود را بر محمد و بر آل

در دیده من آدر نسخه مصنوعات تو نظر عبت  
پرستیم و بیرون آفرینش که با کون قدرت  
بچون و بنویسد تو عاوس نما میست  
همه نقش این کسبند بر نگار که است  
بر صبح پروردگار را بس چوین حق تعالی  
بندهکان را بنور معرفت خود روشن کرد  
از کوی غفایت و جلالت را بر سر اند  
بگذرد وقت حاجت شرح کجا اوقات  
بنا بر شرف و بیادوستی است با افکار عمل  
لسانی خانه در مشکوه آورده که کسب  
از دنیا و دهری در دنیا که زبان تو بود از دنیا  
یعنی عیب در ذکر باغی از تو بود از دنیا  
انت که مراد از بیخ ذکر زبان یاد ذکر دلست  
بگذرد ای غافل از ذکر این دوان تپه یاد ذکر  
در حقیقت منتهی ذکر ای که بداند چون خورشید  
نور ما در دوان تپه از کار ای که بداند چون خورشید  
فاز رفتی دقیقه دقیقه  
در هر ملاقاتی آورده که کسب  
بیمت صلا و عود که در هر ملاقاتی  
و اختیار تو در دوان تپه  
بیمت از خلق و بیخون است  
بیمت از هر بر آفرینم از سوی تو که در  
روزی از هر بر آفرینم از سوی تو که در  
چشم از هر بر آفرینم از سوی تو که در

کسی که مطالعه  
این کتاب را اول تا آخر دارد  
معلوم می نماید این الفاظ که  
در بالا مذکور شده  
و تحقیق معنی آن  
کتاب نوشته  
۱۳

مُحَمَّدٍ كَمَا جَعَلْتَهَا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ

محمد چنانچه گردانیدی تو او را برابر ابراهیم و بر آل ابراهیم

إِنَّكَ حَمِيدٌ مُّجِيدٌ وَبَارِكُكَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِ

پدر سیتکه تو ستوده شده بزکوری و برکت ده بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ

محمد چنانچه برکت داده تو بر ابراهیم و بر آل ابراهیم

إِنَّكَ حَمِيدٌ مُّجِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

پدر سیتکه تو ستوده شده بزکوری سنمایا درود بفرست بر محمد

عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَصَلِّ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ

کرسنده ت و پیغمبرت و درود بفرست بر مومنان

وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ اللَّهُمَّ

و مومنان و مسلمانان و مسلمات خدایا

صَلِّ عَلَىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِهِ عَدَمًا حَقًّا

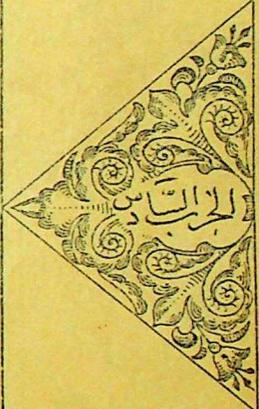
درود بفرست بر سردار مایان محمد و بر آل او بنهار جز که فرارسیده است

بِهِ عِلْمُكَ وَأَحْصَاهُ كِتَابُكَ وَشَرِّهْ تَيْدِ مَمْلِكَتِكَ

با و علم تو داحصا کرده آنرا کتاب تو و گواهی داد باد فرسخان تو

صَلَاةً دَائِمَةً تَدْوُمُ بِدَائِمِ مَلِكِ اللَّهِ اللَّهُمَّ

درودیک همیشه باشد همیشه ملک خدا خدایا ای



إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْعِظَامِ مَا عَلِمْتَ مِنْهَا

برستیگر من سوال میکنم ترا بوسیله نامهای تو که بزرگند آنچه دانسته ام من از آنها

وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي سَمَّيْتَ بِهَا

و آنچه ندانستم من و بیه نامهای که نامیده تو بآن

فَنَفْسِكَ مَا عَلِمْتَ مِنْهَا وَكَلِمَةً أَعْلَمُ أَنْ تُصَلِّيَ

ذات خود را آنچه دانسته ام از آنها و آنچه ندانسته ام من اینکه درود فرستی تو

عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَبِّكَ وَمُرْسُوكَ

بر سرور ما یان محمد که بنده است و پیغمبر است و فرستاده شده است

عَدَدَ مَا خَلَقْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَكُونَ السَّمَاءُ مَبْنِيَّةً

بشمار آنچه پدید آورده تو پیش از آنکه باشد آسمان بر پا کرده شده

وَالْأَرْضُ مَرْمَدٌ حَيَّةٌ وَالْجِبَالُ مَرْسِيَةٌ وَالْعِيُونُ

در زمین گسترده شده و کوهها استوار کرده شده و چشمهای آب

مُسْتَبْرَةٌ وَالْأَنْفَارُ مَهْمِرَةٌ وَالشَّمْسُ مُشْرِقَةٌ

روان و جویهای آب ریزان و آفتاب روشن در تابان

وَالْقَمَرُ مُضِيئًا وَالْكَوَاكِبُ مُسْتَبِيرَةٌ وَالْبَحَارُ

و ماهتاب فرزندان دستارگان فرزندان و دریاها

مُجْرِيَةٌ وَالْأَشْجَارُ مُثْمِرَةٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بیزرونده و درختهای بار دار خدا یا درود بفرست بر محمد

تو

مشترقه

نهمین کسر را ۱۲

تو

هشتمین کسر را

یعنی تیر کسره باروان کند و چیزی را که در آنست و در بعضی نسخ آمده



هجرت پنجم

و فتح را و بعد ان الف

یعنی روان گرداننده و این

ظاهر است چنانچه در

نیم که شسته ۱۲

قول

عَلَيْهِ جُودُكَ  
یعنی بشار آنها که رسیده است

بآنها بخشش

تو

قول

اَرْضِكَ

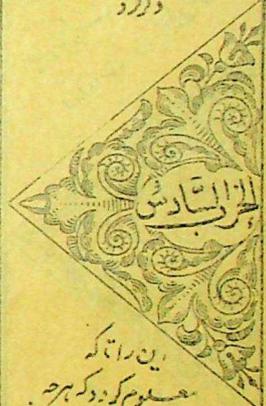
ظاہرست که آسمان بهجت اندرین  
تیرت نیست آنه و این عدد اگر چه

قابل است و در طلب

درویدی بسیار

باشد و لیکن

ذکر کرد



الاستاد

این را تا که

معلوم کرد که هر چه

از زمین معدود است آنکه باشد

یا بسیار در طلب بود

فرد کند گشته

و یا آنکه

مرد

اجزاء آسمانها و زمینها باشد

عَلَيْكَ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ حَبْلِكَ وَ

بشار علم خود و درود بفرست بر محمد بشار بر ۶۶ باری خود و

صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ كَلِمَاتِكَ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ

درود بفرست بر محمد بشار بخوان خود و درود بفرست بر محمد

عَدَدَ نِعْمَتِكَ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ فَضْلِكَ

بشار نعمت خود و درود بفرست بر محمد بشار افزون کم خود

وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ جُودِكَ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ

درود بفرست بر محمد بشار بخشش خود و درود بفرست بر محمد

عَدَدَ سَمَوَاتِكَ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ أَرْضِكَ

بشار آسمانهای خود و درود بفرست بر محمد بشار زمین خود

وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ فِي سَبْعِ

درود بفرست بر محمد بشار چیزی که پیدا کرده تو در هفت

سَمَوَاتِكَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

آسمانهای خود از فرشتگان خود و درود بفرست بر محمد بشار

مَا خَلَقْتَ أَرْضِكَ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَغَيْرِهِمَا

آنچه که پیدا کرده تو در زمین خود از جن و انسان و جز آنها

مِنَ الْوَحْشِ وَالطَّيْرِ وَغَيْرِهِمَا وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ

از جانوران رزمندگان و پرندگان و جز آنها و درود بفرست بر محمد

عَدَد مَا جَرَى بِهِ الْقَدَرُ فِي عِلْمِ غَيْبِكَ وَمَا جَرَى

بنهار چیز که روان شد آن تسلیم در علم نهان تو و چنانکه در آن خواهد شد

بِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ الْقَطْرِ

آن تا روز قیامت و درود بفرست بر محمد بنهار قطره

وَالْمَطَرِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ يَجِدُكَ وَيَشْكُرُكَ

و بارانها و درود بفرست بر محمد بنهار کسی که یکتای ستاینده ترا و سپاس گذاری میکند ترا

وَهَيْلِكَ وَجِدِّكَ وَشَيْهَدُ أَفْكَ أَنْتَ اللَّهُ وَ

دانات و عدانیت تو میکند و به بزرگی یاد میکند ترا و گواهی میدهند آنکه محقق تو خداوندی و

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا حَصَلَتْ عَلَيْهَا أَنْتَ وَ

درود بفرست بر محمد بنهار آنچه که درود فرستاده تو بود تو و

مَلَائِكَتِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ لَمْ يَصِلْ عَلَيْهِ

فرشتگان تو و درود بفرست بر محمد بنهار کسی که درود فرستاده است بر وی

مِنْ خَلْقِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَنْ لَمْ يَصِلْ عَلَيْهِ

از آفریدگان و درود بفرست بر محمد بنهار کسی که درود فرستاده است بر وی

مِنْ خَلْقِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ الْجِبَالِ

از آنسوی که درود بفرست بر محمد بنهار کوهها

وَالرِّمَالِ وَالْحَصَى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ الشَّجَرِ

در یکجا و سنگریزه و درود بفرست بر محمد بنهار هر درختی

له  
قولی

بِحمدك

یعنی می ستاینده ترا

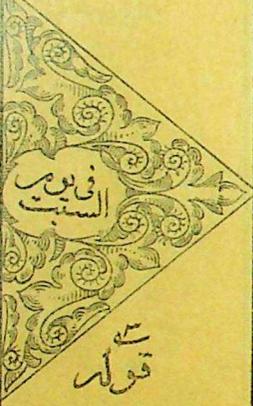
به بزرگی

۱۲  
قولی

ویشكر لك

دسپاس گذاری می کنند

ترا به نعمتها ۱۲



له  
قولی

وهيملك اثبات

و عدانیت می کنند ترا

کفایت کالاه

الا الله

۱۳

قولی

الرمال

کبکیرا

۱۲

قوله  
مطر

بغمتا و کس ط و نیز بفتح

و ضم ط ۱۲

قوله

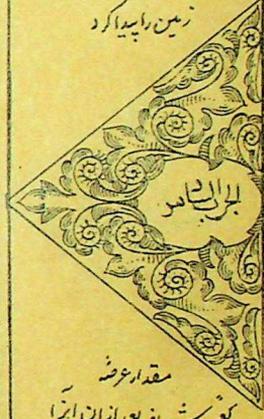
المحلات رام

شده کن بکلمه استعالی

قوله

وجوفها

یعنی آن باد که رام شده اند در میان  
آن زمین و شایه که مراد ازین کلمه شریف  
و آنچه که نزد یکت بوی از زمین چشم  
زیرا که اول حق تعالی که  
زمین را پیدا کرد



وَأَوْدَاقِهَا وَالْمَدْرَاقَاتِ لَهَا وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 در کهای آن و کورخ و بارهای گران در در بفرست بر محمد

عَدَدَ كُلِّ سَنَةٍ وَمَا خَلَقَ فِيهَا وَمَا يَمُوتُ فِيهَا  
 بشمار هر ساله و آنچه که پیدا میکند تو در آن و آنچه که میرد در آن

وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خَلَقَ كُلَّ يَوْمٍ وَمَا يَمُوتُ  
 در در بفرست بر محمد بشمار آنچه که پیدا کرده تو هر روز و آنچه که میرد

فِيهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 در آن تا روز قیامت خدا یا در در بفرست بر محمد

عَدَدَ السَّحَابِ الْجَارِيَةِ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ  
 بشمار آنچه که در آسمان و زمین

الْأَرْضِ وَمَا تَمْطُرُ مِنَ الْمَاءِ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 زمین و آنچه که می بارد از آسمان و در در بفرست بر محمد

عَدَدَ الرِّيحِ الْمُسْحَرَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ  
 بشمار بادهای رام شده گان در زمین جانب بر آمدن آفتاب و

مَغَارِبِهَا وَجَوْفِهَا وَقِبْلَتِهَا وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 جانب فرود رفتن آن در میان آن و جانب قبله آن و در در بفرست بر محمد

عَدَدَ جُجُومِ السَّمَاءِ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خَلَقَتْ  
 بشمار ستارگان آسمان و در در بفرست بر محمد بشمار آنچه که پیدا کرده تو فی

البر الشکر

مقدار عرشه

کعبه شریف بعد از آن از آن  
به جانب کعبه فراخ نموده چنانچه  
در جوب اول در در در

در میان آن

که منتهی ۱۲

قوله

قبلتها

و آن جانب کعبه است بفتح  
از هر مکانی که اختیار  
کرد شود  
۱۲

قولی  
غیر ذلک  
یعنی از سر در بر جان و نشان

قولی  
نعمتک

نعمت های خود  
نعمت های خود که انعام کرده بود  
و بر کترین همه نعمت های او محبت  
عزیز افضل الخیر بر او محبت  
در این که همه نعمت های او محبت

نعمت  
خواهد داشت  
نعمت  
نعمت است از خدا که بقیان  
نعمت است از این نعمت است نفس این  
نعمت است  
نعمت است  
نعمت است  
نعمت است

فِي جَارِكٍ مِنَ الْجَنَانِ وَالذَّوَابِّ وَالْمِيَاهِ

در دره های خود از ماهیان و چهار پایان و دواب

وَالرِّمَالِ وَغَيْرِ ذَلِكْ وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَدَدَ

در کجا و خزان و درود بفرست بر محمد بنهار

النَّبَاتِ وَالْحَصَى وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَدَدَ الْعُزْلِ

راستیها و سنگریزا و درود بفرست بر محمد بنهار و درجه

وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَدَدَ الْمِيَاهِ الْعَذْبَةِ وَصَلِّ عَلَيَّ

درود بفرست بر محمد بنهار آب های شیرین و درود بفرست بر

مُحَمَّدٍ عَدَدَ الْمِيَاهِ الْحَمَةِ وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَدَدَ

محمد بنهار آب های شور و درود بفرست بر محمد بنهار

نِعْمَتِكَ عَلَيَّ بِمِجْمَعِ خَلْقِكَ وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

نعمت های تو بر همه آسمانها و درود بفرست بر محمد

عَدَدَ نِعْمَتِكَ وَعَدَايِكَ عَلَيَّ مَنْ كَفَرَ بِمُحَمَّدٍ

بنهار عقوبت تو و عذاب تو بر کس که انکار کرد محمد

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَدَدَ

درود فرست خدای بروی و سلام و درود بفرست بر محمد بنهار

مَا دَامَتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَدَدَ

اجزای همیشه مدت دنیا و آخرت و درود بفرست بر محمد بنهار



گفتم بحمد یعنی الحاکم کرد  
و کبر و بوی صلا الله علیه و آله و سلم  
و شک نیست که نعمت های جاودا و ابدی  
بناست بر دوستان آن حضرت صلوات  
الله علیه و آله و سلم بسیارند و همچنین  
نی شمارند درویشان بر دشمنان وی  
دوستان در حقیقت و دشمنان در حق  
دشمنان در حقیقت و دشمنان در حق  
دشمنان در حقیقت و دشمنان در حق

قول

الابدین

بدین

قول

المقرب عندك

یعنی از روی مرتبه و مثل این

در حسب سوام نیز

که گفته

قول مولای

بفتح یا

مَا دَامَتِ الْخَلَائِقُ فِي الْجَنَّةِ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

دقیقه که باشد آفریدگان تو در بهشت درود بفرست بر محمد بشمار

مَا دَامَتِ الْخَلَائِقُ فِي النَّارِ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَدَدَ

همینکه بدون آفریدگان تو در دوزخ درود بفرست بر محمد با اندازه

مَا حَبَبُهُ وَقَرَضَاهُ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَلَى قَدَرِ مَا

دوست داشتی تو بخشود بدون توبی و درود بفرست بر محمد با اندازه سه

حُبِّكَ وَيَرْضَاكَ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ أَبَدًا أَبَدِينَ وَ

دوست داشتنی تو مرزا بخشود بدون وی تو درود بفرست بر محمد همیشه همیشه

أَفْزَلُهُ الْمَنْزِلَ الْمُقَرَّبَ عِنْدَكَ وَأَعْطَاهِ الْوَسِيلَةَ

خود آرد از خود آرد آن که نزدیک ده شده است نزد تو و بده او را وسیله

وَالْفِضِيلَةَ وَالشَّفَاعَةَ وَالذَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَالْمَقَامَ

در بزرگی و مرتبه شفاعت و پایه بلند و مقام

الْحَمْدَ الَّذِي وَعَدْتَهُ إِنَّكَ لَا تَخْفَى مِيعَادَ

ستوده شده که وعده کرده تو او را بدرستی که تو خفا نمیکنی وعده

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَالِكِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ

خدا یا بدرستی که من سوال میکنم تو سیدم اگر تحقیق تو خداوندی هستی و مالک من و پادشاه من

وَتَقِيَّتِي وَرَجَائِي أَسْأَلُكَ بِجُزْمَةِ شَهْرِ الْحَرَامِ

و تکیه که من و امید که من هستی سوال میکنم تو با بسند بزرگی که ماههای حرام و البلاد



قول

ثقتی که اول

یعنی تکیه که من هستی درجه

مصائب

قول

رجائی یعنی امید که من هستی

در همه مطالب

قول

الشهر الحرام یعنی ماههای

حرام بود در دیگر

ابتدای اسلام

و آن چهار

ماه

و زاد القصد

قوله البلد الحرام والشجر الحرام وقبر قبلك عليه  
بمعنى كبرياءه اذ اودع في القبر مع صفة  
بمعنى كبرياءه اذ اودع في القبر مع صفة  
بمعنى كبرياءه اذ اودع في القبر مع صفة

وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالشَّجَرِ الْحَرَامِ وَقَبْرِ قَبْلِكَ عَلَيْهِ

در شهرهای حرام در شجر حرام و قبرش قبلی که بر روی بار

السَّلَامِ اِنْ هَبَبِي لِي مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يَعْْلَمُ

سلام این که به تو مرا از خیر چیز که نمیدانند آرا

عَلَيْهِ اِلَّا اَنْتَ وَتَصْرِفَ عَنِّي مِنَ السُّوءِ

بجز یک که مکتوبه و باز گردانی از من از بدی

مَا لَا يَعْلَمُ عَلَيْهِ اِلَّا اَنْتَ اللَّهُمَّ يَا مَنْ وَهَبَ

چیز که نمیداند آنرا هیچ کی مکتوبه خدا یا ای آنکه عطا نمودی

لِادَمَ مَسِيْتًا وَاِبْرَاهِيْمَ اِسْمَاعِيْلًا وَاِسْحٰقَ

مر آدم را مسیت و مر ابراهیم را اسماعیل و اسحاق

وَمُرَّدَ يُوْسُفَ عَلٰى اَيُّوْبَ وَيَا مَنْ كَسَفَ

و باز گردانیده یوسف را بر یعقوب و ای آنکه دور ساخت

الْبَلَاءَ عَنَّا عَنِ اَيُّوْبَ وَيَا مَنْ رَدَّ مُوسٰى اِلَى اٰمِهٖ

رنج را از ایوب و ای آنکه باز گردانید موسی را بوی مادر و

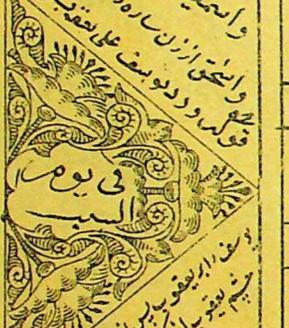
وَيَا زَايِدَ الْخَضِرِ فِي عَلِيٍّ وَيَا مَنْ وَهَبَ لِدَاوُدَ

و ای آنکه افزانیده خضر را در علی و ای آنکه داده مرداود را

وَسُلَيْمَانَ وَاَنْزَلَ زَكْرِيَّا وَيَحْيٰى وَاَلْمُرْسَلِ عَلَيْهِ وَاِيَّاكَ يَا حَافِظَ

سلیمان و مر زکریا را و مریم را عیسه و ای نگاهبان

ان لقبی بی معنی سوال این است که چه چیز  
بر این عرصه و با سبب محبت که خود را  
من الظلم یعنی از خود و دیگران  
فوق کما شئت کما شئت کی از غیر است  
و در جنابانی تو قانیه خوانده میشود  
و اسمعیل از سرت با وجود شکر نذر است  
و اسحاق از زن ساره در عمر کعبه در اربعه  
فوق و در دو سوخت علی عقیب و با کافه  
یوسف ابراهیم یساک از بیست سال و بیست  
چشم یعقوب اذ که خندان از نظم هر هفت  
حالت چشم یار دیدن پس از توحید یکبار  
رسیدن: شراب شکر از توحید گردان  
آرییدن: پیام گفتن حق در دم شنیدن  
البلاء یعنی ایوب دان در حق چنگل بود  
ایودان مبارک رسانده و که عیسی شده  
از ان بر من دو وقت است که در وقت سال بخت  
بخت روز دو وقت است که در وقت سال بخت  
از ان بر من دو وقت است که در وقت سال بخت  
بخت روز دو وقت است که در وقت سال بخت



فکر اینست که شیخ یعنی در مقام  
 استخوان در قضا بجز این که کونست از  
 در میان یعنی صفوره در خارج لوی بیست  
 و در بعضی نوشته اند و بیستی در دفتر  
 الشفاة یعنی از شفاة و در دفتر  
 کفای بنده کانی از روی اثر از دفتر  
 الرقیعة یعنی بایه بنده از روی اثر از دفتر  
 بر اینج پیغمبری اول در صلاح و در  
 از سید و طیب با در دفتر از روی اثر  
 از روی اثر از دفتر از روی اثر از دفتر  
 از روی اثر از دفتر از روی اثر از دفتر

أَبْنَةُ شَعِيبٍ أَسْأَلُكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَعَلَىٰ

دختر شعیب سوال میکنم ترا ای که درود و بفرستی بر محمد و بر

جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَيَا مَنْ وَهَبَ

همه پیغمبران و فرستاده شدگان دای آنکه عطا فرموده

لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الشَّفَاعَةَ وَ

بر محمد را در روز قیامت خدا بر وی سلام مرتبه شفاعت و

الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَتَسِّرَ لِي

پایه بلند آن ای که بیامری تو مرا کفایت کنی مرا و بپوشی مرا

عُيُوبِي كُلِّهَا وَتَجِيرَنِي مِنَ النَّارِ وَتُوجِبَ لِي

عیبهای مرا همه آنها و نگاهداری مرا از دوزخ و واجب گردانی مرا

رِضْوَانَكَ وَامْتَانَكَ وَغُفْرَانَكَ وَاجْسَانَكَ

خشنودی خود را دامن خود را و امرزش خود را و احسان خود را

وَتَمَتِّعَنِي فِي جَنَّتِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

و بفرخردار گردانی مرا در بهشت در حالیکه بهم با آنکه انعام کردی تو بر ایشان

مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَ

از پیغمبران و راستکاران و شهیدان

الصَّالِحِينَ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ

و پادشاه کاران بد راستگو تو بر هر چیز توانایی درود و فرستد خدا

فکر اینست که شیخ یعنی در مقام  
 استخوان در قضا بجز این که کونست از  
 در میان یعنی صفوره در خارج لوی بیست  
 و در بعضی نوشته اند و بیستی در دفتر  
 الشفاة یعنی از شفاة و در دفتر  
 کفای بنده کانی از روی اثر از دفتر  
 الرقیعة یعنی بایه بنده از روی اثر از دفتر  
 بر اینج پیغمبری اول در صلاح و در  
 از سید و طیب با در دفتر از روی اثر  
 از روی اثر از دفتر از روی اثر از دفتر  
 از روی اثر از دفتر از روی اثر از دفتر



وزیر معتمد و تو هم شریف شدی  
 چاکر ملک بودم سنگ یک بلور خوش  
 بیست و پنجین ساله بودم که کوی  
 و آنکه واجب گردانی مرا از کوی  
 باین و توفیق ظاهر از کوی  
 برای طلب از کوی از احسان که از کوی  
 جان احوال سائلان در جهان و همه زمان  
 این است بنده تن و جان و همه زمان  
 باران ربی می من بستی و از تو تمام  
 احسان ترا شمار تمام کرد تو که در زبان  
 خود هر بوی تو کس که تو از من از تمام کردی  
 یعنی بستیهای خود و بستیهای من  
 قولی حق جنتک تو که در زبان  
 یعنی بستیهای خود و بستیهای من  
 قولی حق جنتک تو که در زبان  
 یعنی بستیهای خود و بستیهای من

یعنی بستیهای خود و بستیهای من  
 قولی حق جنتک تو که در زبان  
 یعنی بستیهای خود و بستیهای من  
 قولی حق جنتک تو که در زبان  
 یعنی بستیهای خود و بستیهای من

پس علی محمد  
قولی که در دست  
نغمه در آید و در دست  
قولی که در دست  
نغمه در آید و در دست

لما خلقنا له  
برای چیزی که پیدا کرده تو مرا برای آن  
قولی که در دست  
نغمه در آید و در دست

برای چیزی که پیدا کرده تو مرا برای آن  
قولی که در دست  
نغمه در آید و در دست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ مَا أَزْجَبَ لِرِيَّاحٍ سَحَابًا

به محمد و بر آل او تا زمانیکه برانگیزانند باد با ابرها را

رُكَمَا وَذَاقَ كُلَّ ذِي رُوحٍ حَمَامًا وَأَوْصَلَ

که بر هر رسته بود و بیچند هر جاندار می هرگز را و برسان

السَّلَامَ لِأَهْلِ السَّلَامِ فِي دَارِ السَّلَامِ حَيَّةً وَوُ

سلام هر سزاوار سلام را در بهشت در حالتیکه باشد آن دعا به بقا و

سَلَامًا اللَّهُ أَفْرَدَنِي بِمَا خَلَقْتَنِي لَهُ وَلَا

و سلامتی جدا ای یکتا کن مرا از برای خیر که پیدا کرده تو مرا برای او و مینداز

تَشْغَلَنِي بِمَا تَكْفَلْتَنِي بِهِ وَلَا تَحْمِرْنِي وَكَفَا

در شغل مرا بجزیر که غمناک شده تو برای من بآن دلی نصیب گردان مرا در حالتیکه من

أَسْأَلُكَ وَلَا تَعْدِنِي بِنِي وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ قَلْبًا

سوال میکنم ترا و عذاب کن مرا و جلا کن من آمرزش منم هم ترا بسیار بخواند

اللَّهُ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَسَلَّمَ

خدا یا درود و نعت بر رئیس یان محمد و بر آل او و سلام برسان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِحَبِيبِكَ

خدا یا بر سینه من سوال میکنم ترا و روی آرم بسوی تو بوسیله دوست تو

الْمُصْطَفَى عِنْدَكَ يَا حَبِيبًا يَا سَيِّدَنَا مُحَمَّدًا وَإِنَّا

که برگزیده شده است نزد تو ای محبوب مایان ای رئیس مایان محمد تحقیق که مایان

برای چیزی که پیدا کرده تو مرا برای آن  
قولی که در دست  
نغمه در آید و در دست



یابایت زینت بی که ترا صبر جای بسا  
رزق آمدی تا خویش چون ما غافلان بود  
در تو نشانی باید بودت تا  
کجای صحنی یعنی از بخشش خود را  
سالیان محروم نمیکند و در بعد از خود  
۱۲

این دعا حضرت  
یعنی از صلی الله علیه و آله  
یا محمد ای خدا اعتراف است عباد را  
خدا را در باسم بارگاه حضرت صلی الله علیه و آله  
اسم در جواب به نام مذکور است ۱۲

توکل فاشفنا  
بیس در و ابودان حاجات

اللوح العظيم  
توکل فاشفنا  
توکل فاشفنا  
توکل فاشفنا

اول در کت نامه خوانده و حق تعالی  
توکل فاشفنا  
توکل فاشفنا

تَوَسَّلْ بِكَ إِلَى رَبِّكَ فَانْتَفِعْنَا عِنْدَ الْمَوْلَى

وسیلہ می آیم ترا بوی پروردگار تو بس شفاعت کن برای مایان نزد خداوند

الْعَظِيمِ يَا نِعْمَ الرَّسُولُ الطَّاهِرُ اللَّهُمَّ شَفِّعْهُ فِينَا

بزرگوار ای سنیکو پیغمبر پاک سله خدا یا قبول شفاعت او کن در حق مایان

بِحَاثِهِ عِنْدَكَ ثَلَاثًا وَاجْعَلْنَا مِنْ خَيْرِ الْمَصَلِينَ

بوسیلہ مرتبه او که نزد دست این را بخوان بار در کردن مایانرا از بهترین درود کو یان

وَالْمُسْلِمِينَ عَلَيْهِ وَمِنْ خَيْرِ الْمُقَرَّبِينَ مِنْهُ وَ

و مسلم کو یان بر دی و از بهترین نزدیکان بوی

الْوَارِدِينَ عَلَيْهِ وَمِنْ آخِيَارِ الْمُحِبِّينَ فِيهِ وَ

و فرود آئیدگان بر دی و از سنیگان دوستداران دی

الْمُحِبِّينَ بِهِ لَدَيْهِ وَفَرِحَانِيهِ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَمَةِ

دوست در کت شده کن نزدیک دست و در کردن مایانرا بوی در میدان قیامت

وَاجْعَلْهُ لَنَا دَلِيلًا إِلَى جَنَّةِ النَّعِيمِ بِلَا مَوْفِقٍ وَلَا

و در کردن او را برای مایان تنهای بوی بشتیان ب نعمت که سرچ و بی

مَشْفِقٍ وَلَا مُنَاقِشَةَ الْحِسَابِ وَاجْعَلْهُ مَقْبَلًا

محت و بیگناش سردن کارها در کردن او را متوج

عَلَيْنَا وَلَا تَجْعَلْهُ غَاضِبًا عَلَيْنَا وَاعْفُ رَنَا

بجال مایان و در کردن او را خشمناک بر مایان و بیامرز مایانرا

ولوا

توکل فاشفنا  
توکل فاشفنا  
توکل فاشفنا  
توکل فاشفنا

اللواتین علیہ  
توکل فاشفنا  
توکل فاشفنا

دوست داشته شدگان بسبب  
توکل فاشفنا  
توکل فاشفنا

توکل فاشفنا  
توکل فاشفنا  
توکل فاشفنا

توکل فاشفنا  
توکل فاشفنا  
توکل فاشفنا



قولہ  
المطهرة  
یعنی چنین نامها یکبار کند  
از هر نقصان  
۱۲

المطهرة التي لم يطع عليها احد من خلقك

پاک کرده شده که مطیع نیست بر آنها هیچ یکی از آنسیرکان تو

و بحق الاسم الذي وضعته على اليد فاطمه

دو وسیله نامی که گذاشته تو او را بر شنب بس تا یک شده

وعلى النهار فاستنار وعلى السموات

دبر روز بس روشن شد دبر آسمانها

فاستقلت وعلى الارض فاستقرت و

بس بر پاشنده دبر زمین بس قرار گرفت و

على البحار فانفجرت وعلى العيون فنبعت

بر دریاها بس شکافته شدند دبر چشمها بس بچو شدند

وعلى السحاب فامطرت واسئلك بالاسماء

دبر ابرو بس باریه سوال میکنم ترا بوسیله نامهای که

المكتوبة في جبهة جبريل عليه السلام

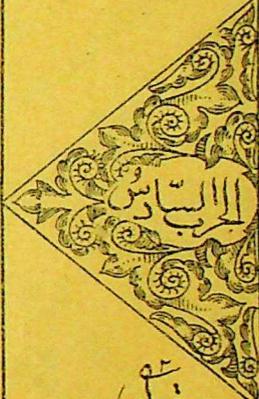
نوشته شده اند در پیشانی جبرئیل بر دوی با سلام

وبالاسماء المكتوبة في جبهة اسرافيل

دو وسیله نامهای که نوشته شده اند در پیشانی اسرافیل

عليه السلام وعلى جميع الملائكة واسئلك

بر دوی با سلام و بر همه فرشتگان سوال میکنم ترا

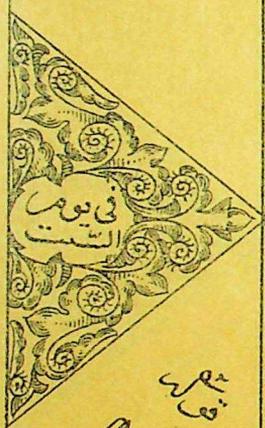


قولہ  
فانفجرت  
یعنی بر شکافته شدند  
تا آید دان شد  
۱۲

بِالْأَسْمَاءِ الْمَكْتُوبَةِ حَوْلَ الْعَرْشِ وَبِالْأَسْمَاءِ الْمَكْتُوبَةِ  
 بوسیدله نامهای که نوشته شده اند کرد اگر دعوش و بوسیدله نامهای که نوشته شده  
 حَوْلَ الْكَرْسِيِّ وَاسْأَلْكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ  
 کرد اگر در کرسی سوال میکنی ترا بوسیدله نام تو که بزرگ بزرگترین است  
 الَّتِي سَمَّيْتَ بِهَا نَفْسَكَ وَاسْأَلْكَ بِحَجْرِ اسْمَائِكَ  
 که بوسیده تو بان ذات خود را سوال میکنی ترا بوسیدله نامهای تو  
 كُلِّهَا مَا عَلِمْتَ مِنْهَا وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَاسْأَلْكَ بِالْأَسْمَاءِ  
 همه با آنچه دانسته ام من از آنها و آنچه ندانسته ام سوال میکنی ترا بوسیدله نامهای  
 الَّتِي دَعَاكَ بِهَا آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ  
 که خوانده است ترا بانها آدم علیه السلام و بوسیدله نامهای  
 الَّتِي دَعَاكَ بِهَا نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ  
 که خوانده است ترا بانها نوح علیه السلام و بوسیدله نامهای  
 الَّتِي دَعَاكَ بِهَا صَالِحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ  
 که خوانده است ترا بانها صالح علیه السلام و بوسیدله نامهای  
 الَّتِي دَعَاكَ بِهَا يَعْقُوبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ الَّتِي  
 که خوانده است ترا بانها یعقوب علیه السلام و بوسیدله نامهای که  
 دَعَاكَ بِهَا يُوسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ  
 خوانده است ترا بانها یوسف علیه السلام و بوسیدله نامهای

قوله

العظيم يعني بزرگ است  
به بزرگی که در فهم نیاید  
۱۲



فی يوم السبت

تفصیلاً

الاعظم  
آن کسی بزرگترین است از آنکه بزرگ  
آن کسی بزرگترین است از آنکه بزرگ  
نمایند  
۱۲

در بعضی نسخه معتد یعقوب و یوسف  
علیها السلام مذکورند  
و در بعضی نسخه  
یوسف  
۱۲

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا يُؤْنَسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا با آنها یونس بروی باد سلام و بوسیله آنها

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا با آنها موسی بروی باد سلام و بوسیله آنها

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا هَارُونَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا با آنها هارون بروی باد سلام و بوسیله آنها

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا شُعَيْبٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا با آنها شعیب بروی باد سلام و بوسیله آنها

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا با آنها ابراهیم بروی باد سلام و بوسیله آنها

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا با آنها اسمعیل بروی باد سلام و بوسیله آنها

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا داود بروی باد سلام و بوسیله آنها

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا با آنها سلیمان بروی باد سلام و بوسیله آنها

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا زکریا بروی باد سلام و بوسیله آنها که التي



الَّتِي دَعَاكَ بِهَا يَحْيَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا با آنها یحیی بر وی باد سلام و بوسیله نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا يُوشَعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا با آنها یوشع بر وی باد سلام و بوسیله نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا الْخِزْرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا با آنها خضر بر وی باد سلام و بوسیله نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا الْيَأْسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا با آنها ایاس بر وی باد سلام و بوسیله نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا الْيَسَعُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا با آنها ییسع بر وی باد سلام و بوسیله نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا ذُو الْكِفْلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا با آنها ذوالکفل بر وی باد سلام و بوسیله نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا عَيْسَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِالْأَسْمَاءِ

که خوانده است ترا با آنها عیسی علیه بر وی باد سلام و بوسیله نامهای

الَّتِي دَعَاكَ بِهَا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

که خوانده است ترا با آنها محمد درود فرستد خدای بر وی و سلام

نَبِيِّكَ وَمَرْسُولِكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفِيكَ يَا مَنْ

که پیغمبر است و فرستاده شده است و دوست است و برگزیده است ای کسی که

درد بعضی  
نسخه نیز آمد و با اسما را  
دعا که بها یحیی  
عند اسلام  
۱۲



بسم  
قول  
دعا که بها یحیی  
نامهای که این پیغمبران علیهم السلام  
در چه چیزها خوانده شده اند با تفاوت  
بیشتر پس در بعضی نامهای شرح  
این در اینجا آید  
۱۲

قول  
یا من قال یغنی  
در قرآن  
۱۲



قول شفاعت  
یعنی شفاعت آن پیغمبر و اولاد او  
قول شفاعت  
یعنی شفاعت آن پیغمبر و اولاد او

قول شفاعت  
یعنی شفاعت آن پیغمبر و اولاد او

قول شفاعت  
یعنی شفاعت آن پیغمبر و اولاد او

قول شفاعت  
یعنی شفاعت آن پیغمبر و اولاد او

وَكُلِّمَنَّ أَحِبَّهُ وَاتَّبَعَهُ شَفَاعَتَهُ وَمَرَّافَقَتَهُ

و هر کس که دوست داشت آنرا و پیروی آنرا شفاعت او را و مصاحبت او را

يَوْمَ الْحِسَابِ مِنْ غَيْرِ مَنَاقَشَةٍ وَلَا عَذَابٍ

روز ششردن اعمال بغير گشت گشت و بی عذاب

وَلَا تَوْبِيخٍ وَلَا عِتَابٍ وَأَنْ تَعْفِرَ لِي ذُنُوبِي

و بی سرزنش و بی تائید و آنکه بیا مرزی مرا گناهان مرا

وَتَسْرِعْ عِيُوبِي يَا وَهَّابُ يَا غَفَّارُ وَأَنْ

و بیوشی عیبها مرا ای دهنده بخوشی ای امر زکار و آنکه

تُعِينِي بِالنَّظَرِ إِلَىٰ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ فِي جُمَلَةِ

نعمت و بی و شاد گردانم از دیدن بوی دیدار تو که بزرگ است در کرده

الْأَحْبَابِ يَوْمَ الْمَزِيدِ وَالثَّوَابِ وَأَنْ

درستان روز افزون بخشیش و پاداش و آنکه

تَقْبَلَ مِنِّي عَمَلِي وَأَنْ تَعْفُو عَمَّا أَحَاطَ عَلَيْكَ

بپذیری از من عمل من و آنکه در گزرا از چیز که فراسدودت علم تو

بِهِ مِنْ خَطِيئَتِي وَنِسْيَانِي وَزَلِيلِي وَأَنْ

تامن از من گناه من و فراموشی من و لغزش من و آنکه

تُبَلِّغَنِي مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِهِ وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ

برساند تو مرا از زیارت قبر آن و سلام گفتن بروی او

بالنظر الى وجهك  
دیدار حق تعالی در جهت برای مونس  
نزد اهل سنت و جماعت ثابت شده است  
و حادثه آن بزرگترین و بیگانه ترین  
بمنتهاست لطیفه در کف الاسرار  
آورد که نماز مونس در جهت دخول باشد



بنیتهای که گمان و امامت حضرت  
استحق باشند بطافه شود و در  
یعون ربانی روز یکم اول  
بیک ایام از حال بهشتیان اندک  
در دیدن تو بهجای بهشت خوانند  
بهشت بر دم تنگ ای صحرای  
قول کس دعوی بود  
یعنی روز از آنست و بخانی است و مونس

و الثواب و در روز یکم اول  
قول کس  
قول کس  
قول کس

و نسیانی از فراموشی من در کار من  
قول کس  
قول کس  
قول کس  
و در حالی یعنی از آنست من و اوقات  
من در کفایان  
قول کس

در روز شنبه از غم طاعت داد که در آن روز  
 در روز شنبه از غم طاعت داد که در آن روز  
 در روز شنبه از غم طاعت داد که در آن روز  
 در روز شنبه از غم طاعت داد که در آن روز

صَاحِبِهِ فَآيَةٌ أَمَلِي بِمَنِّكَ وَفَضْلِكَ وَ

هر دو یار او نهایت مقصود مرا با حسن خود و استودۀ لطف خود

جُودِكَ وَكَرَمِكَ يَا رُؤُفُ يَا رَحِيمُ

بجود خود و بخشش خود ای مهربان ای بخشنده

يَا وَلِيُّ وَاِنَّ لِحَازِنِي عَيْنِي وَعَنْ كُلِّ مَنْ

ای یاری دهنده و آنکه پاداشش دهی آنرا از من و از هر کسیکه

أَمَّنَ بِهِ وَآمَّتَبَعَهُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ

که دیده است باد و پیروی کرده است او را از مسلمانان مردان و زنان

الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ أَفْضَلَ وَأَتَمَّ

زندهگان از ایشان و مردگان بزرگتر و تمامتر

وَأَعَمَّ مَا جَازَيْتَ بِهِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ

و شامل تر چیزی که پاداشش داده تو بآن کسی که از انستدیکان تو

يَا قَوِيُّ يَا عَزِيزُ يَا عَلِيُّ وَاَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ

ای توانا ای غالب ای برتر و سوال میکنم ترا خدا یا بوسید

مَا أَقْسَمْتُ بِهِ عَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

چیزی که دوسید که قسم من باینچیز بر بوی تو اینکه زود در زست تو بر محمد

وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ مِنْ قَبْلِ

در آنگ محمد بشمار چیزی که بسید کرده تو پیش

کرم پس دعا کرد در روز شنبه از غم طاعت داد که در آن روز  
 کیفیت دعا بسیار است در حدیث آمده که  
 زیارت که در آن روز دعا داد که در آن روز  
 زیارت که در آن روز دعا داد که در آن روز  
 زیارت که در آن روز دعا داد که در آن روز



آن طایفه و دیده ایشان در شرف آن  
 آن خون چکان چنانچه سولانا جای قدس  
 درین شوق تنبهای چنانکه در روزی  
 ای بار و سلک نظم است  
 ای بار و سلک نظم است  
 ای بار و سلک نظم است  
 ای بار و سلک نظم است

بسیار از آن دعاهاست که در آن روز  
 دعاهاست که در آن روز  
 دعاهاست که در آن روز  
 دعاهاست که در آن روز

عاشق تو  
مستمعین در کربلا

وای

مستخردی بفتح فاشده

یعنی در ام شکران بیکر ای

در بطنی بفتح کیم آمد یعنی بطنی

بآب یا بخرید بفتح قد یعنی بطنی

و این را آفرینش تو در کربلا

شکر و ایام

کرده  
شده

قوله

والنجم بعضی نوحه  
والنجوم بفتح ج  
آیه  
۱۲

قوله

کلام مک یعنی سخنانی  
بسیغان خودی کردی  
و آنچه با من سخن  
مقرر یعنی  
۱۲

ان تکون السماء مبنیه والأرض مدحیه

از آنکه باشد آسمان بنا کرده شده و زمین

و الجبال علویة والعیون منجزة و البحار

و کوهها سه بند و چشمها شکافته بآب دریاها

مسخرة و الأنهار منمورة و الشمس مضیة

رام شده کن و دریاها آب سه ریزان و اقیانوس تابان

و القمر مضیا و النجم منیرا و لا یعلم احد

و ماهتاب و درخشان و پرستار کن فروزان و نمیداند هیچ کس

حیت تکون الا انت و ان تصلی علیه و علی

جایی که بودی تو مگر تو و آنکه درود فرستی تو بر دی و بر

الیه عدد کلامیک و ان تصلی علیه و علی

آل دی بشمار کلام خود و آنکه درود فرستی تو بر دی و بر

الیه عدد آیت القرآن و حروفیه و ان

آل دی بشمار آیتهای قرآن و حروفهای او و آنکه

تصلی علیه و علی الیه عدد من تصلی

درود فرستی تو بر دی و بر آل دی بشمار کسیکه درود فرستاده است

علیه و ان تصلی علیه و علی الیه عدد من

بر دی و آنکه درود فرستی تو بر دی و بر آل دی بشمار کسیکه



قوله

عدد آیات القرآن

تظم

آیه تو آنکه در کربلا  
شکر از من گفتی

بجز از روی حال آنکه  
بجز از نفسانی بجز

صدراک صبح در کربلا

قوله

و حروفه علیه السلام  
بشماره آیت که در تمام قرآن بر کلام  
است بر آن که شکر نمود  
بغضای او  
۱۲

لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِلَيْهِ

درود نغز ستاده بت بر دی و آنکه درود زستی تو بر دی و بر آل دی

مِلَاءَ أَرْضِكَ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِلَيْهِ

باند از تو بری زمین و آنکه درود زستی تو بر دی و بر آل دی

عَدَدَ مَا جَرَىٰ بِهِ الْقَلَمُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ وَأَنْ

بشمار آنچه که روان شد بوی قلم در لوح محفوظ و آنکه

تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِلَيْهِ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ

درود زستی تو بر دی و بر آل دی بشمار چیزی که پیدا کرده تو

فِي سَبْعِ سَمَوَاتِكَ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِلَيْهِ

در هفت آسمانهای خود و آنکه درود زستی تو بر دی و بر آل دی

عَدَدَ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ فِيمَنْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

بشمار چیزی که تو پیدا کننده آنرا در آنها تا روز قیامت

فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَ

در هر روزی هزار بار و آنکه درود زستی تو بر دی و

عَلَىٰ إِلَيْهِ عَدَدَ قَطْرِ الْمَطَرِ وَكُلِّ قَطْرَةٍ قَطَرَتْ

بر آل دی بشمار قطره های باران و هر قطره که ریزد دست

مِنْ سَمَائِكَ إِلَىٰ أَرْضِكَ مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ الدُّنْيَا

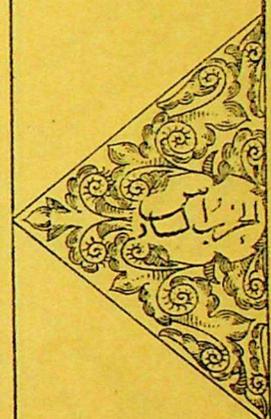
از آسمان تو بوی زمین تو از روزی که پیدا کرده تو دنیا را

معنی این الفاظ

در همین حسرت و در خیر  
پنجم مذکور شده است

باید که در اینجا

نظر نماید  
۱۲



الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ

دنیارا تا روز قیامت در هر روزی هزار بار

الرَّابِعُ سَبْعُ تَقْرِيرٍ يَوْمَ الْاِحْتِ

وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ عَدَدَ مَنْ سَبَّحَكَ

و آنکه درود فرستی تو بر وی و بر آل وی بشمار کسیکه باکی یاد کرده است ترا

وَقَدْ سَبَّحَكَ وَسَجَّدَ لَكَ وَعَظَّمَكَ مِنْ يَوْمِ

و اینهاست باکی نموده است ترا در سفر و در خانه است منزهت و بزرگی یاد کرده است ترا از روزیکه

خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ

بسیار کرده تو دنیارا تا روز قیامت در هر روزی هزار

مَرَّةٍ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ عَدَدَ كُلِّ

هزار بار و آنکه درود فرستی تو بر وی و بر آل وی بشمار هر

سَنَةٍ خَلَقْتَهُمْ فِيهَا مِنْ يَوْمِ خَلَقْتَ

سالی که پیدا کرده تو ایشان را در آن از روزیکه پیدا کرده تو

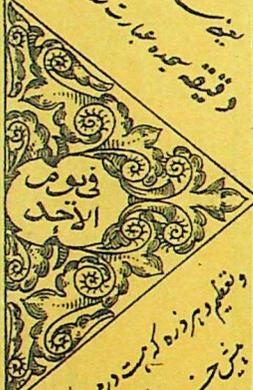
الدُّنْيَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ

دنیارا تا روز قیامت در هر روزی هزار بار

وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ عَدَدَ السَّحَابِ

و آنکه درود فرستی تو بر وی و بر آل وی بشمار ابرها

قولگ  
سبحك  
یعنی از پنج گفتت زبان جان بپوش  
مقال چنانکه بیان آن در جزوه اول گذشت  
قولگ قدسك  
یعنی اثبات باکی نموده است ترا از هر  
در صفات که ل تو در مکتب لایزال تو را  
قولگ سبحك  
یعنی سزاوار گشته است از هر روزی  
و دقیقه سجده عبارتست از هر روزی



و تقویم هر هفته کبریت در هر روزی  
ببینی چند اذن که کیم  
از زمین شهود و علم جلوه ذات جهان را  
در سجده ۱۲  
یعنی پیدا کرده تو آن تسبیح گویند و بپوش  
گفته که از اذن سال ۱۲  
قولگ و علی الله  
در بعضی نسخه بعد این نیاده نموده  
و صحیح  
۱۲

قوله  
واين راق القمار  
يعني بنهار برکهای بار  
که هر یک سیصد و پنجاه

ند  
۱۱

الْجَارِيَةِ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِلَيْهِ عَدَدَ

رونده و آنکه درود فرستی تو بروی و برآل وی بشمار

الرِّيَّاحِ الدَّارِيَةِ مِنْ يَوْمٍ خَلَقْتَ الدُّنْيَا

بادهای برآکنده کن از روزیکه پیدا کردی تو دنیا را

إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ وَأَنْ تُصَلِّيَ

تا روز قیامت در هر روزی هزار بار و آنکه درود فرستی تو

عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِلَيْهِ عَدَدَ مَا هَبَّتِ الرِّيَّاحُ عَلَيْهِ

بروی و برآل وی بشمار چیز که وزیده است بادها برآن

وَسَرَكَتُهُ مِنَ الْأَغْصَانِ وَالْأَشْجَارِ وَأَوْدَاقِ

و جنبانیده است آنرا بادها از شاخها و درختان و برکهای

الْإِمَارِ وَالْأَزْهَارِ وَعَدَدَ مَا خَلَقْتَ عَلَىٰ

سیوا و شکوفهها و بشمار چیز که پیدا کرده است تو بر

قَرَأَ بِأَرْضِكَ وَمَا بَيْنَ سَمَوَاتِكَ مِنْ يَوْمٍ

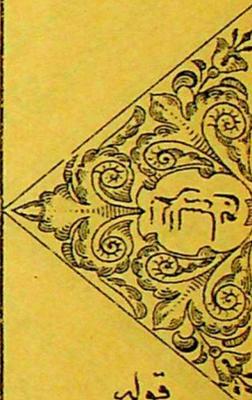
روی زمین خود و در میان آسمانهای خود از روزیکه

خَلَقْتَ الدُّنْيَا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ

پیدا کرده است تو دنیا را تا روز قیامت در هر روزی

أَلْفَ مَرَّةٍ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِلَيْهِ عَدَدَ

هزار بار و آنکه درود فرستی تو بروی و برآل وی بشمار اشیاء



قوله  
والاشجار  
يعني شكوفه های  
درختان  
۱۲

امواج جارا من يوم خلقت الدنيا الى

سجای دریای خود از روزیکه پیدا کرده تو دنیا را

يوم القيمة في كل يوم الف مرة وان تصلي

روز قیامت در هر روزی هزار بار و آنکه درود فرستی تو

عليه وعلى اليه عدد الرمل والحصى وكل

بردی در آل وی بشمار ریگ و سنگریزه و هر

حجر ومد رخلقه في مشارق الارض

سنگ و کوفی که پیدا کرده تو در زمین جانب بر آن آفتاب

ومغاربها سهلها وجبالها واديها

و جانب فرودستن آن نرم آن و کوههای آن و رودخانههای آن

من يوم خلقت الدنيا الى يوم القيمة في

از روزیکه پیدا کرده تو دنیا را تا روز قیامت در

كل يوم الف مرة وان تصلي عليه وعلى

هر روزی هزار بار و آنکه درود فرستی بردی و بر

اليه عدد نبات الارض في قبلتها وجوفها

آل وی بشمار رستنیهای زمین در قبلت آن و وسط آن

وشرقها وغربها وسهلها وجبالها من

در شرق آن و غرب آن و نرم آن و کوههای آن از

قولی  
امواج بخیریم  
روز آن

قولی  
حجرت نفتح ما  
دریم

قولی  
صد در نفتح بیم



قولی  
واودیتها رودخانه  
زمینهای نشیب

قولی  
قلبتها و آن کعبه  
نرفقت از هر  
جانب که آید  
کرده بود

قول  
 اخرجت  
 سكون  
 ۱۲  
 قول  
 اخرج يفتح يا  
 نوضم را  
 ۱۲

شجر و تمر و اوراق و زروع و جميع ما اخرجت

هر درختی دین و برکها و گشت زارها و همه آنچه که برآورده است از زمین

و ما اخرج منها من نباتها و برکاتها من يوم

و آنچه برسیاید از آن از رستنیها و برکتها از روزیکه

خلقت الدنيا الى يوم القيمة في كل يوم

پدید کرده تو دنیا را تا روز قیامت در هر روز

الف مرة و ان تصلي عليه و على ابيه عدد

هزار بار و آنکه درود فرستی بروی و بر آردی بنهار

ما خلقت من الانس و الجن و الشياطين

چیزی که پدید کرده تو از انس و جن و شیاطین

و ما انت خالقهم الى يوم القيمة في

و چیزی که تو پدیدکننده آن از ایشان تا روز قیامت در

كل يوم الف مرة و ان تصلي عليه و على

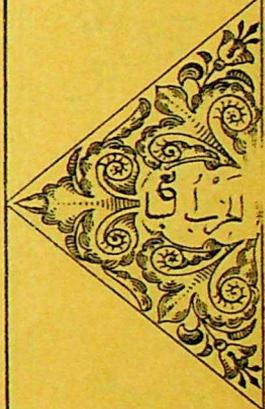
هر روزی هزار بار و آنکه درود فرستی بروی و بر

اليه عدد كل شعرة في ابد ابيه و وجوههم

آل وی بنهار هر سومی در پدندی ایشان و رویهای ایشان

و على رؤسهم منذ خلقت الدنيا الى يوم

و بر سرهای ایشان از آنجا که پدید کرده تو دنیا را تا روز



يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ وَإِنْ

روز قیامت در هر روزی هفتاد و یک بار و آنکه

تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ عَدَدَ أَنْفُسِهِمْ

درود فرستی تو بر وی و بر آل وی بنهار دههای ایشان و

أَلْفًا ظُهُرُومًا وَالْحَاظِهِمْ مِنْ يَوْمٍ خَلَقْتَ

لفظهای ایشان و ذکر سینههای ایشان از روزیکه پیدا کرده تو

اللَّيْلَىٰ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ

دینارا تا روز قیامت در هر روزی هزار بار

وَإِنْ تَصَلَّىٰ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ عَدَدَ

وآنکه درود فرستی تو بر وی و بر آل وی بنهار

طَيْرَانَ الْجَيْنِ وَخَفَقَانَ الْإِنْسِ مِنْ يَوْمٍ

پرین پر بیان و جنین آدیان از روزیکه

خَلَقْتَ اللَّيْلَىٰ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ فِي كُلِّ

پیدا کرده تو دینارا تا روز قیامت در هر روزی

يَوْمٍ أَلْفَ مَرَّةٍ وَإِنْ تَصَلَّىٰ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ عَدَدَ

روزی هزار بار و آنکه درود فرستی تو بر وی و بر آل وی بنهار

كُلِّ هَيْمَةٍ خَلَقْتَهَا عَلَىٰ أَرْضِكَ صَغِيرَةً

هر چهار پایه که پیدا کرده تو ادر بر زمین خود خورد باشد

قولی  
الفاظهم  
یعنی مفرد باشد اگر کرب باشد  
باشند  
سفی ۱۱

قولی  
خفقان یفخ فاودان  
یعنی جنین آدیان  
در سینههای ایشان  
بروی



قولی  
صغیرة وکثیرة  
یعنی بزرگ و کوچک  
نسخه آمده بجای



وَحَشْرَاتٍ وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ فِي

وچونکه آن زمین خانیچه سوسا در روز و جز آن

الْبَلِّ إِذَا بَغَيْثِي وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ وَأَنْ

شب و شبیکه تاریک شود در روز و قنیک روشن شود و آنکه

تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ فِي الْأَخِرَةِ وَلَهُ وَلِيٌّ

در روز فرستی تو بروی و بر آل وی در آخرت و دنیا

وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ مِنْكَ كَانَ

و آنکه در روز فرستی تو بروی و بر آل وی از ابتدای زمانیکه بودی

فِي الْهَدْيِ صَبِيًّا إِلَىٰ أَنْ صَارَ كَلَامًا مَهْدِيًّا

در کهواره کودکی تا آنکه گشت میان سال سه راه نوده شد

فَقَبِضَتْهُ إِلَيْكَ عَدْلًا مَرْضِيًّا لِتَبْعَتِهِ

بر قبض کردی روح پاک ویرا بوی خود در حالیکه صاحب عدل بودی و خود کرده شد از زبیر آنکه بر آنسوی تو آرد

شَفِيعًا حَفِيًّا وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ

شفاعت کننده مهربان و آنکه در روز فرستی تو بروی و بر آل وی

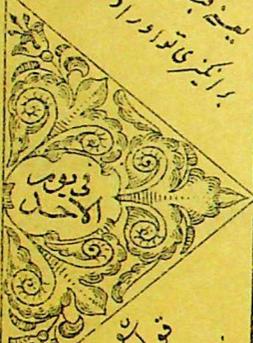
عَدَدَ خَلْقِكَ وَرِضَىٰ نَفْسِكَ وَزِينَةَ

بشار افزیش خود و خشنودی ذات خود و بوزن

عَرْسِكَ وَمِدادَ كَلِمَتِكَ وَأَنْ تُعْطِيَهُ

عشر خود و باندازه سخنان خود و آنکه دبی تو آرد

قولک  
و حشرات  
چونکه آن زمین خانیچه سوسا در روز و جز آن  
قولک  
قولک  
در حالیکه خشنود و در آن روز و آنکه  
قولک  
یعنی قبض کردی بر آن صفت از زبیر آنکه  
بر آنسوی تو آرد در روز فرستی تو بروی



شفاقت کننده غایب را  
قولک  
و میرضاه  
ع  
م  
م  
م

قولک  
در بعضی نسخها آمده ۱۳۰

قول

والمقام المحمود

کسیکه در این کتاب دارد

معلوم می نماید که

معنی این الفاظ

بالا کبر

کنند

۱۳

الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ وَالذَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ

وسيله و بزرگی و پایینی و مقام که سوده شده است و عزت

وَالْحَوْضَ الْمَوْزُودَ وَالْمَقَامَ الْمَحْمُودَ وَالْعِزَّ

در از پائینده و آنکه بزرگ کرد اما تو دلیل ادرا و آنکه شرف کردانی

الْمَدُّ وَدَّ وَأَنَّ تُعْظِمَ بُرْهَانَهُ وَأَنَّ تُشْرَفَ

و بقیانه و آنکه ترفع مکانه و آنکه شتعیکنان

بُنْيَانَهُ وَأَنَّ تَرْفَعَ مَكَانَهُ وَأَنَّ تُسْتَعْمِلَنَا

یا مولینا بسنتیه و آنکه شتینا علی ملتیه

وَأَنَّ تُحْشِرَنِي فِي زُمْرَتِهِ وَتَحْتَ لَوَائِهِ وَأَنَّ

تَجْعَلَنَا مِنْ رُفَقَائِهِ وَأَنَّ تُؤَزِدَنَا حَوْضَهُ

وَأَنَّ تُسْقِنَا بِكَاسِهِ وَأَنَّ تُفَعِّنَا بِحَبَّتِهِ

وَأَنَّ تُتَوِّبَ عَلَيْنَا وَأَنَّ تُعَافِنَا مِنْ جَمِيعِ

قول

الغرام المدود

عزت و از جنبه دی دراز

و پائینده

دعوت

۱۳





قولنامه  
استبها از دشمنان و گشت زار با کرم  
در روز شنبه در اول روزی بود که با کرم  
در روز شنبه در اول روزی بود که با کرم  
در روز شنبه در اول روزی بود که با کرم

السَّلَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

رسیده است ای درود بفرست بر محمد و بر آل محمد

مَا أَيْلَ الْأَصْبَاحُ وَهَبَّتِ الرِّيحُ وَدَبَّتِ

تا صبح که روشن بگردند صبحها و بپوزند باد و بچینند

الْأَشْبَاحُ وَتَعَاقَبَ الْغُدُورُ وَالرَّوَّاحُ وَ

چشمها و در پی میآیند باداد و شبانگاه و

تَقَلَّدَتِ الصِّفَاحُ وَاعْتَقَلَّتِ الرِّمَاحُ

بدوش آویزان شوند شمشیرها و کداهشته شوند میان رگب و ساق نیزهها

وَصَحَّتِ الْأَجْسَادُ وَالْأَرْوَاحُ اللَّهُمَّ صَلِّ

و درست و بر میآیند تنها و جانها حسدایا درود بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ مَا دَارَتْ الْأَفْلاكُ

با محمد و بر آل محمد تا مدت که بگردند آسمانها

وَدَجَّتِ الْأَحْلاكُ وَسَبَّحَتِ الْأَمْلاكُ اللَّهُمَّ

و تاریک میشوند شبها سخت سیاه و تسبیح میکنند زشتگان حسدایا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى

درود بفرست بر محمد و بر آل محمد چنانچه در روز ستاده تو بر

إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

ابراهم و برکت ده بر محمد و بر آل محمد چنانچه بارکت

در روز شنبه در اول روزی بود که با کرم  
در روز شنبه در اول روزی بود که با کرم  
در روز شنبه در اول روزی بود که با کرم  
در روز شنبه در اول روزی بود که با کرم  
در روز شنبه در اول روزی بود که با کرم



از بار بار و دقیقه بدان ای طالب عیون  
و جان که بنمایان ظاهر اندو جان نیت  
بنام عیون دل پوشیده اند و جهان پر از  
ترین آن گرفت باز نیند و جهان پر از  
اخلاق زیند که هر یک از آن بسبب  
فروست شش جل و جسد و جمل جسم  
و مانند آن بگفتن دل هر چه که باز دارود  
و مانند آن بگفتن دل هر چه که باز دارود  
و مانند آن بگفتن دل هر چه که باز دارود

شاه  
درباره ای هر خلق ازین عمل دو بیت  
مضطوبی علیه در میان در در ارتقاء  
فی کل من علی فضل الصلوة و السلام  
سجده ایست و طیب خلق  
در توبه بیدار اودا میکند  
دجبت بتندی هم و از آن نیند  
قولنامه  
تقار و اعتقلت  
ضمیمه تا که قاف ۱۲

قول  
و ما صلیت  
نصیر حاجت بدوام  
بکبره

قول الحسن  
یعنی نمازهای عجب که از نعمت اوست  
ببندگی آن  
در روزان و

قول

ما قالن  
بشکر و لا یمن  
بشکر که از ابراهیم  
جیدان فقیر باشد و در دفع واد  
وسکون دال و

قول اصل

آواز سخت که از ابراهیم است  
روایت آمد که در وقت نماز است



میرانه ابر را  
بر سوی که امر الهی شود و برین  
نارایان است

قول

بعبد

بفتح اول یعنی پس از آسمان

زین

قول

باعباة الرسالة

یعنی رسانیدن احکام تو

ببندگی آن تو

بَارَكْتَ عَلَىٰ اِبْرَاهِيْمَ فِي الْعَالَمِيْنَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ

برکت داده تو بر ابراهیم در عالمیان بدرستی که تو ستوده شده

حَمِيْدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ

بزرگ حسدایا درود بفرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ مَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ وَمَا صَلَّيْتُ الحَسْبُ

محمد مدتها که شده بر ای آفتاب و آمدتیک نماز که از او میشود عجب کند

وَمَا قَالَتْ بَرْقٌ وَوَقَدَّقَ وَدَقَّ وَمَا سَبَّحَ رَعْدٌ

و آمدتیک درخشند برف و میرزد باران و آمدتیک تسبیح مگوید رعد

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ مِثْلًا

خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل محمد با اندازه بری

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمِثْلًا مَّابَيْنَهُمَا وَمِثْلًا

آسمانها و زمین و با اندازه بری آنچه در میان آنهاست و با اندازه بری

مَا شِئْتُمْ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ اَللّٰهُمَّ كَمَا قَامَ بِاَعْبَادِ

آنچه میخواهی از چیزی پس از آنها خدایا چنانچه برخاست دی باریهای

الرِّسَالَةِ وَاسْتَقْدَ النَّقْمَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ

پیغمبری و خلاص کردن وی از آریه کازا از نادانی و

جَاهَدَ اَهْلَ الْكُفْرِ وَالضَّلٰلَةِ وَدَعَا اِلٰى

و کارزار کرد او با اهل کفر و کراهی و خواند او خلق را بوی

باید  
باید  
باید  
باید



قول صحاب الجہان  
در روز قیامت که مانند نماز اعمال  
قول اجمعیان  
یعنی همه این بین و آمانات و نینان  
و پیمانان ۱۶  
یعنی از خشیدت که آن در دنیا  
کسب تا و آن نام زمین نشیب است  
و آخرت ۱۲  
از بلاد و حجاب و دیگر معظرات است  
قول کس بالعلم و ف  
قول کس بالاعتقاد

قول صحاب الجہان  
در روز قیامت که مانند نماز اعمال  
قول اجمعیان  
یعنی همه این بین و آمانات و نینان  
و پیمانان ۱۶  
یعنی از خشیدت که آن در دنیا  
کسب تا و آن نام زمین نشیب است  
و آخرت ۱۲  
از بلاد و حجاب و دیگر معظرات است  
قول کس بالعلم و ف  
قول کس بالاعتقاد

الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مَلَائِكَتِكَ وَالْمُرْسَلِينَ

بخشایندگان خدا یا درود بفرست بر فرستگان خود و زردگان درگاه تو

وَعَلَىٰ أَنْبِيَائِكَ وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلَىٰ أَهْلِ طَاعَتِكَ

و بر پیغمبران خود و مرسلان و بر اهل فرمان برداران خود که

اجْمَعِينَ وَاجْعَلْنَا بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ مِنَ الرَّحْمٰنِ

جمع آنها و گردان مایه را برکت در دو فرستادن بر ایشان از بخشید و شدگان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خدا یا درود بفرست بر محمد که بر اکیخت شده است از حق

وَالْإِسْقَامَةِ وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالْإِسْقَامَةِ

بختار و فرمایند پس گوی و نجات دین

وَالسَّيْفِ لِإِهْلِ الدُّنُوبِ فِي عَرَصَاتِ

و شفاعت کنند مرا این گنابان در میدانهای

الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ ابْلُغْ عَائِنَا وَشَفِيعَنَا

قیامت خدا یا برسان از مایان پیغمبر مایه را و شفاعت کنند مایه را

وَحَبِيبَنَا أَفْضَلَ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ وَ

و محبوب مایان را بزرگترین درود و سلام و

أَبْعَثْهُ الْمَقَامَ الْحَمْدُ الْكَرِيمَ وَآيَةُ الْفَضِيلَةِ

بر آنکه او را در مقام ستوده شده بزرگ دیده او را بزرگ

نیکو که ایمان است و طاعت است  
و شایسته است رسالت پیامی علی  
عبد علی المرتضیٰ ۱۲  
و الاستقامة  
و فرمایند نجات بودن برادر دین  
و بر شفاعت مولا البدر و دین ۱۲  
نظم



توبه کارها که با نیتی مستقیم  
رو نماید این نحو است از دنیا و دوزخ  
استغفرت در گنابان که گویا است  
اکا به از دنیا که گویا است  
کوین که استغفرت است که گویا است  
از سوسای احد محفوظ و ادا و غیر حق  
عدم مطلق استغفرت است  
که باشد از غم و غم استغفرت است  
که باشد از غم و غم استغفرت است  
زاد صاف و بیعت با امر دود  
با خاص بهیت جان پیاده  
۱۲

والموسيلة  
 و تقرب درگاه خود  
 صلوات علیک علی اولادک  
 مرغانی را  
 قول  
 الموقف الحظ  
 یعنی در ایستادن بزرگوار  
 و در آن لحظه  
 و هر گاه باری

وَالْوَسِيلَةَ وَالذَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ الَّتِي وَعَدْتَهُ

و تقرب درگاه خود و مرتبه بلند که وعده کرده ترا دارم

فِي الْمَوْقِفِ الْعَظِيمِ وَصَلِّ اللَّهُ عَلَيْهِ صَلَوةً

در جای بزرگ و درود بفرست خدا بر وی درودیک

دَائِمَةً مُتَّصِلَةً تَتَوَالَى وَقَدْ وَدَّ اللَّهُ صَلِّ عَلَيْهِ

همیشه باشد در پی آینده که بر او برتری آید و بپایند بود خدا یا درود بفرست بر وی

وَعَلَى إِلَيْهِ مَا لَاحَ بَارِقٌ وَذَرَّ شَارِقٌ وَوَقَبٌ

و بر آل وی آمد تیرک روشن گردد و درخشند و بر می آید طلوع کنند و تاریک میگردد

غَاسِقٌ وَأَنْهَمُوا دِقُّ وَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى إِلَيْهِ

شب و می دزد و درود بفرست بر وی و بر آل وی

مِلَأَ اللُّوْحَ وَالْفَضَاءَ وَمِثْلَ نَجْمِ السَّمَاءِ وَعَدَدَ

باندازه بر لوح محفوظ و زمین گشاده و مانند ستارگان آسمان و بشمار

الْقَطْرِ وَالْحَصَى وَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى إِلَيْهِ صَلَوةً لَا

قطره ای باران و سنگریزه و درود بفرست بر وی و بر آل وی درودیک

تَعْدَ وَلَا تَحْصِيَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْكَ مِنْ عَرَشِكَ

شمرده نشود و شمار کرده نشود خدا یا درود بفرست بر وی بوزن عرش خود

وَمَبْلَغِ رِضَاكَ وَمِدَادِ كَلِمَتِكَ وَمُنْتَهَى رَحْمَتِكَ

و باندازه نهایت رسیدن خشنود خود و مقدار سخنان خود و باندازه نهایت رسیدن بخشش خود

قول  
 لاج یعنی درخشند  
 باری درخشند یعنی روشنی  
 از ابرامیون عهد  
 ۱۲

قول  
 و ذر بذال منقوط یعنی بر جای  
 شارق یعنی  
 آفتاب  
 ۱۲



قول  
 لا تعد یعنی شمرده نشود  
 بسبب بسیاری  
 آن  
 ۱۲  
 قول

ولا تحصى ذکر و لفظ  
 بیک معنی برای  
 تالیف است ۱۲

قول  
 صلوات علیک و در بعضی نسخ  
 و علی الذریر آمده  
 منتهای رحمتک یعنی باندازه نهایت  
 رسیدن بخشش خود و منتها یعنی  
 رسیدن به جاد و هم نیز فرا  
 رسیدن  
 ۱۲

شکر تقیه و توحید  
 انبیا پیغمبری شریفیت  
 نبوی در زینده اند ستارال  
 کرامت اسرار کرم خود  
 بزکری حقیقت رسالت  
 وسایک ازین اوراد است  
 کرسیده اند بر باد نکلت  
 حیران که دیدند  
 سوز چشم و در بر آرزوی  
 رسوا شد از کبریا کزین  
 محمدا که کبریا کزین  
 نذر من تصدیق بران کزین

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ وَآزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ

خدا یا درود بفرست بروی در آل وی و زنان وی و ذریت وی

وَبَارِكْ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ وَآزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا

و بركت ده بروی و بر آل وی و زنان وی و ذریت وی چنانچه

صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ

درود ز ستاده تو بركت داده تو بر ابراهیم و بر آل ابراهیم

إِنَّكَ حَمِيدٌ مُّجِيدٌ وَجَازٍ عَنَّا أَفْضَلُ مَا جَارَيْتَ

پرستیکه تو ستوده شده بزکوری دیداش ده اوران مابان بزکرتن آنچه که یاد کنی اذنه تو

نَبِيًّا عَنِ امْتِنَانِهِ وَاجْعَلْنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ بِمَنْهَاجِ

پیغمبر را امت او و گردان مایانرا از راه یافتگان براه روشن

شَرِيعَتِهِ وَاهْدِنَا هُدًى نَهْدِيهِ وَتَوَفَّنَا عَلَىٰ مِلَّةِ

شریعت وی دعو پذیر گردان مایانرا بختیست وی و بمیران مایانرا بر دین وی

وَاحْتَرَفْنَا يَوْمَ الْفُرْعِ الْاَكْبَرِ مِنَ الْاَمْنِيِّزِ فِي

دوچ گردان مایانرا روز اندوه بزکرتن از این شدگان در

زُمرَتِهِ وَامْتِنَانِ عَلِيٍّ حُبِّهِ وَحُبِّ آلِهِ وَاصْحَابِهِ

کرده وی و بمیران مایانرا بر دوستی وی و دوستی آل وی و یاران وی و

وَذُرِّيَّتِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ أَفْضَلُ نَبِيَّاتِكَ

و ذریت وی خدا یا درود بفرست بر محمد که بزکرتن پیغمبران

اهد نابقع هجره ۱۲

قوله

لجسد ید بفتح صاد سکون

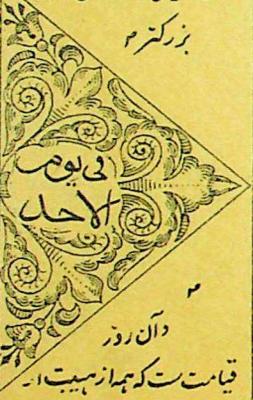
دال ۱۲

قوله

الفرع الاکبری بفتح فا و ذر

منقو ط یعنی روز ترس وانده

بزکرتن



دال روز

قیامت است که همه از مهیت

در ترس اندوه هجره ۱۲

قوله واصحابه

و در بعضی نسخه و صحبه آمده ۱۲

قوله صل

و در بعضی نسخه وصل بود آمده ۱۳

قوله لانا انبیاک

فانده

بزرگی آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم

ثابت است بحدیث

در آن

نظر  
 اراده از کلام حق است پس اندیشه است  
 تقاضای فضل از حق بعضی از بعضی افضل است  
 الکل از همه افضل است تا آن کیفیت که  
 سویی رسوا می است تا آن کیفیت که  
 بسیار رسوا می است تا آن کیفیت که  
 آنرا در جسد کرم است تا آن کیفیت که  
 آنرا در جسد کرم است تا آن کیفیت که  
 آنرا در جسد کرم است تا آن کیفیت که  
 آنرا در جسد کرم است تا آن کیفیت که

قول

شهيد المرسلين

یعنی کواچه بر اسی غیران  
در روز قیامت برسانیدن ایشان  
احکام الهی را بستان نمود

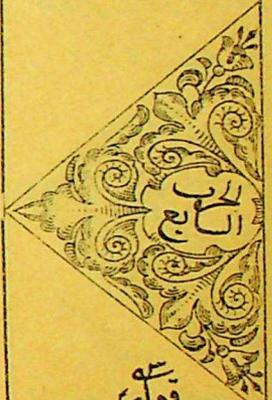
قول

الی الصراط المستقیم

بیت

را همدان راه بین دو راه

فی تحقیق نیت غیر خیر است



قول

سبعاً من المثانی

قرار است که کفایت اندک  
احکام و تصورات در شش شده  
یعنی کرا را یافته اند

قول

العظیم

بزرگست مرتبه آن نزد تو ۱۲

وَكَرَّمْ أَصْفِيَاكَ وَإِمَامَ أَوْلِيَاكَ وَخَاتِمَ

و بزرگترین برگزیدهگان تست و پیروی دوستان تست و آخر همه

أَبْيَاكَ وَحَبِيبِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَشَهِيدِهِ

بغیران تست و محبوب پروردگار عالمیان تست و کواچه دهنده

الْمُرْسَلِينَ وَشَفِيعِ الْمُذْنِبِينَ وَسَيِّدِ وَلَدِ

برای بغیران و شفاعت کننده گناهمکاران و بهتر اولاد

أَدَمَ أَجْمَعِينَ الْمَرْفُوعِ الذِّكْرِ فِي الْمَلِكَةِ

ادم همه برداشته شده ذکر او در فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّرِجِ النُّورِ الصَّادِقِ

که نزدیکان درگاه تواند بشارت دهنده و ترساننده چراغ روشن رستگو

الْأَمِينِ الْحَقِّ الْمُبِينِ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ الْهَادِي

ایمن حق ظاهر مهربان بخشاینده راه نماننده

إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَنْتَ سَبْعًا مِّنْ

سوی راه راست است که ده داده تو او را هفت آیت از

الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَهَادِي

قرآن و قرآن که بزرگست بغیر ما و بخوانی در آسمانی

الْأَمَةِ أَوَّلِ مَنْ تَشْرَعُ عَنْهُ الْأَرْضُ وَيُدْخِلُ الْجَنَّةَ

است نخستین که شکرته میبرد از روی زمین و داخل شود بهشت

قول سبحان ربك رب العرش العظيم  
یعنی بزرگوار است پروردگار عرش بزرگوار  
بزرگوار است پروردگار عرش بزرگوار  
بزرگوار است پروردگار عرش بزرگوار

وَاللَّوِيِّ حَبِيبِ

و قوت داده شده بحبیب

وَالْأَجْبَلِ الْمَدِينِ

و آنچه بر ک

مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ

محمد پسر عبد

اللَّهِ صَلَوَاتُ

خدا بر او و بر آئین او

يَسْجُونَ اللَّيْلِ

سجده میکنند شب

يَعِضُونَ اللَّهُمَّ

فرمانی نمی کنند خدا را در

اللَّهُمَّ وَمَا أَصْطَفَى

خدا را و آنچه برگزیده

عَلَى وَحَيْكَ وَهَادِي

بر روی خود و

لَهُمْ كَفَّ حُجُوكَ

برای ایشان بردهای پوشید

قول سبحان ربك رب العرش العظيم  
یعنی بزرگوار است پروردگار عرش بزرگوار  
بزرگوار است پروردگار عرش بزرگوار  
بزرگوار است پروردگار عرش بزرگوار

اول شش هفتاد  
قول سبحان ربك رب العرش العظيم  
یعنی بزرگوار است پروردگار عرش بزرگوار  
بزرگوار است پروردگار عرش بزرگوار  
بزرگوار است پروردگار عرش بزرگوار

قول المبتلى  
 در توبت موسی علیه السلام و در حدیثی از امام علی علیه السلام  
 بر او است قطعه ای از کتاب  
 موسی: وی گفت تو در روز برود و در کتاب  
 مقصود تو را زانویش: قوی من المنتخب  
 یعنی چیده شد از میان اهل نبوت  
 و اکابر برای نهایت تریب بدیده  
 قول ابن القاسم  
 القاسم باید قوی من المنتخب  
 یعنی یا خدیجه بنم تا قوی من المنتخب  
 سفره و بنم در غیر احکام و در غیر احکام  
 قول من سالك در غیر احکام و در غیر احکام  
 دیگر سوای سالك که تبارت نفسی است  
 رساننده است قول من سالك و سالك و سالك

قِيلَ وَمِيكَائِيلَ الْمُبَشِّرِينَ فِي التَّوْرَةِ  
 مژده داده شده آمدن وی در توبت

صَاطِفَى الْمُجْتَبَى الْمُنْتَبَى الْقَاسِمِ  
 چیده شده منتخب پر قاسم

اللَّهُ مِنْ عَبْدِ الْمُطَلِّبِ بْنِ هَاشِمٍ  
 پس عبد المطلب پسر هاشم

عَلَى مَلَائِكِكَ وَالْمُقَرَّبِينَ الَّذِينَ  
 بر فرشتگان خود و نزدیکان درگاه خود

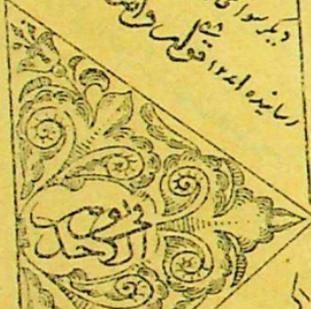
وَالنَّهَارَ لَا يَفْتَرُونَ وَلَا  
 و روزی نیست میگویند و

أَمْرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ  
 آنچه فرمایند از او میکنند آنچه فرموده شده اند

فَتَنَّهُمْ سَفَرًا إِلَى رُسُلِكَ وَأَمْنًا  
 تو ایشان را پیغام که زبان خود بوی پیغمبران خود و امانت داران

نَهَكَاءَ عَلَى خَلْقِكَ وَخَرَقْتَ  
 ایشان را بر آفرینش خود و پاره کردی تو

وَأَطْلَعْتَهُمْ عَلَى مَكْنُونِ  
 ای خود و دانا حشمت تو ایشان را بر پوشیده شده



الحمد  
 اگر چه این بر روی من است قبول سلام ای چون  
 آواز بعضی فرشتگان است نسبت کرده است  
 امانت را بوی همه ذرات جهان و معجزات  
 در روز اول که نور شده است  
 علی خلقک یعنی با کمال کرم  
 قول من سالك یعنی بنده بر او و غیرت  
 قول من سالك یعنی بنده بر او و غیرت  
 قول من سالك یعنی بنده بر او و غیرت  
 قول من سالك یعنی بنده بر او و غیرت

علمی مخلوق داد و دیگر از او آید  
 پنهان در کتب و در کتب  
 و ازین لازم می آید که در کتب  
 و کتب ان عالم باشند و در کتب  
 علم دادند بکرم و در کتب  
 شان را از علم دادند بکرم  
 شان را از علم دادند بکرم

قوله

شهيد المرسلين

یعنی که ای بر ائمه غیران در روز قیامت برسانیدن ایشان احکام الهی را بپشتان خود ۱۱

قوله

الى الصراط المستقيم

بیت

راه سیدان را بین دو راه

فی تحقیقت نیت خیر را

وَكَرِهَ اصْفِيَاكَ وَاِمَامًا وَاَوْلِيَاكَ وَخَاتِمَ

و بزرگترین برگزیدهگان توست و پیغمبری در ستان توست و آخر همه

اَنْبِيَاكَ وَحَبِيبِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَشَهِيدَهُ

پیغمبران توست و محبوب پروردگار عالمیان توست و گواهی دهنده

الْمُرْسَلِينَ وَشَفِيعِ الْمُذْنِبِينَ وَوَسِيْدِ وَاَوْلَادِ

برای پیغمبران و شفاعت کننده گناهکاران و بهتر اولاد

اَدْمًا اَجْمَعِينَ الْمَرْفُوعِ الَّذِي كَرِهِيَ الْمَلٰٓئِكَةُ

ادم همه برداشته شده ذکر او در فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ الْبَشِيْرَ الَّذِي رَاحَ الْبَشِيْرُ الصَّادِقِ

که نزدیکان درگاه تو اند بشارت دهنده و رساننده چراغ روشن رستگاری

الْاٰمِيْنَ الْحَقِّ الْمُبِيْنَ الرَّوْفِ الرَّحِيْمِ الْهَادِيَ

ایمن حق ظاهر مهربان بخشنده راه نایب

اِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيْمِ الَّذِي اَنْتَ سَبْعًا مِّنْ

سوی راه راست علی که ده داده تو او را هفت آیت از

الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيْمِ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَهَادِيَ

قرآن و قرآن که بزرگست پیغمبر مهربان در آسمانی

الْاُمَمِ اَوَّلًا مِّنْ تَشْرُوعِهَا الْاَرْضُ وَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ

است نخستین که شگفته میگردد از روی زمین و داخل شود بهشت



قوله

سبعاً من المثاني

قرآن است ده کفایت اندک آنکه احکام و قصص درودش شده ۱۱

یعنی که آیه آنده

۱۲

قوله

العظيم

بزرگست مرتبه آن نزد تو ۱۲

Handwritten marginal notes in Arabic script, including phrases like 'اول من...' and 'بني...'.



۲۲۴  
 خبیثک اکثر غایب است  
 از نظر آنکه ایگان ۱۲ قوله اکثر غایب است  
 یعنی شکر ای صفت بسیار است  
 و ایسان بر بیان دیگر حیوانات می آید  
 در اشکان بسیار برین بابت که الوری  
 قوله فضلتهم علی الوری  
 از جهت آنکه در حق خود سبب آن بود  
 و بزرگی از روی جهت که در اشکان  
 علی خبیثه بران وجه است که در اشکان

علیم السلام افضل از عمار است از  
 در قولی از اشکان افضل از عمار است  
 کونان و عمار بن هوشان افضل از عمار است  
 چون عظام قطعه حیث است که در اشکان  
 از کبریتش بر او خوب خورد که در اشکان  
 قولی از اشکان افضل از عمار است  
 اشکان علی بن الحلی بنع من در اشکان  
 از کبریتش بر او خوب خورد که در اشکان  
 قولی از اشکان افضل از عمار است  
 اشکان علی بن الحلی بنع من در اشکان

غَيْبِكَ وَاخْتَرْتَ مِنْهُمْ خَزَنَةَ لِحْيَتِكَ وَحَمَلَةَ

غیب خود و اختیار کردن از ان نجیبان برای بخت خود و در دارند که

لِعَرْسِكَ وَجَعَلْتَهُمْ مِنْ أَكْثَرِ جُودِكَ وَفَضَلْتَهُمْ

برای عرس خود و کردارین تو آنرا از بیشترین شکرهای خود و بزرگی دادن تو این ترا

عَلَى الْوَرَى وَأَسَكَنْتَهُمُ السَّمَوَاتِ الْعُلَى وَنَوَّهْتَهُمْ

بر فلق و ساکن ساختن تو ایشانرا در آسمانهای بلند تر و پاک ساختن تو ایشانرا

عَنِ الْمَعَاصِي وَاللَّنَائِبِ وَقَدَّسْتَهُمْ عَنِ النَّقَائِصِ

از نافرمانیها و خطیاسته کنی و پاکیزه کردارین تو ایشانرا از نقائصها

وَالْآفَاتِ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً دَائِمَةً تَرْتَدُّ هُمْ

در بنجا بس درود بفرست بر ایشان در رو و یکو همیشه باشد که سیزدهای تو ایشانرا

بِهَا فَضْلًا وَتَجْعَلْنَا لِإِسْتِغْفَارِهِمْ بِهَا هُدًى

بسبب آن بزرگی و کردار تو مایه را برای آمرزش خواستن آنها بسبب سزاوار

اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَىٰ جَمِيعِ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ الَّذِينَ

خدایا درود بفرست بر همه پیغمبران خود و مرسلان خود که

شَرَحْتَ صُدُورَهُمْ وَأَوْدَعْتَهُمْ حِكْمَتَكَ وَ

کش دو کرده تو سینهای اینان و امانت گذاشتی نزد اینان حکمت خود را و

كَوَّنْتَهُمْ بُيُوتَكَ وَأَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ كِتَابَكَ وَهَدَيْتَ

مانند طوق برای آنها بنوت خود را و فرو فرستادی تو بر ایشان کتابهای خود را و راه نمودی تو



کتاب کرده در سینهای اینان را آنسانان خود چون  
 فلق و عظام است در کعبه است در سینهای اینان  
 و کونان سینهای اینان است در کعبه است در سینهای اینان  
 انحضرت در صلبی اصداد است در سینهای اینان  
 در هم در کعبه است در سینهای اینان  
 سوم که نشسته افکند و طوق هم تقویات  
 و کردارین سینها را بر اینان است در سینهای اینان  
 در کعبه است در سینهای اینان  
 فلق که کتب است در سینهای اینان  
 در کعبه است در سینهای اینان  
 در کعبه است در سینهای اینان

آنرا در کعبه است در سینهای اینان  
 در کعبه است در سینهای اینان  
 در کعبه است در سینهای اینان  
 در کعبه است در سینهای اینان





فکر که الله یعنی خود  
سختی به او است هر کسی بفریب از آن  
بگریزد که خدا را که او میباید  
در آن ذات است

فِي الْكِتَابِ النَّبِيِّ عَبْدَ اللَّهِ النَّبِيِّ كُنْزَ اللَّهِ النَّبِيِّ

در هر کتابی پیغمبری که بنده خداست پیغمبری که گنجینه خداست پیغمبری که

حُجَّةَ اللَّهِ النَّبِيِّ مَنْ اطَاعَهُ فَقَدْ اطَاعَ اللَّهَ وَ

تجوه خداست پیغمبری که هر که اطاعت کرد او را بر تحقیق اطاعت کرد خدای را و

مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ النَّبِيُّ الرَّبِّيُّ الْقُرَشِيُّ

هر که نافرمانی کند بر تحقیق نافرمانی کند خدای را پیغمبری که عربی قرشی

الزَّمْرِيُّ الْمِيكِيُّ التِّهَامِيُّ صَاحِبَ لُجَّةٍ لِحَمِيدٍ

زمری که تهمی میکی تهامی صاحب لوجه حمید

وَالطَّرْفِيُّ الْحَمِيدِيُّ وَالنَّدِيُّ الْأَسِيدِيُّ وَالْكَوْفِيُّ وَ

وطفی که حمیدی وندی که اسیدی و کوفی و

السَّلْبِيُّ قَاهِرَ الْمُضَادِّينَ مِنْ مُبِدِّ الْكَافِرِينَ

سلبی که غالب بر مخالفان هلاک کننده کافران

وَقَاتِلِ الْمُشْرِكِينَ قَاتِلِ الْغُرَّ الْمُحْجَلِينَ إِلَى جَنَاتِ

وکننده مشرکان از پیش گرفته انازه که پیش از دست یاران رنج بود بهر بهشتیها

النَّبِيِّمْ وَجَوَارِدِ الْكِرَامِ صَاحِبِ جَبْرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

پادشاهت و پناه خدای گشته یار جبرئیل بر دی باد سلام

وَمُرْسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَشَفِيعِ الْمُذْنِبِينَ وَغَايَةَ

و پیغمبر رسالت پروردگار عالمیان و شفاعت کننده گناهکاران و غایت

بجملات حق که حضرت می فرموده و آنست که خدای تعالی  
هر جمله که در کتاب است از او است و هر کس که در کتاب  
عاقبت من و پیغمبر است از او است و هر کس که در کتاب  
پادشاهت و دولت است از او است و هر کس که در کتاب  
تاریخ است از او است و هر کس که در کتاب  
توسعه کردن است از او است و هر کس که در کتاب  
عقل مجاز به ندارد و از او است



فکر که الله یعنی خود  
سختی به او است هر کسی بفریب از آن  
بگریزد که خدا را که او میباید  
در آن ذات است

فکر که الله یعنی خود  
سختی به او است هر کسی بفریب از آن  
بگریزد که خدا را که او میباید  
در آن ذات است



قولی در بیان کبریا زان فکوه  
قولی که در بیان کلام نبوت  
قولی که در بیان کبریا زان فکوه  
قولی که در بیان کلام نبوت  
قولی که در بیان کبریا زان فکوه  
قولی که در بیان کلام نبوت

كَلِمًا وَاَوْفَاهَا زِمَامًا وَاَصْفَاهَا رَغَامًا

از روی کلام و تمام ترین آن از روی حمت و صاف ترین آن از روی خاک

فَاَوْضَعَ الطَّرِيقَةَ وَنَصَحَ النُّلَيْقَةَ وَشَهَّرَهُ

بس روشن ساخت راه اسلام را و پند داد مردم را و مشهور ساخت

الْاِسْلَامَ وَكَسَّرَ الْاِضْطَامَ وَاظْهَرَ الْاِحْكَامَ وَا

اسلام را و شکست بنا را و آشکارا ساخت احکام دین را و

حَظَرَ الْحَرَامَ وَعَمَّ بِالْاِنْفَامِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ

منع کرد از حرام و شامل شد پیران خود را بدون مقام درود فرستند خدای ب روی و

عَلَى الْاَيْدِي فِي كُلِّ مَحْفَلٍ وَمَقَامٍ اَفْضَلُ الصَّلَاةِ

بر آل وی در هر مجلس و مقام بزرگترین درودش

وَالسَّلَامُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَلَى اٰلِهِ عُوْدًا وَاَوَّلًا

و سلام درود فرستند که بر وی و بر آل وی در حالی که باز کرده و نویسد تا

صَلَاةٌ تَكُوْنُ نَجِيْرَةً وَاَوْفَا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

درودیک باشد ذخیره وورد درود فرستند خدای ب روی

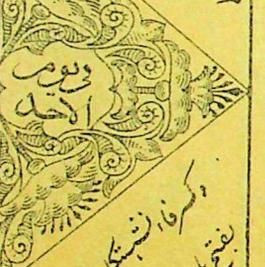
وَعَلَى اٰلِهِ صَلَاةٌ قَامَةٌ زَاكِيَةٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

در آل وی درودیک کامل است پاکیزه است درود فرستند خدای ب روی

وَعَلَى اٰلِهِ صَلَاةٌ يَتَبَهَّرُ رُوْحٌ وَرِيْحَانٌ وَ

در آل وی درودیک در پی آید از رحمت و روزی جاودانه و

قولی که در بیان کبریا زان فکوه  
قولی که در بیان کلام نبوت  
قولی که در بیان کبریا زان فکوه  
قولی که در بیان کلام نبوت  
قولی که در بیان کبریا زان فکوه  
قولی که در بیان کلام نبوت



دوم الاخذ  
قولی که در بیان کبریا زان فکوه  
قولی که در بیان کلام نبوت  
قولی که در بیان کبریا زان فکوه  
قولی که در بیان کلام نبوت

قولی که در بیان کبریا زان فکوه  
قولی که در بیان کلام نبوت  
قولی که در بیان کبریا زان فکوه  
قولی که در بیان کلام نبوت  
قولی که در بیان کبریا زان فکوه  
قولی که در بیان کلام نبوت





و در بعضی نسخ این صیغه را در روز با و شبها

بلازمین چنانکه اشارت شده آن کرده شده است

الذاهدان در غیب در دنیا و غیره از این صیغه

الإِصْطِلَاقُ وَالْإِصْطِلَاقُ بِتَعَاقُبِ أَيَّامِهِ وَاللَّيَالِي

بیتست آمدن آن ولی روزی آمدن آن کی رسید که آئینه آبی در پی آمدن روز با و شبها

الْبَرَكَاتِ الْحَبْرِيَّةِ وَاللَّيَالِي وَاللَّيَالِي وَاللَّيَالِي

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الرَّاهِدِ رَسُولِ

خدا یا درود بفرست بر محمد که پیغمبر زاهد فرستاده

الْمَلِكِ الصَّمَدِ الْوَاحِدِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پادشاه بزرگوارست یگانه صلوات درود فرستاده ای بروی و سلام

صَلْوَةٍ دَائِمَةٍ إِلَى مُتَهَيِّئِ الْأَبَدِ بِلَا انْقِطَاعٍ

درودیک همیشه باشد تا پایان رسیدن زمانه بی شکستگی

وَلَا نَفَادٍ صَلْوَةٍ يُجْنِبُهَا مِنْ رِجْهِمْ وَ

دی نماند درودیک سلامت کردا که تو ما را از آن از گریه دوزخ و

بَيْسِ الْمَهَادِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ

بزرگوارست خدا یا درود بفرست بر سردار ما محمد که پیغمبر

الْأَمِيِّ وَعَلَى آلِهِ وَسَلَّمَ صَلْوَةً لَا يَحْصِي لَهَا عَدَدٌ

ایست و بر آل او صلوات و سلام درودیک شمار کرده نشود مراتب او را شمار

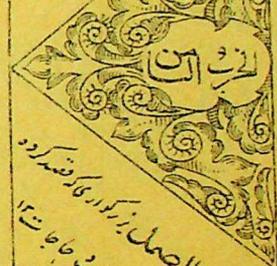
وَلَا يُعَدُّ لَهَا مَدَدُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلْوَةً

و شمارده نشود مراتب او را آینه خدا یا درود بفرست بر محمد درودیک

وَلَا يُعَدُّ لَهَا مَدَدُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلْوَةً

و شمارده نشود مراتب او را آینه خدا یا درود بفرست بر محمد درودیک

عین صیغه است که در روز با و شبها در بعضی نسخ این صیغه را در روز با و شبها بلازمین چنانکه اشارت شده آن کرده شده است الذاهدان در غیب در دنیا و غیره از این صیغه



فوق ذکر الصلوات بزرگوار که فرستاده میشود بزرگوار در روز و شبها حاجات خود در صفات او بفرست و شکر بگو خود در صفات او بفرست و شکر بگو

و شمارده نشود مراتب او را آینه خدا یا درود بفرست بر محمد درودیک

فوق سخی

درد دوات که به تراز بود که در تراز بود

درد دوات که به تراز بود که در تراز بود

درد دوات که به تراز بود که در تراز بود

درد دوات که به تراز بود که در تراز بود

درد دوات که به تراز بود که در تراز بود

درد دوات که به تراز بود که در تراز بود

درد دوات که به تراز بود که در تراز بود

درد دوات که به تراز بود که در تراز بود

درد دوات که به تراز بود که در تراز بود

درد دوات که به تراز بود که در تراز بود

تَكْرُمُ بِهَا مَثْوَاهُ وَتَبْلُغُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ

بزرگ کردانی سبب آن منزل ادرا و برساند سبب آن روز قیامت ار

السَّفَاعَةِ رِضَاةُ اللَّهِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ

پذیرفتن شفاعت خوشنودی ادرا حسد با درود بفرست بر محمد که پیغمبر

الْأَصِيلِ لِسَيِّدِ النَّبِيِّ الَّذِي جَاءَ بِالْوَحْيِ

استوار سوار بزرگ است که آورد وحی را

وَالْتَّزِيدِ وَأَوْحَى بَيَانَ التَّأْوِيلِ وَجَاءَهُ

دختران را در روشن ساخت تفسیر قرار از دانه ادرا

الْأَمِينِ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْكَرَامَةِ

فرشته با امانت جبرئیل بر وی باد سلام به بزرگ

وَالْقَضِيلِ وَأَسْرَى بِهِ الْمَلِكُ الْجَلِيلُ فِي

دانشنده دسیر کن بنده از بادشاه که بزرگ در

اللَّيْلِ الْبَهِيمِ الطَّوِيلِ فَكَشَفَ لَهُ عَنْ

شب تاریک طله دراز بس برکش در برای او برده که از

أَعْلَى الْمَلَكُوتِ وَأَرَادَ اسْتِئْثَانَ الْجَبْرُوتِ

عالم غیب که برترت و نمود آنرا بنده مرتبه بر همه آفرینش

وَنَظَرَ إِلَى قَدْرَةِ اللَّهِ إِلَى الدَّائِمِ الْبَاقِي الَّذِي

دیکه در دلبوی آنقدرت خدای که زنده همیشه با سنده است که

درد دوات که به تراز بود که در تراز بود  
درد دوات که به تراز بود که در تراز بود  
درد دوات که به تراز بود که در تراز بود  
درد دوات که به تراز بود که در تراز بود  
درد دوات که به تراز بود که در تراز بود  
درد دوات که به تراز بود که در تراز بود  
درد دوات که به تراز بود که در تراز بود  
درد دوات که به تراز بود که در تراز بود  
درد دوات که به تراز بود که در تراز بود  
درد دوات که به تراز بود که در تراز بود

درد دوات که به تراز بود که در تراز بود  
درد دوات که به تراز بود که در تراز بود  
درد دوات که به تراز بود که در تراز بود  
درد دوات که به تراز بود که در تراز بود  
درد دوات که به تراز بود که در تراز بود  
درد دوات که به تراز بود که در تراز بود  
درد دوات که به تراز بود که در تراز بود  
درد دوات که به تراز بود که در تراز بود  
درد دوات که به تراز بود که در تراز بود  
درد دوات که به تراز بود که در تراز بود



قول  
لامیوت

و انحضرت علی علیه السلام  
در آن شب بسیار عجیب و غریب  
دید جانچه بعضی از آن در کتب  
احادیث مذکور  
کر دیده

قول  
والافضال

این عبارت دو معنی دارد یکی آنکه  
در روای فرستد که زیاد کند  
بان درود این صفات برای دست  
فنا شده است انحضرت  
علیه السلام



قول  
دوم آنکه

در ذات این درود این  
صفات باشد  
دوم آنکه  
عده الاضفار  
بشمار جو بیایم که میروند بر زمین خانی  
و در بنت جاودا

قول  
الصحاری

بفتح را در سنتها  
۱۴

لَا يَمُوتُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَوةً

نمیدد درود فرستد خدای پروردی و سلام درود یک

مَقْرُونَةٌ بِالْجَمَالِ وَالْحُسْنِ وَالْكَمَالِ وَ

تردیک شده باشد بخوبی و سیکوکی و نهایت زیبایی و

الْخَيْرِ وَالْإِفْضَالِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

بهتری و بزرگی حسد اید درود بفرست بر محمد و

عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عِدَّةَ الْأَقْطَارِ وَصَلِّ عَلَى

بر آل محمد بشمار کناره های آسمان و درود بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عِدَّةَ وَرِقِ الْأَسْتِجَارِ

محمد و بر آل محمد بشمار برگ درختان

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عِدَّةَ

درود بفرست بر محمد و بر آل محمد بشمار

زَيْدِ الْبَحَارِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

کف دریاها و درود بفرست بر محمد و بر آل محمد

عِدَّةَ الْأَفْئَارِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ

بشمار جو بیجا و درود بفرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ عِدَّةَ رَمْلِ الصَّحَارَى وَالْقِفَارِ

محمد بشمار یک بیابانها و دشتها

قول صحاری  
بفتح را در سنتها

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ

دورود بفرست بر محمد و بر آل محمد بنهار

تَقْتُلُ الْجَبَالَ وَالْأَجْمَارَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بار که بها دستگیری دورود بفرست بر محمد

وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَهْلِ

و بر آل محمد بنهار ساکنان بهشت و باشندگان

النَّارِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ

دو نوبت دورود بفرست بر محمد و بر آل محمد

عَدَدَ الْأَبْرَارِ وَالْفُجَّارِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بنهار نیکوکاران و بدکاران دورود بفرست بر محمد

وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا خْتَلَفَ بِهِ الْبِلَدُ

و بر آل محمد بنهار از حالی بجای دیگر میشود آن شب

وَالنَّهَارُ وَأَجْعَلْ لِلَّهِ صَلَاتًا عَلَيْهِ

دورود در کردان خدایا دورود مایان را بر روی

حَبَابًا مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَسَبًّا لِلْإِبَاحَةِ

برده از عذاب دورود و سبب برای روا بودن نعمتهای

دَائِرِ الْقَرَارِ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ وَصَلَّى

سرای پاینده بدستیکه تویی غالب آمرزگار دورود فرستد

تو که نقل کبریا رسکون تاق بی  
بنهار اجرای بار  
البل والنهار مثل تا کبریا رسکون تاق بی  
دورودی کو تا سه کرمی و سه کرمی و چهار  
دوران بس زمانه بهشت و هر روز در هر ساعت  
دو روزم بمقتضای قدرت علم و حکمت یادش  
شماره مختلف است و این نسبت را درین متن  
نموده است نظم زیارت آن صلوات  
پیش از آن که در روی کار باز شود



روزه عیون است مسلم و سالک کرمی بیان  
بسیار است در زبان آدمی پس چینی  
نظایف او گفتند چینی زبان سیم مهارت  
تو که از عالم بیخفت ۱۱  
الغریز یعنی غالب استی بر هر چیز  
نورده ۱۱ قول الغفار آمرزگار  
کتابان ۱۱

سیدنا محمد و آله الطیبین  
و سلم  
در بعضی نسخه های مشرق  
بر در کتبت لطیفه بزرگ  
صلی الله علیه و آله و سلم  
عقل و نقل بر نبوت رسیده و در قرآن در آیات  
و سار کتبت پیشانیان مذکور کرده و در بعضی  
سیادت در حق او هم در کتب و بعضی  
غنی از بیانات و ایام شریفه ذکر کرده

اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ وَ

خدا بر رئیس مایان محمد و بر آل دی که پاک هستند

ذُرِّيَّتِهِ الْمُبَارَكِينَ وَ صَحَابَتِهِ الْأَكْرَمِينَ

ذریه او که افزون داده شده اند و یاران او که بزرگوارند

وَأَزْوَاجِهِ الْمُؤْمِنَاتِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَةٌ

و زنان او که مومنانند درودیک

مَوْصُولَةٌ تَتَرَدُّ دُ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ اللَّهُمَّ

پیوسته باشد آمدن آن بی دردی آمد باشد تا روز پاداش حسنه ای

صَلِّ عَلَى سَيِّدِ الْأَبْرَارِ وَ ذِي الْمُرْسَلِينَ

درود بفرست بر رئیس سبکو کاران و زیباترین پیغمبران

الْأَخْيَارِ وَ الْكُرَمِيِّنَ أَظْلَمَ عَلَيْهِ الْبُيُوتُ وَ

که بهتر اند و بزرگترین کسی که تاریک شده است بر دی شب

أَشْرَقَ عَلَيْهِ النَّهَارُ ثَلَاثًا اللَّهُمَّ يَا ذَا

روشن شده است بر دی روز بگوید این را سه بار حسد یا ای خداوند

الْمِئِنِّ الَّذِي لَا يَكْفِي أَمْتِنَانُهُ وَالطُّوْلِ

احسان که پاداش داد نمیشود نعمت دادن او را و بزرگ داری

الَّذِي لَا يُجَازِي إِعْطَاءَهُ وَ إِحْسَانُهُ

پاداش داد نمیشود بخشش او را و سبکو داری او را



برقانت باشماست و ای لایق و سبکو  
عبیت قبیله ای است  
و خبر قنات اقبال او نبی است  
قولش ثلثا در بعضی نسخه این لفظ  
نیامد و انجیب او رو  
کتاب تمام شد و چنین

دعای او را و بعد از او  
قولش در انجیب او  
نعمتهای خدا بی پایانت و سبکو  
از شکر او با نواز اجمان او سبکو  
و اتوات بیت  
که مراد مومنان کرد زبان ثلثا  
شکرهای تو نباید در بیان



ربا

در کون مکان نیت عیان خبر کنی

نظارت آن نور با نواع ظهور

حق نور تنوع ظهورش عالم

توحید همینست ذکر و تسبیح

قول الحسنی

مراد این اسمان و زمین نام اند که در

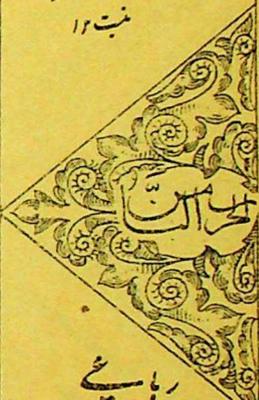
حدیث شریف آمده که احدی دعا

نموده نام آن کسی یاد میکرد آن دعا

در بهشت در آید اگر چه اسماء

بسیارند و مختصرین

نیت ۱۲



ربا

که برده لطف نماید راه

در راه و بچاکس کرد آگاه

آنکه که راه رسد باین نیت

توفیق فریق آرزو شود و او قیام

معنی دعا

عاجیه

تسبیح النور

قول الحسنی

در حشر این دعا

قول الحسنی

ان دعا که در بهشت

در حشر این دعا

اسْمَايْكَ اِلَيْكَ وَ اَشْرَفِيَا عِنْدَكَ مَازِلَةً

نامهای تو بسوی تو و بلندترین آنها نزد تو از روی مرتبه

وَ اَخْرُجِيَا عِنْدَكَ ثَوَابًا وَ اَسْرَعِيهَا مِنْكَ

و بزرگترین آنها نزد تو از روی پاداش و زودترین آنها از تو

اِجَابَةً وَ بِاسْمِكَ اَلْمُخْزَوِي الْمَكُونِ الْجَلِيلِ

از روی قبول کردن و بوسیله نام تو که نکاهشته و پوشیده شده است بزرگ

الْاَجَلِ الْكَبِيرِ الْاَكْبَرِ الْعَظِيمِ الْاَعْظَمِ الَّذِي

بزرگترین بزرگ بزرگترین بزرگ بزرگترین بزرگترین بزرگترین

سُئِلَ وَ قَرَضَى عَمَّنْ دَعَايِهِ وَ تَسْتَجِيبُ

دوست داری آنرا و حشود و شوی تو از کسی که دعا میکند ترا بوسیله آن و قبول میکند

لَهُ دُعَاؤُهُ اَسْأَلُكَ اللّٰهَ بِدَلَالَةِ الْاَنْتَ

برای آن دعا او را سوال میکنم ترا خدا را بوسیله آنکه نیت هیچ عبودی سزاوارترش نکرد

الْحَيَّ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ

مهربان نعمت دهنده آفریننده آسمانها و زمین

ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ عَالِمُ الْغَيْبِ الشَّهَادَةِ

حسداوند بزرگ و کرم کردن داننده پوشیده و ظاهر

الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ وَاَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ

بزرگ بلند و سوال میکنم ترا بوسیله نام تو که بزرگ

بسیارند و مختصرین نیت ۱۲ در حشر این دعا قول الحسنی ان دعا که در بهشت در حشر این دعا

الاعظم الذي اذا دعيت به اجبت و اذا

بزرگتر که چون دعا کرد شوی باو قبول میکنی و چون

سئلت به اعطيت و اسالك باسمك الله

خواستگی شوی باو میدی و سوال میکنی ترا بوسیله نام تو که

يدل لعظمته العطاء والملوك والسباع

فروزمیشوند برای بزرگان آن بزرگان و پادشاهان و درندگان

والموتوم وكل شئ خلقته يا الله يا رب

و گزندگان و هر چیزیکه پیدا کرده تو ادرا ای خدای ای پروردگار

استب دعوتی يا من له العزة والجبوت

قبول فرما دعای مرا ای کسیکه نابتت مراد او بزرگی و عظمت

يا ذا الملك والملكوت يا مروهو حي لا يموت

ای خداوند عالم ظاهر و عالم غیب ای کسیکه زنده است هرگز نمیرد

وسبحانك رب ما اعظم شانك و ارفع

بپاکی یاد میکنم ترا ای پروردگاری چه بزرگی که بزرگی کردی مرتبه ذات ترا و بزرگی کردی

مكانك انت ربني يا متقدما في

شان ترا تو ای پروردگاری من ای پاک

جبروتك اليك ارجب و اياك اترهب يا

صفات خود بسوی تو رعیت میکنم و از تو میترسم ای

فوق  
الاعظم یعنی بزرگتر از همه است  
فوق الملوك العظما  
بزرگتر از همه پادشاهان  
یعنی تمام میباشند برای بزرگی آن نام  
بزرگان یعنی آنکه خدایانی که ایشان را  
بزرگی داده چنانکه فرشتگان و پادشاهان  
بزرگ و دیگر بزرگی دارند در تمام عالم  
فوق  
السباع کبیرین ۱۲

فوق الملوك  
یعنی بزرگتر از همه پادشاهان  
فوق الملوك العظما  
بزرگتر از همه پادشاهان  
یعنی تمام میباشند برای بزرگی آن نام  
بزرگان یعنی آنکه خدایانی که ایشان را  
بزرگی داده چنانکه فرشتگان و پادشاهان  
بزرگ و دیگر بزرگی دارند در تمام عالم  
فوق  
السباع کبیرین ۱۲

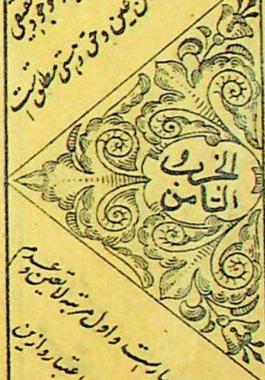
این صفات خود را بر تمام است از بزرگترین  
رسم  
فوق یعنی از تو میترسم و از تو میترسم  
فوق یعنی از تو میترسم و از تو میترسم  
فوق یعنی از تو میترسم و از تو میترسم





۲۴۳  
 دل نومی مسکون  
 بداران موغلاز عجب کلام رب الایاب بدول  
 بونن بار دکهای معارف و اسرار از ان  
 در دین داناوار طاعت و عبادت بر جوارح اذکار  
 کرد و اول قول خستیک لطیف  
 که از قول کاتبانه از غیب و  
 اسکنار باشد قطع کردی طاعتی  
 از پیش ازین برین در کنگارای غیب  
 زلفش دل بر داری بند بانی برین

و قول که لطافت بیرون از غایت  
 ای خیز غفلت در مسافت  
 غایت و کافایت  
 ذات صفات انانی  
 نمودت بی ذات او را به دون  
 بودن ای تو زبان از جاکان  
 عبادی و وقت اهل حق  
 جز که بی غایت و ان غیب  
 وقت بی غایت



الذین آمنوا  
 اول و امر است بسبب است و اول تر است تا بعد  
 انحصار و طهارت از هر قسب و اعتقاد ازین  
 خستیت شریعت از افسان و لغت و صفات و لغت  
 از دلالت الفاظ و لغات و فعل و ادق و جلال  
 زبان عبارتت و عقل اینکه کمال او کسان  
 اتانته مبارک کشف از او را که حقیقت در چند  
 و هما صاحب علم از دانش قبح موعظت در هر  
 غایت فن ان از وی بی غایت نهایت عرفان  
 وی جز ان اهل تحقیق از اعتقاد که ذات  
 هست حق بر او او اندر شمای تفکرا  
 در پس او که ان بر تمامه بنام او و روشه  
 تفکروا فی صفات معانی افکروا فی  
 ذانده برین نه آن ذات که شریعت از جمیع  
 تعقیبات تصور نیست که درین عبودیت از جمیع  
 قول علی انانیت و قیقه که در آن کمال  
 قدرت و عظمت حق سبحان و تعالی که در آن کمال  
 اولی اختار که اوست برین تعالی که در آن کمال  
 از تعالی که اوست برین تعالی که در آن کمال  
 که از تعالی که اوست برین تعالی که در آن کمال

تَرَعُ الْخَيْرِ فِي قُلُوبِهِمْ وَتَحَوُّ الشَّرَّ إِذِ اشْتَمَ مِنْهُمْ

کست میکند بسکون او در کما این و بارود میکند بی روی او قتی که بخواسه از این ان

فَاسْأَلْكَ اللَّهُمَّ أَنْ تَحْوِيَ مِنْ قَلْبِي كُلَّ شَيْءٍ مَكَرَهُهُ

بس سوال میکنم ترا خدا یا آنکه ناپود کرد از دل من هر چیزیکه ناپسند داری تو او را

وَأَنْ تَحْتَوِيَ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ وَمَعْرِفَتِكَ وَ

د آنکه بر کردا ن دل مرا از ترس خود و شناخت خود

رَهْبَتِكَ وَالرَّغْبَةَ فِيمَا عِنْدَكَ وَالْأَمْنَ وَ

ترسیدن از تو و خواهش در چیزی که نزدت در این بودن

الْعَافِيَةَ وَاعْظِفْ عَلَيْنَا بِالرَّحْمَةِ وَالْبَرَكَاتِ مِنْكَ

تندرستی و مهربانی کن بر ما یان به بخشش و از فرود نیرد خودی از کم خود

وَأَهْمِنَا الصَّوَابَ وَالْحِكْمَةَ فَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ

در دل انداز ما یا تو بسکون را و دانش را بس سوال میکنم ترا خدا یا

عِلْمَ الْخَائِفِينَ وَأَبَابَةَ الْخَائِبِينَ وَإِخْلَاصَ الْمُؤَقِنِينَ

علم ترسندگان و بازگشتن فروتنان و پاک شدن نیت مثل یکسان

وَشُكْرَ الصَّابِرِينَ وَتَوْبَةَ الصَّادِقِينَ وَتَسْأَلُكَ

د سپاس گذاری مثل شکیبای کنندگان و توبه راستکاران سوال میکنم ترا

اللَّهُمَّ يَنْوِرْ وَجْهَكَ الَّذِي مَلَآ أَرْكَانَ جَنَّاتِكَ

خدا یا بوسیله نور ذات تو که پر کرده است گوشه های عرش ترا ان

اللَّهُمَّ يَنْوِرْ وَجْهَكَ الَّذِي مَلَآ أَرْكَانَ جَنَّاتِكَ

اللَّهُمَّ يَنْوِرْ وَجْهَكَ الَّذِي مَلَآ أَرْكَانَ جَنَّاتِكَ  
 اولی اختار که اوست برین تعالی که در آن کمال  
 از تعالی که اوست برین تعالی که در آن کمال  
 که از تعالی که اوست برین تعالی که در آن کمال



وَاعْفِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِوَالِدَيْنا وَأَسْتادِينا وَمَسْأَلِنا وَالحِكامَةِ السَّالِمِينَ  
 اجمعين اللهم صل على بدو النعماء وعلى نور الظلام وعلى مفتاح التقليل  
 وعلى الشفيح في جميع الأقاليم برحمتك يا أرحم الراحمين أربع عشر

## هذه الدعوات أعقبتكم لأجل الخير

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ اشْرَحْ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ صُدُورنا وَبَيِّرْ بِها أُمُورنا وَفَرِّجْ بِها  
 هُمُورنا وَكشِفْ بِها غُمُورنا وَاعْفِرْ بِها ذُنُوبنا وَاقْضِ بِها دِيُوننا وَ  
 اصْلِحْ بِها أَحْوالنا وَبَلِّغْ بِها مآلنا وَتَقَبَّلْ بِها تَوْبَتنا وَاغْشِلْ بِها  
 حَوْبَتنا وَانْصُرْ بِها حُجَّتنا وَطَهِّرْ بِها سِنَّتنا وَانْفِرْ بِها وَحْشَتنا  
 وَارْحَمْ بِها غُرْبَتنا وَاجْعَلْها نُورًا بَيْنَ أَيْدِينا وَ مِنْ خَلْفانَا وَعَنْ  
 أَيْماننا وَعَنْ شَمَائِلنا وَ مِنْ فَوْقنا وَ مِنْ تَحْتنا وَ فِي حَياتنا وَ مَوْتنا  
 وَ فِي حَشْرنا وَ نَشْرنا وَ طَلِّمَ يَوْمَ القِيامَةِ عَلَي رُؤْسنا وَ تَقَلِّبْ بِها مَوازِين  
 حَسانِنا وَادْمِمْ بِرِكاتِها عَلَينا حَتَّى نَلْقَى نَبِيَّنا وَسَيِّدنا مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ  
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَحَنِّ اِمْنُونَ مُطْمَئِنُونَ فَرِحُونَ مُسْتَبْشِرُونَ وَلا  
 تَفَرِّقْ بَيْنا وَبَيْنَهُ حَتَّى تُدْخِلنا مَدْخَلَهُ وَتَوَفِّيا اِلِى جِوارِهِ الكَرِيمِ  
 مَعَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَداءِ وَ  
 الصَّالِحِينَ وَحَسُنَ اُولَئِكَ رَفيقًا اللَّهُمَّ اِنَّا امْتايه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ  
 وَسَلَّمَ وَلَمْ نَعْرِهْ فَدَعِنَا اللَّهُمَّ فِي الدَّارينِ بِرُؤْيَيْهِ وَتَبَّتْ قُلُوبنا عَلَي حُبَّتِهِ وَ  
 اسْتَعْمَلنا عَلَي سُنَّتِهِ وَتَوَقَّنا عَلَي مِلَّتِهِ وَاحْشُرنا فِي رُفْقَةِ النَّاجِيَةِ وَ

وَخِزْيَةِ الْمُفْلِحِينَ وَانْفِعْنَا بِمَا انطَوَتْ عَلَيْهِ قُلُوبَنَا مِنْ حُبَّتِهِ صَلَّى اللَّهُ  
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ لاجِدٍ وَلَا مَالٍ وَلَا بَيْنٍ وَأُورِدْنَا حَوْضَهُ  
 الْأَصْفَى وَاسْتَقْنَا بِكَاسِهِ الْأَوْفَى وَيَسِّرْ عَلَيْنَا زِيَارَةَ حَرَمِكَ وَحَرَمِهِ  
 مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمِيتَنَا وَأَقِمْنَا الْإِقَامَةَ بِحَرَمِكَ وَحَرَمِهِ صَلَّى اللَّهُ  
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى أَنْ نَمُوتَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيْكَ وَنُقَسِّمُ بِهِ عَلَيْكَ  
 إِذْ هُوَ أَكْثَرُ مَنْ أَقْسَمَ بِحَقِّهِ عَلَيْكَ وَتَوَسَّلُ بِهِ إِلَيْكَ إِذْ هُوَ أَقْرَبُ  
 الْوَسَائِلِ إِلَيْكَ تَشْكُو إِلَيْكَ يَا رَبِّ قَسْوَةَ قُلُوبِنَا وَكَثْرَةَ ذُنُوبِنَا  
 وَطُولَ أَمَالِنَا وَفَسَادَ أَعْمَالِنَا وَتَكَاثُرَ عَنِ الطَّاعَاتِ  
 وَهَجُومَنَا عَلَى الْخَائِفَاتِ فَغَمَّ الْمُشْتَكَى إِلَيْهِ أَنْتَ يَا رَبِّ بِكَ  
 نَسْتَنْصِرُ عَلَى أَعْدَائِنَا وَأَهْسِنَا فَأَنْصُرْنَا وَعَلَى فَضْلِكَ تَوَكَّلُ  
 فِي صَلَاحِنَا فَلَا تَكُنْ إِلَى غَيْرِكَ يَا رَبَّنَا وَإِلَى جَنَابِ رَسُولِكَ صَلَّى  
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَسْتَسْتَعِينُ فَلَا تَبْعُدْنَا وَبِأَيْدِكَ نَفَقُ فَلَا تَطْرُدْنَا وَإِيَّاكَ نَسْأَلُ فَلَا  
 تُخَيِّبْنَا اللَّهُمَّ ارْحَمْ تَضَرُّعَنَا وَامْنِ خَوْفَنَا وَقَبَّلْ عَمَلَنَا وَأَصْلِحْ أَحْوَالَنَا  
 وَاجْعَلْ طَاعَتَكَ اسْتِعَانًا وَإِلَى الْكَيْرِ مَالَنَا وَحَقِّقْ بِالزِّيَادَةِ أَمَالَنَا وَأَخْتِمْ  
 بِالسَّعَادَةِ أَجَالَتَنَا هَذَا أَذْنُنَا ظَاهِرُ بَيْنِ يَدَيْكَ وَحَالُنَا الْأَخْفَى عَلَيْكَ  
 أَمْرُنَا فَتَرَكْنَا وَهَيْتُنَا فَارْتَبَكْنَا وَلَا يَسَعُنَا إِلَّا أَحْفُوكَ فَاعْفُ عَنَّا يَا خَيْرَ  
 مَأْمُولٍ وَالْكَرَمِ مَسْئُولٍ تَكَ عَفْوَ عَفْوٍ رَوْفٌ رَجِيمٌ بِالرَّحْمَةِ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ  
 عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

درودی که منسوبست بسوی حضرت غوث الاعظم رضی الله عنه

مسمی بکبریت احمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ أَبَدًا وَأَمْنِي بَرَكَاتِكَ سَرْمَدًا وَأَزْكِي  
تَحِيَّتِكَ فَضْلًا وَعَدَّةً وَأَسْئِ اسْلَامَكَ أَبَدًا مُجَدِّدًا عَلَيَّ أَشْرَفِ الْخَلَائِقِ  
الْإِنْسَانِيَّةِ وَتَجَمِّعْ الدَّقَائِقِ الْإِيمَانِيَّةِ وَطُورِ التَّجَلِّيَّاتِ الْإِحْسَانِيَّةِ  
وَمَهَبِطِ الْأَسْرَارِ الرَّحْمَانِيَّةِ وَالسُّبُطِ عَقْدِ النَّبِيِّينَ وَمُقَدِّمِ جَنِّشِ  
الْمُرْسَلِينَ وَقَائِدِ رُكْبِ الْأَنْبِيَاءِ الْمَكْرَمِينَ وَأَفْضَلِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ  
وَحَامِلِ لَوَاءِ الْعِزِّ الْأَعْلَى وَمَلِكِ أَرْزَمَةِ الْجَدِّ الْأَسْنَى شَاهِدِ اسْرَارِ الْأَزَلِ  
تَرْجَمَانِ لِسَانِ الْقَدَمِ وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ وَالْحِلْمِ وَالْحِكْمِ مَظْهَرِ السُّبُوحِ الْخَلْقِيِّ  
وَالْكَلْبِيِّ وَانْسَانِ عَيْنِ الْوُجُودِ الْعُلُوهِيِّ وَالسُّفْطِيِّ رُوحِ جَسَدِ الْكَوْنِيِّ وَسِرِّجِيَّاتِ  
الدَّارِيَنِ الْمُتَحَقِّقِ بِأَعْلَى ذُنُوبِ الْعِبُودِيَّةِ وَالْمُتَخَلِّقِ بِاسْرَارِ الْمَقَامَاتِ الْأَصْطَفَائِيَّةِ  
سَيِّدِ الْأَشْرَافِ وَجَامِعِ الْأَوْصَافِ الْخَلِيلِ الْأَعْظَمِ وَالْحَبِيبِ الْأَكْرَمِ نَبِيِّكَ  
الْعَظِيمِ وَرَسُولِكَ الْكَرِيمِ وَالْمُهَادِي إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ سَيِّدِ نَاوِ  
مَوْلَانَا مُحَمَّدِ بْنِ الْحَمُودِ بِالْإِجْبَادِ وَالْوُجُودِ الْفَاتِحِ لِكُلِّ شَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ  
نُورِ كُلِّ شَيْءٍ وَمَهْدَاهُ وَسِرِّ كُلِّ سِرٍّ وَسَنَاهُ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَإِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَخَاتِمِ  
النَّبِيِّينَ وَحَبِيبِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَعَلَى إِلَهٍ وَأَخْيَارِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَسَلَّمَ  
سَلَامًا كَثِيرًا عَدَدَ خَلْقِكَ وَرِزْقِ عَرْشِكَ وَمَرْضَى قَفْنِكَ وَمِدَادِ كَلِمَاتِكَ كُلَّمَا

درود است که منسوبست بسوی حضرت غوث الاعظم رضی الله عنه  
مسمی بکبریت احمر  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ أَبَدًا وَأَمْنِي بَرَكَاتِكَ سَرْمَدًا وَأَزْكِي  
تَحِيَّتِكَ فَضْلًا وَعَدَّةً وَأَسْئِ اسْلَامَكَ أَبَدًا مُجَدِّدًا عَلَيَّ أَشْرَفِ الْخَلَائِقِ  
الْإِنْسَانِيَّةِ وَتَجَمِّعْ الدَّقَائِقِ الْإِيمَانِيَّةِ وَطُورِ التَّجَلِّيَّاتِ الْإِحْسَانِيَّةِ  
وَمَهَبِطِ الْأَسْرَارِ الرَّحْمَانِيَّةِ وَالسُّبُطِ عَقْدِ النَّبِيِّينَ وَمُقَدِّمِ جَنِّشِ  
الْمُرْسَلِينَ وَقَائِدِ رُكْبِ الْأَنْبِيَاءِ الْمَكْرَمِينَ وَأَفْضَلِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ  
وَحَامِلِ لَوَاءِ الْعِزِّ الْأَعْلَى وَمَلِكِ أَرْزَمَةِ الْجَدِّ الْأَسْنَى شَاهِدِ اسْرَارِ الْأَزَلِ  
تَرْجَمَانِ لِسَانِ الْقَدَمِ وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ وَالْحِلْمِ وَالْحِكْمِ مَظْهَرِ السُّبُوحِ الْخَلْقِيِّ  
وَالْكَلْبِيِّ وَانْسَانِ عَيْنِ الْوُجُودِ الْعُلُوهِيِّ وَالسُّفْطِيِّ رُوحِ جَسَدِ الْكَوْنِيِّ وَسِرِّجِيَّاتِ  
الدَّارِيَنِ الْمُتَحَقِّقِ بِأَعْلَى ذُنُوبِ الْعِبُودِيَّةِ وَالْمُتَخَلِّقِ بِاسْرَارِ الْمَقَامَاتِ الْأَصْطَفَائِيَّةِ  
سَيِّدِ الْأَشْرَافِ وَجَامِعِ الْأَوْصَافِ الْخَلِيلِ الْأَعْظَمِ وَالْحَبِيبِ الْأَكْرَمِ نَبِيِّكَ  
الْعَظِيمِ وَرَسُولِكَ الْكَرِيمِ وَالْمُهَادِي إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ سَيِّدِ نَاوِ  
مَوْلَانَا مُحَمَّدِ بْنِ الْحَمُودِ بِالْإِجْبَادِ وَالْوُجُودِ الْفَاتِحِ لِكُلِّ شَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ  
نُورِ كُلِّ شَيْءٍ وَمَهْدَاهُ وَسِرِّ كُلِّ سِرٍّ وَسَنَاهُ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَإِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَخَاتِمِ  
النَّبِيِّينَ وَحَبِيبِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَعَلَى إِلَهٍ وَأَخْيَارِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَسَلَّمَ  
سَلَامًا كَثِيرًا عَدَدَ خَلْقِكَ وَرِزْقِ عَرْشِكَ وَمَرْضَى قَفْنِكَ وَمِدَادِ كَلِمَاتِكَ كُلَّمَا

# این سکه مرعوب ختم نزاری خوانند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

السلام ای صاحب خلق عظیم

السلام ای سرور عالمی جنبل

السلام ای مُشکدای مرسدین

السلام ای پیشوای انبیاء

السلام ای پورده بستار هدی

السلام ای آنکه ابر رحمتی

السلام ای بحر علم من لدُن

السلام ای مشرق انوار غیب

السلام ای مطمع نور ضیاء

السلام ای خجسته ثانی السلام

السلام ای صیقل سرات دل

السلام ای روی تو بد رمسیر

السلام ای منبع جود و عطا

السلام ای قاب قوسینت مقام

السلام ای در کعبت دار امان

السلام ای معدن لطف عیم

السلام ای شافع یوم الحساب

السلام ای رحمة للعالمین

السلام ای پس روی تو ایو

السلام ای عیار فانرا مقتدا

السلام ای آنکه کان نعمتی

السلام ای مخزن اسرار کن

السلام ای ماخ ظلمای رب

السلام ای معدن علم و حیا

السلام ای عارضت ماه تمام

السلام ای کاشف هر غشغل

السلام ای بوی تو مشک عمیر

السلام ای نور خورشاه صفا

السلام ای انبیا کرده امام

السلام ای خاتمه پیغمبران

السلام ای ختمه آجیات  
 السلام ای نور نورش عینت  
 السلام ای کوخشان راویل  
 السلام ای صاحب خلق جیل  
 السلام ای یک از یک  
 السلام ای زردان درون  
 السلام ای سرور جهان  
 السلام ای پناه کمران  
 السلام ای ختمه امام معنی  
 السلام ای شمشیر برین  
 السلام ای تو غفلت را  
 السلام ای کز ظلمت زد  
 السلام ای چاره کاران  
 السلام ای شمشیر کاران  
 السلام ای ختمه نبی  
 السلام ای یک از یک  
 السلام ای معنی پاره  
 السلام ای فیض تو هر جا  
 بقیه

|                               |                             |
|-------------------------------|-----------------------------|
| السلام ای مایه هربینوا        | السلام ای دل و دماغ، انرد و |
| السلام ای صقل لئینا           | السلام ای جلوه کدر سینله    |
| السلام ای فکر تو در مان من    | السلام ای ذکر تو ایمان من   |
| السلام ای حب تو در دل لئینا   | السلام ای نام تو و مرد زبان |
| السلام ای معدن غویها          | السلام ای موصلا طویها       |
| السلام ای لبر دل ادکان        | السلام ای دست افتادگان      |
| السلام ای فیض حایریت          | السلام ای تاج عزت بر سرت    |
| السلام ای کار من از تو تمام   | السلام ای حل مشکل السلام    |
| لطف فرما بر کنه ما مبین       | السلام ای عند خواه مبین     |
| بر تو هم بر چار و ششم هشت چار | السلام ای بر رحمت فیض بار   |
| صد سوال از ما و از تو یکلیک   | صد سلام از تو یک علیک       |
| بر تو هم بر ال اصحایت تمام    | صد سلام از ما بجز صحتنا     |
| از لبت شیرین تو ای دل یک جویا | بر امید آنکه ای عالمیجا     |
| رنج ما در یاب زنبضتبان        | در دمنده ای طیب غیبان       |
| داروی در دلم هم تو دهی        | از علاج ما تو نیکو الهی     |
| شربت وصل تو ای دل لئینا       | هست داروی دل بیمارین        |

تغییه  
پس چنان کیسب و احوال  
بیشتر این کذا را در ادوات  
بین آن ماکار در پنج  
مکن ما را بحق نفی پنج

بسیار مدعی ما ندانم  
با در کف خاک بر سر کرده ام

بیجا که است و در من  
من تمام در دو عالم جویا

کلیط سوسنی غمخوار کن  
چاره کار من چسب پار کن

که چنانچه از دستم آرد  
تو که در غم من از حق آرد

روز و شب نشسته در دستم تا شفاعت خواه شمع یکدم  
تت بالخر

# تمه جاشیه صفحه ۱۳م

رجال نبوت  
و ایمان آورده بوسی  
صلی الله علیه و آله وسلم و در  
برایمان اگر چه در یک شیده باشد و در حدیث  
در سیده باشد و در حدیث بی بی باطنی چنانچه در حدیث  
صلی الله علیه و آله وسلم در بی بی باطنی صلوات الله  
و آله و سلم و گفته که وفات کریم صلی الله علیه و آله  
و آله و سلم یک کسب است چنانچه در حدیث  
مانده بود و فی المدائلی غم جمعیان  
حق است و بیجا گفت استمران صحاب  
و آن بضم نون و فتح جیم جمع خبیث  
قول البریه لفتح با و راجع است که  
فعلن بش از بیکری است که در  
و بر کردگان و خبیثان قول است  
بسیکاف جمع کیم ای صاجان است  
و بر کسی نزدیک و باطن بود و در حدیث  
قول فی الفرض نقیض است  
سرا و زین آوردن و کت در حدیث  
قول علی النبی صلی الله علیه و سلم  
بر کاف لفظی مطلق واقع شود و در حدیث  
مع الله علیه و آله و سلم آن نیز معنی و در حدیث  
بضم لام و فتح و کت و فیض و در حدیث  
درین کتاب یاد کردن فیض آن قول است که  
و کت ثواب خواننده آن قول است که  
در حدیث صحیح است که با آن معنی است  
کرد در در ۱۲

قول محمد و قد اسانید  
فائده اسانید جمع اسناد است  
و زده چندین اسناد با کسب حکایت طریق  
متن حدیث است بر وجهی که کیفیت آن  
روایت معلوم کرد و در حدیث آن ذکر مردم  
و اشخاص بود که در روایت کرده اند و سند  
بفتح تین رجال حدیث را گویند که روایت  
کرده اند و اسناد نیز معنی سند آمده  
در متن حدیث عبارت است از آنچه بعد  
تمام شدن اسناد مذکور میگرد و خواهد  
از حذف اسانید اینجا ترک ذکر خواهد بود و ترک  
ترک ذکر آنرا که انشا کرده اند یعنی در در ۱۲  
قول لیسهل حفظها یعنی تا که آسان شود  
یاد گرفتن در دو فضائل آن ۱۲ قول  
علی القادی بر خواننده آن تعلیمیه  
لیسهل لفتح باضم با فتح لام است و لام  
مکسوره بر دی برای میان علت اند چنین  
اسناد هات و ظاهرت که در ترک  
آن اختصار عبارت است و یاد گرفتن  
عبارت کونه و آسان است به نسبت  
عبارت در از ۱۲ قول همی من  
من اهم المهمات است  
اهم بفتح تین و تشدید هم مقصود نزد  
مهمات بضم اول کسر دوم و تشدید  
هم کارهای سخت و دشواری ضروری  
تمه جاشیه صفحه ۱۴م  
چهاردهم  
و مشوارق الانوار شوارق جمع  
شارق است بمعنی طلوع کننده  
و آن نیز عبارت است از مسلو  
این کتاب یعنی در دو کتاب این کتاب  
نور هات طلوع کننده از مشارق  
مواهب الهی و روشنیهاست بر  
براینده از افق مناقب رسالت پیام  
صلی الله علیه و آله و سلم

قول امیر السالمین  
فائده بدانکه است پیغمبر صلوات  
الله علیه و آله و سلم بر سر نبوت قول  
و نقل می و تقریر می و معنی تقریر است که  
شیخ محضد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم  
کاری کرد و یا شیخ جبرئیل گفت پیغمبر صلی  
بر آن مطلع شد و از آن منع کرد و تا معلوم  
و از آن تقریر است مستثنوی هر چه او  
گفت را از مطلق دان تا هر چه او کرده  
حق دان تا خاک او باشد پادشاهی کن  
آن او بشتن بر سر او که زشت است  
خاک نیست بر سر او  
خاک بر سر او  
تشمیه این کلام اخبار است از سوال تا  
فی تحقیق اثبات است و سوال و موافقت  
در زمره بحجاب و خلعت و جل محبت است  
و در حاصل با چون مراتب محبت است  
و آنچه حاصل است اثبات آن بشت است  
بسی سوال میکنند ثبات جبرئیل که از آن  
و اصل است و ظاهرت که محبت اخبار  
اساس دین است و سر با این بقی  
و شرف محبت رسول کریم صلی الله علیه و آله  
از احادیثی که در فضل آمده می آید معلوم  
خواهد شد ۱۲ قول و از اخبار الاخره  
یعنی هر امر که بیک دم غایت در آن  
بر سبب کان بوی سنوبت و است و در  
از قسوت قلوبت پس هر چه از او بدو  
و درین مورد میان شکر  
با در است

قوله وهو نعم المولى ونعم النصير رباعی از یاری خلق بگذرای مرد خدا یاری طلب ایچنان که  
 از روی وفا ی کار تو تواند که بسازد همه جسمه دست تو تواند که کبیره دهنه جا یعنی سینه کو یارست و بهتر  
 کارست و سینه کو یاری دهنه دست دوستان خود را که مؤمنانند بر دشمنان دین که کافرانند **تنبیه**  
 هر که بشناسد معنی این اسم شریف رایاری جوید از دشمنان نفس بد خو که سخت ترین دشمنی است  
 در میان دو پسرلو بیت مردی کمان مهر بز دست و پزدلی با نفس که جهاد کنی مرد کامله **حاشیه**  
**صفحه پانزدهم** **تنبیه** در ذکر وصف نبوت اشارتست بدانکه وی صلی الله علیه و آله وسلم در مرتبه  
 رسالت سزاوارترست باین تشریف زیرا که مرتبه رسالت فوق مرتبه نبوتست از برای شرط بودن کتاب  
 در رسالت ۱۲ **قول دوم** یعنی روایت کرده شد از ابوطی الفصاری که صحابی شهو است و نام او در مشهوره  
 در روایت این حدیث بصحیح مذکور است ۱۲ **قول چهارم** از اذات دیو یعنی از جرات عقده نزد باران خود ۱۲ **قول**  
**و البت** می بضم با و در آخر وی الف مقصوره و معنی آن در اصل خبر خوش رسانیدن است ۱۲ **قول پنجم** جبرئیل غایب  
 بفتح جیم در او که سینه و سکون یاد و کبریا که جیم و فتح جیم و سکون یا بلا نموده ۱۲ **قول ششم** خفایا لیسر گفت  
 جبرئیل بطریق پیام از پروردگار در بعضی لفظی مذکور است ۱۲ **قول هفتم** ما ترضه ایاراضه می شوی یعنی باید که  
 البتراضه بشوی **تنبیه حاشیه صفحه شانزدهم** **قول هشتم** **ادعی علی فانه** بدان که  
 ایمان بفرشتگان واجبست باینکه اجسام نورانی اند قادر بر شکل اشکال مختلفه و سبب آن خداوند بیفکر  
 نکته او را متصرفند باذن وی سبحانه و توصیف کرده نشوند بر وی و بزبان ۱۲ **قول نهم** فلیقل بضم یا و تشدید لام کسوره بعد از  
 قاف مفتوحه و بر همین وزن است فصلی که بعد ۱۲ **قول دهم** عندك لک یعنی نزد شنیدن این خبر و حصول علم  
 بدوام این فضل و نفع ۱۲ **قول یازدهم** **تنبیه** در تخیر امر خیر فی حقیقت ترخیص است بر آثار آن چهر که حاصل  
 ترک نمیکند آنرا تا ممکن است ۱۲ **قول چهاردهم** **المردسکون بین** و در بعضی نسخه بدل المرء المؤمن امد و عنده  
 فائده در عین عند کسره و فتحه و ضممه هر سه در لغت جایز آمده ۱۲ **قول پانزدهم** **ولا یصلی علی** **تنبیه** معنی آن آنکه آن  
 پیشترست که مال خود را با وجود میل و طبیعت از خود جدا نتواند کرد دل سخت و تمام در بطن کسی است که نامش برده شود  
 و محکم کس و غفلت یک کلمه در زبان نیارد و ادای حقوقش که نغمتهای دنیوی و اخروی که حاصلست بر او  
 من نیکند و ادای محبت است که جان فدای بکنند چای یک کلمه که بنام وی بر زبان آرند **بیت** مرچبا  
 ای پیکر شتاقان بده پیغام دوست یا تا کنم جان از سر غبت فدای نام دوست **قول شانزدهم**  
**تنبیه** هر که سینه و کسره مثله و اقل واحد و کثرت در بالا معلوم شده **تنبیه حاشیه صفحه هفدهم**  
**صلی الله علیه و آله وسلم** چنانچه در حدیث دیگر مذکور است ۱۲  
**قول** **مقام محمود** اصف مقام محمود بطریق مجازست یعنی در مقامی که ستوده شود صاحب  
 آن زبان همه کس آن مقام مقام قرب و شفاعتست **بیت** در مقامی که صدارت بزرگان بخشد  
 چشم دارم که بجباه از همه افزون باشی **قول** **الذی وعدت** یعنی در قرآن مجید بکلام تم خود گفته  
**عسی ان یبعثک ربک مقام محمود** **قول** **حلت لک شفاعتی** **یوم القیامت**  
 یعنی هر که این دعا را بعد از اذان و اقامت بخواند نشود آید بروی شفاعت من در روز قیامت یا آنکه لازم  
 و واجب میشود برای او شفاعت من **تنبیه** اگر چه همه امت کما به کار اندند برای مغفرت کنان  
 و سینه کاران برای ایشان درجات امیدوار شفاعت اند و لیکن صاحب این عمل را شفاعت لازم  
 باشد و شفاعت خاص در حقیقت بزرگ مخصوص بود و گفته اند که این بشارت کتابت از حسن عاقبت دوست بر ایانت

چه شفاعت مخصوص بر این است پس بشارت شفاعت مستلزم بشارت بایمان باشد **فائده** و معنی شفاعت  
 در خواستن عفو گناه از زود کسی که وی آن گناه کرده است آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم بر چند نوع بود یکی رالایق  
 بجالی اول شفاعت کبری است که عام بود همه حلالین را و مخصوص باشد باحضرت صلی الله علیه و آله وسلم  
 و بیسکس از انبیا علیهم الصلوٰه و السلام مجال حرمت بر آن نبود و آن برای راحت دادن و خلاص نمودن  
 بود از درازی مدت ایستادن در عرصت و تقییل حساب و بر آوردن از ان شدت و محنت و دیگر مشا و توحی صالح  
 برای دخیل ساختن وی بود در پشت بغير حساب یا برای تخفیف حساب و یا بر آریاده نمودن درجات و در حق عاقلی بر  
 نیات از دروغ و یا برای تقییل مدت بودی در ان و بر آس اهل دیند و زیارت کنندگان قبر شریف شفاعت بود و در جنت  
 و اختصاص ایجاب مراد حبس شفاعت **مطلب** غم نخورد آنکه شفیعش تو نیست یا بهی و هی مدت رفیعش تو نیست

حاصل ازین نیست نه طاعت مراد است امیکر شفاعت مراد **تممه حاشیه صفحه ۳۳۰**

**قول خدا** **فائده** بدانکه ظاهر این حدیث  
 و بعضی احادیث دیگر که در آخر مشکوٰه مذکور است دلالت دارند بر آنکه تو اینک بعد از صحابه رضی الله تعالی عنهم  
 نمی باید که مساوی باشد ایشان را در فضل با فضل بشارت ایشان با آنکه اجماع دارند بر آنکه صحابه افضل  
 است اند پس محل کرده اند این احادیث را بر اثبات جنتی از خیریت ولیکن فضل کلی که عبارت است  
 از کثرت ثواب نه امتیاز است بر صحابه را و باجماع سابقه شریف صحبت باحضرت صلی الله علیه و آله وسلم  
 حاصل نمودند و مشاهدۀ انوار جمال وی فیض یاب بوده اند و رسانیدند دعوت او بخلق و نصرت دادند  
 وی را صلی الله تعالی علیه و آله وسلم در تقویت دین بحق و لاحقان مشرف شدند بایمان بالغیب  
 و پاک شدند از شک و ریب و نکامه داشتند و تقییر نمودند شریعت از او حکم کردند ارکان طریقت  
 از او بلند کردند بر آرزو شایع کردند انیدند انوار از او ظاهر ساختند آثار از ابراس اشکال ماند  
 زیرا که مراد از خیریت باعتبار کیفیات مختلفت و بعضی ان اقوی است از بعضی تا آنکه فضل جزوی معارض  
 فضل کلی نمی شود پس فضل مرتمقم راستی و این تلیت برای متاخر و اشارت است بآنکه رحمت  
 حق تعالی واسع است **تممه حاشیه صفحه ۳۳۰**

بعضی گفته اند که چون تقیض کرده شود اسما آنحضرت **چهارم** **صلى الله عليه وآله وسلم**

از کتب متقدّمه قرآن و حدیث بسصد میرسد و چهار صد نیز آمده قاضی ابوبکر ابن اعرس بدانکه از عظام علی علیه السلام  
 گفته که بعضی صوفیه گفته اند که حق سبحانه و تعالی را بر ان نام است و حبیب و را نیز بر ان نام است مراد اوصاف  
 و از هر اسمی شتی است و سیوطی کتاب علیّه دارد و بر اسما شریف تالیف کرده و باجماع کثرت اسما دلالت  
 میکند بر عظمت مسی **فائده** حفاجی در شرح شفا آورده که نامهای آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم تو فیقی است  
 چنانچه اسما الیه بعضی موقوف به شنیدن است از شرع پس جایز نیست که نامیده شود او را علی الله علیه و آله وسلم  
 خبر نمانی که نامیده است او را حمد ای تعالی و نه او خود صلی الله علیه و آله وسلم و نه پدر او و نه جد او **تممه حاشیه**  
**فائده** آورده اند که نامهای مستهریف در آنجا است که حاصل می شود بذکر انها معرفه تمام باحضرت صلی الله علیه و آله وسلم  
 شتاختن اسما و صفات و محلوم ساختن بلند مرتبه و سنه لت وی زود حق سبحانه و تعالی و انجین معرفه

زیاده میکند و سستی آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و نکاه داشت تقظیم و وقار اثر او شوق میدهد بسیار  
 گفتن درود بر آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و نیز بسیاری ازین نامها درین کتاب بعد ازین در ضمن درودها  
 مذکور خواهد شد پس مقدم کرده شد در آنجا تا بوقت خواندن درودها اطلاع برین نامها حاصل گردد  
 و بعد ازین رتبه در شرح درودها معنی اکثر آنها شریف بر همین جا حواله خواهد نمود  
**قولی** می خواند یعنی آن نامها اینست که مذکور میشود ۱۲ **تتمه حاشیه صفحه سی و پنجم**  
**قولی** صراح **تثبیه** نیز در معنی این رتبه شریف آمده که

موسی کند خدای تعالی بسبب وی صلی الله علیه و آله و سلم کنایان است ۱۲ **قولی** حاشی  
 بردارنده مردگان را زکوة با و صبح کند آنرا در عصر **صحة** قیامت یعنی اول کسیکه بر آنکشته میشود از قبر  
 آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم باشد و دیگر آن جمع کرده شوند بسوی او و او سلطان آن روز بود تا که  
 او بر بخیزد و هیچ کس بر آنکشته نشود پس او سبب شد در بر آنکسین همه پس صحیح شد که او را حاکم  
 گویند بطریق مجاز ۱۲ **قولی** حاکم پس آئینده از همه انبیاء و نیت پس از وی هیچ پیغمبری  
 طه گفته اند معنی او یا جلست بزبان سریانی و گویند که بجهت یا انست مراد از ذات  
 اقدس آن حضرت است صلی الله علیه و آله و سلم و فرد کامل است از انسان یا اشارت است  
 بدو اسم آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم که طالب و هادی یعنی طالب است و هادی شریعت  
 یا ظاهر از ذنوب و هادی بمعرفت علام الغیوب باطهارت دل و دست از غیر حق سبحان  
 و هدایت او بقرب حق در حقایق سلمی آورده که طائش است بر آنکه طی کرده شد نقوش آن  
 از صفحه سندی صلی الله علیه و آله و سلم و معارضیت از آنکه هدایت یافت بقرب کون سندی در تبیان  
 نوید که قسمت بطینت پاک و همت عالی آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و در بعضی تفسیر آمده که طحجاب  
 جمل است و معانی پنجست **ع** و معنی چهارده باشد غالب آنست که ماه امرتبه بدرتیت در چهاردهم  
 حاصل شود پس در ضمن این خطاب مندرجست که ماه شب چهارده مراد از آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم  
 و بدرتیت بکمال اشارت جامعیت آنحضرت است صلی الله علیه و آله و سلم چنانچه پوشیده نیست بر عرفا  
 اهل باطن **مشهور** ماه چون کامل بود انور بود ثلثا زیرا که او سرات نور خود بود و بود

گاه ماه بدری گاهی شاه بدره صدر تو مشروح کار شرح بدرتیه در شب یکم و کفر ضلال لا

از همت روشن شد از نور جلال

## تمت حاشیه متعلقه صفحه پنجاه هفتم فولاد و سلمت سلیمان

فنا شده بیان کیفیت مسجد شریف در روضه منوره مطهره بر وجه اجمال آنست که چون پنجمین بار  
صلی الله علیه و آله و سلم بمیدین تشریف آورد و وحی آمد که مسجدی بساکن بی تکلف زمینیت دنیا  
از هفت کزینکن پس آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم از خشت خام بنا کرده و سقف آن از حسیه  
خرانوده دستونهای ی از چوبهای دی و طول از جهت مغرب و مشرق شصت و سه کز بود و از جهت  
جنوب و شمال پنجاه چهار کز بود و وقتبنا آن زمان جانب بیت المقدس بود تا شانه نژده یا هفده یا  
بعده وقتبنا بجانب کعبه شده که جهت جنوب است و باز بسال هفتم از هجرت بنا نمودند و  
و صد در صد ساخت و باز عمر رضی الله عنه در خلافت خود از جانب مغرب شمال هفتاد و تکلف  
در عمارت پس از آن عثمان رضی الله عنه از جانب مغرب و شمال و جنوب افزود و عمارت  
از سنگهای منقوشه و سقف از چوب سلج ساخت و در سال هشتاد و هشت ولید بن عبد الملک  
بن مروان حجرات این بنوی رضی الله عنه تم بعدی گرفته داخل مسجد نمود تا طول او دویست کز و عرض  
بیست و هشت و هفت کز شده و عمارت بسیار تکلف کرد و همه را با ب ز نقش نمود و علامت محراب اول  
او حادث نموده بعد در عهدی خلیفه عباسی از جانب شمال هفتاد و بنا ی حجره مبارک که در آن تئورتر  
تا زمان ولید از خشت خام بود پس از آن عمر بن عبد العزیز حکم ولید را ترا هم نموده بسنگها منقوشه  
بنا کرد و بر نظایر آن خطره دیگر بنا نمود و در یک جانب سقفی و در بقیه گذاشت لیکن هیچکدام از این هر دو در گذشت  
و بعد از آن تا امروز در آمدن منسوخ شده و بر همین خطره و خلاف مبارک می آویزند و در سال پانصد و پنجاه و هفت بعد از خواجه  
نقیب که از دینورانی بدبخت شده بود در حاشیه در حرم حجره تا آب رسانیده بروین که اخته پر کردند و در سال  
ششصد و هفتاد و هشت قبه خضر که بالای حجره شده ایست بلندتر از سقف مسجد باشد که نجاس باهتنام  
بعضی سلاطین بنا شده و این اشبا که بهر چهار جانب چهار در است و باب شرفی هر روز مفتوح میشود و در آن کجا  
و بنای مسجد شریف که الحال که سال کمینزار و یکصد و سی و سه است موجود است در سال هشتصد و هشتاد و هشت شده  
و آن بنای ملک قایم است که از ملوک مصر بوده فرزند سنک مرمود و بعد شرف در سال میان نهمین سلطان سلیمان

تمت جاشیه صفحه متعلقه ثقت و چهارم

قول فصل في كيفية الصلوة

این فصل ثابت است در بیان چگونگی درود بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم یعنی بکدام لفظ درود باید  
 پس آورده است مؤلف درین فصل درودها که بعضی از آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم بخوانند آن اسم نموده  
 و در حدیث شریف وارد شده و بعضی دیگر از انبیا صاحب کرم رضی الله عنهم و تابعین و صحابای  
 امت انشاء نموده اند و در روایت آمده که چون امر آنکه بفرستادن درود بر حضرت رسالت پناهی  
 صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد بعضی اصحابه التماس نمودند یا رسول الله بفرمانا چگونه  
 بر تو درود فرستیم پس پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم درود بایشان تعلیم نمود و بخوانند آن در تشهد نماز امر فرمودند  
 و آن بر چند وجوه است باختلاف روایات چنانچه پیشتر می آید پس کسی که میخواند آنرا پس درود فرستاده  
 یقین و سنا و ارشاد است بیشک برای ثوابی که آمده است در احادیث برای خواننده درود و شیعه  
 اختلاف کرده در آنکه خواننده درود خواننده راست یا خواننده شسته را یعنی کسی که بر او خواننده یا هر دو راست  
 و صحیح همین است زیرا که فائده که خواننده راست در فضل اول از احادیث معلوم شده و اما برای  
 آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم از برای آنکه درود از میان طلب رحمت و درخواست بزرگی و بزرگی  
 مرتبه است از خدای تعالی برای آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و اگر حق تعالی برای آنحضرت صلی الله علیه و آله  
 همه قربت بمطلب میان میا کرده است لیکن جایز است که چون یکی از است بروی درود و گوید  
 الله تعالی بسبب آن درود مرتبه وی بغیره آید زیرا که فضل و انعام آنکه نهایت نیت و آنحضرت صلی الله  
 علیه و آله و سلم در ترتیب در مراتب قرب از جهت عبودیت محتاج است بر رحمت حق سبحانه و تعالی  
 زیرا که رحمت ویرانگی

حدی و هفتای نیت  
 قول الله صلی علی **تمت جاشیه صفحه نو و هفتم مرتبه است في كيفية الصلوة**  
 بفتح جاف آمده روایت کرده است بیقی از دلائل که گفته ابو ذر غفاری رضی الله عنه که رسول الله  
 صلی الله علیه و آله و سلم در موضعی نشسته بود ابو بکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم خدمت وی بودند آنحضرت  
 هفت سنکریزه از زمین برداشت و در کف مبارک خود آورد و آن سنکریزه را تسبیح گفته یعنی سبحان الله  
 چنانچه ناله آنها مانند او از زبورش می رسید پس آنهارا بر زمین گذاشته تسبیح تسبیح شد بعد از آن  
 برداشت و در کف ابو بکر آورد و همچنان تسبیح گفتند و در کف عمر و عثمان در آورد و تسبیح گفتند و بروایتی

بروا تیه در دست مبارک علی کم الله وجهه نیز **باسمعی** یا رب بحق انکه تسر زود و نسیم شد تپه  
 تسبیح گفت در کف میمون او حصا : دلهای خسته را بکرم مهربی فرست : ای نام عظمی در کنجینه  
 شفا : **قول اللهم صل علی من تشفع الیه الطبی بافصح کلام فائده** در شفا  
 آورده که ام سلمه رضی الله عنهما روایت میکند که پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم در محراب میگذاشت آهوی بزبان  
 فصیح گفت یا رسول الله پس نزدیک و رفت منم بود حاجتی داری گفت آری شکار کرده است مرا  
 این اعرابی و درین کوه دو بچه دارم مرا بکش تا بروم و آنها را شیر دهم و به نزد تو باز آیم آن سه و صلی  
 علیه و آله وسلم آهوار را بکش و او اعرابے در خواب بود آهوار رفت و بچکان خود را شیر داد و باز گشت  
 آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم آنرا بگذرد پس اعرابی بیدار شد و دید آنحضرت را صلی الله علیه و آله وسلم  
 نزد خود گفت حاجتی داری منم بود این آهوار ازاد کن آنرا آهوار بکش و بگذاشت آهوی میدید  
 و میگفت استهدان لا اله الا الله و انك رسول الله و ملاحظی قاری در شرح مشکو  
 آورده که شاید آنموضع که مشهورست بمسجد خواله در وادی رواج دارد آن کوه بجانب دست چپ روند  
 از بدین منوره بگذرد سه کرده از بدین منوره است **۱۲ قول اللهم صل علی من کلم الضب**  
**فی مجلس مع اصحابا فائده** نقل کرده حدیث ضب را بیعتی و صاحب شفا که روزی اعرابی  
 سوماری شکار کرده بود و بجان خود می برد تا بریان کند و بخورد در اثنای راه جمعی دید پرسید که  
 این که ام کرده اند گفتند که محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم دعوی نبوت میکند و مردم بروی کرده اند  
 آن صیاد خود را نزدیک حضرت رسانید و گفت که سوگند بلات و غزی که من بتو ایمان نیارم تا وقتی که این  
 بتو ایمان آورد آن سومار را از استئین خود بر آورد پیش آنحضرت انداخت آنحضرت منم بود ای ضب  
 گفت لبیک و سعید عینی ایستاده ام بفرمان بردارئی تو منم بود کرامی پرستی گفت خدای را که  
 در آسمان عرضش اوست و در زمین غلبه و سلطان اوست و در بهشت رحمت اوست و در دوزخ عذاب اوست  
 فرمود من کیستم سومار گفت تو رسول پروردگار عالمیان و خاتم پیغمبران هستی استکباری یا بهر که تقیوت  
 نماید دنیا را که در دهر که ترا دروغش کوی گرداند و اینهمه سخنان بزبان عربی جان میگفت که همه حاضران فهم کردند  
 پس چون این سخنان از زبان سومار شنیدند متحیر شدند با آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم ایمان دادند و گفتند که شهادت خوانند  
**تمتة حاشیة صفحہ نو و هشت قول اللهم صل علی من انشق لقره فائده**  
 مشرکان گفته اند که محمد صلی الله علیه و آله وسلم چشم ما را بسجسته کرده و ما را در پارچه بمانند و ما سفران که از راهها  
 آمده بودند از آنها صورت انجبال پسیدند همه جواب دادند که فلان شب ما را در نیمه دیدیم با وجود این نگریدند

و گفته که جادوی او نهایت قوی است **بیت** مه شکافه مصطفی در نیم شب : ترا از میخا یزد کینه  
 بولمب : **۱۲** قول الله **عالم الطیب** یعنی درود و بفرست بر پاک و نیکو و مطهر و خوشبوی و میان این  
 در اسما شریف که نشت **۱۲** قول الله **عالم الطیب** بفتح یا شده پاک و پاکیزه کرده شده از هر چه که منسب و ناید  
 عقل و شش **۱۲** از اسپند نماید **۱۲** قول الله **عالم الطیب** یعنی بدین صبح که تاریکی شب زائل گردد  
 همچنان آمدن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم ظلمت کفر و جهالت محو و نابود شد **۱۲** قول الله **عالم الطیب**  
 یعنی چنانچه هر و ان سبب بروشنی ستاره تابان بمقصود راه یا بنده همچنان بمنابعت آنحضرت صلی الله علیه و آله

سالکان راه دین بمنزل عرفان و یقین رسیده اند **بیت** اختر برج شرف کائنات : کوه هر دو ج  
 صدف حکمت : **قول** **العرواح الوثقی** معنی این در اسما شریف که نشته **بیت** دین شرف

اند **عقل** حکم اس : ملتش را عروة الوثقی شناس : هر که شد در دین خیر المرسلین : زرد یعنی چنگ  
 در جبل المتین **تمت حاشیه صفحہ یکصد و یازده**

تاریخ و دیو یلقا  
 شسته شدی : دانند آنکس ز عقل دارد بجز : که شور را چو جا شو دیکشته : سلک جمعیت از نظام افتد :  
 رخنه در کا ر خاص عام افتد : و دیگر توحید جالیست و انیمیر بسته عالیست و انیمیر تبه فاست و دیگر تبه  
 موحس وجود و نابد و خود در بحر مشاهده و احد چنان غرق نماید که جز از جلوه ذات و صفاتش نظر شهود او  
 نیاید بس هر که محسور باین شراب طهورست بقدر مرتبه خود لذت یابست **ربا** سخی خواهی که ز توحید  
 دلت کرد و شادان باید که شوی ز بند هستی آزاد : هر چند که حجاب آشنایی در یابست : تا مجون شد  
 کرده ز کارش نختاد : **دستیمه** در نفحات مذکورست که استخراق آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در حالت  
 فنا تو تیر از همه انبیا و اولیا بوده از نجیب است که حق تعالی فضل او را بخود نسبت کرده گفت که ما **رئیت**  
**اذا رئیت** و لکن **اندر** می آن مشت خاک بر روی دشمن تو نمیداخته بلکه خدا انداخته و هم از آن جنس فضل  
 داؤد علیه السلام آمده **نمود** قتل داود جلالت **مشهور** ما ریت اذ ریت گفت حق : کار  
 حق بر کار با دارد سبق : که پر ایسم تیر آن فی زمانت : با کمان تیر اندازش خداست : تا نشد مغلوب

کسر این سر نیافت : که تو خواهی از طرف بایستافت : **قوله** انسان عین الوجود  
 مردمک چشم وجود عالم یعنی چنانچه روشنی و خوبه چشم مردمک است و بی آن تن آدمی مانند دیو است  
 همچنان حسن و جمال عالم بذات سید البرارست علیه افضل الصلوة و اجمعها علی آله و صحابه الابرار  
**منظم** محمد کیت جانز اقره العین : کمان ابروی زرم قاب توین : دو چشم روشن ارباب مینش :  
 کلستان سرای آفرینش :

## تمت حاشیه صفحه یکصد و چهل و یک

بنامک بن نصر بفتح نون و لقب او قریش است و آن نام کا دست که در دریا باشد بسیار بزرگ است و باوشت  
بن کنانه بکسر کاف بن خزیمه بضم خا و فتح یا منقو ط بن مدر که بضم میم و کسر را بن الیاس بن مضر بضم میم و فتح  
منقو ط بن زکبیر بن بن معد بفتح میم و عین و تشدید دال بن عدنان بفتح عین تا نجیب همه اسل تواریخ  
از تافت و بعد از وی تا آدم اختلاف بسیار است اما گفته اند که بعد از عدنان سکوت بهتر است و بعضی میان  
عدنان و اسماعیل چهار عدد شمار کرده و بعضی زیاد نموده اند تا بحدی که بمحل عدد رسیده اما التافت همه را اسمعیل  
و زکبیر و فوج و ادرس و شیت عییم صلوة و اسلام از اجداد آنحضرت اند صلی الله علیه و اله و سلم اول قوی  
من الخلف یعنی از خلفه که واقع بود در میان مردمان از بر اختیار کردن آنها دنیهای مختلفه را ۱۲

## تمت حاشیه صفحه یکصد و چهل و دو

گفت یا رسول الله من زه سینه که در جمالت می نکرم آنرا نزد حساب زندگانی نمی شمردم و حال در اندیشه آنم که چون یک  
اجل در رسد و جدا شوی تو در میان آید چه چاره سازم و سخت تر محنتی آنکه اگر در آن جهان از اهل و خویش باشی  
ترا کی پیسیم و اگر بهیشت روم در آنجا که در بجه تو بلند است چگونه رسم بعیت از هر که غمی نیست از آن می  
ترسم بی کز پرتو دیدار تو نام دوری حق تعالی شکسته دلان فراق را بشود و وصل شادمانی بخشیده آیت و ستاره  
و من نطق الله و الرسول و هر که فرمان برود خدا را و رسول و را فاء لکن مع الکریم انعم الله علیه من انکره  
فرمان برداران باشند در آن روز با آنکسانی که انعام کرده است خدا را بر ایشان بعد بیان کرد ایش ترا  
بقول خود من انبیتین الی اخر الایة و حلاله آیت التت که هر که امر و زکسی را دوست دارد فردا با او خواهد بود  
چنانکه در حدیث آمده است انکره من اجب هر مرد با کسی است که او را دوست دارد بعیت با سچو بیست و ستی  
کل کزین : تا شوی جسم من کل هم چنین : الحمد لله رب العالمین ستایش شاید و شنائی که  
عقل از آن عاجز آید ثابت است خدای را که پروردگار علیانت و آفریدگار جهانت بیت و صف حق حق  
بخود تو اندک گفت : این که را خردند اندک گفت : ابتدا نینده اول تمام شد این ابتدا نینده دومی است از کیفیت صلوة ۱۲

تمت حاشیه صفحه یکصد و نود و سه  
آنرا با مرفوع بر او درند و باز کردند که در ماه رجب بر آمد  
فزعون را محبت به پدید شد و او را بفرزندگی گرفت موسی علیه السلام شیرستان هیچ کی دایه قبول نیکو دتا آنکه مادر و پرا  
بشیر دادن وی دایه گرفتند و موسی را در کنه روی نهادند ۱۲ قولی یا فانی الخضره فی عمله دایه افزاینده خضره را

در علم و دانش وی چنانچه در قرآن مجید در سوره کف کمال علم وی و صحبت و آشنی موسی علیه السلام با وی تا چنانچه  
از وی بیاموزند کورت فاعده خضر کبریا سکون ضاد و نیز بفتح خا و کسر ضاد و سکون آن کینت  
او ابو العباس خضر لقب دست زیرا که چون او بزین خشک نشستی سبب شدی و گفته اند که وی پیش از آنکه  
علیه السلام بود بعضی گویند بعد از وی باندگ زنی یا بسیار و نیز اختلاف است علماء که وی نبی بود یا ولی بسیاری  
از علماء صوفیه بر آنند که وی زنده است و موجود است در میان ولیکن پوشیده است از چشم میان زنده  
می ماند تا روز قیامت از برای خوردن وی آب حیات را وی بنید او را بعضی از صلواتی و با وی ملاقات  
می کنند ۱۲ قول را من و هب لدا و سلیمان یعنی ای داده عطا فرموده مرد او را پس از آن  
قولی و لکر کویحی یعنی بخشیده مرز کویا را یعنی از زن وی ایشاع خواهر مریم در بیضا و طی و ده  
عمر زکریا نود و نه سال بود و عمر زن وی نود و هشت سال بود ۱۳ قولی و لکر عیسی و محمد مریم را

### عیسی با پدر تمتر حاشیه صفحه دو صد و بیست و هفت

قولی و لکر لاسیل فاده چون بعضی صفات صورت زیبایی آن دلبر معنای آن را بخانه کر کردید و کرامت  
حلیه جمیده درین مقام مناسب و طایم دیده تا زبان خوانندگان را لذتی حاصل آید و کوشش شونده کان  
فرحتی بیفزاید **تثبیه** اصل حدیث و سیر صورت مبارک آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم چنین بیان نموده  
همه اعضای مبارکش بر حد اعتدال بود و مدت همایون میانه بود نه دراز و نه کوتاه و نه بسیار فر به و نه بسیار لاغر  
و گوشت بدن مبارک بر بسته بود نه است و نه و با هر لبندت دیگر رفتی و یا شستی از روی محرمه از او بلند تر بود  
در مبارک بزرگ بود اما نه بسیار رموی و بلویش سیاه بود لیکن خم و بیج در آن بسیار بنود مثل موی حیثی است و نه  
بسیار نرم و فرو هشته بود بلکه میانه این دو صفت بود و کاهی بنصف کوش و کاهی نمره کوش و کاهی بپوش  
میرسید و جبین منور کش ده و فرخ بود و او ابروان باریک و دراز کشیده همچون کمان بود و چشم پیوسته بود  
و میان دو ابرو رکه بود که وقت غضب ظاهر شدی و چنان مبارک منور کش و گشته بود و سیاه بی آن  
بسیار سیاه و سفیدی آن سخت سفید و میان آن رگهای سخی می نمود و مژگان مبارک دراز و بسیار  
سوی بود و رخساره زیبا هموار بود و بینی شه لیف اندکی بلند بود و مرآت نوری بود که درش بر آمده و درین مبارک  
کشاده بود و بغایت طبع و دندان گوهر فشان سفید و بران و تیز و باریک و میان دندانها کشاده و وقت تکلم گویا  
نوری اذان بر می آمد و روی مبارک گرد بود و چون شب چهاردهم می رخشید و رنگ و روی مبارک سخت  
سفید نبود و نه سخت کسندم کون بلکه اندکی سخی آتیز بود و در رنگ بدن مبارک سفید و نورانی بود و در پیشهاک  
انوه و درازای یک مشت بود و در موها سیاه که میان چشم و گوش اند چند موی سفید ظاهر شد و در مجموع

موی سفید در دو در ریش مبارک متزیب بر بست بود و گردن مبارک بلند و در نهایت صنعا بود و میان دو شان  
از یکدیگر دور بود و سینه بی کینه پهن و شکم پهنه با هم یکسان و پهلو او در میان دو شان مهر نبوت بود و مانند  
بیضه گویو تر و روشن و تابان و از سینه تا ناف خطی باریک بود و از موی کشیده و با تفس شکم و سینه بی موی  
و بازو و دست مبارک موی دارد و استخوان اعضای مبارک بزرگ و سبب دست دراز و کف دست کشیده  
و نرم تر از صحرای و ساق پای اندک باریک و انگشتان دست و پای درشت و دراز و پاشنه کم گوشت  
و کف دست و پای پر گوشت و زیر پا برداشته از زمین و پشت و پای هموار و نرم و حاصل سخن آنکه همه اعضا  
شریف و سپیکر لطیف در نهایت خوبی و زیبایی در امتداد بود و وی را اصلی الله علیه و آله و سلم  
در حسن جمال شریک و همتا نبود هبت جامعی همه اسباب جمال است رخ خوب تر از همه بود  
کمال است کمالا یعنی ۱۲ قول صاحب جبریل یعنی یار و صحبت دارنده جبرئیل علیه السلام که دست  
بست و سه سال بر آنحضرت فرود آمده و سه او در دو کوسین دست و چهار هزار بار نزد آنحضرت صلوات علیه السلام  
آمده باین عهد و نذر هیچ پیغمبری نیامده ۱۲ قول غایترا لعمریه تمام ابر است مقصود از ان بار است  
بس غایت تمام باران و آنحضرت صلوات علیه و آله و سلم مثل بار است زیرا که از باران زمین مرده زنده میشود  
پرستن گشت زار و درختان سیه و دار و آنحضرت زنده شدند و لغای ابر استن کلزار معارف  
و اسرار پر دو کار ۱۲ **تمت حاشیه صفحه دو صد و سه**

قول توبه بالصدق و قیقه کونید معنی توبه بازگشتن است از معصیت بسوی اطاعت و از غفلت بسوی  
حضرت و از اسباب دوری بطریق قرب و حضوری و کونید توبه را شش طسنت اول پشیمانی بر آنچه که  
در زمان گذشته گناهی صادر شده یا در طاعتی تقصیر فرستد و دوم ثابت بودن در زمان حال بر  
حالتی که خداوند تعالی و پیغمبر او بدان امر منموده سوم قصد دل بر آنکه در زمان آینده بر سر کار  
خلاف شرع بود نیاید و نیزه کونید که توبه عوام از ذنوب است و توبه خواص از غفلت قلوب است  
و توبه انحصار خواص از هر چه غیر محبوب است **مطلب** توبه چه باشد پشیمان آمدن بر در حق توبه  
آمدن بر خدمتی از سر گرفتن بانیاز بر با حقیقت روی کردن از مجاز پشیمانی گفت پیری کاندین رویش است  
توبه کن از هر چه آن غیر خداست بر مرکب طاعت عجایب مرکب است بر فلک تاز و بیک لحظه زپست  
قول که ما یبغی ان تعرف بالعلوم شد که شناخت کینه ذات حق تعالی محال است مگر آنکه

مگر آنکه شناخته شود بصفت کمال بپیت ز حد لامکان تا خاک نمناک : همه سه در نقایه ما غرناک :  
 و از سخنان ابو بکر صدیق است رضی الله عنه آفران بجز از ادراک بت بسننات مقدس از شناخت  
 شناسندگان پاکست نظم از همه توچه گویمت که همگان سمنه بی : هم نم بیان سمنه بی  
 هم ز نشان منزه بی : قوت فکر و مبدوموی بموی ز دستم : یکسر موی پیش کم از تو نیافت که  
 بس بپت در ذات مقدس او در شمع نار و است و آنچه اهل حق در معرفت وی گفته اند لایق و سزاست  
 نظم هر که عقل خورده بین باشد : پیش می این سخن قیسین باشد : کاسمان وزین و سمنه بی درو :  
 باشد از جسم و جان که گفته چو نوبه نیت او از صفاتی چاره : که بود فیض بخش همواره : بی خانه بی صنع خا  
 ساز که دید : نقش بی صنع خانه زن که شنید : هر چه آورد سوی هستی بی : یا فتمه سستی بقا از وی :  
 ز عرض ذات او دنی جوهره : هر چه بنگه خیال ازان برتر : اول او بود و کائنات نبود : یا فتمه ز کجمله  
 کائنات وجود : آخر او ماند و نماند کس : که او را جز او نداند کس : از همه در صفات ذات حندانی  
 لیس شئه کمه که اید : بصفت کمال موصوفت : پی پیخوت حبلال معرفت : بی متفهم  
 بعد از دعا و درود آورده و نام برد و جانب وی در و در و اول تو شود و در و در میان در و در باشد مستجابست  
 چنانچه در فصل اول بیان آن گذشته پس گفت **عَلَى اللَّهِ عَسَى أَنْ يَسُدَّ لَنَا** و بعضی نسخ  
 بعد این بیتنا و مولیانیز آمده **قَوْلُهُمَا الْمَسْلُومِينَ** یعنی پیشه ای غیر اهل کتاب در مرتب  
 قرب بحضرت رب الارباب **نظم** خدا بر سروران سرور ایشان : از خلیل انبیا سالار ایشان  
 داد : چو آدم در ره بستی قدم زد : ز مهر روی صبح آرایش دم زد : ز جودش که گشتی راه مفتوح :  
 بزودی ره بچو دی گشته نوح : خلیل از وی نیسی یافت کاشش : بروشد چون گلستان خرم خوش :  
 کلیم از شعل و شعله جوی : صبح از مقدم او فزوده کوی : بمصر جا بهش از گفان رسیده : غلامی بود  
 یوسف ز حسنه دیده : در آن داد یک صلح نامه گش بود : بیاد محاش نامه خوش بود : **قَوْلُهُمَا** سلمنا  
 این آخر کتابست و در اکثر نسخه معتبره بعد ازین زیاده نموده **قَوْلُهُمَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** و در بعضی  
 نسخه بعد ازین افزوده **وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَرِضْوَانُهُ الْكَافِلُ** یعنی وان خدای بسنده ست ما یا زادر کفایت  
 و همت و سینه که کار گذاریست برای حل مشکلات **بیت** کار خود را بسند باد که از به گزینیم ازین  
**ممت تسوید کتابت دلائل الخیرات مع شرحها منزه الحسانت** **نظم**  
 ۱۲۱۱ هزاره صد و دوازده از ضعیف محمدی **نظم** این سخن برده صوفیترین تلمیذ ملا عبدالمجید کجاری ملقب است **نظم**  
 الحمد لله اولاد و خرا

# خاتمه تراجم

حامد و مصلیا و مسلما که بنده کمترین امیدوار از فضل رب العالمین محمد عمر خوارج  
 و محمد ذاکر خواجهر ولد ی محمد خواجها ایشان مرحومی و مغفوری تا شکنجی تو هست  
 ابتغاء لرضات الله و راجیا لشاقره رسول الله متفقی را که بوسیله آن همه مسلمانان  
 حصول نفع و مطلوب بدست آید و باعث سعادت کونین باخوان دین یادگاری  
 بعد از ملاحظه و مراقبه در آنکه عقل بشر است داد که افضل عبادت بقریب جیب لوجود کامل  
 و سینه بجا ب رسول می و در و در سال در دست بر آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و کتب  
 معدن الصلوة و دلائل الخیرات را مع شرح آن غرض الحثات که جناب فصالحا کلمات  
 اکتساب نفع فضل کریم قاضی محمد ابراهیم او غلام الله تعالی فی جنه النعیم زمانه ۱۲۸۶ هجری  
 بزیارت حرمین شریفین زادگاه الله تعالی و مکر یا مشرف شده بهنگام مجاورت بدین منوره  
 بخدمت آفتاب سپهر هدایت و ماهتاب مرشد قریب سعادت مصدر سنات و منبع برکت  
 حضرت محمد رضوان علیه الرحمة و الفرحان که در مسجد نبوی مقابل روضه مطهره آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم  
 نشسته بارشاد و تعلیم دلائل الخیرات مشغول بودند در آن هنگام جناب ضابط دلائل الخیرات را که رسیده  
 بشرف اجازت دستنذار شد مشرف شدند و تیر التفات نموده و فرموده اند باین نحو تبرکه  
 طبع نموده شود بسیار خوب و بهتر باشد چون بحسب الامر و الاشارة جناب مشار الیه نیز در  
 هزار و دو صد و هشتاد و نه بطبعش فرود آید یا در ششمش موسوم ساخته باطراف آنکاف استخاریا  
 مقبول جهانیان گردیده چنانکه بعضی فضلائی اند یا رسالت تاریخ طبع آنرا چون در شاهوار در سلک نظم کشیده  
 حامی دین قاضی ابراهیم یا قاضی بدعت و محب عمیم رفت چون مکه و مدینه به هرج و مرج رضای خیر امم خواند  
 از شیخ این دلائل نیز تا کمال و تقم را تمیز یعنی شیخ اله لائل معروف به مرج مستند الوفا و الف  
 لغت تاریخ قاری قرآن الیک یا تعیبه شود ایمان به سر بانی گرفته شده بهیهات به طبع کرده است معدن الصلوة  
 بنام علیه انفقیر بحسب طبع این دلائل خیرات جدم نمود در رعایت اهتمام به تصحیح آن سعی کرده و با نسخه مذکور  
 مقبوله معتبره بکمال وقت مقابله ساخته تا خوانندگان و وظیفه نمایندگان کینه مهمتم را در جناب صبح را  
 و کتاب را بکمالی حسن فائده یاد فرمایند ان الله لا یضیع اجر المحسنین الحمد لله علی تمامه اولوا و آخر  
 واقع گردید طبع این دلائل الخیرات در ولایت تاشکند در مطبع کین اسک در تاریخ ۱۳۱۲ هجری



